



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الحق
علیه
صلاوة
وسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

محقق و لائے



شرح حال و شخصیت علمی و معنوی

آیت اللہ آقای حاج سید علی موحد ابطحی

به قلم : نویسنده نامدار و لائے آقای شیخ محمد امیری سوادکوهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

محقق ولائی شرح حال و شخصیت علمی و معنوی ، آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی اصفهانی رحمة الله علیه

نویسنده:

محمد امیری سوادکوهی

ناشر چاپی:

محب العترة الطاهره

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
محقق ولایتی شرح حال و شخصیت علمی و معنوی ، آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی اصفهانی رحمه الله علیه	۱۶
مشخصات کتاب	۱۶
اشاره	۱۶
اهداء :	۱۸
فهرست	۲۰
پیش گفتار	۴۳
فصل اول : شجره طیبه (سیری در شجره طیبه خاندان علمی موحد ابطحی)	۴۷
اشاره	۴۷
طلوع	۴۸
پدر	۴۹
عالمی زاهد و صالح	۵۱
در وادی علم و عمل	۵۲
حرکت بزرگ علمی و تربیت فرزندان	۵۲
طبیعی حاذق	۵۴
ارتباطاتی مستمر و افاضاتی مستدام	۵۵
غروب غمبار	۵۵
مادر	۵۶
فداکاری و ایثارگری های مادر	۵۶
فی رثاء و تاریخ وفاة العلویة المرحومة منصوره الابطحیة ام السادة الابطحیین	۵۸
ثمره شجره طیبه موحد ابطحی	۵۸
نسل کوثری	۵۹
اشاره	۵۹
۱. مرحوم حاج سید محمّد باقر موحد ابطحی قدس سره	۶۰
۲. مرحوم حاج سید محمّد علی موحد ابطحی قدس سره	۶۰
۳. حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره	۶۰
۴. حاج سید محمّد رضا موحد ابطحی دام ظلّه	۶۰

۵. حاج سید حجت موحد ابطحی دام ظلله ۶۱
۶. مرحوم حاج سید حسن موحد ابطحی قدس سره ۶۱
۷. حاج سید حسین موحد ابطحی دام ظلله ۶۱
- مخدرات بیت النور موحد ابطحی ۶۲
- شجره نامه خاندان بزرگ موحد ابطحی ۶۳
- مرحوم صاحب مکیال المکارم، جدّ مادری ۶۳
- مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم عج الله تعالی فرجه الشریف ۶۴
- خاندانی با ریشۀ خوب ، پاک و عمیق ۶۵
- فصل دوم : در وادی علم و فقاہت ۶۷
- (از آغاز تحصیل علوم دینی تا درخشش در آسمان تشیع) ۶۷
- چهل روضۀ حضرت علی اصغر علیه السلام ۶۹
- قدم در وادی نور ۷۰
- لباس سربازی امام زمان ارواحنا فداه ۷۰
- آغاز حرکت علمی از حوزه علمیه اصفهان ۷۱
- اساتید ۷۲
- آیة الله علامه میرزا محمد طیب زاده قدس سره ۷۲
- آیة الله حاج شیخ محمدحسن نجف آبادی قدس سره ۷۲
- خاطره ای از استاد ۷۳
- آیة الله آقای حاج شیخ مجد الدین (مجد العلماء) نجفی قدس سره ۷۴
- خاطره ای به نقل از استاد (آیة الله مجد العلماء قدس سره) ۷۵
- هجرت علمی به شهر مقدس قم ۷۵
- قدم های استوار آقا سید علی ۷۷
- در محضر اساتید ۷۸
- دروس خارج ۷۸
- زحمت و تلاش در تحصیل و ترویج ۷۹
- مستشکل دروس اعظام حوزه قم، اصفهان، نجف اشرف ۷۹
- عنایت ویژه آیة الله العظمی گلپایگانی قدس سره به آیة الله سید علی موحد ابطحی قدس سره ۸۰
- مستشکل درس خارج فقه مرحوم آیة الله العظمی بهبهانی ۸۰
- در مسیر علم و کمال ۸۱

۸۱	تقریرات دروس خارج فقه
۸۳	اجازه اجتهاد مطلق
۸۳	تتبع عمیق در دروس
۸۴	عضو هیئت استفتای برخی مراجع عظام
۸۴	ارزش نوکری و منبر
۸۵	هم بحث با فضلالی اهل دقت
۸۵	تابستان و شرکت در دروس اعظم اصفهان
۸۵	جامع منقول و معقول
۸۵	عنایت ویژه علامه طباطبایی به آیه الله ابطحی
۸۶	معالجه علامه طباطبایی توسط والد معظم سید علی آقا
۸۷	بر منبر تفسیر
۸۷	جلسات تفسیر قرآن آیت الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره
۸۸	بر مسند علم طب
۸۹	تدریس طب در قم ، اصفهان ، مازندران و ...
۹۰	حکیم والامقام در اقلید امام زمان ارواحنا فدا
۹۰	طبابت حکیم حاذق
۹۳	فصل سوّم : بر مسند تحقیق و تألیف (سیری در افکار و آثار علمی آیه الله سید علی موحد ابطحی)
۹۳	اشاره
۹۴	گذری بر دغدغه های دینی و اندیشه های ولایی آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره
۹۴	دفاع از تقلین
۹۵	نگران از فاجعه ورود افراد غیر متخصص در حوزه دین
۹۶	غیور در امر ولایت
۹۷	تبعات اذان منهای ولایت
۹۸	احکام الهی محدودیت نیست !
۹۹	داغ غربت امام زمان بر دل
۹۹	سرباز همیشه آماده
۱۰۰	مقابله با روشن فکر نماها
۱۰۲	غربت اسلام و حکمت
۱۰۲	سیری در آثار و تألیفات آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره

- ۱۰۲----- وادی تألیف
- ۱۰۳----- آثار و تالیفات آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره
- ۱۰۴----- کتاب آیه التّطهیر فی احادیث الفریقین
- ۱۰۵----- تقریظ آیه الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره بر کتاب آیه التّطهیر
- ۱۰۶----- ترجمه بخشی از تقریظ آیه الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره
- ۱۰۷----- تقریظ آیه الله حاج شیخ سلمان خاقانی درباره کتاب «آیه التّطهیر فی احادیث الفریقین»
- ۱۰۸----- ترجمه تقریظ آیه الله خاقانی بر کتاب آیه التّطهیر فی احادیث الفریقین
- ۱۰۸----- اعجاب و تحیر علما از تألیف آیه التّطهیر فی احادیث الفریقین
- ۱۰۹----- الامام الحسین علیه السلام فی احادیث الفریقین من قبل الولادة الی بعد الشهاده
- ۱۱۰----- تقریظ آیه الله شیخ عبدالمحسن الخاقانی درباره کتاب «الامام الحسین علیه السلام فی احادیث الفریقین»
- ۱۱۱----- ترجمه تقریظ آیه الله شیخ عبدالمحسن الخاقانی درباره کتاب «الامام الحسین علیه السلام فی احادیث الفریقین»
- ۱۱۲----- بشارتی درباره کتاب الامام الحسین علیه السلام فی احادیث الفریقین
- ۱۱۲----- الشیعه فی احادیث الفریقین
- ۱۱۳----- خواب عجیب راجع به الشیعه فی احادیث الفریقین
- ۱۱۳----- کتاب حضرت ابوالفضل علیه السلام مظهر کمالات و کرامات
- ۱۱۵----- در جستجوی منتسبان به حضرت ابوالفضل علیه السلام و ارادت به حضرت ام البنین علیها السلام
- ۱۱۶----- توسل مجرب و ختم صلوات حضرت ام البنین علیها السلام
- ۱۱۷----- عباس علیه السلام کاشف الكرب
- ۱۱۸----- کتاب حدیث کساء و آثار شگفت
- ۱۱۸----- تلاش مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی برای احیاء حدیث کساء
- ۱۱۹----- لحظات آخر چاپ کتاب حدیث کساء و آثار شگفت
- ۱۲۱----- کتاب غدیر و چشمه های جوشان ولایت
- ۱۲۱----- اشاره
- ۱۲۱----- هدف از نگارش کتاب غدیر و چشمه های جوشان ولایت
- ۱۲۲----- تکمیل الغدیر
- ۱۲۲----- فصل دوم کتاب غدیر و چشمه های جوشان ولایت و انگیزه نگارش آن
- ۱۲۲----- اشاره
- ۱۲۳----- خواب شگفت راجع به کتاب غدیر و چشمه های جوشان ولایت
- ۱۲۳----- جلوه های تشییع در مازندران از آغاز تا دهه غدیر

- ۱۲۵----- کتاب زیارت عاشورا و آثار شگفت
- ۱۲۵----- انگیزه نگارش کتاب زیارت عاشورا و آثار شگفت
- ۱۲۸----- کرامتی در زمان تألیف
- ۱۲۹----- خورشید خرابه شام ، حضرت رقیه علیها السلام
- ۱۳۱----- شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشر
- ۱۳۲----- کتاب دو راه پرواز و سقوط
- ۱۳۳----- تألیف و تصحیح کتاب های طبی
- ۱۳۵----- تصحیح کتب طبی
- ۱۳۶----- همکاری های علمی
- ۱۳۷----- دیگر آثار آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره
- ۱۳۷----- مقدمه آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره بر کتاب شرح زیارت جامعه کبیره (اثری منتشر نشده)
- ۱۳۹----- فصل چهارم : بر ستیغ تبلیغ و پشتیبانی از شعائر
- ۱۳۹----- (سیره عملی و تبلیغی آیه الله موحد ابطحی در پشتیبانی از شعائر اهل بیت علیهم السلام)
- ۱۴۰----- پشتیبان شعائرالله
- ۱۴۱----- توصیه آیه الله العظمی حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی قدس سره نسبت به قدردانی مردم از آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره
- ۱۴۲----- توصیه آیه الله العظمی صافی گلپایگانی قدس سره به بهره مندی مردم از آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره
- ۱۴۲----- نامه آیه الله العظمی حاج سید محمّد باقر موحد ابطحی به آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره
- ۱۴۳----- مشی نبوی در تبلیغ
- ۱۴۴----- مقابله با بهائیت
- ۱۴۴----- پشتیبان مجالس اهل بیت علیهم السلام
- ۱۴۵----- برپا نگه داشتن جلسات روضه قدیمی
- ۱۴۵----- ۵۰ سال تبلیغ در اقلید امام عج الله تعالی فرجه الشریف
- ۱۴۶----- مبلّغ و مدیر
- ۱۴۷----- مرسوم نمودن سمنو پزان
- ۱۴۸----- چاووشی خوانی
- ۱۴۹----- کلاس قرآن و حدیث
- ۱۴۹----- اخلاص بی بدیل حسینی
- ۱۵۰----- اشک های حسرت
- ۱۵۱----- سنت افطاری نیمه ماه مبارک رمضان و پخت سمنو با پیشنهاد آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی

۱۵۲	افتتاح شبستان نیایش مسجد صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی
۱۵۳	پیاده روی به سوی مسجد مقدس جمکران
۱۵۳	محقق ولایی و ندبه بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۱۵۵	فصل پنجم : ابعاد شخصیتی آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره
۱۵۵	اشاره
۱۵۹	عظمت پدر
۱۶۰	عظمت مادر
۱۶۰	خصوصیات اخلاقی و ارزشی
۱۶۶	نامی ماندگار در تاریخ
۱۶۶	به قلم : آیه الله آقای حاج سید محمّد تقی قادری دام عزه
۱۶۸	مُؤْمِنٌ مُّسْلِمٌ (مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ)
۱۶۸	عالم ولایی و متعصب
۱۷۱	اسوه اخلاص و صفای نفس
۱۷۷	فقیه مُفَهِّمٌ
۱۷۹	زهد کم نظیر و ساده زیستی
۱۸۰	تندیس مهربانی
۱۸۱	همنشین و محبوب فقرا
۱۸۱	حلقه وصل فطرت به عترت
۱۸۲	زندگی بدون اتلاف وقت
۱۸۳	تبلیغ جامع دین
۱۸۳	از علم تا عمل
۱۸۵	اهتمام به ازدواج جوانان
۱۸۶	جامع مکارم اخلاق
۱۸۷	هدیه انگشتر عقیق
۱۸۷	اهدای زنگ یا علی
۱۸۸	نوشته های پشت اعلامیه ها
۱۸۸	خاموشی ضبط الصوت اتوبوس با صحبت کردن با راننده
۱۸۸	مطابقت ملیح و پرهیز از قبیح جهت ادخال سرور مؤمنین
۱۸۹	جاذبه عجیب

- پناهگاه و دستگیر همه ۱۸۹
- در جستجوی اولیای خدا ۱۸۹
- مأنوس نمودن فرزندان با قرآن ۱۹۰
- عالمی زاهد ۱۹۰
- کتوم در معنویات ۱۹۰
- احیای حمام روستای امامزاده اسماعیل علیه السلام ۱۹۰
- راضی به رضای خدا ۱۹۱
- فصل ششم : برگی از دفتر خاطرات ۱۹۳
- اشاره ۱۹۳
- دیدار کشیش مسیحی با آیه الله سید علی موحد ابطحی ۱۹۴
- خوابی که از سال مرگ خبر داد ۱۹۴
- چشم باطن بین آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره ۱۹۵
- ساقی کوثر ۱۹۷
- اهدای دو دسته گل ۱۹۷
- عریضة آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره به امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف ۱۹۸
- خاطرات آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی از حکیم بزرگ تهران ۱۹۹
- اولین زیارت ۲۰۰
- فرحة الزهرایی ماندگار ۲۰۱
- بی اطلاع از چاپ کتاب حضرت ابالفضل علیه السلام ۲۰۲
- خاطره ای شیرین ! ۲۰۳
- خواب حدیث کساء ۲۰۴
- نذر کتاب حضرت ابالفضل علیه السلام ۲۰۵
- گونی ها را بیاورید! ۲۰۶
- درمان ضعف شدید ۲۰۹
- درمان سنگ کلیه ۲۰۹
- طبابت حتی در بستر بیماری ۲۱۰
- تشویق و توجیه ۲۱۱
- دو رؤیای مشابه جایگاه آیه الله حاج سیدعلی موحد ابطحی قدس سره ۲۱۱
- فصل هفتم : حکایات نور ۲۱۳

- ۲۱۳----- اشاره
- ۲۱۴----- حدیث کساء و چشمه خشکیده اقلید
- ۲۱۴----- حکایتی شگفت و اعجاب انگیز و نقش معنوی آیه الله سیدعلی موحد ابطحی قدس سره
- ۲۱۵----- رؤیای صادق
- ۲۱۵----- شفای لکنت زبان کودک
- ۲۱۶----- اهل نماز و مسجد شدن با خواندن حدیث کساء
- ۲۱۷----- برآمدن حاجت با خواندن زیارت عاشورا به نیابت از امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف
- ۲۱۸----- زیارت عاشورا و دستور غیبی برای رفع گرفتاری
- ۲۱۹----- سفارش عارف واصل آیه الله سلطان آبادی نسبت به زیارت عاشورا
- ۲۲۱----- خانمی که با یک عنایت ، حافظ زیارت عاشورا می شود
- ۲۲۱----- شفای بچه فلج در حرم امام زاده شاه حمزه علیه السلام قم
- ۲۲۲----- شفای حضرت آیه الله آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره
- ۲۲۳----- خاطره ای از آیت الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره
- ۲۲۴----- استخاره های عجیب آیه الله حاج شیخ محمد باقر محسنی ملایری قدس سره
- ۲۲۵----- ارتباط با اهل سلوک
- ۲۲۶----- خبر از زنده بودن فرزند شهید ابوترابی
- ۲۲۷----- شور و حال فاطمی در محضر علامه سید محمد باقر موحد ابطحی
- ۲۲۸----- شفای نواده مرحوم سید ابراهیم میلانی
- ۲۲۹----- شفای جوان مسیحی مبتلا به سرطان خون
- ۲۳۰----- شفای بیمار سرطانی
- ۲۳۱----- شفای دختر مسیحی و مسلمان شدن جمعی از مسیحیان
- ۲۳۳----- دلیل نگاشتن رساله ای درباره زیارت عاشورا توسط آیه الله اراکی
- ۲۳۴----- آیه الله طباطبایی با زیارت عاشورا شفای مریضی را می گیرند
- ۲۳۵----- شفای بچه فلجی که در حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام
- ۲۳۶----- شفای حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم با توسل به حضرت ابوالفضل علیه السلام
- ۲۳۷----- فصل هشتم : حصن حصین
- ۲۳۷----- اشاره
- ۲۳۸----- ضرورت پناه بردن مردم به حصن حصین اهل بیت علیهم السلام
- ۲۳۸----- نقش ادعیه و زیارات در زندگی

- ۲۳۹ بهره گیری پیامبران از امور مادی برای رفع مشکلات
- ۲۴۰ آثار شگفت توجه به پروردگار در امور مادی و دنیوی
- ۲۴۴ مکان دعا
- ۲۴۵ زمان دعا
- ۲۴۶ چگونگی دعا، نیایش و توسل
- ۲۴۷ نقش ادعیه و زیارات در زندگی
- ۲۴۸ معصومین بزرگترین آموزگاران ادعیه، مناجات و زیارات
- ۲۴۹ زیارات و نکات آموزنده آن
- ۲۵۰ سلام و لعن تجلی دو اصل از فروع دین
- ۲۵۰ در پناه ولایت و برائت
- ۲۵۱ جایگاه ویژه تبری (لعن) نسبت به تولی (سلام)
- ۲۵۴ نقش سلام ها و لعن ها از حیث شناسایی جایگاه گروه های مختلف
- ۲۵۷ در پناه حدیث کساء
- ۲۶۱ فصل نهم : گنجی از تبار صالحان
- ۲۶۱ اشاره
- ۲۶۲ مقدمه
- ۲۶۲ ازدواج محقق ولایی با بیت علم و اخلاق
- ۲۶۲ اسوه صبر و وفاداری
- ۲۶۵ ثمره ازدواج
- ۲۶۵ گنجی از تبار صالحان
- ۲۶۵ ابوالزوجه آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره
- ۲۶۶ نسب نامه آیه الله حاج سید اسماعیل هاشمی قدس سره
- ۲۶۶ نگاهی بر زندگی آیه الله سید اسماعیل هاشمی قدس سره
- ۲۶۸ فعالیت های علمی
- ۲۶۸ الف) تدریس
- ۲۶۹ ب) تألیفات
- ۲۶۹ فعالیت ها
- ۲۷۰ تأسیس انجمن های خیریه
- ۲۷۰ رحلت

۲۷۱	فصل دهم : اشعار
۲۷۱	(اشعاری در مدح و سوگ آیه الله سید علی موحد ابطحی)
۲۷۲	احسن الله الجزاء
۲۷۶	حدیث کساء فضل خدا
۲۷۷	دنیای صفا
۲۷۷	سرباز غیور
۲۷۸	کلمه قیمه لصاحب السماحة العلامة الحجة الحاج السيد اسماعیل الهاشمی قدس سره حول الایة الکریمه و حول الکتاب آیه التظهير
۲۸۳	فصل یازدهم : ارتحال
۲۸۳	انالله و انا الیه راجعون
۲۸۴	دلنوشته ای از صبیته ارشد مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره
۲۸۴	وداع آخر
۲۸۴	اشاره
۲۸۹	پیام های تسلیت در ارتحال آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره
۲۸۹	پیام تسلیت مقام معظم رهبری دام ظلّه
۲۸۹	پیام تسلیت مرجع عالیقدر ، آیه الله العظمی آقای شیخ علی کریمی جهرمی دام ظلّه □
۲۹۰	پیام تسلیت مرجع عالیقدر ، آیه الله العظمی آقای حاج شیخ حسین مظاهری دام ظلّه □
۲۹۱	پیام تسلیت ریاست جمهوری اسلامی ایران
۲۹۱	پیام تسلیت ریاست قوه قضائیه
۲۹۲	پیام تسلیت ریاست مجلس شورای اسلامی
۲۹۲	پیام تسلیت رییس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۲۹۳	پیام تسلیت مدیر حوزه های علمیه
۲۹۴	پیام تسلیت جمعی از هیئات مذهبی ، روحانیت و علماء بازار ساری ، دفتر علامه نظری خادم الشریعه قدس سره ، هیئت ۱۴ معصوم علیهم السلام ، ستاد دهه غدیر کشور و مؤسسه الغدیر
۲۹۴	پیام تسلیت دارالعلم مرحوم آیه الله العظمی حاج میرسیدعلی بهبهانی (اهواز)
۲۹۵	پیام تسلیت استاندار قم
۲۹۶	پیام تسلیت استاندار اصفهان
۲۹۷	پیام تسلیت رییس دانشگاه آزاد اسلامی
۲۹۸	پیام تسلیت دبیر مجمع عالی علوم انسانی اسلامی
۲۹۹	خداحافظ!
۳۰۱	فصل دوازدهم : روضه ای از روضه خوان !

۳۰۱-----اشاره

۳۰۲-----روضه خوان! روضه بخوان...!-----

۳۰۲-----شام هجران-----

۳۱۱-----درباره مرکز-----

محقق ولأئى شرح حال و شخصيت علمى و معنوى ، آية الله آقاي حاج سيد على موحد ابطحي اصفهانى رحمة الله عليه

مشخصات كتاب

محقق ولأئى

شرح حال و شخصيت علمى و معنوى ، آية الله آقاي

حاج سيد على موحد ابطحي اصفهانى رحمة الله عليه

مؤلف : شيخ محمد اميرى سوادكوهى

ناشر : محب العترة الطاهره عليهم السلام

تايپ و صفحه آرايى : آقاي شيخ مهدي آقابابايى

نوبت چاپ : اول

تاريخ انتشار : رجب المرجب 1445 قمرى / بهمن ماه 1402 شمسى

بهاء :

سلام و صلوات بر چهارده معصوم عليهم السلام و بالاخص اصحاب كساء

عليهم صلوات الله .

ويراستار ديڭيتالى: محمد منصورى

ص: 1

اشاره

شناسنامه کتاب :

محقق و لائی

شرح حال و شخصیت علمی و معنوی ، آیه الله آقای

حاج سید علی موحد ابطحی اصفهانی رحمة الله علیه

مؤلف : شیخ محمد امیری سوادکوهی

ناشر : محبّ العترة الطاهره علیهم السلام

تایپ و صفحه آرایی : آقای شیخ مهدی آقابابایی

نوبت چاپ : اول

ویراستار دیجیتالی: محمد منصورى

تاریخ انتشار : رجب المرجب 1445 قمری / بهمن ماه 1402 شمسی

بهاء :

سلام و صلوات بر چهارده معصوم علیهم السلام و بالاخص اصحاب کساء

علیهم صلوات الله .

ص: 2

این مجموعه ولائی با توجه به فداکاری های تحقیقی و تألیفی مرحوم آیه الله موحد ابطحی قدس سره به

محضر مقدّس پنج تن آل عبا و مشمولان آیه تطهیر ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علی علیه السلام و حضرت

فاطمه زهرا علیها السلام و سبط اکبر امام حسن مجتبی علیه السلام و سیدالشهداء امام حسین علیه السلام

و نیز حضرت ابوالفضل علیه السلام و حضرت ام البنین علیها السلام و حضرت رقیه علیها السلام اهداء می گردد .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَحَبِيبِنَا وَطَبِيبِنَا

الَّذِي بُعِثَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ، وَبَشِيرًا لِّلْمُذْنِبِينَ

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَنْجَبِينَ ، لَا سِيَّمًا

الْإِمَامِ الْمُنتَظَرِ ، وَالْوَلِيِّ الْمُنتَقَمِ

الْحُجَّاتَيْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ عَجَّ اللَّهُ تَعَالَى فَرْجَهُ الشَّرِيفِ

وَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

آمِينَ آمِينَ آمِينَ

ص: 4

پیش گفتار 17

فصل اول : شجره طیبه (سیری در شجره طیبه خاندان علمی موحد ابطحی). 21

طلوع.. 22

پدر. 23

عالمی زاهد و صالح... 25

در وادی علم و عمل... 26

حرکت بزرگ علمی و تربیت فرزندان... 26

طبیعی حاذق... 28

ارتباطاتی مستمرّ و افاضاتی مستدام.. 29

غروب غمبار. 29

مادر. 30

فداکاری و ایثارگری های مادر. 30

فی رثاء و تاریخ وفاة العلویة المرحومة منصوره الابطحیة امّ السّادة الابطحیین... 32

ثمره شجره طیبه موحد ابطحی... 32

نسل کوثری... 33

1. مرحوم حاج سید محمّد باقر موحد ابطحی قدس سره .. 34

2. مرحوم حاج سید محمّد علی موحد ابطحی قدس سره .. 34

3. حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره .. 34

4. حاج سید محمّد رضا موحد ابطحی دام ظلّه..... 34

5. حاج سید حجّت موحد ابطحی دام ظلّه 35

6. مرحوم حاج سید حسن موحد ابطحی قدس سره .. 35

7. حاج سید حسین موحد ابطحی دام ظلّه..... 35

مخدّرات بیت النور موحد ابطحی.... 36

شجره نامه خاندان بزرگ موحد ابطحی.... 37

مرحوم صاحب مکیال المکارم، جدّ مادری... 37

مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم 38 .

خاندانی باریشه خوب ، پاک و عمیق.. 39

فصل دوّم : در وادی علم و فقاہت

41.....

از آغاز تحصیل علوم دینی تا درخشش در آسمان تشیّع. 41

دوران کودکی... 42

چهل روضه حضرت علی اصغر علیه السلام .. 43

قدم در وادی نور. 44

لباس سربازی امام زمان ارواحنا فداه. 44

آغاز حرکت علمی از حوزه علمیّه اصفهان.. 45

اساتید... 46

آیه الله علامه میرزا محمّد طیب زاده قدس سره .. 46

آیه الله حاج شیخ محمّد حسن نجف آبادی قدس سره .. 46

خاطره ای از استاد... 47

آیه الله آقای حاج شیخ مجد الدین (مجد العلماء) نجفی قدس سره .. 48

خاطره ای به نقل از استاد (آیه الله مجد العلماء قدس سره). 49

هجرت علمی به شهر مقدس قم.. 49

ابطحی های نورانی در مدرسه حجتیه. 50

قدم های استوار آقا سید علی... 51

در محضر اساتید.. 52

دروس خارج... 52

ص: 6

زحمت و تلاش در تحصیل و ترویج... 53

مستشکل دروس اعظام حوزه قم، اصفهان، نجف اشرف... 53

مستشکل درس خارج فقه مرحوم آیه الله العظمی بهبهانی قدس سره .. 54

در مسیر علم و کمال... 55

تقریرات دروس خارج فقه. 55

اجازه اجتهاد مطلق.... 57

تتبع عمیق در دروس..... 57

عضو هیئت استفتای برخی مراجع عظام.. 58

ارزش نوکری و منبر. 58

هم بحث با فضلالی اهل دقت.... 59

تابستان و شرکت در دروس اعظام اصفهان... 59

جامع منقول و معقول... 59

عنايت ویژه علامه طباطبایی به آیه الله ابطحی... 59

معالجه علامه طباطبایی توسط والد معظم سید علی آقا. 60

بر منبر تفسیر. 61

(جلسات تفسیر قرآن آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره). 61

بر مسند علم طب... 62

تدریس طب در قم، اصفهان، مازندران و... 63

حکیم والا مقام در اقلید امام زمان ارواحنا فدا. 64

طبابت حکیم حاذق... 64

فصل سوّم: بر مسند تحقیق و تألیف (سیری در افکار و آثار علمی آیه الله موحد ابطحی قدس سره). 67

گذری بر دغدغه های دینی و اندیشه های ولایی آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره .. 68

دفاع از تقلین... 68

نگران از فاجعه ورود افراد غیر متخصص در حوزه دین... 69

غیور در امر ولایت.... 70

ص: 7

تبعات اذان منهای ولایت.... 71

احکام الهی محدودیت نیست!.. 72

داغ غربت امام زمان بر دل... 73

سرباز همیشه آماده. 73

مقابله با روشن فکر نماها 74

غربت اسلام و حکمت... 76

سیری در آثار و تألیفات آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره .. 76

وادی تألیف..... 76

آثار و تألیفات آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره .. 77

کتاب آیه التطهیر فی احادیث الفریقین... 78

تقریظ آیه الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره بر کتاب آیه التطهیر. 79

ترجمه بخشی از تقریظ آیه الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره .. 80

تقریظ آیه الله حاج شیخ سلمان خاقانی درباره کتاب «آیه التطهیر فی احادیث الفریقین».. 81

ترجمه تقریظ آیه الله خاقانی بر کتاب آیه التطهیر فی احادیث الفریقین... 82

اعجاب و تحیر علما از تألیف آیه التطهیر فی احادیث الفریقین... 82

الامام الحسین علیه السلام فی احادیث الفریقین من قبل الولادة الی بعد الشهادة. 83

تقریظ آیه الله الخاقانی درباره کتاب « الامام الحسین علیه السلام فی احادیث الفریقین ». 84

ترجمه تقریظ آیه الله الخاقانی درباره کتاب « الامام الحسین علیه السلام فی احادیث الفریقین ». 85

بشارتی درباره کتاب الامام الحسین علیه السلام فی احادیث الفریقین... 86

الشیعه فی احادیث الفریقین... 86

خواب عجیب راجع به الشیعه فی احادیث الفریقین.... 87

کتاب حضرت اباالفضل علیه السلام مظهر کمالات و کرامات... 87

در جستجوی منتسبان به حضرت اباالفضل علیه السلام و ارادت به حضرت ام البنین علیها السلام .. 89

توسل مجرب و ختم صلوات حضرت ام البنین علیها السلام .. 90

ص: 8

عباس علیه السلام کاشف الكرب... 91

کتاب حدیث کساء و آثار شگفت... 92

تلاش مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره برای احیاء حدیث کساء. 92

لحظات آخر چاپ کتاب حدیث کساء و آثار شگفت... 93

کتاب غدیر و چشمه های جوشان ولایت... 95

هدف از نگارش کتاب غدیر و چشمه های جوشان ولایت... 95

تکمیل الغدیر. 96

فصل دوم کتاب غدیر و چشمه های جوشان ولایت و انگیزه نگارش آن... 96

خواب شگفت راجع به کتاب غدیر و چشمه های جوشان ولایت... 97

جلوه های تشیع در مازندران از آغاز تا دهه غدیر. 97

کتاب زیارت عاشورا و آثار شگفت... 99

انگیزه نگارش کتاب زیارت عاشورا و آثار شگفت... 99

کرامتی در زمان تألیف... 102

خورشید خرابه شام، حضرت رقیه علیها السلام.. 103

شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور. 105

کتاب دوراه پرواز و سقوط... 106

تألیف و تصحیح کتاب های طبی... 107

تصحیح کتب طبی... 109

همکاری های علمی... 110

دیگر آثار آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره.. 111

مقدمه آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره بر کتاب شرح زیارت جامعه کبیره. 111

فصل چهارم: برستیغ تبلیغ و پشٹیانی از شعائر. 113

(سیره عملی و تبلیغی آیه الله موحد ابطحی قدس سره در پشٹیانی از شعائر اهل بیت علیهم السلام). 113

پشٹیان شعائرالله.. 114

ص: 9

توصیه آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره نسبت به قدردانی مردم از آیه الله موحد ابطحی قدس سره .. 115

توصیه آیه الله العظمی صافی قدس سره به بهره مندی مردم از آیه الله موحد ابطحی قدس سره .. 116

نامه آیه الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی به آیه الله موحد ابطحی 116

مشی نبوی در تبلیغ ... 117

مقابله با بهائیت 118

پشتیبان مجالس اهل بیت علیهم السلام 118

برپا نگه داشتن جلسات روضه قدیمی 119

50 سال تبلیغ در اقلید امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف 119

مبلغ و مدیر. 120

مرسوم نمودن سمنو پزان ... 121

چاووشی خوانی 122

کلاس قرآن و حدیث 123

اخلاص بی بدیل حسینی 123

اشک های حسرت 124

سنت افطاری نیمه ماه مبارک رمضان و پخت سمنو با پیشنهاد آیه الله موحد ابطحی قدس سره .. 125

افتتاح شبستان نیایش مسجد صاحب الزمان عج الله تعالی فرجه الشریف توسط آیه الله موحد ابطحی قدس سره .. 126

پیاده روی به سوی مسجد مقدس جمکران ... 127

محقق ولایی و ندبه بر امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف 127 .

فصل پنجم: ابعاد شخصیتی آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره .. 129

عظمت پدر. 133

عظمت مادر. 134

خصوصیات اخلاقی و ارزشی... 134

نامی ماندگار در تاریخ... 140

آیه الله آقای حاج سید محمد تقی قادری دام عزه. 140

مُؤْمِنٌ مُّسَلِّمٌ (مَنْ آتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ). 142

ص: 10

- عالم ولایی و متعصّب.... 142
- اسوۀ اخلاص و صفای نفس..... 145
- فقیه مفہم.. 151
- زهد کم نظیر و سادہ زیستی.... 153
- تندیس مہربانی.... 154
- ہمنشین و محبوب فقرا 155
- حلقہ وصل فطرت بہ عترت.... 155
- زندگی بدون اتلاف وقت.... 156
- تبلیغ جامع دین... 157
- از علم تا عمل... 157
- اہتمام بہ ازدواج جوانان... 159
- جامع مکارم اخلاق... 160
- تہجد و شب زندہ داری.... 161
- ہدیہ انگشتر عقیق.... 161
- اهدای زنگ یا علی.... 161
- نوشتہ ہای پشت اعلامیہ ہا 162
- خاموشی ضبط الصوت اتوبوس با صحبت با رانندہ. 162
- مطایبہ ملیح و پرهیز از قبیح... 162
- جاذبہ عجیب.... 163
- پناہگاہ و دستگیر ہمہ. 163
- در جستجوی اولیای خدا 163

مأنوس نمودن فرزندان با قرآن... 164

عالمی زاهد... 164

کتوم در معنویات... 164

ص: 11

احیای حمام روستای امامزاده اسماعیل علیه السلام .. 164

راضی به رضای خدا 165

فصل ششم: برگگی از دفتر خاطرات و رؤیاهای صادقانه درباره آیه الله موحد ابطحی قدس سره .. 167

دیدار کشیش مسیحی با آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره .. 168

خوابی که از سال مرگ خبر داد.. 168

چشم باطن بین آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره .. 169

ساقی کوثر. 171

اهدای دو دسته گل... 171

عریضه آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره به امام زمان 172

خاطرات آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره از حکیم بزرگ تهران... 173

اولین زیارت.... 174

فرحة الزهرایی ماندگار. 175

بی اطلاع از چاپ کتاب حضرت ابالفصل علیه السلام .. 176

خاطره ای شیرین! 177

خواب حدیث کساء. 178

نذر کتاب حضرت ابالفصل علیه السلام .. 179

گونی ها را بیاورید! 180

درمان ضعف شدید... 183

درمان سنگ کلیه. 183

طبابت حتی در بستر بیماری... 184

تشویق و توجیه. 185

دو رؤیای مشابه جایگاه آیه الله حاج سیدعلی موحد ابطحی قدس سره .. 185

فصل هفتم : حکایات نور (حکایات آموزنده به نقل از آیه الله موحد ابطحی قدس سره). 187

حدیث کساء و چشمه خشکیده اقلید.. 188

حکایتی شگفت و اعجاب انگیز و نقش معنوی آیه الله سیدعلی موحد ابطحی قدس سره .. 188

ص: 12

شفای لکنت زبان کودک..... 189

اهل نماز و مسجد شدن با خواندن حدیث کساء. 190

برآمدن حاجت با خواندن زیارت عاشورا به نیابت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف 191

زیارت عاشورا و دستور غیبی برای رفع گرفتاری.... 192

سفارش عارف واصل آیه الله سلطان آبادی نسبت به زیارت عاشورا 193

خانمی که با یک عنایت، حافظ زیارت عاشورا می شود.. 195

شفای بچه فلج در حرم امام زاده شاه حمزه علیه السلام قم.. 195

شفای حضرت آیه الله آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره .. 196

خاطره ای از آیه الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره .. 197

استخاره های عجیب آیه الله حاج شیخ محمد باقر محسنی ملایری قدس سره .. 198

ارتباط با اهل سلوک..... 199

خبر از زنده بودن فرزند شهید ابوترابی.... 200

شور و حال فاطمی در محضر علامه سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره .. 201

شفای نواده مرحوم سید ابراهیم میلانی قدس سره .. 202

شفای جوان مسیحی مبتلا به سرطان خون... 203

شفای بیمار سرطانی.... 204

شفای دختر مسیحی و مسلمان شدن جمعی از مسیحیان... 205

دلیل نگاشتن رساله ای درباره زیارت عاشورا توسط آیه الله اراکی قدس سره .. 207

آیه الله طباطبایی قدس سره با زیارت عاشورا شفای مریضی را می گیرند... 208

شفای بچه فلجی در حرم حضرت اباالفضل علیه السلام .. 209

شفای حاج شیخ عبدالکریم حائری قدس سره با توسل به حضرت ابوالفضل علیه السلام .. 210

فصل هشتم : حصن حصین .. 211

ضرورت پناه بردن مردم به حصن حصین اهل بیت در کلام آیه الله موحد ابطحی قدس سره .. 212

نقش ادعیه و زیارات در زندگی 212

ص: 13

بهره‌گیری پیامبران از امور مادی برای رفع مشکلات... 213

آثار شگفت توجه به پروردگار در امور مادی و دنیوی... 214

مکان دعا 218

زمان دعا 219

چگونگی دعا، نیایش و توسل... 220

نقش ادعیه و زیارات در زندگی... 221

معصومین بزرگترین آموزگاران ادعیه، مناجات و زیارات... 222

زیارات و نکات آموزنده آن... 223

سلام و لعن تجلی دو اصل از فروع دین... 224

در پناه ولایت و برائت... 224

جایگاه ویژه تبری (لعن) نسبت به تولی (سلام)... 225

نقش سلام‌ها و لعن‌ها از حیث شناسایی جایگاه گروه‌های مختلف... 228

در پناه حدیث کساء... 231

فصل نهم: گنجی از تبار صالحان یادی از آیه‌الله سید اسماعیل هاشمی قدس سره.. 235

مقدمه... 236

ازدواج محقق ولایی با بیت علم و اخلاق... 236

اسوه صبر و وفاداری... 236

ثمره ازدواج... 239

گنجی از تبار صالحان... 239

ابوالزوجه آیه‌الله حاج سید علی موحد ابطنحی قدس سره.. 239

نسب نامه آیه‌الله حاج سید اسماعیل هاشمی قدس سره.. 240

نگاهی بر زندگی آیه الله سید اسماعیل هاشمی قدس سره .. 240

فَعَالِيَّتِ هَايِ عِلْمِي... 242

الف) تَدْرِيس... 242

ص: 14

ب) تألیفات.... 243

فَعَالِيَّتْ هَا 243

تأسیس انجمن های خیریه. 244

رحلت.... 244

فصل دهم : اشعاری در مدح و سوگ آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره .. 245

احسن الله الجزاء. 246

حدیث کساء فضل خدا 248

دنیای صفا 249

سرباز غیور. 249

کلمة قيمة لصاحب السماحة الحاج السيد اسماعيل الهاشمي قدس سره 250

فصل یازدهم : ارتحال... 253

انا لله وانا اليه راجعون... 253

دنبوشته ای از صبیئه ارشد مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره .. 254

وداع آخر. 254

پیام های تسلیت در ارتحال آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره .. 259

پیام تسلیت مقام معظم رهبری مدظله العالی.... 259

پیام تسلیت مرجع عالیقدر ، آیه الله العظمی آقای شیخ علی کریمی جهرمی دام ظلّه..... 259

پیام تسلیت مرجع عالیقدر ، آیه الله العظمی آقای حاج شیخ حسین مظاهری دام ظلّه 259.

پیام تسلیت ریاست جمهوری اسلامی ایران... 261

پیام تسلیت ریاست قوه قضائیه.. 261

پیام تسلیت ریاست مجلس شورای اسلامی.... 262

پیام تسلیت رئیس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم... 262

پیام تسلیت مدیر حوزه های علمیه.. 263

پیام تسلیت دفتر علامه نظری خادم الشریعه قدس سره و... 264

ص: 15

پیام تسلیت دارالعلم مرحوم آية الله العظمی حاج میرسیدعلی بهبهانی قدس سره .. 264

پیام تسلیت استاندار قم... 265

پیام تسلیت استاندار اصفهان... 266

پیام تسلیت رئیس دانشگاه آزاد اسلامی... 267

پیام تسلیت دبیر مجمع عالی علوم انسانی اسلامی... 268

خدا حافظ! 269

فصل دوازدهم : روضه ای از روضه خوان! 271

روضه خوان! روضه بخوان...! 272

شام هجران... 272

ص: 16

پس از آنکه برادر بزرگوام محقق و مفسر ولایتی، مرحوم آیه الله آقای حاج سید علی آقا موحد ابطحی قدس سره پس از یک دوره طولانی کسالت و تحمل سختی های مرض و نقاهت، در ایام شهادت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام دار فانی را وداع گفتند و ندای «یا ایتها النفس المطمئنة * از جعی إلى ربك راضية مرضية * فادخلي في عبادي * و ادخلي جنّتی» (1) را لبیک گفتند در اندیشه فرورفتم که در مورد ایشان چه اقدامی می توانم انجام دهم که در راستای احیاء امر اهل بیت علیهم السلام قرار گیرد.

مروری بر یک عمر فعالیت علمی (تحصیلی - تدریسی - تحقیقی - تألیفی - تبلیغی) و کوشش های ایشان در مسیر خودسازی و تکامل روحی و اخلاقی، نمودم و به یک نکته اساسی واقف شدم که ایشان در زمره بزرگمردانی بودند که مشمول این فراز خاص از زیارت عاشورا قرار گرفته اند که می فرماید:

اللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (2)

به راستی این بزرگمرد ولایتی یک دوره زندگی پر تلاش و کوششی را در راستای کسب علم و معرفت و ایمان و اخلاق دینی و هدایت و ارشاد پیروان مذهب، با هدف احیاء امر دین و مکتب مقدس ولایت اهل بیت علیهم السلام پشت سر گذاشتند و به راستی هیچ گونه سستی و راحت طلبی از خود نشان ندادند و چه در دوره اقامت در زادگاه خود (اصفهان) و چه در زمان اقامت و فعالیت خویش در جوار کریمه اهل بیت، فاطمه معصومه علیها السلام (قم مقدّس) و چه در هنگام سفرهای تبلیغی و زیارتی، هیچ گاه از جدّ و جهد علمی و موشکافی های دقیق فقهی و تفسیری و کلامی و اعتقادی، و نوشتن درس ها و مطالب گوناگون علمی و نتیجه تحقیقات مبتکرانه

ص: 17

1- . فجر / 27-30.

2- . خدایا! حیاتم را همانند حیات محمد و آل محمد و مامتم را همانند مامات محمد و آل محمد قرار ده .

خویش آن هم در راستای ترویج و حمایت و احیاء مکتب ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و تبلیغ علمی و عملی مکتب تشیع فروگذار نکردند .

ایشان در محضر بزرگترین استوانه های فقهی و اجتهادی حوزه علمیّه اصفهان و قم حضوری پر رنگ و مورد توجه داشتند و در عموم درس ها به خاطر روح جستجوگر و محققانه ای که داشتند نه تنها از بهترین دریافت کننده های نکته ها و تحقیقات علمی اساتید خود بودند ، بلکه با مطالعه قبلی کتاب های بزرگترین چهره های فقهی و اصولی و فلسفی و ... در عموم درس ها اشکالاتی را در مورد مطالب استاد بزرگ درس ، مطرح می ساختند و به عنوان مستشکل درس شناخته می شدند و در همین راستا بود که فقیه و محقق عظیم الشان ، مرحوم آیه الله العظمی آقای محقق داماد قدس سره که یکی از ارکان درسی و اجتهادی و فقهی و اصولی حوزه علمیّه قم بودند به ایشان فرموده بودند ، که : « شما در هر موردی که بحثی فقهی را مورد بررسی قرار دادید و به نظریه ای رسیدید همان را عمل کنید » .

این بزرگمرد در نوشتن درس های اساتید و پیگیری مسائل علمی و مباحثه آنها با هم درسی های ممتاز درس های فقهی و اصولی و فلسفی و کلامی ، از تلاشگران مورد توجه بودند و علاوه بر برنامه های رسمی درس های حوزوی ، در نشست های گوناگون فامیلی یا اجتماعی ، هیچ گاه از پیگیری مسائل علمی و اخلاقی ، در زمینه های مختلف ، غفلت نمی کردند و همیشه نکته های مهم علمی و تربیتی و اعتقادی و ... را ثبت می نمودند و به یادگار می گذاشتند .

دیدارهای گوناگون ایشان با علماء بزرگ و محققین عظیم الشان و شخصیت های بزرگ معنوی و اخلاقی در حوزه های علمیّه نجف اشرف و قم و مشهد مقدّس و اصفهان و ... همراه با پژوهش و کمال اندوزی و گرفتن درس های خودسازی و تربیت روح و روان خود بود .

و به همین جهت بود که نه تنها آثار بزرگی در زمینه تألیف کتاب های برجسته و مبتکرانه از خود به جای گذاشتند ، بلکه خاطره هایی جالب و به یاد ماندنی از صبر و استقامت و زهد و عدم توقع از دیگران و ... از خود به جای نهادند ، و به راستی یک زندگی سراسر کسب علم و فضیلت و تبلیغ و هدایت در راستای زندگی اولیاء خویش ، حضرات محمد و آل محمد علیهم السلام پشت سر گذاردند .

آن بزرگمرد ، در یک دوره طولانی رنج و کسالت که همراه با جلوه هائی از خودساختگی و مقام صبر و رضا بود ، هیچ گونه شکایت و گله ای از روزگار و یا اطرافیان و دوستان قدیمی و یا دکترها و پرستارها ، خویشان و بستگان و ... نداشتند و در اوج سختی ها و مشکلات ، زبان شکر و رفتار صبورانه تنها یادگار از ایشان در ذهن ها و خاطره ها به جای مانده است .

این دوره سخت و پرخاطره ، در آستانه ایام شهادت مادرشان صدیقه کبری ، فاطمه زهرا علیها السلام (فاطمیّه دوم) به پایان رسید و تمامی مراسم اصلی آن بزرگمرد (تشییع جنازه و دفن و مراسم متعدد فاتحه و هفتم و ...) همراه با سوگواری و بزرگداشت آن شهیده مظلومه علیها السلام برگزار گردید و زمینه ای برای عزاداری و بزرگداشت شعائر فاطمی به شمار آمد و در یک کلام : درگذشت و وفات آن بزرگمرد ، در راستای

مقامات محمد و آل محمد علیهم السلام به وقوع پیوست .

با توجه به نکات یاد شده ، به نظر رسید که در زمینه ثبت تاریخی آثار و خدمات علمی و تبلیغی و بیان شخصیت معنوی و ولائی آن بزرگمرد ، قدمی بردارم و با استمداد از نویسنده توانا و ولائی و دلسوخته اهل البیت علیهم السلام آقای شیخ محمد امیری سوادکوهی دام توفیقه و عزه و کمک خانواده و فرزندان و وابستگان فامیلی و حوزوی آن بزرگمرد ، در زمینه ذکر و ثبت خاطرات سازنده و داستان های آموزنده دینی و اخلاقی و تربیتی آن شخصیت عالیقدر ، در این میدان مقدس قدم بگذارم .

و برای قوت قلب بیشتر برای ورود در این صحنه و کیفیت و کمیت آن ، از قرآن مجید کمک گرفتیم و در سه استخاره راهگشا ، سه آیه نورانی راهگشایم گردید :

1 : « ...تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا... » (1)

2 : « رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ » (2)

3 : « أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ... وَإِنْ تَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ » (3)

و لذا با قوت قلب کامل ، و توسل به ذیل عنایت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و بالاخص حضرت زهراى مرضیه علیها السلام دست به کار شدیم و با همکاری صمیمانه و جدیت و همت مثال زدنی جناب آقای امیری سوادکوهی دامت برکاته و توفیقه این اثر نورانی را که در راستای ترویج مکتب اهل بیت علیهم السلام می باشد ، به محضر ارادتمندان و پیروان مذهب و مکتب مقدس مولی الموحدین امیرالمؤمنین علی علیه السلام تقدیم می نمائیم و امیدواریم که در ذیل عنایات ولی عصر و زمان پناه در ماندگان حضرت بقیة الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف جامعه شیعه و راهیان طریق پیشوایان معصوم علیهم السلام محفوظ و سعادت مند باشند .

اصفهان - حوزه علمیه - میر سیّد حجة موحد ابطحی موسوی اصفهانی

در آستانه میلاد مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و شهادت حضرت زینب علیها السلام

رجب المرجب 1445 قمری - بهمن ماه 1402 شمسی

ص: 20

1- . ابراهیم / 25. ... هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می دهد

2- . نور / 37. مردانی که هیچ تجارت و داد و ستدی آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و ادای زکات غافل نمی کند . آنها از روزی می ترسند که در آن ، دلها و چشمها دگرگون می شود .

3- . نور / 54 . اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا را و اگر از او اطاعت کنید ، هدایت خواهید شد و بر پیامبر چیزی جز ابلاغ آشکار نیست .

فصل اول : شجرة طيبه (سيري در شجرة طيبه خاندان علمي موحد ابطحي)

اشاره

ص: 21

محقق ولایی، محدث عظیم الشأن شیعه، فقیه دلسوخته اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و حکیم والامقام، آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی اصفهانی اعلی الله مقامه الشریف در سال 1359 هجری قمری، برابر با 1319 هجری شمسی در دارالولایه اصفهان، سرزمین فقیهان نامدار و محدثان گرانمایه و در خاندان علمی موحد ابطحی دیده به جهان گشود.

پدر نام او را علی نهاد، نام مبارکی که همواره از غربت و مظلومیتش حیران بود.

والد مکرّمش به امید آنکه بتواند غباری از غربت مولایش امیرالمؤمنین ارواحنا فداه بزدايد، با برگزیدن این اسم نورانی بر سومین مولود از اولاد ذکورش، سند عاشقی و دلدادگی را چنین به نامش زد تا فرزندش به برکت آن نام مبارک، عطش وجودی حیات و ممانش را سیراب و در صراط مستقیم علوی طی طریق کند و با قلمی از جنس نخل میثم تمار و قلبی به حرارت ایمان جعفر طیار، هوادار و خریدار مولایش شود.

... و تاریخ به زیبایی شاهد آن بود که این نام بی ارتباط با شاکله وجودی آن فانی در راه ولایت نبود، که عمری جز از علی علیه السلام سخن نگفت و در نفس های عمر شریفش، همواره طواف بر حول آن وجود مبارک می کرد و همگان را به فاتحه مصحف وجود، بسمله کتاب موجود، حقیقت نقطه بانیه، امام الاثمه، صدیق اکبر و فاروق اعظم امیر مؤمنان علی علیه السلام رهنمون می ساخت.

او جرعه نوش باده غدیر بود تا از کوثر غدیر ننوشی، عطش کرب و بلا را درک نخواهی کرد. چرا که عاشورا نتیجه بغض و کینه خفته جهل در فراسوی غدیر است که اگر روزی سری بر فراز نی «ام حسبتم» تلاوت کرد، از غربت قرآن ناطقی حکایت داشت که پس از شهادت رسول خاتم، خانه نشینش کردند.

آری احرام محترم با خلعت غدیر زیباست و آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره، عمری محرم به احرام دفاع از امیر غدیر بود.

حقیقتاً آن محقق ولایی، هدیه و دعای مستجاب کدامین عریضه از استغاثه های مادر، به امام زمان ارواحنا فداه و اشک های پدر بود که خاندان علم و فضیلت موحد ابطحی، به آن مزین گشت و آسمان شیعه از آن درخشش دیگری گرفت و امام زمانش را سپر تیرهای زهر آگین عصر غیبت شد و با تمام وجودش از ولایت مولایش دفاع می کرد و لحظه به لحظه زندگی اش را وقف پاسبانی از کوچه هل اتی می نمود.

او ربعینیه های زیادی را در اخلاص در عمل تجربه کرد، « مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا ظَهَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ » (1).

از این رو چشمه های جوشان کوثر نبوی در او که حیات طیبه اش در زلالی اخلاص در عمل خلاصه می شد متبلور و حیاتش حیات محمد و آل محمد علیهم السلام و مماشش نیز، ممت محمد و آل محمد علیهم السلام بود. « اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَام ».

پدر

پدر ایشان، مرحوم آیه الله، علامه، حاج سید مرتضی موحد ابطحی موسوی اصفهانی قدس سره از علمای ولایی و اهل معنا و از خطبای نامی و از اطباء و حکمای بزرگ اصفهان به شمار می رفتند که بزرگان آن عصر، وی را فقیهی مفسر و محققى متبّع، جامع معقول و منقول و راسخ در ولاء اهل بیت علیهم السلام می دانستند.

ص: 23

1- هر کس چهل صبح برای خدا مخلص شود چشمه های حکمت از قلبش بر زبانش ظاهر می شوند. بحار الأنوار، ج 53، ص 326.

علامه حکیم حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره در سال 1319 هجری قمری در اصفهان دیده به جهان گشود و در ایام جوانی به تحصیل علوم دینی روی آورد و در محضر اکابر علمی عصر خویش تلمذ و به تکامل مدارج علمی خویش پرداخت .

از اساتید این عالم ربانی می توان به ادیب نامدار شیخ علی یزدی ، استاد جلال الدین همایی ، بزرگان و استوانه های علمی و معنوی آن زمان ، همانند حضرات آیات میرزا محمد تقی فقیه احمد آبادی (صاحب کتاب مکیال المکارم) ، سید میرزا محمد باقر سدهی ، میرزا احمد شهیدی ، سید مهدی درچه ای ، شیخ محمد حسن نجف آبادی ، سید محمد نجف آبادی ، سید علی نجف آبادی ، شیخ محمد رضا مسجد شاهی ، شیخ محمود مفید ، شیخ محمد رضا کلباسی ، شیخ محمد باقر قزوینی ، شیخ محمد حکیم خراسانی و آقا میرزا ابوالقاسم طیب اشاره کرد .

مؤلف کتاب گنجینه دانشمندان می نویسد : ایشان پس از تلمذ خدمت مدرسین بزرگ اصفهان ، به افتخار دامادی علامه متقی ، آیه الله حاج سید محمد تقی فقیه احمد آبادی ، (صاحب مکیال المکارم) نائل گشت .

مرحوم آیه الله سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره می فرمود : پس از ازدواج با صبیئه مرحوم آیه الله حاج سید محمد تقی موسوی صاحب (مکیال المکارم) ، علاوه بر استفاده علمی از محضر ایشان از تربیت و مراقبت معنوی آن بزرگوار برخوردار شدم .

چندی نگذشت که حاج سید مرتضی پله های ترقی و تحصیل علوم دینی ، ریاضیات ، طب و هیئت و... را پشت سر نهاد و چهره اش همانند خورشیدی درخشان بر همگان عیان گشت .

موقعیت علمی برجسته، مقام معنوی شایسته، و صفا و بی‌آلایشی ایشان، سبب آن شده بود که بسیاری از بزرگان و مراجع عظام قم، مشهد و اصفهان و...، طالبان فیوضات علمی و معنوی را به ایشان ارجاع بدهند.

تقل است که آیه الله آقا سید محمد رضا خراسانی قدس سره (رئیس وقت حوزه علمیه اصفهان) که خود مجتهدی بزرگ و وارسته و از کمالات روحانی برخوردار بودند، می فرمود: «من برای بیان عقائد و احکام و موعظه، حاج آقا مرتضی موحد ابطحی را انتخاب کرده ام و به فرزندان و دوستان خاص خود دستور داده ام که از ایشان استفاده کنند و بهره مند گردند و دین خود را از ایشان اخذ نمایند».

همچنین، هنگامی که برخی از مؤمنین، اساتید دانشگاه و فرهیختگان اصفهانی به شهر مقدس قم مشرف و به محضر آیه الله العظمی بهجت قدس سره رسیدند و از ایشان راهنمایی خواستند که عالمی زاهد و صالح را به ما معرفی کنید، ایشان فرموده بودند: «شما بروید خدمت آقای حاج سید مرتضی موحد ابطحی، و از ایشان کسب فیض نمائید».

محدث بزرگ و نامدار شیعه در قرن چهاردهم، مرحوم حاج شیخ عباس قمی قدس سره (صاحب کتاب نفیس مفاتیح الجنان) که از مفاخر شیعه در دوره های اخیر بودند، هنگامی که مرحوم آیه الله حاج آقا مرتضی موحد ابطحی از ایشان اجازه روایتی خواستند، آن بزرگمرد با کمال تواضع و بزرگواری به ایشان فرمودند: «شما عالم و صاحب انقباس قدسیه هستید، و خودتان صاحب اجازه هستید، و شما باید به من اجازه روایتی مرحمت کنید».

از این جملات، علاوه بر مقام اخلاص و تواضع مرحوم محدث قمی رضوان الله تعالی علیه، جایگاه آیه الله حاج آقا مرتضی موحد ابطحی در نزد آن بزرگمرد معلوم می شود.

آیه الله علامه، حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره، همزمان با تحصیلات عالی، به تربیت طلاب مشغول بودند، و بیش از هفتاد سال، به تدریس علوم گوناگون از قبیل: نحو، صرف، منطق، معانی، بیان، هیئت، طب، فقه، اصول و تفسیر و... پرداخته، و همزمان به تبلیغ دین، و ایراد سخنرانی های پر مایه (با بهره گیری از مهمترین کتب تفسیر و کلام و عقائد و اخلاق و...) اشتغال داشتند، و بالأخص در زمینه مسائل مربوط به امامت و ولایت، خطابه ها و سخنرانی های بی نظیری داشتند، که شخصیت های بزرگی همچون آیه الله میرزا علی آقا شیرازی قدس سره، و آیه الله حاج آقا مصطفی مهدوی هرستانی قدس سره را مجذوب نموده بود، و خطبای بزرگ و نامدار عصر را به اعجاب و تحسین وا می داشت.

ایشان تعلیم و تربیت فرزندان خود را شخصاً بر عهده گرفته بودند و بخش عمده ای از مراحل تحصیلی آنها را، با تدریس و نظارت کامل شخصی عهده دار بودند، و موفق شدند همه پسران خود را در زمره سربازان امام زمان ارواحنا فدا و علما و مدرسین و محققین، و صاحبان قلم و بیان دینی قرار دهند.

حرکت بزرگ علمی و تربیت فرزندان

مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی با وجود سختی جنگ جهانی دوم و حکومت مستبد رضا شاه و مبارزات دینی او علیه روحانیت و حوزه های علمیّه و مجالس روضه خوانی، سختی های بسیاری را متحمل گردید و بر خلاف بسیاری از علما و طلاب که حوزه ها را رها می کردند، استقامت نموده و نه تنها با دادن امتحان های سخت، مجوز پوشیدن لباس روحانیت را از حکومت گرفتند، بلکه علاوه بر آن هفت فرزند خویش را از سطوح پایین تا بالا تعلیم داده و به کسوت روحانیت در آوردند.

در زمانی که پایگاه های دین مورد سخت ترین حملات توسط دشمنان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته بود، ایشان با تمام وجود، بر تربیت فرزندان مدافع شریعت و ولایت همت گمارد.

در عصری که عمامه از سر رهبران دینی، خطبا و ائمه جماعات برداشته می شد و تمام امکانات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی برای حذف دین و ایمان از جامعه به کار گرفته می شد، آن بزرگمرد حرکت بزرگی را از داخل خانه و زندگی خود شروع نموده و پایه ریزی بزرگی را برای دگرگون سازی وضع موجود انجام داد.

در این عصر و در چنین شرایطی آن عالم مجاهد برنامه های خود را برای تعلیم و تربیت حوزوی و دینی فرزندان خود به اجرا در آورد و اموری را به عنوان برنامه کار خود عملی ساخت که بدین شرح می باشد:

1. فرزندان خود را به مدرسه های تحت نفوذ حکومت پهلوی نفرستادند، و لو برای درس های ابتدائی و دوره دبستان.
2. در منزل شخصی، درس های فارسی، حساب و خط و... را برای فرزندان خود بر عهده گرفتند و شخصاً دانستی های لازم را به آنها تعلیم می دادند.
3. در سنین نوجوانی و مراحل اولیّه جوانی، تدریس کتاب های درسی حوزوی را برای آنها شروع می نمودند، به نحوی که در همان مراحل اولیّه نوجوانی و جوانی، بخش عمده ای از دروس حوزوی را تحصیل نموده و قبل از بلوغ به تحصیل دوره سطح عالی و خارج فقه و اصول و کلام و حکمت مشغول می گردیدند و در محافل درسی مورد توجه اساتید و ممتحنین قرار می گرفتند.
4. رابطه خانوادگی و اجتماعی فرزندان خود را با کسانی که ممکن بود تأثیر سوء بر روی آنها بگذارند محدود نموده و از تأثیر جامعه آن چنانی آن زمان بر روی فرزندان خود جلوگیری می نمودند.

5. در ضمن تدریس و بر عهده گیری تعلیم فرزندان، که در برخی از موارد تا دوره دروس عالی امتداد می یافت، نظارت خود را در امر تربیت آنها حفظ می نمودند، و در اکثر کتاب های درسی، برنامه پس گرفتن درس ها را جزء برنامه اساسی خود قرار می دادند و فرزندان خود را که شاگردان درس بودند، موظف می کردند که درس های روز قبل را بازگو نمایند که این اقدام نقش زیادی در رشد علمی آنها داشت.

6. با نشان دادن قاطعیتی بی نظیر و متکی بر ایمان و اعتقاد عمیق قلبی، فرزندان و نیز افراد فامیل، و دیگر آشنایان را از گفتگو درباره انتخاب مسیر تحصیلی و نوع برنامه اجتماعی فرزندان خود باز می داشتند، و اجازه نمی دادند که در آن فضای اجتماعی مخصوص، بحث و جدلی پیش بیاید، و مانع از تحقق اهداف مقدسشان بگردد.

اجرای برنامه های فوق، کار طاقت فرسایی بود، و همانند شنا نمودن بر خلاف مسیر آب رودخانه خروشان و عمیق و پهناور، اراده ای پولادین، صبر و تحملی شکست ناپذیر، گذشت و ایثاری تحسین بر انگیز را طلب می کند که آن بزرگمرد با توکل بر خدا و استمداد از ارواح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام تمام مراحل سخت و طاقت فرسای آن را طی نموده و به آرزوی دیرینه خود دست یافتند.

طیبی حاذق

مرحوم آیه الله سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره همانگونه که در فقه و فقاہت، تفسیر و خطابت، سر آمد روزگار خویش بود، در طبابت نیز ید طولایی داشت و در بیان علت روی آوردنشان به تحصیل علم طب می فرمود: « هدف من از فراگیری علم طب، بهره گیری در علم اخلاق بود؛ زیرا اگر کسی بخواهد در اخلاقیات به جایی برسد، باید با مسائل علم طب آشنا باشد. مثلاً قوای نفسانی همانند غضب، شهوت و شجاعت و... هر کدام، در صورتی که تحت کنترل در آیند، نقش بسیار مهمی در تکامل و ترقی اخلاقیات دارند، و کنترل این قوا با دانستن مسائل علم طب

بسیار در ارتباط است و علت اینکه بسیاری از علمای ما در دوره های گذشته به تحصیل علم طب می پرداخته اند، دستیابی به این مقصد مهم بوده است. در سخنرانی ها و بحث های اخلاقی که هنگام خطابه و منبر مطرح می کردم، از مسائل علم طب و اندیشه های بزرگانی همچون بوعلی سینا بهره می جستیم و شنوندگان را قانع می کردم که رعایت مسائل اخلاقی، تنها یک دستور ساده دینی نیست، بلکه اساس علمی دارد، و هماهنگ با خلقت و فطرت انسان است، و حفظ الصحة جسم و جان، روح و روان انسان، وابسته به رعایت دستورات دینی و اخلاقی می باشد.»

ارتباطاتی مستمر و افاضاتی مستدام

آن بزرگمرد، همواره انس خود را با خدای خود و ارتباطش را با خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام حفظ می نمود و علاوه بر عمری عبادت و طاعت و توسل و تمسک به ذیل عنایت اولیای الهی به نحو عام، با مداومت بر تلاوت قرآن کریم و خواندن زیارت عاشورا و دعای عهد و نافله های متعدد بالاخص نماز شب، انس و ارتباط خود را با سرچشمه فیض برقرار می ساخت و در نتیجه، از افاضات و عنایات الهی و برکات و الطاف صاحبان ولایت به نحو مستمر بهره می جست و بسیاری از مراجع عظام و صاحب نفوس دربارہ ایشان می فرمودند: «ایشان از برکات الهی در روی زمین هستند.» و چنین از مقام و حقیقت عرفان ایشان قدرشناسی می نمودند.»

غروب غمبار

علامه حکیم، حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره، پس از عمری تحصیل و تحقیق و تدریس و هدایت و ارشاد جامعه و خدمتگزاری در آستان مقدس قرآن و عترت، و نجات جان و حفظ سلامت انسان ها، در ایام فاطمیه 1413 هجری قمری، در شب جمعه، با لبخندی ملیح، از یمن لقای خاتم الانبیاء حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم، دار فانی را وداع گفته و در نیمه شب جمعه غسل داده شدند، و در

بقعه و در جوار مزار شریف امامزاده جعفر علیه السلام در نزدیکی ظهر جمعه ، همراه با ذکر یا حسین یا حسین ، و ذکر مصیبت حضرت علی اصغر علیه السلام مدفون گردیدند .

مادر

والده مکرمه مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی رضوان الله تعالی علیه و همسر والاتبار مرحوم آیه الله علامه حاج سید مرتضی موحد ابطحی ، مرحومه حاجیه منصوره خانم فقیه احمد آبادی ، دومین فرزند مرحوم آیه الله شهید ، حاج سید محمد تقی فقیه احمد آبادی (صاحب کتاب شریف مکیال المکارم) بودند که در سال 1331 هجری قمری متولد و در سیزدهم ربیع الاوّل 1407 هجری قمری دار فانی را وداع گفتند .

آن بزرگ بانوی صالحه ، از صلب پاک آیه الله فقیه احمد آبادی و از خاندان ریشه دار و علمی آن بزرگمرد جهان اسلام پا به عرصه زندگی گذاشتند و در سایه تعلیم و تربیت آن بزرگوار و در دامان پاک و با تقوای مرحومه خانم آقا ، به کمالات روحی و معنوی و آگاهی های دینی و مذهبی نائل گردیدند و همراه با استعدادی قوی و ذهنی سرشار و بصیرت و بینشی اعجاب انگیز ، وارد صحنه زندگی پر زحمت و دشواری گردیدند و با استمداد از سرمایه های وراثتی و با بهره گیری از مددهای غیبی و راهنمایی های الهی و الطاف و عنایات ولائی ، به همکاری و همراهی با همسر بزرگوار خود پرداختند و در دامان پر مهر و عطوفت خود و در زیر سایه تربیت و مدیریت اعجاب انگیز خویش ، گنجینه های ارزشمندی را برای جهان اسلام و سربازخانه امام زمان ارواحنافداه پروریدند .

فداکاری و ایثارگری های مادر

پاکی و تقوا ، حالات روحی و معنوی ، تربیت خانوادگی و استثنائی در زیر سایه صاحب مکیال و همسر پاکدامن و با اخلاص و با صفایشان ، مرحومه خانم آقا ،

همه و همه، دست مایه ای بودند که حاجیه خانم فقیه احمد آبادی را در جایگاه یآوری بزرگ و بی نظیر، و پشتوانه ای مستحکم و شکست ناپذیر و هواداری معتقد و پای بند برای همسرشان مرحوم آیه الله سید مرتضی موحد ابطحی قرار دهند.

آری! سختی های این راه در زمان های مختلف در مقابل حاج آقا مرتضی موحد ابطحی قدس سره خودنمایی می کرد که چنین مرارت هایی، بسیاری از بزرگان را به تغییر مسیر وادار کرده بود. زخم زبان هایی از دور و نزدیک، بر جگر و قلب آنها وارد می شد که هر قدر تمندی را از پای می انداخت و تنگنایهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، به شکل های مختلف خودنمایی می کرد که بسیاری از اراده ها را در هم می شکست، ولی مرحومه فقیه احمد آبادی در همه عرصه ها نقش یاری رسانی فداکار و معتقد را ایفا می کرد. و هرگاه در اثر فشارها و سختی ها، قدرت تحمل و مقاومتشان نزدیک به پایان می رسید، عنایتی الهی در قالب رؤیایی صادق، یا امدادی غیبی به حمایتشان می رسید و عزم ایشان را استوار می ساخت، و در پیمودن راه پرفراز و نشیب دینی و معنوی و استثنائی شان، یاری شان می داد. در یک کلام اگر فداکاری های آن بانوی صبور و ایثارگر نبود، همانا مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره، مسلماً به بسیاری از اهداف و مقاصد بلند خود دست نمی یافتند.

مادر با فضیلت آیه الله سید علی موحد ابطحی، مرحومه فقیه احمد آبادی، پس از عمری فداکاری و مجاهدت در راه خدمت به جهان علم و ایمان، و نیل به درجات بلند روحانی و معنوی، و کسب معارف دینی و اخلاقی، سرانجام به اجداد معصوم و بزرگوار خود پیوستند و در پروازی ملکوتی به حریم حسینی راه یافتند.

فی رثاء و تاریخ وفاة العلویة المرحومة منصوره الابطحیة ام السادة الابطحیین

هاک استمع ذکرى سليله احمد *** نالت بعزتها المقام العالی

ولدت باحصان الفقاهاه والتقى *** و غدت بحق مضرب الامثال

وعلى الولاية قدریت و ترعرت *** و لنا عن التفصیل بالاجمال

انعم بها من حره قل انجبت *** نعم البنین لها و خیر رجال

هى لبوة علویة قد اعقت *** سبعا و هم فى الوصف كالاشبال

کالسید المولى محمد باقر *** و محمد و على و هو التالی

و على يتبعه محمدالرضا *** وكذک سید حجة بوصال

من بعده حسن حسین بعده *** و جمیعهم هم خیره الانحال

ابناء سادات الاباطح والملا *** بعلومهم نبغوا و بالاعمال

والکل منهم مؤمن و موحد *** فخر الرجال و مفخر الاجیال

منصوره ارخ العجب جلالها *** بنت التقی و صاحب المکیال

توضیح الحساب

105 70 452 541 107 132

1407 هجرى

ثمره شجرة طيبة مؤحد ابطحی

هر یک از فرزندان آیه الله سید مرتضی مؤحد ابطحی قدس سره ، با مجاهدت های علمی شان همانند ستاره ای درخشان در آسمان پر فروغ تشیع جلوه نمودند و آثار و برکات قابل تأملی را به جوامع اسلامی عرضه داشته و همگی از تربیت کنندگان نفوس مستعده در امر احیای فرهنگ غنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام گشتند .

مرحوم آیه الله سید مرتضی مؤحد ابطحی سکاندار کشتی هدایتی گشت که در آن هفت گوهر فروزان از خود به یادگار گذارد تا هر کدام از آنها بتوانند ایتم آل محمد علیهم السلام را دستگیری و از طوفان های پر تلاطم و فتنه های زهر آگین آخر الزمان نجات دهند و

حقیقتاً لطف خدای متعال برای روشن نگاه داشتن چراغ حقیقت دین را می توان در این خانواده مشاهده کرد که در عمل ، منادی خیر کثیر الهی در آشیانه کمالات موسوی خود شدند .

نسل کوثری

اشاره

نگاهی گذرا بر شجره طیبه خاندان علمی موحد ابطحی ، اعتراف آشکار فخر رازی از بزرگان تفسیری نزد عامه را در اذهان زنده می کند که در تفسیر آیه شریفه «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (1) می نویسد :

منظور از کوثر ، فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و این بدان جهت است که این سوره در ردّ کسانی نازل شده که از آن حضرت به خاطر نداشتن فرزندان عیب جوایی می کردند که در این صورت معنای آن چنین است که خدای متعال به تو فرزندان و نسلی عنایت می کند که در طول تاریخ برقرار خواهند ماند ، فخر رازی در ادامه می نویسد : « ببینید که چقدر انسان های باکرامت از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به شهادت رسیده اند ، اما جهان همچنان شاهد رونق فزاینده آنان است ، آنگاه بنگر که چه تعداد از بزرگان ، همانند امام باقر ، امام صادق ، امام کاظم ، امام رضا علیهم السلام و ... در میان آنها جلوه گر شده است ».

حال امروز در خاندان علمی موحد ابطحی شاهد آن هستیم که کوثر جوشان پیامبر خاتم پس از قرن ها هنوز می جوشد و هر از چند گاهی کوکبی منیر از میان آنها می درخشد و علمدار یکی از شعائر الهی می گردند .

این نتیجه همت والا و توسلات متعدد آن ابر مرد تاریخ شیعه در عصر خویش است که می فرمود : در تعلیم و تربیت فرزندانم بسیار کوشیدم . با توجه به جوّ خفقان آن روزگار و حکومت رضاخان و انزوای شدید روحانیت ، سعی کردم فرزندانم به

ص: 33

سلک روحانیت در آیند و خدمتگزار اسلام باشند . به لطف الهی موفق شدم و فرزندانم همه اهل فضل و از خدمتگزاران اسلام هستند .

فرزندان ذکور مرحوم آیه الله آقای حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره عبارتند از حضرات آیات و حجج اسلام :

1. مرحوم حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره

حضرت آیه الله العظمی علامه آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره ، از فقیهان ، محدثان و عالمان سخت کوش ، متتبع ، متعبد و پر تلاش جهان اسلام بود که آثار و مآثر علمی و اجتماعی بسیار و مفاخر جاودان از خود به یادگار نهاد و از احیایان کم نظیر تراث اهل بیت علیهم السلام از جمله عوالم العلوم علامه بحرانی و صحائف اهل بیت علیهم السلام بود . (1)

2. مرحوم حاج سید محمد علی موحد ابطحی قدس سره

آن فقید سعید، فقیه بزرگ دینی و مدافع حریم اهل بیت علیهم السلام ، عالمی متخصص در معارف الهی و علوم اسلامی ، و مجتهدی آگاه ، و مؤلفی کثیر التالیف ، و محقق و متتبعی خستگی ناپذیر بود .

3. حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره

4. حاج سید محمد رضا موحد ابطحی دام ظلّه

ایشان ، از علمای اهل معنا و با اخلاص و داماد مکرم آیه الله العظمی موسوی گلپایگانی قدس سره می باشند که در عشق و ارادت به حضرات معصومین علیهم السلام سر از پا نشناخته و همواره از شعائر آل الله دفاع و پشتیبانی می نمایند . شخصیت ارزشمندی که نورانیت ، صفا ، دلدادگی شان به ثقلین زبانزد بوده و همواره ضعفا و ایتم آل محمد علیهم السلام را دستگیری می نمایند .

ص: 34

1- . جهت آشنایی با شخصیت کم نظیر آن فقیه جامع به کتاب در شعاع جانان مراجعه فرمایید .

5. حاج سید حجت موحد ابطحی دام ظلّه

آن عالم ربانی و فداکار فاطمی، عالمی کوشا، ولاتی و از شخصیت های برجسته علمی و معنوی و از اساتید و بزرگان حوزه علمیه اصفهان به شمار می روند که داماد معظم مرحوم آیه الله آقای حاج سید احمد فقیه امامی قدس سره می باشند .

ایشان از احیاگران شعائر علویه، فاطمیه، حسینیّه، مهدویه بوده که سالیان متمادی با اخلاص و الهامات و کرامات فاطمی، علمدار نهضت مقدسه فاطمیه در ایران اسلامی شده اند و هر ساله با برپایی بزرگترین کاروان فاطمیون، غربت و مظلومیت مادر مظلومه شیعه را در شهرها و روستاهای ایران فریاد می زنند و از منادیان و احیاگران شعائرالله در این زمان بشمار می روند. از این عالم ولایی آثارگران بهایی در حوزه تحقیق و تألیف و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام نیز به ثبت رسیده است.

6. مرحوم حاج سید حسن موحد ابطحی قدس سره

آن عالم فقید از فضیلتی حوزه علمیه اصفهان به شمار می رفتند که در ارادت خالصانه به ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام، میراث دار جد امجد خویش، مرحوم صاحب مکیال و در اخلاق صالحه دنباله روی والد ماجد خود مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی علیه الرحمة و الرضوان بودند.

7. حاج سید حسین موحد ابطحی دام ظلّه

این دانشمند معظم و خطیب توانا، از علما و اساتید حوزه علمیه اصفهان به شمار می روند که با وجود بهره وری علمی و سجایای والای اخلاقی، همواره با خضوع و خشوع و متانت، پای بند به ترویج اساس مذهب تشیع در عرصه منبر و محراب می باشند. سلسله دروس حوزوی، اعتقادی و تفسیری ایشان سالیانی است که در حوزه علمیه اصفهان برقرار است. ایشان در امور مربوط به تقلین و احیا و ترویج

شعائر الله موفق و فعال ، و در تکفل امور مردم و شیعیان و موالیان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام خدوم و پی گیر می باشند .

مؤلف متتبع کتاب گنجینه دانشمندان در موسوعه ماندگار خود که تاریخ چاپ آن، بیست و هفتم شعبان المعظم 1399 قمری برابر با 1358 شمسی می باشد ، در شرح حالات مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی ، اولاد ذکور آن فقید سعید را اینگونه می نویسد :

فرزندان برومند ایشان همه از فضلا و مبرزین حوزه های علمیّه قم و نجف و اصفهان به شمار می روند بدین ترتیب :

1. آیه الله محقق حاج سید محمد باقر که از اساتید حوزه علمیه قم می باشند .

2. آیه الله محقق آقای حاج سید محمد علی که از اساتید حوزه علمیه نجف و اصفهان می باشند .

3. حجة الاسلام حاج سید علی که از افاضل حوزه علمیه قم می باشند .

4. حجة الاسلام حاج سید محمد رضا ؛ داماد معظم آیه الله العظمی آقای گلپایگانی قدس سره

5. حجة الاسلام حاج آقا حجت از افاضل حوزه اصفهان

6. رکن الاسلام حسن آقا از فضلاى حوزه علمیه اصفهان

7. رکن الاسلام حسین آقا از فضلاى حوزه علمیه قم .

مخدرات بیت النور موحد ابطحی

بانوان عقیقه بیت نور فقاها و معنویت موحد ابطحی، به برکت تربیتی صحیح و بر آمده از فرهنگ غنی اهل بیت علیهم السلام ، همگی از مخدرات عقیقه و مجلله و دلباخته اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بوده و با الگو پذیری از پدر و مادر و برادران ارزشمند خویش هر کدام از آنها عارفه ای زاهده و عالمه ای پارسا در عصر خویش

شده اند و از این رو به هدف و مسئولیت مهم و خطیر خود در خانه همت گمارده و به تربیت فرزندان و سربازان امام زمان ارواحنفاذاه پرداختند . داماد های مرحوم آیه الله سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره نیز عبارتند از : مرحوم حسن یزدی ، سید عبدالوهاب طالقانی ، مرحوم سید کمال میرلوحی ، مرحوم سید رضا موسوی و علیرضا بلیغ .

شجره نامه خاندان بزرگ موحد ابطحی

کتاب نفیس گنجینه دانشمندان در جلد 8، صفحه 245 در تشریح خاندان علمی موحد ابطحی می نویسد : این شجره طیبه ، نسبشان به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام می رسد و از سادات جلیل القدر موسوی محسوب می شوند . سیادت این سلسله جلیله مورد گواهی علمای بزرگ و مشاهیر سادات موسوی مانند صاحب روضات می باشد و این بزرگواران عبارتند از : (سید محمد باقر) بن سید مرتضی بن سید علی بن سید محمد علی بن سید محمد حسین بن سید میر محمد تقی از اجله بیوت سادات موسوی در اصفهان .

مرحوم صاحب مکیال المکارم، جدّ مادری

جدّ مادری مرحوم آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره ، عالم متقی و پارسا ، آیه الله شهید ، سید محمد تقی موسوی اصفهانی اعلی الله مقامه الشریف ، معروف به « فقیه احمدآبادی »⁽¹⁾ مؤلف کتاب گرانسنگ مکیال المکارم ، می باشد که در سال 1301 قمری در اصفهان ، در خانواده ای اهل علم و فضیلت که نسل اندر نسل از عالمان دین بودند ، به دنیا آمد و در سال 1348 قمری ، در سن 47 سالگی به توطئه یکی از سران فرقه ضاله بهائیت اصفهان با خوراندن سم به ایشان به فیض شهادت رسید .

ص: 37

1- . جهت آشنایی بیشتر با صاحب مکیال المکارم به کتاب آشنایی با زندگی و شخصیت و شهادت دلباخته امام زمان ارواحنفاذاه، آیه الله فقیه احمد آبادی ، تالیف آیه الله میر سید حجت موحد ابطحی مراجعه فرمایید .

مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم عج الله تعالی فرجه الشریف

مکیال المکارم ، به معنای « معیار سنجش خوبی ها » است و نام کتابی است که به سفارش خود حضرت مهدی ارواحنا له الفداء نوشته شده است . در این کتاب به تفصیل راجع به فواید دعا برای فرج سخن گفته شده است .

نویسنده این کتاب گرانقدر ، ماجرای نوشتن مکیال المکارم را چنین تعریف می کند : ... تا این که کسی را در خواب دیدم که با قلم و سخن نتوان او را توصیف نمود ، یعنی مولا و حبیب دل شکسته ام و امامی که در انتظارش هستیم . او را در خواب دیدم که با بیانی روح انگیز چنین فرمود : « این کتاب را بنویس و عربی هم بنویس و نام او را بگذار : مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم ». همچون تشنه ای از خواب بیدار و در پی اطاعت امرش شدم ... او در ادامه تعریف می کند که به دلیل مشکلات زندگی تا مدتی نمی تواند کتاب را بنویسد تا اینکه در سفر حج ، مبتلا به وبا می شود و با خدا عهد می بندد که اگر خوب شود ، کتاب را به اتمام برساند . پس از اتمام سفر و رهایی از بند بیماری ، کتاب « مکیال المکارم » را نوشت و به قول خودش این کتاب : « همچون بهشتی بالا بلند و عالی مرتبه است و ثمراتش در دسترس و نزدیک به فهم ، هیچ سخن بیهوده ای از آن نشنوی ، در آن چشمه ها (ی علم و معرفت) جاری است » .

مرجع عظیم الشأن شیعه ، حضرت آیه الله العظمی صافی گلپایگانی قدس سره که خود صاحب کتاب بی بدیل « منتخب الأثر » است و درک دقیقی از آثار مهدوی دارد ، در تجلیل از این کتاب نفیس فرموده اند : این کتاب یکی از بهترین و جامع ترین کتاب ها در موضوع مهدویت است که در نوع خود بی نظیر و نسخه بهترین ارتباط با ناحیه مقدسه و دعا برای آن حضرت است و سزاوار است همه از آن استفاده کنند و امام شناسی خود را به وسیله آن تکمیل کنند .

مرحوم آية الله العظمى حاج سيد محمد باقر موحد ابطحي قدس سره نیز درباره این تألیف گرانسنگ و اثر بی نظیر جد بزرگوارشان می نویسند: مکیال المکارم کتابی است بدیع که در باب فوائد دعا برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به امر مبارک آن حضرت به رشته تحریر در آمده و به راستی در موضوع خود بی نظیر است. مؤلف آن را با وسعت تتبع و اجتهاد و پی گیری خویش گرد آوری نموده و به حق توفیق غیبی یار او بوده تا توانسته چنین اثر نفیس و گرانبهایی را از خود به یادگار بگذارد و بدون تردید هر پژوهشگری که بخواهد در این زمینه تحقیقی داشته باشد از آن بی نیاز نیست. گرچه مؤلف آن را در موضوع دعا و فوائد دعا برای امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جمع آوری کرده، ولی باید گفت مجموعه بزرگی از معارف است در همه جهاتی که ارتباطی با امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد و خواننده محترم می تواند آنچه از شئون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می جوید در آن بیابد. و هر کس اندکی تأمل در این کتاب شریف نماید به حقیقت آنچه مؤلف در سبب تألیف کتابش نوشته پی می برد و اعتراف می کند که مدد های غیبی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شامل حال مؤلف بوده و او را در این تألیف یاری نموده است. (1)

خاندانی با ریشه خوب، پاک و عمیق

حضرت آية الله آقای حاج سيد محمد رضا موحد ابطحي دام ظلّه، داماد مکرم مرحوم آية الله العظمى حاج سيد محمد رضا موسوی گلپایگانی قدس سره نقل فرمودند:

روز بیستم جمادی الثانیه 1424 قمری، در سالروز میلاد مقدس حضرت زهرا علیها السلام، بعد از نماز ظهر و عصر، صدای تلفن منزل بلند شد، وقتی گوشی را برداشتم متوجه شدم که حضرت آية الله العظمى آقای حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی قدس سره، از مشهد مقدس حضرت رضا علیه السلام تلفن می زنند، و شخصاً گوشی تلفن را در دست

ص: 39

داشتند ، و فرمودند : « امروز در حرم مطهر به نظرم رسید برای شما و اخوان مکرمتان و بالأخص ، آیه الله آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی زیارت کنم ... » .

پس از مراجعت آیه الله العظمی صافی گلپایگانی قدس سره از مشهد مقدس ، به دیدار ایشان رفتم ، و آن بزرگوار فرمودند : « پس از آن زیارتی که در روز میلاد مقدس حضرت زهرا علیها السلام برای شما انجام دادم ، روز دیگری مشرف شدم به حرم مطهر ، و در آنجا مُلهم شدم که برای زیارت نمودن برای آقایان ، اول باید به ریشه خوب و پاک و عمیق آنها توجه نمود ، و باید اولاً به آیه الله آقا سید محمد تقی فقیه احمد آبادی و آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی ، و همسرشان ، بنت آیه الله فقیه احمد آبادی توجه نمود ، و برای آنها زیارت انجام داد ، و بعد برای فرزندان آنها ، و سپس ادامه دادند : « در روز دوم نیز ، زیارت دیگری به نیابت از شماها ، ولی به شکل جدید ، و با توجه به الهامی که حاصل شده بود انجام دادم » .⁽¹⁾

ص: 40

فصل دوّم : در وادی علم و فقاہت

(از آغاز تحصیل علوم دینی تا درخشش در آسمان تشیّع)

ص: 41

محقق ولایی، حضرت آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره در خانه ای دیده به جهان گشود که سرمایه ای به نام علم و معرفت و هم نشینانی از فداییان قرآن و عترت در آن حضور داشتند.

سال های اوّل عمر شریفش را با روضه های پدر و اشک ها و عریضه های مادر به امام زمان ارواحنا فدا سپری می کرد و نیمه های شب با صدای لرزان «یا صاحب الزمان»، اهل خانه از خواب بیدار می شد و پدر و مادر نمونه (1) را همراهی می کرد.

او خو گرفته بود به روضه های جانسوز حاج آقا مرتضی ... آن زمانی که از غربت طفل رباب سخن می گفت! از تشنگی و آب و از العطش ارباب! از کوچکترین علی آل علی!.

مادر پریشان خاطر می شد و صدای «یا راحم الطفل الصغیر» او دل های اهل خانه را می لرزاند ... آن زمان که پدر آرام آرام می گفت: یا علی اصغر! جرمت چه بود که با آن کوچکی، بزرگترین سندی مظلومیت پدر شدی؟ مگر شش ماهت نبود؟! چرا تیر سه شعبه؟! چرا گلوی دریده؟! چرا قطره قطره ...؟! چرا تکه تکه ...؟! آنجا بود که پدر دیگر روضه را قطع می کرد و آه می کشید و فریاد می زد: یا راحم الشیخ الکبیر! خدایا! حسین را بیش از این پیش رباب خجالت زده نکن! ... خودت به دادش برس!.

آقا سید علی می شنید این روضه ها و این گریه ها را؛ می شنید دعاهای مادر را پس از روضه های پدر که می گفت: خدایا! من مادرم! می دانم چشم انتظاری فرزند چقدر سخت است! الهی! به چشم انتظاری رباب برای دیدن فرزندش علی اصغر علیه السلام، چشم های شرمسارمان را به دیدار منتقم غریب روشن کن و فرجش را برسان!.

ص: 42

1- اشاره به کتاب پدر و مادر نمونه، اثر ماندگار آیه الله آقای حاج سید حجت موحد ابطحی دام ظلّه.

چهل روضه حضرت علی اصغر علیه السلام

آسید علی آقا در دوران کودکی اش شاهد بود که روزی از پدر دعوت نمودند که می خواهیم چهل روز روضه حضرت علی اصغر علیه السلام برپا کنیم و شما بیاید و روضه خوان این محفل باشید . پدر هم با قلب بریانش برای شش ماهه ابی عبدالله ، چهل روز، هر روز روضه ای از آن باب الحوائج می خواند و زمین و آسمان را در تحیر غربت و مظلومیت شاهزاده علی اصغر ارواحنا فداه مبهوت و گریان می کرد .

گرچه باشد غفلت من بی حساب هست امید دلم طفل رباب

نام این باب الحوائج دلرباست دستهای کوچکش مشکل گشاست

همه اهل این خانه خادم و فدایی حضرت علی اصغر ارواحنا فداه هستند(1)،

آخرین روضه قبل از دفن پدر روضه طفل رباب و حکایت تلخ شرمندگی حضرت ارباب بود و همچنین نقل می کنند(2) که برادر گرانقدرش علامه حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره نیز آخرین روضه ای که در بیمارستان خواند و پس از آن به دیار باقی شتافت روضه حضرت علی اصغر علیه السلام بود .

همواره حدیث هجر دلبر می گفت *** یک عمر فقط ز آل حیدر می گفت

گفتند در آخرین نفس هایش هم **** از حنجر خشک علی اصغر می گفت(3)

فضای خانه ای که مترنم به باران رحمت و اسعه حسینی بود و انتظار ولی خدا را لحظه شماری می کرد ، قلب سلیمی را برای سید علی آقا به ارمغان آورد که نهال

ص: 43

1- . آیه الله آقای حاج سید حجت موحد ابطحی دام ظلّه در بیان توسل به حضرت علی اصغر علیه السلام می فرمودند: هر وقت حاجت مهمی دارید ، دو رکعت نماز بخوانید و خدا را به خون پاک حضرت علی اصغر علیه السلام قسم بدهید ، « اللهم أنشدک بدم المظلوم » . ان شاء الله دستگیری می کنند .

2- . به نقل از جناب آقای امیر مصطفوی .

3- . اثر طبع فاضل مکرم و مادح اهل بیت علیهم السلام ، حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالحسین نظری خادم الشریعه دام عزه .

زندگی اش را به نور ولایت بارور و نگاهش را تعمق دیگری می بخشید و از کودکی گمشده اشک های آن بیت النور را جستجو می کرد .
آری ! این میراث فاطمی است که در دفاع از امام زمان ارواحنفا، چنین مدافعان حریم ولایت تربیت می کند . کاش ما نیز در عمل سپر
بلای امام زمانمان باشیم !.

قدم در وادی نور

آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره با توکل به خدای متعال و توسل به حضرات معصومین علیهم السلام ، خصوصاً حضرت مولی
الموالی امیرالمؤمنین ارواحنفا، به تحصیل علوم دینی پرداخت و در جوار بارگاه نورانی حضرت امامزاده اسماعیل علیه السلام به غواصی
علوم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می اندیشید .

او به همراه برادران فاضل و نورانی اش که هر کدام ریزه خوار با کفایت سفره با کرامت امام صادق علیه السلام بودند

، از همان دوران کودکی طبق سیره تربیتی پدر و مادری امام زمانی بر عبادات و توسلات به ائمه اطهار علیهم السلام ،

خصوصاً التجا به درگاه با عظمت حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان ارواحنفا، اهتمام ویژه ای داشتند و ریشه های علمی و معرفتی شان
مستحکم و در مسیر کمال و تعالی در تعلیم و تعلم در حرکت بودند .

رشد یافتن در خانه ای که مترنم به عطر عترت بود ، اسباب تکامل را برای آقا سید علی فراهم آورد که از همان دوران کودکی در وادی ثقلین
قدم برداشته و تلاش و همت غیرقابل وصفش بر همگان مشهود بود .

لباس سربازی امام زمان ارواحنفا

وی از همان دوران طفولیت با تبعیت از امر پدر از حضور در مدارس تحت سلطه ی طاغوت عصر سر باز زد و معارف اهل بیت عصمت
و طهارت علیهم السلام را تحت اشراف آن فقیه ولایی آغاز نمود .

آیه الله سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره که در غیرت دینی زبانزد عصر خود بود، در اوائل طلبگی آقا سید علی، او را به لباس مقدس روحانیت و سربازی صاحب الامر ارواحناده مزین و مفتخر فرمود؛ آن هم در زمان پهلوی که عمامه ها را بر می داشتند و چادر از سر زنان می کشیدند و روضه خواندن و سایر مظاهر دینی ممنوع بودند. (1)

منقول است روزی یکی از مأموران رضا شاه که درجه دار بود، سر راه آیه الله سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره قرار گرفت، سلام کرد و گفت: سید! رضا شاه عمامه ها را بر می دارد، تو بر سر این بچه عمامه گذاشتی؟! الان چه وقت این کارهاست؟! پدرم با لبخندی گفتند: او کارش را می کند و ما هم کار خودمان را می کنیم، او بردارد، ما به جای آن می گذاریم. (2)

آری! او غربت مولایش امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف را با تمام وجودش درک کرده بود، از این رو اسماعیل های خود را به مسلخ کشانیده بود و آنها را فدایی امام زمان ارواحناده تربیت کرد و به غلامی آستان مبارکش مفتخرشان ساخت.

آغاز حرکت علمی از حوزه علمیه اصفهان

آن محقق ولایی، در ابتدای دوران طلبگی شان شخصیت های بزرگ فقهی و مجتهدان عالی مقداری را درک نموده و از خرمن وجودی شان بهره های فراوانی برده است. از جمله آن اساتید می توان از آیه الله آقای حاج شیخ مجد الدین (مجد العلماء) قدس سره، عالم فاضل و زاهد، علامه حاج میرزا محمد طیب زاده قدس سره، عالم فاضل، زاهد متقی، حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی قدس سره و ... نام برد که آنان از مفاخر و ذخائر علمی و معنوی عصر خویش بوده و از بلند آوازان تاریخ اسلام و اصفهان به شمار می روند.

ص: 45

1- . شجره طیبه، ص 7.

2- . شب های بهار، به نقل از علامه حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره، ص 4.

وی دروس مقدمات تا پایان شرح لمعه و همچنین علم طب را نزد پدر بزرگوارشان بهره مند گشت و همزمان که در محضر پدر تلمذ و بر تحصیل علوم اهل بیت علیهم السلام همت می گمارد، محضر بزرگان علمی دیار علم و حکمت اصفهان را نیز درک می نمود تا بتواند از ابتدا گام های خود را در مسیر علم و کمال محکم برداشته و پایه های علمی و عملی خود را با آموزه های اعظم علمی آن دیار، استوارتر نماید.

اساتید

آیه الله علامه میرزا محمد طیب زاده قدس سره

یکی از اساتید ارزشمند محقق ولایی آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره، مرحوم آیه الله علامه میرزا محمد طیب زاده قدس سره بود. وی عالمی زاهد و فقیهی عادل و جامع، از علمای اخیار و فضلالی ابرار و مورد وثوق و احترام عموم طبقات به ویژه علما و طلاب بود. آن فقیه گرانقدر از سال 1337 در مسجد کمر زرین واقع در محله مسجد جامع امامت نمود و نماز جماعت ایشان از حیث معنویت از جماعات ممتاز اصفهان به شمار می رفت. پدر ایشان مرحوم ناصر حکمت از مدرّسان طب قدیم، طبیبی مسیحا دم و در زهد و تقوا زبانزد خاص و عام بود.

آیه الله آقا سید علی موحد ابطحی قدس سره، شرایع را نزد آن علامه دوران فرا گرفت و بهره های فراوانی از انقاس مسیحایی آن نادره روزگار برد.

آیه الله حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی قدس سره

از دیگر اساتید والامقام حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره، مرحوم محمد حسن بن محمد علی عالم نجف آبادی اصفهانی، عالم فاضل زاهد متقی در اصفهان می باشد.

آیه الله حاج شیخ محمد حسن عالم نجف آبادی قدس سره، در حدود سال 1287 ق در نجف آباد متولد شد. در سنین نوجوانی در مدرسه علمیه ذوالفقار اصفهان سکونت گزیده و به تحصیل مشغول شد. وی در اصفهان نزد میرزا بدیع درب امامی، آخوند

ملاً محمد حسین کرمانی ، آفاسید محمد باقر در چه ای ، میر محمد صادق خاتون آبادی ، آخوند کاشی ، جهانگیر خان قشقائی و دیگران به کسب فیض پرداخت . سپس به نجف اشرف عزیمت نموده و نزد علمای عالی قدر آنجا خصوصاً آخوند خراسانی و آفا سید محمد کاظم طباطبائی یزدی کسب فیض نمود . وی در آنجا از راه استتساخ کتب امرار معاش می نمود . پس از بازگشت به اصفهان با دختر حاج میرزا عبدالرزاق موسوی احمد آبادی ازدواج نمود و همچنین به درس میر محمد صادق مدرس خاتون آبادی نیز حاضر شد . پس از آن تا آخر عمر در مدرسه جدّه بزرگ اصفهان به تدریس مشغول شد . وی سال ها به تدریس شرح لمعه ، معالم ، قوانین ، رسائل و مکاسب مشغول بود .

آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره رسائل را نزد این عالم ربانی فرا گرفت و از خرمن درسی این عالم نورانی خوشه چینی کرد .

خاطره ای از استاد

کسانی که با آیه الله عالم نجف آبادی معاشرت داشته اند خاطرات جالب و آموزنده ای از آن مرحوم به یاد دارند ؛ چنانکه یکی از شاگردان وی نقل می کرد که ایشان می فرمودند : « ایمان من ایمانی است وجدانی نه استدلالی » و در این زمینه آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره یک نمونه نقل کردند :

« پس از فراغت از تحصیل در اصفهان ، جهت ادامه دروس قصد تشرف به نجف اشرف را داشتم ؛ ولی به دلیل فوت پدر و عدم بضاعت مالی ، مادرم با این امر مخالفت کرد و مرا دعوت به ترک تحصیل و انتخاب پیشه ای جهت امرار معاش کرد ، من برای حل این مشکل با توسل به امام حسین علیه السلام مبادرت به خواندن ختم زیارت عاشورا کردم و در پایان ، مادرم به ادامه تحصیل و رفتن به نجف اشرف راضی شدند ، چون پدرم در عالم رؤیا به ایشان تکلیف کرده بودند که مانع تحصیل من نشوند » .

آیه الله آقای حاج شیخ مجد الدین (مجد العلماء) نجفی قدس سره

یکی از ستارگان پرفروغ آسمان تشیع که از اساتید ارزشمند محقق ولایی، سید علی موحد ابطحی بود، مرحوم آیه الله مجد العلماء قدس سره می باشد.

دانشمند محترم آقای حاج شیخ محمد رازی در گنجینه دانشمندان می نویسد: حضرت آیه الله آقای حاج شیخ مجدالدین نجفی فرزند ارشد مرحوم آیه الله العظمی ابوالمجد آقا شیخ محمد رضا نجفی ابن عالم ربانی شیخ محمد حسین ابن علامه محقق حاج شیخ محمد باقر طاب ثراهم معروف به مجد العلماء...؛ در ماه شوال 1394 هجری قمری که برای امری به اصفهان رفتم در مسجد نو موفق به زیارتشان شده و از سیمای ملکوتی آن جناب مستنیر گردیدم. آثار و علائم ربانین را از چهره منیرش مشاهده کردم و باید همینطور باشند؛ زیرا فرزند ارجمند آیه الله العظمی آقا رضا که مجسمه علم و کمال و حفید عالم ربانی و آیت سبحانی حاج شیخ محمد حسین نجفی هستند که دارای کرامات و مقامات معنوی بوده و مرحوم آیه الله حاج آقا نور الله اصفهانی کتابی در شرح زندگانی آن بزرگوار و حالاتش نوشته است.

علامه محقق، آیه الله آقای حاج میر سید حجت موحد ابطحی دام ظلّه می نویسد: «از آثار ارزشمند شخصیت آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی فرزند برومندشان مرحوم آیه الله حاج شیخ مجد الدین نجفی ملقب به مجد العلماء متوفی 1403 قمری می باشد که مجتهدی مدرس و عالمی متواضع بودند و از علماء جلیل القدر در حوزه علمیّه اصفهان به شمار می رفتند و در مدرسه مرحوم حاج شیخ محمد علی و نیز مسجد نو بازار در رشته های فقه و اصول و تفسیر و ریاضی و هیئت تدریس می نمودند و شخصیتی جامع کمالات به شمار می رفتند».

آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره ، علوم پایه و کلیدی علوم طبیعی و علوم ریاضی و هیأت را نزد مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج شیخ مجد الدین (مجد العلماء) نجفی قدس سره فراگرفت و همواره مورد عنایت آن مرد بزرگ قرار می گرفت .

خاطره ای به نقل از استاد (آیه الله مجد العلماء قدس سره)

محقق ولایی در کتاب زیارت عاشورا و آثار شگفت در خاطره ای به نقل از آیه الله مجد العلماء قدس سره نقل می نمود : پدرم، مرحوم حاج شیخ محمد رضا فرزند آیه الله شیخ محمد حسین مسجد شاهی در مسجد نوبازار درس می گفتند و بعد از تمام شدن درس ، اقامه نماز جماعت می فرمودند . روزی یکی از شاگردان ایشان در درس بر پدرم اشکالی گرفت . پدرم با بیان فصیح و زیبایشان و با استناد به اشعار عربی ، به اشکال آن شاگرد جواب گفتند . جلسه درس آن روز خیلی طول کشید و همه شاگردان از حافظه و قوت استدلال پدرم تعجب کرده بودند . پس از اتمام درس به همراه ایشان و تنی چند از شاگردان به سوی مسجد حرکت کردیم . در راه یکی از شاگردان از پدرم پرسید : شما این ذهن جوشان و فعال و استعداد چشمگیر و حاضر جوابی بی نظیر را از چه راهی کسب کرده اید ؟ ایشان در جواب فرمودند : من تمام اینها را مدیون مداومت بر زیارت عاشورا هستم و با مداومت بر این زیارت ، به این مقامات علمی رسیده ام .

هجرت علمی به شهر مقدس قم

سال 1379 قمری برابر با (1339 شمسی) سال مبارکی بود که تاریخ آن را بر صفحات زرین زندگی اش ثبت کرد که سربازی با اخلاص از بیت علم و نورانیت ، از تبار فداییان قرآن و عترت ، به همجواری با حضرت فاطمه معصومه علیها السلام مفتخر گشت و فصل جدیدی را در پناه کریمه اهل بیت علیهم السلام آغاز نمود .

محقق ولایی قدس سره که پایه های علمی و معنوی خود را در سرزمین فخر شیعه، مرحوم علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه و در محضر اعظم علمی حوزه علمیه کهن اصفهان محکم نموده بود، در عنفوان جوانی به عش آل محمد علیهم السلام، شهر علم و فقاہت رهسپار و به حریم نورانی کوثر ثانی، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام پناهنده گشت و به تلمذ در محضر اکابر علمی عصر خویش، در حوزه علمیه قم نائل گشت.

او در مدرسه حجّتیّه قم از مدارسی که اعظم بسیاری از جمله اخوان فاضلش را در خود داشت، ساکن شد.

ابطحی های نورانی در مدرسه حجّتیّه

دوران حجره نشینی آیه الله سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره، دوران پر معنویتی بود که در آن زمان بسیاری از چهره های علمی عصر، در کنار هم بودند و روزهای شیرین و ماندگاری را سپری می کردند.

مقام معظم رهبری دام ظلّه در دیدار با بیت علمی موحد ابطحی به زمان حضور خود در مدرسه حجّتیّه اشاره کردند که با اخوان ابطحی (حاج سید علی آقا و حاج سید آقا رضا) در آنجا آشنا شدند و این دو نفر را به عنوان برادران آقا سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره می شناختند. (1)

آیه الله العظمی علوی گرگانی قدس سره می فرمودند: ما در زمانی که در حوزه علمیه حجّتیّه قم بودیم در کنار حجره آیه الله ابطحی حجره داشتیم و مکرر به آن حجره رفت و آمد داشتیم. (2)

آیه الله مهدوی کنی قدس سره نیز می فرمودند: در مدرسه حجّتیّه وقتی که وارد شدم، حجره بنده در کنار حجره آیه الله ابطحی بود.

ص: 50

1- . اقتباسی از در شعاع جانان .

2- . اقتباسی از در شعاع جانان .

آن محقق ولایی درباره دوران حجره نشینی شان در حوزه علمیه حجتیه قم نقل می نمود: در زمانی که در حوزه علمیه حجتیه بودیم، از برخی از فضلا از جمله آیه الله مهدوی کنی قدس سره دعوت می نمودیم تا در جلسه توستلی که در حجره خود برپا می نمودیم منبر بروند و توسلی داشته باشند.

ذکر توسل هایی از جنس روضه های پدر و مادر که از کودکی آنها را برگرد حریم عترت دور هم جمع می کرد و اشک از چشم های آنها چون چشمه زلال قلب پر جوش و خروششان ساری و جاری بود و همواره به تقرّب به ولی دوران امام زمان ارواحنفاده می اندیشیدند.

آن قدر حال و هوای فرزندان حاج آقا مرتضی ابطحی در توسلات دوران حجره نشینی شان خاص و پر معنویت بود که آیه الله مهدوی کنی قدس سره پس از سال ها که از آن دوران سخن می گفتند، با شور و شغف خاصی خاطرات آن روزها را به حلاوت بیان نموده و می فرمودند: ما در کنار حجره ایشان حجره داشتیم و حقیقتاً ابطحی های مدرسه حجتیه نور بودند.

آیه الله آقای حاج شیخ محمد باقر مهدوی کنی دام ظلّه نیز سخنان ایشان را تأیید و می فرمودند: این چهار برادر، چهار نور در آن مدرسه مبارکه بودند.

قدم های استوار آقا سید علی

آیه الله آقا سید علی موحد ابطحی قدس سره بر آن بود که می بایست قدم های استواری برای ترویج مذهب و معارف دین برداشت و زیبایی های آن را نشر و جامعه مستضعف از فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام را به جامعه فهیم و ولایی رشد و تعالی بخشید، از اینرو تمام وجودش را وقف و صرف بهره مندی از بزرگان دین کرد تا با خوشه چینی از خرمن علم و معنویتشان، ایتم آل محمد علیهم السلام را با چراغ قلمش، راهنمای امنی باشد.

محقق ولایی، آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره در بدو ورودش در شهر مقدس قم، مکاسب را نزد برادر ولایی اش، آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره آغاز و جلد اول کفایه را نزد آیه الله العظمی شیخ محمد مجاهدی تبریزی قدس سره و جلد دوم آن را نزد آیه الله العظمی حاج سید محمدباقر سلطانی طباطبایی قدس سره بهره مند شد.

استفاده از محضر نورانی بزرگانی چون علامه حاج سید محمدباقر موحد ابطحی قدس سره راه را بر او روشن تر و افق اهداف عالی اش را مستحکم تر نمود و سید جوان ابطحی را به سر منزل مقصود نزدیک می کرد.

دروس خارج

محقق ولایی، آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره دوره عالی فقه و اصول را در درس خارج اصول امام خمینی قدس سره و آیه الله العظمی حاج شیخ محمد علی اراکی قدس سره و خارج فقه را نزد حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره (حدود 15 سال) و آیه الله العظمی شریعتمداری قدس سره (حدود 8 سال) آیه الله العظمی حاج سید محمد داماد قدس سره (حدود 8 سال) و برادر ارزشمند خویش، آیه الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره آموخت.

ایشان با شرکت در دروس اساتید و آیات عظام و با نشان دادن نبوغ علمی خویش، همواره مورد توجه و عنایت اساتید بزرگ قرار گرفت و اجازاتی نیز از آن دوران به یادگار مانده است.

اشراف و تسلط آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره بر مباحث اساتید قابل تأمل بود و همدرسی های وی بر این امر گواه می دهند که او در دوران تحصیل تمام وقتشان را صرف مطالعات عمیق و دقیق می کرد.

زحمت و تلاش در تحصیل و ترویج

مرجع عالیقدر، آیه الله العظمی آقای حاج شیخ علی کریمی جهرمی دام ظلّه می فرمودند: به یاد دارم آن زمانی که در درس آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره شرکت می کردم، ایشان خیلی با جدّ و با توجه در درس حضور می یافتند، بدون اینکه ذره ای در درس سهل انگاری داشته باشند.

انصافاً من هر چه با ایشان بودم، جز کارهای علمی خود، زحمت و تحصیل و نوشتن کتاب و ترویج دین و امثال ذلک، از ایشان چیزی ندیدم و برای یک انسان در این شرایط فعلی که خیلی ها اوقات خود را صرف مطالب فنا پذیر و بی ارزش می کنند، در اینطور شرایط کسی اینطور دامن همت به کمر بزند و تلاش بکند برای مطالب شرعی و ولایی و امثال ذلک، این خیلی مهم است. ایشان خیلی زحمت کشیدند. (1)

مستشکل دروس اعظم حوزه قم، اصفهان، نجف اشرف

بزرگان حوزه های علمیّه، آیه الله سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره را از شاگردان ممتاز و از مستشکلین قوی مطرح دروس اعظم قم می دانستند.

عموماً در دروس اساتید اشکال های دقیقی می کردند و زمانی که در اصفهان در محضر علمی حضرات آیات: خراسانی، خادمی و بهبهانی و ... حضور می یافتند به عنوان مستشکل مطرح بودند. زمانی که برای زیارت به عتبات مشرف می شدند، در دروس برخی از اعظام نجف اشرف شرکت نموده و در جلسات اندکی که در آن حضور می یافتند، با کمال ادب و جامعیت علمی بر مسائل مطروحه اشکال و به خوبی به تشریح آن می پرداختند.

ص: 53

1- .بیانات در دیدار با معظم له .

عنايت ویژه آية الله العظمی گلپایگانی قدس سره به آية الله سيد علی موحد ابطحي قدس سره

يکي از همدرسي های آية الله سيد علی موحد ابطحي قدس سره نقل می کرد، ما با ایشان در درس آية الله العظمی آقای حاج سيد محمد رضا موسوی گلپایگانی قدس سره شرکت می کردیم و من خیلی ممارست به دروس داشتم. آية الله العظمی گلپایگانی قدس سره اجازه اشکال در درس به کسی نمی دادند، مگر به آية الله سيد علی آقا و چند نفر از فضلاي ديگر.

روزي به آية الله العظمی گلپایگانی شکایت کردم که آقا! ما هم شاگرد شما هستیم. شما اصلاً اعتنایی به اشکالات ما نمی کنید، ولی این آقایان اشکال می کنند، دقیق گوش می دهید!. آية الله العظمی گلپایگانی فرمودند: اینها امتحانشان را قبلاً پس داده اند. **(1)**

مستشکل درس خارج فقه مرحوم آية الله العظمی بهبهانی

مستشکل درس خارج فقه مرحوم آية الله العظمی بهبهانی **(2)**

آقای مهندس سيد محمود هاشمی فرزند مرحوم آية الله حاج سيد اسماعیل هاشمی قدس سره نقل می کنند: والد بزرگوار ما، که خود از مدرسین حوزه علمیه اصفهان و در زمره اصحاب استفتاء آية الله العظمی بهبهانی قدس سره بودند از درس ایشان بسیار تعریف می کردند. تجلیل های والد ما از آية الله بهبهانی مرا به آن واداشت که یک روز در درس ایشان حاضر شوم تا متوجه شوم چرا این همه از درس ایشان تعریف می کنند. با این

ص: 54

1- به نقل از آقا سيد مهدی موحد ابطحي فرزند مرحوم آية الله موحد ابطحي.

2- مرحوم آية الله العظمی حاج سيد علی بهبهانی قدس سره از مراجع بزرگوار و مدرسین به نام حوزه علمیه بودند که در خطه جنوب سکونت داشتند. ایشان در سال 1345 ه ش به دلیل بیماری به اصفهان آمدند و آب و هوای این شهر را مناسب حال خود یافتند. علما و مردم متدین اصفهان از ایشان خواستند در اصفهان اقامت گزینند، اما از آنجا که مردم و علمای خوزستان به حضور ایشان احتیاج داشتند و سرمای اصفهان در زمستان برای وضعیت جسمانی ایشان مناسب نبود، ایشان تابستان ها به اصفهان می آمدند و فصول ديگر سال در خوزستان بودند و این برنامه تا آخر عمر ایشان، یعنی سال 1353 ه ش ادامه داشت. درس خارج فقه ایشان در اصفهان فضای حوزه علمیه اصفهان را متحول ساخت.

انگیزه یک روز به مدرسه صدر اصفهان رفتم . جلسه درس ایشان مملو از روحانیون صاحب نامی بود که هر یک از آنها خود اهل درس و بحث و تألیف بودند .

در میانه درس متوجه شدم دامادمان (مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره) از جای برخاستند و با صدای بلند و رسا شروع کردند به اشکال کردن به مطلبی که آیه الله بهبهانی بیان کرده بودند و تا جایی که به خاطر دارم چند اشکال پشت سر هم مطرح کردند به این بیان که به مطلب شما چند اشکال وارد است . اشکال اول ... اشکال دوم ... و ... من البته تحصیلات حوزوی نداشتم و نمی توانستم تشخیص دهم اشکالات وارد هست یا خیر . اما از پذیرش جمعی حضار در درس و نوع واکنش و پاسخ آیه الله بهبهانی می توانستم تشخیص دهم که اشکال آقای ابطحی اشکال علمی و قابل بحثی بوده است . شب در منزل از والد مکرم (آیه الله هاشمی) پرسیدم در بحث امروز میان آقای ابطحی و آیه الله بهبهانی حق با چه کسی بود ؟ و ایشان پاسخ دادند آقای ابطحی به خاطر مطالعه ای که پیش از درس دارند ، با طرح اشکال های بسیار خوب خود به کلاس رونق می بخشند .

در مسیر علم و کمال

ایشان حدیث ، رجال ، درایه ، کلام و تفسیر را به تحصیل ، تحقیق جامع و مطالعه گذراند و به کمالات و جامعیت علمی رسید و در سایه این پشتکار بود که بر همه مشکلات فایز آمد و در کسب دانش و فضیلت به مقامی عالی دست یافت .

تقریرات دروس خارج فقه

از آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره ، تقریرات درس خارج فقه آیه الله

العظمی حاج سید محمّد رضا گلپایگانی قدس سره ، آیه الله العظمی حاج سید کاظم شریعتمداری قدس سره ، آیه الله العظمی حاج سید محمّد محقق داماد قدس سره و آیه الله العظمی حاج شیخ محمد

علی اراکی قدس سره به جای مانده است که در جامعیت، دقت و نظم در نوع خود کم نظیر بوده که آن تقریرات از گنجینه های علمی و فقهی حوزه علمیه قم به شمار می رود.

جناب مستطاب آقای سید مهدی موحد ابطحی دام عزه، فرزند فاضل و ارزشمند مرحوم آیه الله آقای سید علی موحد ابطحی قدس سره در باب تقریرات والد جلیل القدرشان می نویسد: ... مشتاقان معارف الهی و علوم اهل بیت علیهم السلام پس از آنکه فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند: « طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ »⁽¹⁾ را نصب العین خود قرار می دهند و قدم در راه فراگیری علوم دینی و معارف الهی می گذارند؛ خود را وقف خدمت به اسلام و پیامبر خاتم و اهل بیت معصومین شان علیهم السلام می نمایند. طلاب و مشتاقان علوم حوزوی با گذراندن مقدمات علوم دینی و آموختن ادبیات عرب، سطوح فقه و اصول را دنبال می نمایند تا خود را آماده حضور در دروس خارج فقه مجتهدین زمان خویش نمایند. مجتهدین با بررسی اقوال مختلف از فقهای نامدار گذشته نسبت به یک موضوع، به بررسی و کنکاش در آن موضوع پرداخته و نزدیک ترین قول را با دلیل کتاب و روایات و قواعد فقهی و اصولی استنباط می نمایند.

از آنجا که تدریس دروس خارج فقه مجتهدین، خارج از متن و کتاب خاصی است و اساتید در بیان به مستندات خود اشاره می نمایند، تقریرات دروس بزرگان فقه و اصول خود می تواند برای اساتید حوزه های علمیه و دانش پژوهان علوم دینی مورد فایده و بهره فراوان قرار گیرد که ضمن آشنایی با روش تدریس آن بزرگان و مراجع تقلید از نحوه استنباط احکام دینی آنان بهره گیرند. آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره، از اساتید زمان خود بهره های فراوان برده و ضمن مکتوب کردن تقریرات دروس بزرگانی چون: تقریرات دروس (حج آیه الله العظمی محمد محقق داماد قدس سره، تقریرات دروس (صلاة) آیه الله العظمی سید محمد کاظم شریعتمداری قدس سره،

ص: 56

تقریرات دروس (حج) « طهارة » ؛ « وضو » ؛ آية الله العظمی سید محمد رضا گلپایگانی قدس سره ، تقریرات دروس در مباحث « حجیت قطع و ظن و استصحاب » و « قاعدة الید » آية الله العظمی سید روح الله خمینی قدس سره و همراه نمودن حواشی خود (به زبان عربی) بر آن ، مجموعه ای نفیس از نحوه تدریس دروس اساتید خود به یادگار گذاشته اند که ان شاء الله در آینده به زیور طبع آراسته و تقدیم به جامعه طلاب علوم دینی و فضیلابی حوزه علمیه می گردد .

اجازه اجتهاد مطلق

آية الله سید علی موحد ابطحی قدس سره که بیش از 8 سال از محضر علمی آية الله العظمی محقق داماد قدس سره بهره مند بوده و در خلوت و جلوت با آن استوانه فقهی شیعه محشور بود ، همواره مورد عنایت ویژه معظم له قرار می گرفت .

آن استاد بزرگ حوزه علمی قم ، ایشان را فقیه کامل و زحمت کشیده ای می دانستند که بر دقایق مسائل فقهی اشراف داشته و در این امور زحمات بسیاری متحمل شده است ، تا آنجا که روزی آية الله العظمی محقق داماد قدس سره به ایشان فرمودند : حضرتعالی که در مسائل فقهی کار و استنباط می کنید ، به هر نظری که رسیدید ، بر نظر و رأی خود عمل نمایید و آنجا تقلید نکنید . (1)

لازم به ذکر است یک دوره تقریرات دروس خارج فقه آية الله العظمی محقق داماد قدس سره و دیگر اعظام توسط فقیه محقق و ولایی ، آية الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره نوشته و تدوین شده است که در نظم و دقت قابل توجه می باشد .

تتبع عمیق در دروس

حضرت آية الله آقای حاج میر سید حجّت موحد ابطحی دام ظلّه می فرمودند : مرحوم آية الله سید علی موحد ابطحی قدس سره همیشه به عناوین مختلف مشغول مطالعه ، تتبع و

ص: 57

1- . به نقل از حضرت آية الله آقای حاج میر سید حجّت موحد ابطحی دام ظلّه .

بررسی امور فقهی و اصولی بودند و بر روی کتاب های درسی خیلی کار می کردند ، حاشیه آقا شیخ محمد حسین کمپانی قدس سره بر کفایه که از حاشیه های سخت و متون علمی است را بررسی و بر آن تتبع نموده و با دقت فراوان ، زحمات زیادی را متحمل می گردیدند و از این رو داشته های فقهی و اصولی شان بر اهل فن آشکار بود .

عضو هیئت استفتای برخی مراجع عظام

شماری از شاگردان ممتاز مراجع عظام ، هیئت استفتای آنها را تشکیل می دهند و پاسخ استفتانات را با هماهنگی با آن اعظام بر پایه آرای فقهی اش تنظیم می کنند .

آن فقیه ولایی از جمله اصحاب جلسه فتاوی برخی مراجع عالیقدر در دوره های مختلف بود که همواره مورد توجه مرجعیت جلیل القدر شیعه قرار می گرفت و نظرات وی برای آنان مهم ارزیابی می شد .

ارزش نوکری و منبر

آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره می فرمود : روزی آقا زاده یکی از مراجع به من گفت : شما که در جلسات استفتاء مراجع عظام هستید و در مسائل فقهی بسیار زحمت کشیده اید ، برنامه های تبلیغی را کمتر کنید تا در آینده ای نزدیک ، به عنوان یک شخصیت ممتاز فقهی در حوزه علمیه معرفی شوید . سید علی آقا قدس سره می فرمود : در دلم گفتم اگر اینها می دانستند ارزش منبر رفتن برای امیرالمؤمنین و سیدالشهدا علیهما السلام چقدر هست ، اینچنین با من سخن نمی گفتند . من نوکری حضرت سیدالشهدا علیه السلام را با هیچ سمتی در دنیا عوض نمی کنم !⁽¹⁾

ص: 58

1- . به نقل از آقا سید مهدی موحد ابطحی .

آیه الله ابطحی با فضلا و شخصیت های مطرح و فاضل حوزه علمیه هم بحث بودند . غالباً با کسانی مباحثه می کردند که نگاه موشکاف و دقیق در علوم داشتند ، چرا خود چنین بودند و مباحث را ریشه ای و دقیق بررسی می کردند .

تابستان و شرکت در دروس اعظم اصفهان

آن محقق ولایی که از تمام اوقات حیات طیبه اش برای بهره گیری جهت تعالی و کمال استفاده می کرد ، فرصت ها را غنیمت شمرده و تابستان ها به اصفهان می آمد و روزهای تعطیلی حوزه علمیه قم را از دروس حضرات آیات حاج آقا مرتضی موحد ابطحی ، خراسانی ، خادمی و بهبهانی و ... بهره مند می شد .

جامع منقول و معقول

آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره در شهر مقدس قم در علوم عقلی در محضر اساتید فن تلمذ نمود . علامه سید محمد حسین طباطبایی قدس سره که ارادت خاصی به آیه الله آقای حاج سید مرتضی موحد ابطحی اعلی الله مقامه الشریف داشت ، آقا سید علی را به عنوان یکی از شاگردان فاضلش می ستود و او را مورد عنایت علمی و معنوی خود قرار می داد . آن محقق ولایی ، اسفار را نزد آن عالم وارسته آموخت و منظومه را نیز از آیه الله حاج سید مصطفی خمینی قدس سره و آیه الله العظمی شیخ عبدالله جوادی آملی دام ظلّه تلمذ نمود .

عنایت ویژه علامه طباطبایی به آیه الله ابطحی

دکتر سید محمد تقی موحد ابطحی دام عزه فرزند فرهیخته آن محقق ولایی ، از لسان مبارک والد جلیل القدرشان مرحوم آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره به آن دوران اشاره و نقل می نمودند : مرحوم والد ما در مقوله برهان امکان اشرف با یکی از اساتید مطرح فلسفه که هنوز در قید حیات هستند اختلاف نظر و بحث بسیار

مفصل و طولانی داشتند ، تا اینکه ایشان دیدگاه خودشان را با علامه طباطبایی قدس سره در میان می گذارند و علامه آن را تأیید می کنند و می گویند بحث را با فلانی ادامه ندهید .

معالجه علامه طباطبایی توسط والد معظم سید علی آقا

معالجه علامه طباطبایی توسط والد معظم سید علی آقا(1)

دوران تحصیل آیه الله سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره ، مصادف شد با نقاهت علامه طباطبایی و از آنجایی که ایشان و اخوان معظمشان از محضر نورانی شان بهره مند بودند ، این جریان را با والد حکیمشان در میان گذاشتند . از این رو آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره بر طبابت ایشان همت گمارد .

طبابت تاریخی و بسیار ارزشمند حکیم بزرگ اصفهان ، علاج دو بیماری از مفسر و فیلسوف نامدار مرحوم آیه الله علامه حاج سید محمد حسین طباطبائی قدس سره (صاحب تفسیر المیزان) می باشد که یکی مربوط به زبان و دیگری مربوط به رعشه دست آن بزرگمرد بود ، و اولی خطر بزرگی برای بیان و تدریس و دومی موجب تعطیلی فعالیت قلمی و تألیفات آن علامه عظیم الشان گردیده بود ، و در اثر معالجه مؤثر معظم له ، بیماری زبان به کلی بر طرف گردید و بیماری رعشه آن قدر بهبود یافت که پس از آن درمان ، مجدداً فعالیت قلمی را از سر گرفتند . علامه طباطبایی قدس سره فرموده بودند : « آن شبی که توانستم پس از مدتی ناتوانی ، قلم به دست بگیرم و بنویسم ، گویا تولدی جدید یافتم » . بدین وسیله مرحوم آیه الله سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره خدمت بزرگی به ادامه تدریس پر برکت و تألیفات گرانقدر علامه طباطبایی نمودند و مانع توقف آن همه آثار و برکات علمی و قلمی ، در زمینه علوم اسلامی (بالأخص تفسیر قرآن کریم) گردیدند .

مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره می فرمود : « استاد ما ، مرحوم علامه طباطبایی قدس سره والد ما (حاج آقا مرتضی ابطحی) را صاحب نفس عیسویه خوانده بود » .

ص: 60

جلسات تفسیر قرآن آیت الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره

مفسر عالیقدر، آیت الله سید علی موحد ابطحی قدس سره، در تفسیر قرآن متبحر بود و کلام وحی را در ساده ترین حالت ممکن برای مردم بازگویی می کرد.

جلسات تفسیر قرآن و دروس اخلاق آن عالم ربانی با الهام از روایات نورانی آل الله بر فروغ این ستاره فروزان می افزود تا آنجایی که برخی بزرگان نیز در آن محفل نورانی حضور به هم رسانیده و از محضر اخلاق و نورانیت آن مفسر متخلق بهره مند می شدند. او با درک صحیحی که از مکتب امام صادق علیه السلام داشت، قرآن را با روایات معصومین علیهم السلام تفسیر و از آن آیات الولاية را تأویل می کرد و همگان را به معادن علم الهی و مخازن حکمتش فرا می خواند. آن محقق ولایی به این امر رسیده بود که هر چه هست در درب خانه ولایت است و قرآن را بدون عترت، ناقص و در امتداد کلام حسنا کتاب الله می دانست « شَرِّقًا وَ غَرِّبًا لَنْ تَجِدَا عِلْمًا صَدِّحِيحًا إِلَّا شَيْئًا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ (1) » و همواره در ایام تبلیغ و در جلسات تفاسیر خود، بر مبنای ثقلین سخن می گفت.

سید زین العابدین محمدی از فرهیختگان و نویسندگان استان فارس در این باره می نویسد: عالم متواضع، سالک صمدانی، محقق نامی، مفسر توانا، خطیب گویا و طیب حاذق حضرت آیت الله حاج سید علی آقا موحد ابطحی اصفهانی، اعلی الله مقامه الشریف، طی سالیان متمادی که در معیت اخوی معظم خود فقیه عظیم الشان و دلباخته حضرت بقیة الله الاعظم حجة بن الحسن المهدی ارواحنا فداه، علامه مجاهد حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی قدس سره، جهت

ص: 61

1- امام باقر علیه السلام - به سلمة بن كهيل و حکم بن عتيبه - فرمود: اگر به شرق و غرب بروید، هرگز دانش درستی را نخواهید یافت، مگر همان چیزی که از ما خاندان صادر شود. بحار الأنوار، 2/92/20.

امر تبلیغ به شهرستان اقلید امام زمان فارس تشریف می آوردند و در امر تبلیغ سعی بلیغ داشتند و منشاء اثر بودند و در رشد علمی و عملی و معنوی مردم توفیق بسیار داشتند . کلاس های تفسیر قرآن و اخلاق ایشان زبانزد عام و خاص بود و نماز جماعتشان در مسجد اعظم صاحب الزمان عج الله تعالی فرجه الشریف و مسجد فاطمیه علیها السلام اقلید از شکوه و عظمت خاصی برخوردار بود به گونه ای که سالیان متمادی که در ماه مبارک رمضان در مسجد فاطمیه منبر می رفتند و اقامه نماز جماعت داشتند علاوه بر مسجد و حسینیه فاطمیه ، که مملو از جمعیت می شد ، زمین همجوار مسجد را با اجازه صاحب آن ، فرش می کردند که جا برای انبوه نمازگزاران باشد .(1)

بر مسند علم طب

حکیم والاتبار ، آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره ، درس طب را در سطح وسیعی در محضر والد جلیل القدرشان تلمذ نموده ، و از آنجایی که دارای نبوغ الهی بودند ، پس از مدتی آن را تدریس و گاهی طبابت های موثری می کردند .

آیه الله آقای حاج سید حسین موحد ابطحی دام ظلّه در این باره می فرمودند : گاهی والد ما ، مرحوم آیه الله حاج آقا مرتضی موحد ابطحی قدس سره که برای زیارت به کربلا مشرف می شدند ، حاج سید علی آقا جای پدر طبابت می نمودند و در این امر بسیار موفق بودند و مردم اثرات خوبی از طبابتشان می دیدند .

یکی از مخدّرات در اصفهان به پُلپ بینی دچار بود ، ضمن عملی که کرده بود ، متأسفانه آن ضایعه مجدداً رشد و نمو کرد . وقتی این موضوع با ایشان مطرح شد ، دارویی تجویز نمودند که آن ضایعه را پس از یک هفته کاملاً برطرف نمودند .(2)

ص: 62

1- . در محضر استاد فقیه ، خاطرات شیرینی از محقق ولایی ، حضرت آیه الله آقای حاج سید علی آقا موحد ابطحی قدس سره به قلم سید زین العابدین محمدی - شهرستان اقلید امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف .

2- . به نقل از آیه الله حاج سید حجت موحد ابطحی دام ظلّه .

تدریس طب در قم، اصفهان، مازندران و ...

تدریس علم طب توسط حکیم عالیقدر، آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره، در شهرهای مختلف از جمله قم، اصفهان، مازندران، اقلید امام زمان و نقاط مختلف ایران با استقبال مردم و همچنین مورد توجه ویژه فضلاء و بزرگان دین مواجه می شد و شخصیت ها و اقشار مختلف، حضور ایشان را در دیار خود غنیمت شمرده و از جامعیت ایشان در طب بهره مند می شدند.

زعیم فقید حوزه علمی مازندران و مؤسس دهه غدیر، مرحوم آیه الله العظمی نظری خادم الشریعه قدس سره در فصل تابستان، شخصیت های علمی حوزه های علمی را به منطقه بیلاقی ورسک سوادکوه(1) دعوت

و حوزه علمیه تابستانی در آن دیار راه اندازی می نمودند که از صبح تا ظهر شخصاً به تدریس دروس خارج، کلام، تفسیر و ... می پرداختند و محفل علمی پر جمعیتی در محل درس ایشان برپا می شد. گاهی شخصیت های بزرگ علمی مانند علامه جعفری قدس سره، آیه الله راضی تبریزی قدس سره، آیه الله آقا شیخ عبدالنبی کجوری قدس سره و بسیاری از چهره های علمی نیز حضور پیدا نموده و از این موقعیت علمی بهره برداری می نمودند.

از آنجایی که نگارنده خود افتخار تلمذ در محضر آن فقیه نورانی در آن محفل علمی را داشت، به یاد دارد که آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره نیز در آن حوزه مبارکه تابستانه حضور می یافتند.

روزی در درس آیه الله العظمی نظری خادم الشریعه قدس سره بودیم که پس از اتمام دروس، فرمودند: آقایان! حضرت آیت الله موحد ابطحی از قم تشریف آوردند و از امروز می خواهند برای فضلاء علم طب تدریس فرمایند. از ایشان استفاده کنید. آنجا بود که آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره در محضر مبارک آن فقیه

ص: 63

1- . دهکده علمی ورسک (به نقل از صدا و سیمای طبرستان).

والامقام به تدریس علم طب پرداخته و این رویه روزهای متمادی ادامه داشت . پس از پایان درس نیز ، ایشان در نهایت مودت و فروتنی ، به صورت خصوصی برخی اهل علم و خانواده های آنها را طبابت می کرد و نسخه درمان برایشان می نوشت .

حکیم والامقام در اقلید امام زمان ارواحنافداه

در سال هایی که حکیم وارسته ، آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره در شهرستان اقلید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و روستاهای اطراف برای تبلیغ حاضر می شدند ، محل سکونت ایشان مملو از کسانی بود که به بیماری های گوناگونی دست به گریبان بودند و بیماری شان با مراجعه به پزشکان برطرف نشده بود . ایشان با صبر و بردباری به درد دل مردم گوش می سپردند تا علائم بیماری خود را بیان کنند . سپس ایشان نوع تغذیه و نحوه عملکرد دستگاه هاضمه آنها را می پرسیدند ، نبض افراد را می گرفتند و زبان آنها را می دیدند و معاینات دیگری انجام می دادند و در نهایت دارویی تجویز می کردند . علاوه بر آن به عنوان اصل درمان با نفس قدسی خود برای شفای بیماران دعا می کردند و می فرمودند : « خدایا ! ماکاره ای نیستیم . همه چیز در دست توست . تو معبود یگانه ای و ما بنده ضعیف و نیازمند تو هستیم . دارو وسیله است و شفا تنها از توست » .

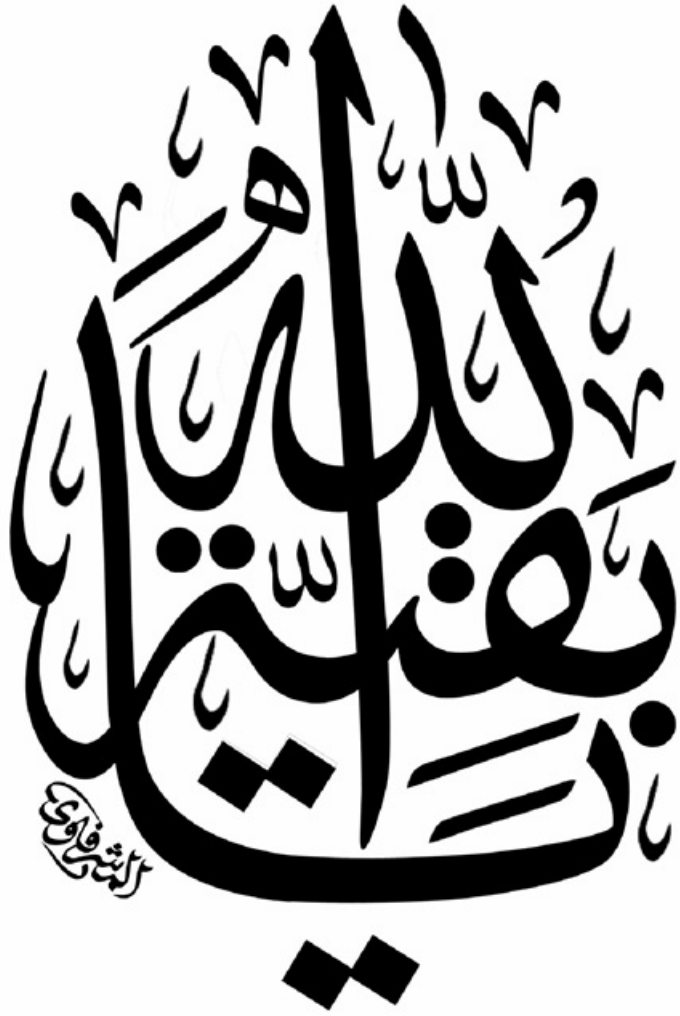
طبابت حکیم حاذق

آقای زین العابدین محمدی می نویسد : در محضر آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره بودیم که شخصی سراسیمه وارد منزل شد و پس از سلام گفت : آقای ابطحی به دادم برسید . من به جدّ شما پناه آورده ام . دختر بیست ساله ای دارم که یک هفته در بیمارستان بستری است و دچار ضعف شدید فشار است و هرچه پزشکان تلاش می کنند نشانی از بهبودی نیست و ما نگرانیم . لطفا دعایی بکنید و دارویی بدهید » . آیه الله ابطحی فرمودند : « فوری دخترتان را از بیمارستان مرخص کنید و او را با خانم های همراه به این جا بیاورید . از ما هم خواستند که مقداری شیره انگور

و روغن زیتون اعلا بیاوریم . تا رسیدن بیمار و تهیه این اقلام نیم ساعتی طول کشید . همراهان آن دختر خانم زیر بغل او را گرفته و به منزل آوردند . آیه الله آفاسید علی موحد ابطحی قدس سره به زنان همراه گفتند او را به اتاق ببرید و به او شیره انگور بخورانید و چند توصیه دیگری نیز فرمودند . ایشان نیز خودشان جهت شفای بیمار مشغول خواندن حدیث شریف کسا شدند و ما هم با ایشان همراه شدیم . کمتر از یک ساعت گذشت . آن دختر خانم که برای ایستادن روی پای خود توان نداشت با پای خود از اتاق بیرون آمد و به این ترتیب شفای خود را از خداوند گرفت .(1)

ص: 65

1- . در محضر استاد فقیه - سید زین العابدین محمدی .



فصل سوّم : بر مسند تحقیق و تألیف (سیری در افکار و آثار علمی آیه الله سید علی موحد ابطحی)

اشاره

ص: 67

دفاع از تقلین

محقق ولایی و محدث عالیقدر شیعه، آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره برای تعالی جامعه شیعی و معرفی حقیقت مذهب و رفع شبهات، از همان دوران تحصیل با سلاح قلم به دفاع از حریم تقلین روی آورد و در این راه مقدس آثار علمی متعددی را عرضه نمود. از آن عالم ربانی آثار نفیسی به یادگار مانده که برخی از آن منتشر و مجموعه گسترده ای از آن در حال تنظیم جهت انتشار است.

آیه الله محقق، حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره از جمله محققان و متفکران اسلامی است که با تمام توان و با جدیت و پشتکار فراوان به دفاع از مبانی مذهب حقه تشیع پرداخته و با درک دقیق از شرایط و شناخت نیازهای زمان و آگاهی از شبهات، ابهامات و سوالات نسل جوان، اقدام به پاسخگویی جامع و کامل آن نموده است.

حیات طیبیه آن نادره دوران، با قرآن و عترت عجین بوده و زندگی ایشان به تبیین و تفسیر مباحث مربوط به تقلین می گذشت. ایشان به صورت فردی به تألیف و تدوین کتاب های حدیثی، اعتقادی؛ تاریخی پرداخته و غیر از تألیفات روزمره و شخصی به پاسخ گویی محکم در مقابل شبهات وارده توسط معاندین مذهب می پرداخت.

او عالم مجاهدی بود که بیش از نیم قرن معتکف کوی حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه و ریزه خوار سفره علم و فقاہت رئیس مذهب حقه جعفری، حضرت امام صادق علیه السلام بود و از محققان عظیم الشأن شیعه به شمار می رفت.

ابرمردی که با چراغ علم و بصیرت راه را می پیمود و در طول تاریخ زندگی پر فراز و نشیستان، لحظه ای از مسیر سعادت غافل نشدند و همواره خود را عبد کوی هل اتی می پنداشتند و در پیمان این منش تا آخر عمر گرانبهایش پایبند بودند.

شاخصه دیگر شخصیت والای این فقیه ولایی روشن ضمیر سخت کوشی و خستگی ناپذیری اش بود که هیچ گاه و در هیچ یک از دوره از حیات طیبه اش دست از اهداف والایش بر نداشت و همواره با عزم پولادین خود در مقابل طاغوت و فرقه های انحرافی می ایستاد و بر اهداف و آرمان های الهی اش ثابت قدم بود ..

نگران از فاجعه ورود افراد غیر متخصص در حوزه دین

آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره، فاجعه اسفناک ورود افراد غیر متخصص در دایره مبانی دقیق اعتقادی و مباحث کلان مذهب و مداخله بدون اشراف بر مهمترین مسائل تاریخی و بازگویی قاطعانه آن برای نسل جوانی که بیگانه از ظرائف و دقائق آن است را خیانت بزرگ و نفوذ همه جانبه جریانی در بدنه جامعه اسلامی می دانست که به راحتی با تریبون هایی که در اختیار دارند هر سخن ناپخته و مطلب بی پایه و اساسی را به عنوان نظریه محکم و اندیشه ای نوین بر جامعه تحمیل نموده و جهل و بدعت را به عنوان اصل الاصول و سخنی محکم و مستدل در میان مخاطبان خود ترویج می کنند. او بر آن بود که نسل جوان می بایست ملتفت باشد هر طینی که در آن حقیقت معارف عترت بر مشام نرسد و بخواهد با بافته های عنکبوتی و تخیلی، همگان را در معادلات بی ریشه خود گرفتار کند، آن سخنان یاوه ای بیش نبوده که در امتداد کلمات شیطانی حسبنا کتاب الله خودنمایی نموده و از حنجره جهنمی غاصب دوم خارج و قلب مبارک امیرالمؤمنین ارواحنا فداه و آل الله را جریحه دار کرده است.

آری! ارائه تئوری های بدون تتبع و فقهت و منهای تأیید قرآن و عترت، از نگاه آن محقق ولایی مانند جسم بدون روح است که پس از مدتی پوسیده و جامعه را متعفن و مخاطبان دیرنشان نیز منزجر از دین و آیین خواهند شد. اعتبار تمامی بیانات اعتقادی از نگاه سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره به محوریت عترت، با پشتیبانی علم

و دقت و تفقه در دین بود که در پرتو فحص آثار گرانسنگ اکابر علمی شیعه از جمله علامه مجلسی ها آن را میسر می دانست .

او معتقد بود که شاید به زعم خویش چند صباحی به نام مذهب و به کام سیاست ، بتوانند بافته های خود را به جامعه القا و اعتقادات مردم را بر اساس سیاست های اتاق فکرشان متزلزل کنند ، ولی روزی مبانی پوشالی شان بر همگان آشکار و رسوا خواهد شد ... هرچند که با سخنان غیرتخصصی شان، بانی انحراف و سردرگمی هزاران نفری شده اند که روز قیامت تعدادشان را با پشیمانی و ذلت خواهند شمرد .

آری ! این رسالت روحانیت اصیل شیعه است که نسبت به اسارت اعتقادی جوانان در مقابل مدعیان دروغین و افراد غیر متخصص خود را مسئول بدانند و ای کاش برخی روحانیون و متشرعین بی تفاوت و خودباخته به جریان ها و رسانه ها نبوده و در مقابل چنین افراد و بدعت هایشان بایستند و سکوت نکنند .

غیور در امر ولایت

محقق ولایی ، آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره بر امر ولایت بسیار حساس بود و غیرت خاصی در این باره داشت .

در خصوص شهادت ثالته مطالب جامعی را گردآوری کرد تا خفاشان روزگار که طاقت دیدن خورشید را ندارند را سر جای شان بنشانند . او معتقد بود شهادت به امامت و وصایت حضرت صدیق اکبر و فاروق اعظم امیر مؤمنین علی علیه السلام در اذان و اقامه ، به منزله اعلان پذیرش حقیقی توحید و نبوت و سرسپردگی در مقابل دستور خدای متعال در تبعیت از ولایت امیرالمؤمنین ارواحنا فدا و سرآغاز طی طریق عبودیت و بندگی خدای جل و علا است که پس از آن قد قامت الصلوة معنای حقیقی خود را پیدا می کند چرا که صداقت در اقرار به یکتایی خدا و رسالت خاتم الانبیاء ، تنها با ترازوی میزان الاعمال ولایت علی بن ابی طالب علیهما السلام سنجیده می شود .

او بدان می اندیشید که جایگاه « أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ » در اذان به منزله دمیدن روح نسبت به جسم است و اگر آن را از اذان برداریم ، چیزی از حقیقت آن باقی نمی ماند و آن نماز با اقامه صلوة ابوسفیان فرقی نخواهد داشت .

آری! نگاه محقق ولایی چنین بود : همانطور که مبعث در غدیر خم با ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام تثبیت شد ، شهادت ثلثه نیز ایمان را تکمیل می کند ؛ زیرا در مبعث هر آنچه از خیر و خوشبختی بیان شد ، مشروط به ولایت شاه مردان امیرمؤمنان و امامان از فرزندان اوست .

از دلایل وجوب تبرّی ، جدا نمودن بعثت از روح و حقیقتش یعنی وصایت امیر غدیر است که منافقان آن را خانه نشین و بت قریش را غاصبانه و ظالمانه بر مسند الهی نشانند . از این رو ائمه اطهار علیهم السلام همواره از ظالمین حق ولایت تبرّی می جستند و مردم را به برائت از آنها امر می کردند .

آری ! آن محقق ولایی ، توحید و نبوت را بدون ولایت ناقص می دانست و همواره در سخنرانی هایش فریاد می زد : در اذان و اقامه ات با صدای بلند و با افتخار بگو : « أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ » .

تبعات اذان منهای ولایت

آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره ، اذان منهای ولایت را طنین شکست وحدت امت اسلام می دانست ، چرا که خدای متعال همگان را بر محور تقلین جمع نمود .

خدای متعال ولایت امیرالمؤمنین ارواحنافداه را وسیله ای برای وحدت و همدلی مسلمانان قرار داد تا همگان به آن حبل الله المتین و صراط مستقیم متمسک شوند و اسلام را بر حول محوریت قرآن و عترت بپذیرند . اگر روزی تمام مأذنه ها طنین دل انگیز « أَشْهَدُ أَنْ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ » را بر اذان خود مزین نمایند ، می توان قاطعانه گفت

امت اسلام به وحدت حقیقی رسیده است و آرزوی دیرین رسول خاتم در تثبیت انسجام مسلمین تحقق بخشیده است .

از دیدگاه قرآن و عترت ، ندای اذان منهای ولایت ، طنین شکست وحدت محسوب می شود . چنین صدایی از مأذنه های بلاد اسلامی بدون اصل همه اصل ها در همه نسل ها یعنی « أشهد ان علیا ولی الله » همان قرآن معاویه بر روی نی است که امتی را به جهل نفاق و کفر فرا می خواند و از حقیقت اسلام خبری نیست .

اذان بدون نام علی علیه السلام شیپور جنگ اهریمنی سقیفه با اصل الاصول دین و نعره شیطانی گوساله سامری است که شکست اولین پروژه وحدت در پنجشنبه سیاه تاریخ را فریاد می زند . اذان منهای ولایت قدقامتی را به پا می دارد که نتیجه آن ظهور اباجهل های روزگار بوده که مکتبش داعش پرور است . طنین شیطانی و سقیفه ای اش از ریشه درخت آفت زده نفاق نشأت گرفته که امر را بر مردم مشتبه و جایگاه ها تغییر و شعائر تحقیر و جبت و طاغوت تقدیس می شوند . اسلام زمانی از مسیر اصلی خود دور شد که در مهلکه مصلحت اندیشی برخی خواص به اصطلاح متحجر ستیز قرار گرفت . افکار مریضی که برای اثبات عقاید بی ریشه ، خود سر از پیکر اصل الاصولی به نام امامت جدا و حتی برای رضایت اهل بدعت حذف « أشهد أن علیاً ولی الله » از مناره های شیعه را در دل می پروراند .

احکام الهی محدودیت نیست !

محقق ولایی ، در بیاناتش در شهرها و روستاها در ایام تبلیغ ، احکام الهی را به عنوان هموار کننده ناهمواری های زندگی و آرامش بخش التهابات دنیوی دانسته و همگان را به عبودیت و بندگی دعوت می نمود . او بر آن بود: احکام الهی به معنای اسارت امت در قوانین و زندان محدودیت ها نیست ، بلکه برای آزادی و نجات بشریت از کویر تفتیده جهل و بی کسی و تحیر است و به هر کس که در دایره

عبودیت الهی قرار گرفت هویت و اصالت خواهد بخشید و می بایست در دنیایی که دین مفهوم حقیقی خود را در اذهان از دست داد همگان را ملتفت این امر کرد که رمز آزادی و آزادگی و حریت محض در پرتو تبعیت از حصن حصین خدا و ائمه هدی است .

داغ غربت امام زمان بر دل

آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره همواره چون جد امجدش ، صاحب مکیال المکارم ، داغ غربت موعود امم ، امام زمان ارواحنفاده را بر دل داشت و در بیاناتش مردم را از توجه زبانی به توجه قلبی دعوت می کرد و اشک ریز مظلویت آن امام همام در میان محبتش بود . از مصادیق غربت حضرت حجت ارواحنفاده در عصر غیبت تاریک و غمبار آن امام همام آن است که مع الأسف نام و یاد امام زمان ارواحنفاده در زبان ها رنگارنگ و در عمل کمرنگ بوده و حقیقتاً نتوانستیم آن طور که باید و شاید مولای خود را با رعایت احکام الهی یاری رسانیده و وجود مطهرشان را با حرکات و سکناتمان نصرت بخشیم و چقدر برای امام زمان ارواحنفاده سخت و تلخ و دشوار است که وجود اطهرش در میان مدعیان محبتش غریب و تنها بوده و زبان به لقلقه محبت در حرکت است و قلب در وادی دیگری سرگردان و عمل مزه های حلاوت های کاذب دنیا را طلب می کند .

سرباز همیشه آماده

از آنجایی که خفاشان تاریخ و منافقان کینه توز و مهره های سوخته یهود همواره در طلب تاریکی و تلاطم کشتی نجات اهل بیت علیهم السلام بوده اند ، برای از بین بردن حقیقت اسلام ، از غفلت امت سوء استفاده نموده و دین خدا را از مسیر اصلی خود خارج و طبق فرموده رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم پس از شهادت حضرتش ، دین به غربت اولیه اش بازگشت و جاهلیت بر آن سایه گسترد و نقشه های شوم سقیفه سازان و سقیفه پردازان ، مظلومیت دین و صاحب آن را در طول زمان به یادگار گذارد و چنین غربت و ظلمتی

در میان امت فراگیر شد. از این رو آیه الله سیدعلی موحد ابطحی قدس سره در هر زمان و مکان، خودکار و کاغذی به همراهش بود و هر آنچه می توانست مرهمی بر زخم های هزارو اندی ساله ولی خدا شود می نوشت و آنرا در آثار و مکتوبات خود استفاده می کرد.

او معتقد بود وقتی دین خدا تنها شود و ولی خدا را که قرآن ناطق و مبین احکام الهی است خانه نشین کنند، بدعت هایی در دین حاکم و احکامی از قرآن و اسلام، بر طبق میل برخی خواص منحرف و عموم مردم کم اطلاع تأویل و تفسیر می گردد که بسیاری از آن احکام و حدود چنان فراموش می شود که گویا اصلا از اسلام نبوده است.

مقابله با روشن فکر نماها

یکی از دغدغه های محقق ولایی، آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره در منبرها و ایام تبلیغ، مقابله با روشنفکرنماهایی بود که برای انحراف جامعه از احکام دین، از انحراف از عبودیت و بندگی با مگری به نام قلب پاک سخن می گویند!

برخی روشن فکر نماهای دور از حقیقت که از زوایای مختلفی نقدهای گسترده ای را به احکام الهی وارد کرده اند و از هر دری که وارد شدند و جواب محکم و مستدلی دریافت نموده اند، در مقوله حجاب که می رسند از لسان عجز و غیر قابل توجیه خود، از دل های پاک سخن می گویند که ظاهر انسان ها اهمیت چندانی ندارد و مهم پاکی قلب است. اینجا می بایست در پاسخ به چنین سخن بی ریشه و مضحکی گفت که می بایست ملتفت باشید که رابطه مستقیمی میان ظاهر انسان و باطن او و همچنین اثرگذاری ظاهر روی باطن و اثرگذاری باطن روی ظاهر وجود دارد و این گونه نیست که ظاهر افراد از باطن آنها بیگانه باشد و باطن آنها از ظاهرشان.

در روایتی حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «لِكُلِّ ظَاهِرٍ بَاطِنٌ عَلَيِّ مِثَالِهِ فَمَنْ طَابَ ظَاهِرُهُ طَابَ بَاطِنُهُ وَ مَا خَبِثَ ظَاهِرُهُ خَبِثَ بَاطِنُهُ»⁽¹⁾؛ «برای هر ظاهری باطنی

ص: 74

همانند ظاهر هست. پس هر که ظاهرش پاک باشد باطنش نیز پاک است و هر چه ظاهرش پلید است، باطنش نیز پلید است».

اگر قرار بود قلب پاک به عنوان تنها مبنای ارزیابی اعمال کافی باشد، دیگر تأکید بر عمل صالح در قرآن و دستورات دینی معنا نداشت. وانگهی، اگر ملاک ایمان و تقوی صرفاً داشتن قلب پاک بود؛ پس این همه امر و نهی، واجب و مستحب و آداب و احکام، که در قرآن کریم آمده، برای چه بود!؟

اگر مهم فقط قلب پاک است، دستور خداوند به زنان پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و زنان مؤمنه مبنی بر رعایت حجاب و عفت چگونه توجیه می شود!؟

نگاه آن محقق ولایی این بود که با این نگاه های فاسد، دین حقیقت خود را از دست می دهد از این رو اگر در چنین اوضاعی امام زمان ارواحناده ظهور کند در غربت دین به ابطال بدعت ها خواهد پرداخت و احکام و قوانین اسلام را به طور کامل و با تمام ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... به اجرا می گذارد و حدود اسلامی را بدون سهل انگاری اعمال خواهد کرد. امام صادق علیه السلام در

این باره می فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَجَّ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ دَعَا النَّاسَ إِلَى الْإِسْلَامِ جَدِيداً وَهَدَاهُمْ إِلَى أَمْرِ قَدْ دَثَرَ وَضَلَّ عَنْهُ الْجُمْهُورُ وَإِنَّمَا سُمِّيَ الْقَائِمُ مَهْدِيّاً لِأَنَّهُ يُهْدَى إِلَى أَمْرِ مَضْلُوعٍ عَنْهُ وَ سُمِّيَ الْقَائِمَ لِقِيَامِهِ بِالْحَقِّ»؛ (1) «وقتی قائم ما قیام کرد مردم را از نوبه سوی اسلام دعوت می نماید و به سوی چیزی که کهنه شده و عموم مردم از آن دور افتاده اند، هدایت می کند. آن جناب، مهدی نامیده شده، چون به چیزی که مردم از آن دور شده اند هدایت می شود و قائم نامیده شده چون برای به پا داشتن حق قیام می کند».

ص: 75

آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره بر آن بود، تا وقتی اسلام و حکمت غریب هستند و ناشناخته مانده اند، و جامعه به آن ها پشت کرده، اسلام و دین را از صحنه حیات جمعی به زوایای زندگی فردی رانده اند و به جای آن عقلانیت جمعی را نشانده اند، و حیات دنیوی را برگزیده اند، دین و امام، غریب خواهند ماند. وقتی به جای حکمت، علم را نشانده اند، و به جای دین محوری، عقلانیت و انسان مداری را یدک می کشند، اسلام و حکمت و صاحب اسلام و حکمت، غریب و ناشناخته خواهند ماند. وقتی دین چنین ملعبه بازیگران ریا و تزویر قرار بگیرد، مردم نمی توانند از خورشید عالمتاب پشت ابرهای تاریک دوران یعنی امام زمان ارواحنفاده توشه ای بگیرند و وقتی گناهان مانع از دسترسی به مبین احکام الهی باشد، این خود بزرگترین مصیبت برای بشریت است که سخن از غربت دین و پیشوای آیین دارد که به ظاهر تابع امام معصوم علیهم السلام و در عمل مأموم هواهای نفسانی خود خواهند بود.

سیری در آثار و تألیفات آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره

وادی تألیف

دوران تألیف آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره را می توان از پربارترین ادوار حیات اهل بیته آن مرد بزرگ دانست؛ چه اینکه وی در این مقطع، در بسیاری از مقولات اسلامی و شیعی روشنگری کرد و همچنین بسیاری از تبلیغات ضد دینی را با قلمش خنثی نمود. آثار قلمی متفکر بزرگ، آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره همه علمی، تحقیقی، ابتکاری، کم نظیر و مورد استفاده و مراجعه اندیشمندان و اهل علم و مصداق روشن «باقیات صالحات» است. وی در نامه ای خطاب به رهبر انقلاب دام ظلّه، در معرفی آثار و تألیفات خود می نویسد:

... بنده نیز در دوران سلامتی تألیفاتی در ارتباط با خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام داشتم که برخی از آنها (برای مثال آیه التطهیر فی احادیث الفریقین (جلد اول و دوم)، الشیعة فی احادیث الفریقین، الامام الحسین علیه السلام فی احادیث الفریقین (جلد اول تا چهارم)، حضرت ابوالفضل مظهر...، خورشید خرابه شام، زیارت عاشورا و آثار شگفت، حدیث کساء و آثار شگفت و... منتشر و برخی دیگر (برای مثال جلد سوم و چهارم آیه التطهیر، جلد پنجم تا چهاردهم الامام الحسین علیه السلام و...) هنوز منتشر نشده اند. از خداوند متعال خواستارم در شرایطی که مقدّر شده است از تبلیغ و کتابت و تدریس فاصله بگیرم، از حسن عاقبت بی نصیب نمانم و بتوانم در فرصت باقیمانده دیگر، احادیث شان را که اوقات خوشم را وقفشان کردم تقدیم به آستانه آل عصمت و طهارت علیهم السلام بنمایم. (1)

آثار و تألیفات آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره

1. آیه التطهیر فی احادیث الفریقین، 5 جلد؛
2. الامام الحسین علیه السلام فی احادیث الفریقین، در 14 جلد که 4 جلد آن به طبع رسیده است.
3. حضرت ابوالفضل مظهر کمالات و کرامات، در 4 جلد؛
4. الشیعه فی احادیث الفریقین 2 جلد؛
5. غدیر و چشمه های جوشان ولایت؛
6. از زلال زمزم غدیر؛

ص: 77

1- . این نامه در روز سه شنبه 16/2/1393، در دیدار اعضای بیت مرحوم آیه الله موحد ابطحی با رهبر معظم انقلاب حضرت آیه الله خامنه ای دام ظلّه که جهت تشکر از مراسم ایشان در ارتحال آیه الله العظمی سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره در بیت ایشان در تهران انجام شد، تقدیم معظم له گردید. اقتباسی از کتاب در شعاع جانان.

7. جلوه های تشیع در مازندران ؛
 8. حدیث کساء و آثار شگفت ؛
 9. زیارت عاشورا و آثار شگفت ؛
 10. خورشید خرابه شام حضرت رقیه علیها السلام ؛
 11. حدیث کساء گوهر پنهان ؛
 12. دوره پرواز و سقوط ؛
 13. عباس علیه السلام کاشف الکرب ؛
 14. تحقیق ، تصحیح و باز نشر آثاری همچون : شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور ؛ تألیف میرزا ابوالفضل ثقفی طهرانی در 2 جلد .
 15. مفردات مخزن الادویه ، تألیف میرزا محمد حسین خان عقیلی علوی ، در 4 جلد ؛
 16. قانونچه (القانون الصغیر فی کلیات الطب) ، اثر محمد بن محمد چغمینی (م 745 ق)
- و بسیاری از آثار و نوشتارهای منتشر نشده که از ایشان به یادگار مانده به در آینده ای نزدیک به زیور طبع آراسته خواهد شد .

کتاب آیه التطهیر فی احادیث الفریقین

آیه التطهیر فی احادیث الفریقین تألیف سید علی موحد ابطحی قدس سره ، موضوع این پژوهش، بررسی روایاتی است که در شرح و تبیین آیه تطهیر(1) نقل شده اند .

این اثر نفیس با بهره گرفتن از منابع حدیثی ، تفسیری ، سنی و تاریخی شیعه و سنی به نگارش درآمده و در آن ، احادیث مربوط به آیه تطهیر گردآوری و بر اساس روایان مرتب شده است . یک جلد از این اثر ، از آغاز تا پایان ، احادیث مربوط به آن آیه شریفه است که به همراه اسناد آنها آورده شده اند .

ص: 78

بخش اول، شامل روایت هایی است که معصومان از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند و بخش دوم، ویژه روایت هایی است که صحابه از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند و بخش سوم شامل آن دسته روایت هایی است که از قول معصومین علیهم السلام، بی آنکه به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم استناد داده شود، نقل شده است. بخشی هم روایت های نقل شده از فرزندان معصومین علیهم السلام است، و در پایان، روایت های مرسل مندرج شده اند. هر بخش به صورت مسندی و الفبایی، با برجسته کردن نام راوی، همراه با ذکر سند و حدیث است. مأخذ روایت ها نیز در پاورقی مشخص شده اند. بخش دوم کتاب که جلد دوم آن را نیز تشکیل می دهد، در تفسیر آیه است که از « یرید الله » آغاز شده و در آن در باره مراد از اراده خدا در این آیه و اینکه تشریحی و یا تکوینی است، بحث شده است. منظور از طهارت، بخش بعدی مباحث را تشکیل می دهد و در آن، دعای پیامبر قبل از نزول آیه و ایمان اهل بیت علیهم السلام، مورد بررسی قرار گرفته، آن گاه « لیدهب » تشریح شده و از عصمت سخن گفته شده است.

بررسی « رجس » بحث بعدی است که به مناسبت، احادیث متعددی هم برای تشریح ابعاد آن نقل شده است. مراد از « اهل البیت » در آیه و مصداق آیه نبودن همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، سبب نزول آیه، مکان آن، غذای فراهم شده از سوی فاطمه در آن مجلس، کساء، شاهدان ماجرا و گذر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به در خانه فاطمه علیها السلام و سخنان آن حضرت در برابر آن، محاجه با آیه تطهیر و شرط طهارت در امامت، از دیگر مباحث مطرح شده در این بخش و پایان آن است.

تقریظ آیه الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره بر کتاب آیه التطهیر

... و ممن ساعدته السواعد الالهیه، و عاضدته التوفیقات الربانیه، هو العالم الجلیل و الفاضل النبیل سلیل الاکارم، و نافله الاعاظم، ذخر الافاضل، فخر الاقران و الامائل، حجة الاسلام السید علی الموحد الابطحی الاصفهانی، فانه دام مجده و

فاق سعده لقد شمر الذيل عن ساق السعى و الجد ، سهر الليالى و اكد الايام فى ترصيف كتاب آية التطهير و احاديث الفريقين فيها و لعمري قد جاد و اجاد، و اتى بما يؤمل و يراد ، و تصدى لذكر المدارك ، و البحث فى كون الاراده فى الايه هل هى تكوينيه او تشريعيه ، و النكات الدقيقه العلميه المستخرجه من الكتاب و السنه فى ذيل هذه الايه الكريمه الاوجزاه المولى الكريم سبحانه نعم الجراء و هتاء بالكاس الاوفى شربه لاضما بعدها ابدا ، و حشره تحت لواء سيد المظلومين اميرالمؤمنين روحى له الفداء و فى الختام ارجو رواد الفضل و هيمه العلم ان يراجعوا الكتاب و يستفيدوا منه و يستضيئوا من انواره وفقنا الله بما يرضيه و جعل مستقبل امرنا خيرا من ماضيه آمين آمين ... السيد شهاب الدين الحسينى المرعشى النجفى فى ضحوه يوم الاربعاء لاربع خلون من ثانيه الجمادين سنه 1404 هـ . ق .

ترجمه بخشى از تقریظ آیه الله العظمى مرعشى نجفى قدس سره

حضرت آية الله العظمى مرعشى نجفى قدس سره در يادداشتى بر كتاب آية التطهير فى احاديث الفريقين پس از حمد و ثناى الهى به حديث كساء و آية تطهير اشاره کرده و اشاره داشته اند كه اين حديث شريف بارها تكرر شده و كسى در آن شكى ندارد . سپس برخى از آثارى كه در شرح اين آيه شريفه نوشته شده را بيان مى دارند و در ادامه مى نويسند : و در ميان كسانى كه مورد يارى خداوند قرار گرفتند ، عالم برجسته ، نيكوكار و بزرگوار حجة الاسلام ، سيد على موحد ابطحى اصفهانى است كه آستين مجاهدت بالا زده و شب ها تا دير وقت بيدار مانده و روزها را صرف تهيه كتاب آية التطهير و احاديث الفريقين کرده است و سوگند به جانم ، او به آنچه در اين تحقيق دنبال مى کرده رسیده است و توانسته نکات علمى متعددى را از آيات قرآن و روايات اهل بيت درباره اين آيه شريف استخراج کند . خداوند به او بهترين پاداش را عنایت فرمايد و از جام بهشتى به او بنوشاند و او را زير پرچم مولای مظلوم ، اميرالمؤمنين

على عليه السلام محشور فرمايد . در خاتمه اميدوارم پيشكسوتان فضيلت و علاقمندان به علم و معرفت از اين كتاب استفاده كنند و خود را به نور اين كتاب منور گردانند

بامداد چهارشنبه 17 اسفند 1362 هجرى شمسى

تقريظ آية الله حاج شيخ سلمان خاقانى درباره كتاب «آية التطهير فى احاديث الفريقين»

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين المعصومين

و بعد فقد كنت مشغولاً فى رد كتاب (الشيعه و السنه) لكاتبه (احسان الهى ظهير و كنت مشغولاً فى رد دعواه من ان آية التطهير نزلت فى زوجات النبى صلى الله عليه و آله و سلم و اذا شملت غيرهم من الاهل و الارحام فهو على سبيل المجاز لا الحقيقه و كنت ارد كلماته بما ذكر استاد هذه الفئه ابن حجر فى كتابه (الصواعق المحرقة) فى الاستدلال على فضيله الخمسه اصحاب العباد و اول آيه ذكرها فى آية التطهير فانها نزلت فى الخمسه الاشباح عليهم سلام الله فى ذلك الوقت ناولنى العلامة الحجة السيد على موحد ابطحى كتابه القيم (آية التطهير) فتصفته متاملاً فيه و فى رواته فوجدت ان الرواه من الطرفين اكثر مما كنت اتصور و ان طرق الروايه مختلفه حتى احتمل ان نزولها تعدد بتعدد المواضع، فمن اراد الاطلاع على هذه الايه و على اسباب نزولها فليراجع هذا الكتاب القيم الذى طبع الجزء الاول منه و سيتبعه جزاوان آخران متممان له مكملان لفائدته و الله هو الموفق للخير و الرشد لسبيل الاحسان .

و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

الاقبل سلمان شيخ عبدالحسن الخاقانى

15 شعبان المعظم 1405

ص: 81

ترجمه تقریظ آیه الله خاقانی بر کتاب آیه التطهیر فی احادیث الفریقین

... در حال نگارش کتابی در رد کتاب « الشیعه و السنه » اثر (احسان الهی زهیر) بودم . وی در این کتاب ادعا کرده بود که آیه تطهیر در اصل درباره همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است و اطلاق آن بر دیگران از باب مجاز است نه حقیقت . این در حالی است که استاد این جریان ، یعنی ابن حجر عسقلانی، فقیه و محدث اهل سنت ، در کتاب خود (الصواعق المحرقة) در اثبات فضیلت اصحاب خمس آیه التطهیر را به عنوان اولین آیه ذکر کرده است . در این هنگام بود که علامه حجة الاسلام حاج سید علی موحد ابطحی کتاب ارزشمند آیه التطهیر فی احادیث الفریقین خود را به من رساند . پس از تأمل و دقت در این کتاب دریافتم که روایت هایی که از شیعه و سنی درباره آیه تطهیر هست ، بسیار بیشتر از آن چیزی است که تصور می کردم و این که حتی این آیه چند جا نازل شده است و ... هر کس می خواهد از محتوای این آیه و دلالت های آن مطلع شود، باید این کتاب ارزشمند را که جلد اول آن چاپ شده است ، مطالعه کند و امیدوارم که جلد دوم و مکمل این جلد نیز هر چه سریعتر منتشر شود. (1)

شیخ سلمان خاقانی

16 اردیبهشت 1364

اعجاب و تحیر علما از تألیف آیه التطهیر فی احادیث الفریقین

آیه الله آقای حاج شیخ شرف الدین نظری خادم الشریعه دام ظلّه می فرمودند : وقتی آیه الله خزعلی قدس سره جهت شرکت در کنگره بین المللی غدیر به مازندران آمده بودند ، در بیت آیه الله علامه نظری خادم الشریعه قدس سره حضور یافتند ، در آنجا سخنی درباره

ص: 82

1- . تصویر این یادداشت به قلم آیه الله خاقانی در جلد دوم کتاب آیه التطهیر فی احادیث الفریقین ، صفحه 378 منتشر شده است .

کتاب آیه التّطهیر به میان آمد که آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره آن را در 5 جلد تألیف و الان دو جلدش منتشر شده است . آیه الله خزعلی قدس سره وقتی از تألیف کتاب آیه التّطهیر مطلع شدند ، متعجب شدند و فرمودند : مگر می شود درباره آیه تطهیر دو جلد کتاب نوشت ؟!

دانشمند معظم و خطیب متفکر ، حضرت حجة الاسلام والمسلمین استاد معاونیان دامت برکاته می فرمود : مرحوم آیه الله سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره ، با تمامی فضائل علمی که داشتند ، در نهایت تواضع و فروتنی بودند . روزی در حضور ایشان نزد یکی از اساتید مشهور مشهد رفتم . آن عالم بزرگوار کتاب آیه التّطهیر آیه الله موحد ابطحی را تورقی کردند و گفتند : بله ! مطالبی که در این کتاب آمده است بخشی از مطالبی است که من در تحقیق خود درباره آیه تطهیر آورده ام و می خواستند بگویند مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی فحص و بحث کاملی در این زمینه نداشته اند . مرحوم آیه الله موحد ابطحی هم بدون این که ناراحت شوند گفتند : الحمدلله . ان شاء الله شما هم اثر خود را منتشر کنید تا ما از آن استفاده کنیم . چند سال گذشت و اثری از آن استاد برجسته در زمینه آیه تطهیر منتشر نشد و معلوم گشت ایشان مطلب اضافه ای بر آنچه در کتاب آیه التّطهیر مرحوم آیه الله سید علی آقای موحد ابطحی آمده است نداشته اند (1).

الامام الحسين عليه السلام في احاديث الفريقين من قبل الولادة الى بعد الشهادة

«الامام الحسين عليه السلام في احاديث الفريقين من قبل الولادة الى بعد الشهادة» کتابی است جامع شامل احاديث شيعه و اهل تسنن درباره امام حسين عليه السلام که توسط آیه الله سید علی موحد ابطحی اصفهانی قدس سره نوشته شده است .

ص: 83

1- . بیانات ارزشمند حجت الاسلام والمسلمین معاونیان دام ظلّه در شام ولادت حضرت زهرا علیها السلام در بیت الزهراى آیه الله العظمى حاج سید محمد باقر موحد ابطحی 11445 قمری .

این اثر نفیس جامع ترین و مفصل ترین کتاب حدیثی درباره امام حسین علیه السلام تا تاریخ انتشار آن است و شامل احادیث شیعه و اهل تسنن درباره آن امام از پیش از ولادت تا پس از شهادت. همه احادیث با سند آمده و گاه توضیحی ارائه شده است .

تقریظ آیه الله شیخ عبدالمحسن الخاقانی درباره کتاب « الامام الحسین علیه السلام فی احادیث الفریقین »

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و صلى الله على محمد و آله و بعد فأل الابطحي ، ساده كرام برره و هم اهل علم و فقه و تتبع و تنقيب و منبعهم من اصفهان و يقطن بعضهم في غيرها من بلاد ايران و السيد على الموحد الابطحي نجل العلامة السيد مرتضى الموحد الابطحي هو احد اغصان تلك الشجرة المشره التي توتى دائما اكلا طيبا و ثمرا يانعا فيه كل خير و بركه و احسان و هو على حدائه سنه لا اراه الا مستمرا دائبا متتبعا منقبا لن يهدأ عن البحث و التنقيب يسترخ الحب الطيب من احاديث اهل البيت ليجعلها اضمامه ذات حسن و بهاء ليستفيد منها القريب و البعيد ، فهو تاره يستخرجها تحت عنوان آيه التطهير و يكون في بحثه موقفا لما جمع فيها العلم و الدين . و تاره يستخرجها تحت عنوان الامام الحسين في احاديث الفریقين؛ من قبل الولاده الى بعد الشهاده و انا لنرجو ان يكون عاجلا مستقبلا باهرا لما نشاهده فيه من الدأب في البحث سواء كان في الكتب التي وضعها او يضعها حفظه الله امثال الكتب المتقدمه الذكر او تحقيقاته في كتب الغير التي سعى في طبعا بعد ان حققها و علق عليها و شرح غوامضها امثال تعليقاته على كتاب شفاء الصدور للعلامه الحجه الحاج ميرزا ابوالفضل الطهراني رحمه الله و انا لنرجوا للسيد على هذا مستقبلاً باهراً لما نشاهده فيه الحرص الشديد على البحث على المواضيع التي يختارها و التي هي تتكون غالباً من المواضيع المفيدة النافعه ، كثر

الله امثاله من رجال العلم و التنقيب الذي لا يفترون عن القيام بما نذروا انفسهم عليهم و الله يجزيهم خير ما يجزي العلماء العاملين .

الاقبل سلمان الشيخ عبدالمحسن الخاقاني

ترجمة تقریظ آية الله شيخ عبدالمحسن الخاقاني درباره كتاب « الامام الحسين عليه السلام في احاديث الفريقين »

... آية الله خاقاني می نویسد : این خانواده بزرگان نجیب و صالح و اهل علم و فقاہت و تحقیق هستند . سید علی موحد ابطحی ، فرزند علامه سید مرتضی موحد ابطحی یکی از شاخه های این درخت پر ثمر است که همیشه پر از خیر و برکت و نیکی است . او همواره در کار تحقیق درباره احادیث اهل بیت است تا آثار فاخری فراهم آورد که افراد دور و نزدیک از آن بهره ببرند . ایشان همچنین به برخی از آثار مرحوم حاج سید علی آقا موحد ابطحی از جمله کتاب های تالیفی آیه التطهیر فی احادیث الفريقین و الامام الحسين فی احادیث الفريقین اشاره می کنند و آنها را نتیجه تحقیقات مجدانه آیه الله موحد ابطحی می دانند . همچنین به تحقیق و احیاء کتاب شفاه الصدور ، اثر عالم والامام حاج میرزا ابوالفضل تهرانی قدس سره اشاره می کنند . در پایان می نویسند : بنده آینده ای بسیار روشن برای حاج سید علی موحد ابطحی آرزو می کنم ؛ زیرا می بینیم که ایشان به شدت مشتاق تحقیق در موضوعات مفیدی است که انتخاب می کند . خداوند امثال ایشان را که در کار علم و راستی هستند زیاد کند ، کسانی که از ایستادگی در راهی که با خود عهد کرده اند دریغ نمی کنند . خداوند بهترین پاداش را به آنها عنایت فرماید . (1)

ص: 85

1- . تصویر دست خط آیه الله خاقانی در صفحه 408 جلد اول کتاب الامام الحسين فی احادیث الفريقین منتشر شده است .

بشارتی درباره کتاب الامام الحسين عليه السلام في احاديث الفرقيين

آية الله آقای سید علی موحد ابطحی قدس سره در خاطراتش می نویسد: زمانی مشغول کتاب « الامام الحسين في احاديث الفرقيين » بودم، شخصی از روحانیون نزد من آمد و گفت: دیشب خواب دیدم؛ در مسجد اعظم بالای منبر بودید، مراجع پای منبر شما نشسته بودند و مطالب منبر شما را یادداشت می کردند و یادداشت های آنها مربوط به امام حسین علیه السلام بود. این در حالی بود که آن زمان هیچ کس خبر نداشت که من مشغول کتاب « الامام الحسين في احاديث الفرقيين » هستم.

الشيعة في احاديث الفرقيين

حضرت آية الله آقای حاج سید علی میلانی دام ظلّه، از اساتید برجسته درس خارج فقه و اصول و کلام حوزه علمیه قم می فرمودند: انگیزه نگارش کتاب « الشيعة في احاديث الفرقيين » آن بود که آقای ابطحی این کتاب را در پاسخ به شبهه ای قدیمی که دوباره بر سر زبانها افتاده بود نوشتند و شبهه این بود که مذهب تشیع ساخته و پرداخته فردی به نام عبدالله بن سبا است.

توضیح

پس از انتشار آثار نویسندگان متاخر عرب از جمله محمد رشید رضا (م 1354 ه. ق) در کتاب « السنه و الشيعة »، احمد امین (م 1372 ه. ق) در کتاب « فجر الاسلام »، فرید وجدی (م 1370 ه. ق) در کتاب « دائرة المعارف »، حسن ابراهیم حسن، در کتاب « تاریخ الاسلام السياسي » و ... یک شبهه قدیمی مجدداً در جامعه در حال شیوع بود. شبهه این بود که « مذهب شیعه توسط یک یهودی تازه مسلمان شده به نام عبدالله بن سبا، در زمان عثمان شکل گرفته است. » این شبهه پیش از این توسط ابن تیمیه و پیروان او مطرح شده بود. به لحاظ تاریخی ابن خلدون (م 808 ه. ق) در کتاب « تاریخ ابن خلدون »، ابن کثیر (م 774 ه. ق)، در « البدایه و النهایه »، ابن

اثیر (م 630ه. ق) در « الکامل فی التاریخ » به این مطلب اشاره کرده بودند ، اما تمام این روایت ها در نهایت می رسد به کتاب « تاریخ الامم و الملوک » معروف به تاریخ طبری که توسط ابن جریر طبری (م 310ه. ق) نوشته شده است . مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی در سال 1374 برای پاسخ به این شبهه کتاب « الشیعه فی احادیث الفریقین » را به رشته تحریر در می آورند .

خواب عجیب راجع به الشیعه فی احادیث الفریقین

محقق ولایی آیه الله موحد ابطحی قدس سره در خاطرات خود می نویسد : شیخ انصاری شهرضایی که کتابهای شعری نیز دارد می گویند : شب عید غدیر در عالم خواب دیدم سید علی آقای موحد ابطحی در مجلس مهمی بالای منبر صحبت می کردند و آقا امیرالمؤمنین علیه السلام تشریف داشتند و جمعیت انبوه و عجیبی بود و بالای منبر این اشعار را می خواندند .

الهی دیده حق بین عطا کن *** دلم را با حقایق آشنا کن

علی مصباح منهاج هدایت *** علی والی ممتاز ولایت

حضرت امیر می فرمایند ای انصاری تو بگو:

گدایم من گدایم من گدایم *** سگ کوی ولای مرتضایم

کتاب حضرت ابا الفضل علیه السلام مظهر کمالات و کرامات

آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره درباره تألیف این اثر نفیس و ماندگار می نویسد : چون آثار کهنسالی و ضعف و ناتوانی را در خود احساس نمودم و آفتاب عمر را در حوالی غروب و افول یافتم، با خود گفتم :

موی تو در رو سیاهی شد سفید *** یعنی از ره قاصد مرگت رسید

و دیوان عملت از اعمال نیک و خداپسند خالی . در این هنگام لرزی سرتاسر وجودم را گرفت و مرا از همه جا مأیوس کرد که ناگاه از سوی خدای رحیم و بنده نواز

ندای غیبی مرا با خبر ساخت که این درگه ما جای ناامیدی نیست و « مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي مَثَلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا » (1)

گوش دلم را به صدا درآورد و امید نجاتی برآیم به ارمغان آورد. از این رو بر آن شدم بذلیل عنایت خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام چنگ زنم و خود را به ساحل نجات برسانم. ناگاه به خود آمدم که تمسک و توسل به خاندان وحی و رسالت و انوار الهیه شرایط و آداب دارد که این وامانده راه و پای بسته به علایق و شکسته بال را توان چنین قدرت پرواز و عروج نیست و خطاب به خود کردم که:

ای مگس! عرصهٔ سیمرغ نه جولانگه توست *** عرض خود می بری و زحمت ما می داری

تو کجا و دست درازی به دامان اهل بیت علیهم السلام کجا؟ در این اندیشه بودم که باز ندای غیبی گوش دلم را به ارتعاش درآورد که: برای هر شهر و خانه ای دری است و امیر مؤمنان در قلعهٔ علم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند و در میان درهای ولایت، باب الحسین علیه السلام آسان ترین و با وسعت ترین آنهاست. اما برای ورود از باب الحسین علیه السلام می بایست از دربان این باب اجازه گرفت و بدین جهت بود که روی آوردم به باب الحسین و باب الحوائج حضرت ابالفضل العباس علیه السلام و با خود گفتم:

در پیش رخت مه چیست ای ماه بنی هاشم *** غیر از ره توره نیست ای ماه بنی هاشم

هر کس نکند تعظیم بر خاک رخت عباس *** شیعهٔ صد و ده (2) نیست ای ماه بنی هاشم

کس را که تو در محشر هرگز نشوی شافع *** پیروی منزّه نیست ای ماه بنی هاشم

ص: 88

1- . کنز العمال : 34151.

2- . اشاره است به نام علی علیه السلام که مساوی با عدد صد و ده است .

و بر آن شدم که کتابی در شرح زندگانی حضرت ابوالفضل علیه السلام و فضایل و کرامت های ایشان بنویسم و از این راه به خاندان فضل و کرم راهی پیدا کنم :

هر که بر درگه والای تو سایید جبین پای رفعت زده بر بارگه خلد برین

و از کسانی نباشم که حضرت صادق علیه السلام درباره اش می فرمایند: « لعن الله من جهل حقک و استخف بحرمتک ». این کتاب متاع کم ارزش و ران ملخی است که این بنده روسیاه با کمال شرمساری هدیه به درگاه صاحب الامر و الزمان روحی له الفدا می نمایم؛ آقایی که در عرفات جلسه عزای حضرت ابوالفضل علیه السلام را منور ساختند و با اشک و غم و اندوه در سوگ عمومی بزرگوارشان نشستند و از کرم آن امام عزیز انتظار دارم که این کمترین خادم دوستان اهل بیت را مورد لطف و قبول خود قرار دهند و در دنیا و آخرت رستگار و در زمره دوستانشان به حساب آورند .

سید علی موحد ابطحی موسوی اصفهانی

دی ماه 1375

در جستجوی منتسبان به حضرت ابوالفضل علیه السلام و ارادت به حضرت ام البنین علیها السلام

ایشان به غیر از تألیف این اثر ماندگار، فعالیت های مجدانه ای برای شناسایی امامزاده های منسوب به حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام داشتند. هر کجا که مطلع می شدند که در شهر یا روستایی دور افتاده، نشانه ای از یکی از منتسبین حضرت قمر منیر بنی هاشم علیه السلام است حضور می یافتند و تحقیقات وسیعی در این باب می کردند... و ارادت ویژه ای خدمت مادر مهر و وفا، حضرت ام البنین علیها السلام داشتند.

مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره، حضرت ام البنین علیها السلام را در شکوه تام معرفی نموده و عظمت ایشان را در کتاب « حضرت ابوالفضل علیه السلام مظهر کمالات و کرامات » می ستودند. محبت و فداکاری های بی شائبه حضرت ام البنین علیها السلام نسبت به فرزندان رسول خدا و فداکاری های فرزندان او در راه سیدالشهداء بی پاسخ

ص: 89

نبرد، بلکه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نسبت به احترام و بزرگداشت آنها کوشیدند و از قدردانی نسبت به آنها چیزی فروگذار نمودند. آنها برای او جایگاهی والا و موقعیت ارزنده ای قائل بودند، حضرت زینب کبری علیها السلام پس از رسیدن به مدینه به محضرش شتافتند و شهادت چهار فرزندش را تسلیت گفتند و روزهای عید برای احترام به محضرش تشریف می بردند و رفتن فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد ام البنین علیها السلام در روزهای عید و جهت تسلیت برای شهادت فرزندان برومندش، علامت و نشانه منزلت ام البنین علیها السلام نزد اهل بیت علیهم السلام است. ام البنین علیها السلام، جایگاهی بس رفیع نزد مسلمانها دارد و بسیاری معتقد هستند او نزد خداوند متعال دارای منزلتی است عظیم از این رو اگر دردمندی او را به پیشگاه خداوند واسطه قرار دهد، خداوند حکیم غم و اندوه او را برطرف خواهد نمود. و از این جهت در هنگام سختی ها و درماندگی ها این بانوی مجلله را به درگاه خداوند بزرگ شفیع قرار می دهند؛ زیرا وی فرزندان و پاره های جگر خود را خالصانه در راه خدا و استواری دین تقدیم داشت و از این راه قرب و منزلت والائی پیدا کرد. (1)

توسل مجرب و ختم صلوات حضرت ام البنین علیها السلام

برادر والامقام ایشان، مجلسی زمان، مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره اهتمام ویژه ای به توسل به حضرت ام البنین علیها السلام داشتند و ختم 75 صلوات به ایشان را در مشکلات توصیه می کردند و آن به این کیفیت بود: 15 صلوات به نیت حضرت ام البنین علیها السلام و مابقی آن به نیت 4 فرزند بزرگوارشان هر کدام 15 صلوات. (2)

ص: 90

- 1- اقتباسی از کتاب حضرت ابوالفضل علیه السلام، مظهر کمالات و کرامات.
- 2- توسلی به نام سفره حضرت ام البنین علیها السلام: سالیان متمادی سنت زیبایی به نام سفره حضرت ام البنین علیها السلام یا شبه های حضرت ام البنین علیها السلام در میان زنان عرب در عراق برپاست که هر کس به نیتی صبح های روز شنبه به بضاعت خود، نان و خرما و هر آنچه در توانش هست... تهیه نموده و برای خود سفره ای پهن می کند و به هر آنکس که رهگذر آن دیار است به عنوان طعام حضرت ام البنین علیها السلام از او پذیرایی می کنند. حالات عجیبی دارند و آدمی را به شور و حال اربعین می برند. آنچنان بساط پهن می کنند، گویا منتظر یوسفی هستند که کلاف اخلاصشان را به شکستگی دل های پاکشان بخرد. گویا به توسل بر مادر ماه، یوسف زهرا را به انتظار نشسته اند. این سنت که حال التحریر صبح های شبه به طور گسترده در بین الحرمین کربلا، نجف اشرف، مشهد مقدس، قم، اصفهان و بسیاری از شهرها و روستاهای دوردست انجام می شود، برکات عجیبی داشته که در فضای مجازی و حقیقی مورد توجه همگان قرار گرفته، تا آنجا که حتی خانواده ها در منازل خود این سنت زیبا و معنوی را برای برکت زندگانی و سلامتی فرزندانشان انجام می دهند. نگارنده این سنتی که از پیرزن های قدیمی کربلا به یادگار مانده را به دیده چشم نهاده و «عَلَيْكُمْ بِدِينِ الْعَجَازِ» را تکریم نموده و ثواب ترویج آن را به روح مروج شعائرالله، دلباخته حضرت ابوالفضل علیه السلام، مرحوم آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره نموده و آن را چنین به محضر تاریخ معرفی می نماید. یقیناً اگر آن محقق ولایی در قید حیات بود، آن را در هر آنجا که قدم می گذاشت ترویج می داد تا خانه ها مترنم به عطر بانوی وفا حضرت ام البنین علیها السلام شود.

این کتاب ارزشمند، مروری بر زندگانی، شخصیت، معرفی خاندان و فضایل ابوالفضل العباس علیه السلام است. در این کتاب ابتدا به معرفی اجداد پدری و مادری حضرت عباس بن علی علیهما السلام و معرفی برادران، خواهران، عموها و عمه های ایشان پرداخته شده و عظمت شأن خاندان ایشان بررسی گردیده است. آنگاه به گوشه هایی از زندگانی ایشان از زمان ولادت تا زمان شهادت در رکاب امام حسین علیه السلام در کربلا- اشاره گردیده و کنیه ها و القاب عباس بن علی علیهما السلام و گوشه هایی از رشادت ایشان در کربلا به تصویر کشیده شده است. در ادامه نگارنده به بیان فضایل و مناقب عباس بن علی علیه السلام مانند ایمان و تقوای ستودنی ایشان، شجاعت ایشان، فصاحت او در کلام، بصیرت دینی بالای ایشان، علم او به مسایل مختلف دینی، کرم و بخشش عباس بن

علی علیهما السلام، ایثار ایشان، متابعت خالصانه او از امام و مولای خویش امام حسین علیه السلام، برتری او بر سایر شهدای کربلا و مقام شفاعت او در قیامت پرداخته و ابعادی از دلآوری ها و برکات وجودی ایشان در کربلا را بررسی نموده است.

کتاب حدیث کساء و آثار شگفت

نمایش مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی برای احیاء حدیث کساء

اوائل دهه هشتاد، هجده هابی نسبت به حدیث کساء توسط برخی صورت گرفت تا جایی که در برخی از امامزاده ها صفحاتی از ملحقات کتاب « مفاتیح الجنان » که در آن حدیث کساء آمده بود حذف گردید و در تأیید این کار مطالبی نوشته شد و مصاحبه هایی صورت گرفت . آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره که خود از مدافعان حریم اهل بیت علیهم السلام بودند، درصدد برآمدند با این هجده شدید که متأسفانه به طرق مختلف نیز حمایت می شد به قدر توان خود مقابله کنند و بدین منظور چند اقدام را در دستور کار خود قرار دادند :

1. در ایام شهادت حضرت زهرا علیها السلام که روضه های باشکوهی در منزل اخوی معظم ایشان (آیه الله آقای حاج سید حجت موحد ابطحی دام ظلّه) برگزار می گردید (در فاطمیه اول) مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی حدود ساعت 8 منبر می رفتند . ایشان برای احیاء حدیث کساء و مقابله با هجده های صورت گرفته نسبت به این حدیث شریف ، بر خلاف رویه سال های قبل به خواندن حدیث کساء و پس از آن شرح عبارات آن همت گماردند . پس از چند سال این حرکت به سنتی در روضه های فاطمیه اول در منزل آیه الله حاج آقا حجت موحد ابطحی مدظله تبدیل و با استقبال مردم همراه شد ، به گونه ای که برخی در این محدوده ساعتی در برنامه شرکت کرده و پس از قرائت حدیث کساء مجلس را ترک می کنند . در این زمینه خوابی هم دیده شده که در فصل خاطرات نقل خواهد شد .

2. آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره همچنین جزوه ای کوچک نوشتند ، در نقد ادله ای که مخالفان حدیث کساء مشهور مطرح کرده و به واسطه آن در ایامی که قدرت داشتند پاره کردن حدیث کساء از بخش ملحقات مفاتیح الجنان را در دستور کاری خود قرار داده و از آن به شدت دفاع می کردند . ایشان اصرار داشتند که این جزوه کوچک تنها در اختیار علما قرار گیرد و در سطح عمومی پخش نشود .

3. تحقیق درباره حدیث کساء و آثار شگفت آن دیگر اقدامی بود که مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی جهت احیاء حدیث کساء انجام دادند . چاپ اول (سال 1385) تا هشتم (سال 1396) این کتاب هر نوبت در 3 هزار نسخه منتشر شده است .

کتاب حدیث کساء و آثار شگفت شامل 5 فصل است :

1. «پژوهشی در سند حدیث شریف کساء» مشهور ؛

2. آثار توسل به حدیث شریف کساء ؛

3. حدیث کساء در آئینه اشعار ؛

4. حدیث کساء از منظر حضرات آیات و مراجع بزرگوار تقلید ؛

5. حدیث کسا در آئینه کتاب .

لحظات آخر چاپ کتاب حدیث کساء و آثار شگفت

آیه الله آقای حاج شیخ شرف الدین نظری خادم الشریعه دام ظلّه در تبیین کتاب حدیث کساء و آثار شگفت می فرمودند : این کتاب از کتاب های متفرد در نوع خود در تاریخ معاصر است . یعنی قبل از ایشان کسی نبود برای حدیث کساء کتابی بدین طریق به زبان فارسی تحقیق کند و با قصه های دلنشینی مردم را به آن سوق دهد . در آخرین چاپ این کتاب قرار بر آن شد که از نظرات بزرگان و مراجع استفاده شود . ولی از مرجع عالیقدر ، آیه الله العظمی وحید خراسانی دام ظلّه مطلبی بدست ما نرسیده بود .

ص: 93

از این رو بر آن شدم خدمت ایشان برسم و تقریظ را از ایشان اخذ نمایم . روز شهادت امام سجاد علیه السلام بود که جهت شرکت در روضه به دفترشان رفتم . وقتی روضه تمام شد به آقا زاده شان گفتم قبل از اینکه آقا به اندرونی بروند ، به آقا بگویید فلانی با ایشان کاری دارند . به آقا اطلاع دادند و ایشان احترام فرمودند و در بیرونی دم در نشستند . خدمتشان رسیدم و ضمن صحبت های متعدد در زمینه های مختلف ، عرضه داشتم کتاب حدیث کساء را آقا سید علی آقای موحد ابطحی زحمت کشیدند و نوشتند و تحقیق کردند . نیاز به آن است که حضرتعالی آن را تأیید بفرمایید . آقا نگاهی کردند و به دلایلی عذر آوردند . عرض کردم : آقا ! شما مرجع ولایی و فاطمی هستید . اگر شما ننویسید چه کسی بنویسد؟! وقتی این مطلب را عرضه داشتم فرمودند : کتاب را آوردید؟ عرض کردم : بله ! فرمودند : بگذارید اینجا ، فردا بیاید .

فردا خدمتشان رسیدیم و متنی نورانی و وزین از ایشان دریافت نمودیم که فوق رغبت ما بود . ایشان در آن مرقومه ، حدیث کساء را از حیث اعتبار ، دلالت و سند و از همه جهات تأیید فرمودند و امضاء نمودند و در کتاب درج شد .

بسم الله الرحمن الرحيم

محضر مبارک مرجع ولایی و فاطمی حضرت آية الله العظمی وحید خراسانی دام ظلّه

بعد التحیات الوافرات ، با عرض تسلیت ایام شهادت صدیقه کبری علیها السلام خواهشمند است در صورت صلاحدید نظر مبارک خویش را در خصوص حدیث شریف کساء منقول از طریحی در المنتخب و مرحوم بحرانی در عوالم العلوم که از دیرزمان تا کنون شهرت به سزائی در میان فقها و علما و صلحا و اهل دعا دارد خاصه سید الفقها مرحوم حاج سید محمد کاظم یزدی اعلی الله مقامه و آثار و برکات آن مُشاهد و مُجرب است، بیان فرمائید . ادام الله ظلکم

جمعی از مقلدین و ارادتمندان (فاطمیه 1432)

صدور اصل حدیث شریف کساء و دلالت آن بر عصمت مطلقه خمسه طیبه صلوات الله علیهم برای اهل روایت و درایت قابل انکار نیست و خواندن آن به کیفیت مذکوره در بعضی از کتب حدیث رجاء، از مصادیق اخبار من بلغ است هر چند سند نیز قوی است.

حسین الوحید الخراسانی

16 جمادی الاولی 1432

کتاب غدیر و چشمه های جوشان ولایت

اشاره

در فصل اول کتاب وقایع تاریخی ماه ذیحجه که با مسئله ولایت اهل بیت علیهم السلام مرتبط است ذکر و درباره هر یک از این واقعه ها توضیحاتی ارائه شده است. در فصل دوم احادیثی از معصومین علیهم السلام در خصوص شهادت به ولایت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در روز غدیر خم درج گردیده است ..

هدف از نگارش کتاب غدیر و چشمه های جوشان ولایت

آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره در این باره می نویسد: در میان ماه های سال و حادثه های گوناگونی که در بلندای تاریخ اتفاق افتاده است، ماهی را همچون ذیحجه و حادثه ای را همچون غدیر نمی توان یافت که در طول چهارده قرن، دل و اندیشه حقیقت پژوهان را به خود مشغول کرده و جویندگان نور هدایت به صراط مستقیم را از وادی ظلمات و سرگردانی ها رهانیده باشد. حوادث تاریخی بزرگی را که در این ماه مشاهده می کنیم، و مخصوصاً حادثه غدیر، از بزرگترین تجلیات هدایت خداوند متعال برای طالبان کمال می باشد به طوری که بشر هرگز نخواهد توانست، عظمت و شکوه آن را به زبان و قلم جاری سازد.

یک دهن خواهم به پهنای فلک *** تا بگویم شرح آن رشک ملک

امروزه شیعیان و دوستان آل الله دریافته اند که باید این ماه و این عید عظیم را به عنوان سمبل تشیع علوی جلوه ای ممتاز بخشند تا چون خورشید در میان دیگر

روزها و ماه های سال بدرخشد . از آنجا که دست یابی به این مهم بدون علم و آگاهی نسبت به اهمیت وقایع این ماه شریف ممکن نیست ضروری دانستم تا در جزوه ای کوتاه تنها جرعه ای به قدر تشنگی از مطالب مرتبط با این وقایع را در اختیار علاقمندان خاندان عصمت و طهارت قرار دهیم . امید است که این عمل قلیل در پیشگاه خداوند متعال به عنوان « یادآوری ایام الله » و « تعظیم شعائر الهی » قلمداد گردد .

مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی در فصل دوم این کتاب به موضوع شهادت به ولایت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از شهادت به رسالت حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه و آله و سلم می پردازند که در پستی دیگر به تفصیل درباره آن توضیح داده خواهد شد .

تکمیل الغدیر

هنگام نوشتن این کتاب توسط آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره ، یکی از بستگان این مرحوم که از اساتید جامعه الزهرا علیها السلام قم می باشند ، در عالم خواب می بینند که علامه امینی قدس سره می فرماید : الغدیر یک جلد کم داشت که توسط آقای ابطحی در حال نگارش است . فردا صبح از آقای ابطحی می پرسند آیا شما درباره کتاب الغدیر کاری در دست دارید و خواب خود را نقل می کنند و آقای ابطحی هم توضیح می دهند که در حال نوشتن کتاب غدیر و چشمه های جوشان ولایت هستند .

فصل دوم کتاب غدیر و چشمه های جوشان ولایت و انگیزه نگارش آن

اشاره

آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره در پیشگفتار این کتاب می نویسد : فصل دوم این کتاب در پاسخ به شبهاتی که در مورد شهادت به ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام در

اذان مطرح گردیده نوشته شده است . ایشان در این فصل ابتدا 93 حدیث نقل می کنند که در آن از همراهی شهادت به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام یاد

شده است . در ادامه بیاناتی از برخی علما و بزرگان دین یاد می کنند که شهادت به ولایت امیرالمؤمنین در اذان را مستحب دانسته اند ، برای نمونه و ... علامه مجلسی ،

علامه شیخ حر عاملی در کتاب هدایه و حضرات آیات عظام بهبهانی در حاشیه مدارک، همدانی در کتاب صلوة، شیخ ضیاء عراقی در کتاب صلوة، سید نعمة الله جزائری، سید محسن حکیم، سید محمد رضا گلپایگانی و... ایشان همچنین به شعر علامه بحرالعلوم اشاره می کنند که در آن ایشان می فرمایند: شیعیان اذان خود را با شهادت به ولایت امیرالمومنین علیه السلام کامل کنند همان طور که دین اسلام با اعلان ولایت حضرت علی علیه السلام در غدیر خم کامل گردید.

خواب شگفت راجع به کتاب غدیر و چشمه های جوشان ولایت

آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره می نویسد: بنابر پیشنهاد بعضی از دوستان که فرمودند: کتاب غدیر و هفته ولایت را به نام زلالی از زمزم غدیر نوشتید، مناسب است کتاب مفصل تر بنویسید و به نام غدیر و دهه غدیر نشر دهیم. خواسته آنها را عملی ساختم و مشغول شدم. مطالب زیبایی پیدا کردم و لیکن به عللی کتاب را کنار گذاشتم و شبانه روزم را برای کتاب طبی قرار دادم. شبی خواب دیدم به عتبات و حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف شدم. روزهایی را آنجا بودم، ولی حرم مشرف نشدم و به فکر مراجعت به ایران بودم. ناراحت بودم از اینکه چرا در این چند روز به حرم مشرف نشدم. از خواب بیدار شدم، تا اینکه به فکر افتادم که دلیل این خوابها چیست. در صدد بر آمدم کتاب را تمام کنم.

جلوه های تشیع در مازندران از آغاز تا دهه غدیر

آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره در بیان انگیزه تألیف کتاب جلوه های تشیع در مازندران از آغاز تا دهه غدیر می نویسد: شنیده شده بود که در شهر مذهبی و ولایی ساری بقعه ای به نام بقعه ملا مجدالدین وجود دارد که شرافت سفارت از جانب امام صادق علیه السلام، رئیس مذهب شیعه، به او عطا شده و پس از سالیانی اقامت و ارشاد و هدایت، روح پاکش به شاخسار جنان پرواز و در محل بقعه فعلی در ساری مدفون

وقبر شریفش از همان زمان تاکنون ملاذ و مزار خاص و عام قرار گرفته است . پس از اطلاع از این مسأله ، طبیعت جستجو کننده ام که عادت و خوی هر محقق و نویسنده ای است مرا بر آن داشت که زوایای امر را هرچه سریعتر بررسی نمایم و وارد کار شوم . سرانجام در ایام شهادت جانسوز حضرت امام صادق علیه السلام دی ماه 1380 امکان سفری دیگر به ساری برایم میسر گردید و از نزدیک توفیق زیارت مزار حضرت ملا- مجدالدین و بعضی از امام زادگان لازم التعظیم آن نواحی و حدود فراهم آمد و این خود زمینه ای برای آغاز تحقیق گشت .

به هر حال از آنجا که تاکنون (بنا به تتبع نویسنده) تحقیق مبسوطی در رابطه با جلوه های تشیع در مازندران انجام نگردیده و کتاب مستقلی در این زمینه نگاشته نشده لازم بود تا یک گام مقدماتی در این خصوص برداشته شود و زمینه برای محققین دیگر آماده گردد ؛ لذا به حول و قوه الهی کار را شروع نموده و مطالبی را در پنج بخش :

بخش اول : مازندران پیشگام در تشیع ؛

بخش دوم : ساری دارالملک تشیع از روز نخست ؛

بخش سوم : بنی الزّهره و امامزادگان در خطه شمال و طبرستان ؛

بخش چهارم : مشاهیر و رجال نامی مازندران در طول تاریخ تشیع ؛

بخش پنجم : مازندران و احیاء امر اهل بیت علیهم السلام .

در بلندای تاریخ و اقامه جشن باشکوه دهه غدیر با نام جلوه های تشیع در مازندران از آغاز تا دهه غدیر عرضه میدان اهل ذوق و تحقیق می نمایم به عنوان حسن ختام فرصت را مغتنم شمرده از همه عزیزانی که با شور و شوق در گردآوری این اثر دینی و تاریخی به هر نحو و مقدار حقیر را مرهون الطاف و عنایات خود قرار دادند تشکر و قدردانی می نمایم به خصوص از محضر حضرت آیه الله نظری دام ظلّه مؤسس و مروج اساس رفیع جشن های دهه مبارکه غدیر که مشوق و زمینه ساز اصلی تحقیق و تألیف این اثر بودند .

« زیارت عاشورا و آثار شگفت » عنوان کتابی در شرح زیارت عاشورا است که به قلم آیه الله سید علی موحد ابطحی اصفهانی قدس سره نگاشته شده است .

نگارنده نخست مطالبی را درباره نقش ادعیه و زیارات در زندگی انسان بیان کرده و در فصل دوم به جایگاه زیارت عاشورا در کلام ناقلان وحی اشاره نموده و در ضمن آن به ویژگی های زیارت عاشورا ، منافع دنیوی و اخروی زیارت عاشورا و نیز بررسی سند این زیارت شریف پرداخته است . نویسنده در فصل سوم کتاب هفتاد حکایت از آثار شگرف این زیارت پرفیض و برکت را نقل کرده است . در بخش چهارم نیز شرحی بر مضامین بلند زیارت عاشورا نگاشته شده و در آن به مباحثی چون مفهوم زیارت ، معانی فرازهایی از این زیارت و مفاهیم موجود در آن پرداخته شده است . در بخش پایانی نیز نکاتی درباره دعای علقمه آمده است . این کتاب تاکنون به زبان های عربی ، فرانسه ، انگلیسی و روسی ترجمه شده است .

انگیزه نگارش کتاب زیارت عاشورا و آثار شگفت

آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره در بیان انگیزه نگارش این کتاب می نویسد : ادعیه و زیارت هایی که توسط معصومین علیهم صلوات الله اجمعین انشاء گردیده ، دربردارنده نکات آموزنده ای است که درک دقیق و عمیق آنها می تواند زندگی فردی و اجتماعی شیعیان و محبین اهلبیت علیهم السلام را دگرگون سازد و آنها را هر چه بیشتر به الگوهای الهی در زمین ، که همان معصومین علیهم السلام می باشند ، نزدیک گرداند . زیارت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا نیز از جمله زیارت هایی است که علی رغم توجه زیاد شیعیان خاندان عصمت و طهارت به آن ، عمق معانی و مفاهیم کمتر مورد توجه قرار گرفته است . همین مسئله انگیزه ای در من ایجاد کرد تا کتابی در شرح زیارت عاشورا تألیف نمایم . پس از جستجوی وسیع در بین شروح نگاشته شده درباره

زیارت عاشورا شرح آیه الله میرزا ابوالفضل تهرانی را شرحی بسیار جامع، فنی و علمی یافته و سعی کردم تا این شرح شریف را به همراه تحقیقات و پاورقی های شخصی خود، منتشر نمایم. الحمدلله این کار در مهر ماه سال 1370 به پایان رسید و کتاب نفیس «شفاء الصدور فی شرح زیارت العاشور» در دو جلد به چاپ رسید و پس از چند سال نیز به همراه اضافاتی چند تجدید چاپ گردید. همزمان با تحقیق در مورد این کتاب شریف، با حکایاتی شگفت و مستند از آثار و برکات مداومت بر زیارت عاشورا رویه رو شدم و تصمیم گرفتم تا این حکایات را در مجموعه ای با عنوان داستان های شگفت زیارت عاشورا گردآوری کنم. به حول و قوه الهی و با عنایات اهل بیت علیهم السلام و کمک دوستان، نسخه اول این کتاب که دربردارنده 23 داستان بود، در سال 1370 به چاپ رسید. پس از چاپ اولین نسخه کتاب داستانهای شگفت زیارت عاشورا و اظهار لطف و محبت دوستان، حکایات دیگری از آثار شگفت مداومت بر زیارت عاشورا به صورت مستند در اختیار این جانب قرار گرفت و همین امر موجب گردید که در هر نوبت از تجدید چاپ این کتاب داستان هایی به آن اضافه گردد؛ به طوری که در حال حاضر آخرین نسخه این کتاب که در اختیار عزیزان و سروران قرار دارد، حاوی 70 حکایت مستند از آثار شگفت زیارت عاشورا می باشد. به علت استقبال شدید علاقه مندان به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، کتاب داستان های شگفت زیارت عاشورا تا کنون در ده نوبت و در تیراژی حدود 50 هزار نسخه، تجدید چاپ گردیده است. لازم به ذکر است پس از چاپ کتاب داستان های شگفت زیارت عاشورا بنا به سفارش برخی از دوستان، تصمیم گرفتم این کتاب را به زبان عربی ترجمه نمایم تا عرب زبان های ایران و دیگر کشورهای اطراف، به راحتی بتوانند از محتوای کتاب مطلع گشته و با آثار شگفت توسل به زیارت عاشورا، آشنا شوند. متن عربی این کتاب در سال 1375 و در تیراژ سه هزار نسخه منتشر گردید.

چند سال بعد برخی دیگر از روحانیون که با کشورهای اروپایی در ارتباط بودند، اعلام داشتند که در این کشورها تعداد زیادی از شیعیان علاقه مند به خاندان پیامبر علیهم السلام زندگی می کنند که به علت دوری از معارف حیات بخش خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام لب تشنه چنین مطالب و معارف ارزشمندی می باشند. با توجه به آشنایی این آقایان از جو اجتماعی، دینی و فرهنگی آن کشورها، از ما درخواست نمودند که این کتاب را به زبان های خارجی (فرانسه و انگلیسی و روسی و ...) ترجمه نمایند. الحمدلله این کار هم به خوبی انجام شد و ثمرات ارزنده ای هم در بر داشت. چندی بعد متوجه شدیم که نسخه عربی این کتاب، به صورت جداگانه در دو کشور مصر و لبنان منتشر شده، که مؤلف نسخه هایی از این دو ترجمه را بدست آورده است. نکته جالب توجه در این جاست که ترجمه ای از روی نسخه عربی این کتاب که در کشورهای عربی به چاپ رسیده، در ایران انجام گرفته و علی رغم وجود کاستی های بسیار زیادی که در آن وجود دارد، از سال 1379 تا کنون در چهار نوبت و بدون اجازه مؤلف تجدید چاپ گردیده است. علاوه بر این داستان های این کتاب که مؤلف در طی چند سال تحقیق و تفحص گردآوری نموده، به صورت مکرر و گاه بدون ذکر سند، در کتاب های مختلف نقل قول گردیده است. تمام این شواهد نشان دهنده عمق علاقه مردم نسبت به معارف دینی و به خصوص نسبت به چنین داستان های شگفت مذهبی است. نکته دیگری که ذکر آن در این مقدمه شایسته است آن که در این چند سال به علت مشغله های بسیار، فرصتی برای تجدید نظر در محتوای کتاب داستان های شگفت زیارت عاشورا به دست نیامده بود. علاوه بر این، همانطور که در مقدمه نسخه ابتدایی این کتاب ذکر کرده بودم، متأسفانه معانی دقیق و عمیق این زیارت شریف آنگونه که باید و شاید مورد توجه شیعیان و محبین اهل بیت علیهم السلام قرار نگرفته است. محتوای علمی زیاد و قلم سنگین کتاب ارزشمند

« شفاء الصدور» نیز به قدری بود که نمی توانست مورد استفاده عموم مردم قرار گیرد. بر همین اساس تصمیم گرفتم تا متناسب با آگاهی های عمومی مردم شریف و به خصوص با توجه به نیازهای فردی و اجتماعی شیعیان و محبین خاندان رسالت، شرحی مختصر بر برخی از فرازهای زیارت عاشورا بنگارم و امیدوارم این شرح مورد توجه دوستداران و علاقه مندان به معارف اهل بیت علیهم السلام قرار گیرد. در پایان باید اشاره نمایم که مجموعه حاضر نسخه تکمیل شده «داستان های شگفت زیارت عاشورا» می باشد که در مقدمه آن به طور مختصر مطالبی درباره نقش ادعیه و زیارات، فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام، جایگاه ویژه زیارت عاشورا و... بیان گشته است. بخش بعدی کتاب، در بردارنده داستان های شگفت زیارت عاشورا است. پس از آن شرح مختصری از عبارت های زیارت عاشورا پرداخته شده و در پایان نیز زیارت عاشورا و دعای علقمه به همراه ترجمه روانی از آن تقدیم عزیزان گردیده است. امید است که محبین خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام از این معارف ارزشمند استفاده کرده، از آثار شگفت زیارت عاشورا بهره مند گردیده و دعای خبر آنها مشوق و پشتیبان ما در ادامه این راه باشد. انشاء الله تعالی.

کرامتی در زمان تألیف

آیه الله سیدعلی موحد ابطحی قدس سره در نقل کرامتی در حین تألیف این کتاب می فرمودند:

حروفچین نسخه ابتدایی کتاب « زیارت عاشورا و آثار شگفت»، زمانی که مشغول چاپ اولین نسخه این کتاب بودم، برای من چنین نوشت: چندی قبل از این که حروفچینی کتاب « زیارت عاشورا و آثار شگفت» را شروع کنم، مبتلا به سوزش و تورم و قرمزی چشم بودم و دید چشمم نیز قدری ضعیف شده بود. در حین حروفچینی، به واسطه مرور بر مطالب کتاب، از محتوای آن آگاهی یافتم. به همین جهت تصمیم گرفتم به زیارت عاشورا توسل پیدا کنم و شفای چشم خود را از خدا

بخواهم . با خواندن و مداومت چند روزه به زیارت عاشورا ، مورد عنایت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام قرار گرفتم و چشمم شفا یافت . (1)

خورشید خرابه شام ، حضرت رقیه علیها السلام

محقق ولایی ، آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره درباره انگیزه خود از تألیف کتاب مذکور می نویسد : اما آنچه باعث شد که نویسنده به تألیف کتابی درباره زندگی و رحلت حضرت رقیه علیها السلام بپردازد ، آن بود که می دید عده ای از غرض ورزان و منحرفین از آل محمد علیهم السلام با اندیشه « خالف تعرف » (2) به

مخالفت با حقایق و واقعیت های تاریخی پرداخته و سعی دارند تا از این راه خود را به عنوان محقق و دانشمند میان مردم معرفی کنند . تمام توجه این عده معطوف به این است که چند روزی مردم را با مطالب خود سرگرم کرده و مقام و شهرتی برای خود به دست آورند و از این راه حس شهرت طلبی و مال اندوزی خود را ارضاء نمایند . برخی از شبهاتی که اخیراً درباره زندگی اهل بیت علیهم السلام و راه و روش و هدف آنها مطرح شده است ، ریشه در همین احساس شهرت طلبی و فتنه انگیزی دارد .

در این بین یکی از مسائلی که چندی است توسط برخی از افراد شناخته شده بر سر زبان ها افتاده ، داستان حضرت رقیه علیها السلام فرزند دلیند امام حسین علیه السلام می باشد . ریشه این شبه افکنی ها را در کجا باید جستجو کرد ؟

حضرت زینب علیها السلام از ام ایمن و ایشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کنند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم پس از خبر دادن از وقایع کربلا و سرنوشت خاندان وحی پس از عاشورا فرمودند : ابلیس در روز عاشورا با خوشحالی به پرواز درآمده و به همراه شیاطین دیگر به دور زمین میگردد و به آنها می گوید : ای شیاطین ! ما به خواسته خود در مورد

ص: 103

1- . زیارت عاشورا و آثار شگفت ، ص 140 .

2- . مخالفت کن تا شناخته شوی .

و همه را به هلاکت رساندیم ، مگر کسانی را که به دامان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چنگ زده اند . پس کار شما این است که در دل آنها ایجاد شک کنید و آنها را به کفر و گمراهی دعوت نمایید .

فَاجْعَلُوا لَّكُمْ بَشِيرًا مِّنكُمْ يَتَّبِعُ النَّاسَ فِيهِمْ وَحَمَلِهِمْ عَلَىٰ عَدَاوَتِهِمْ وَإِغْرَائِهِمْ بِهِمْ وَأَوْلِيَّائِهِمْ حَتَّىٰ تَسْتَحْكِمُوا ضَلَالَةَ الْخَلْقِ وَكُفْرَهُمْ وَلَا يَنْجُو مِنْهُمْ نَاجٌ .(2)

آری تردید افکندن در برخی از اطلاعات تاریخی مربوط به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ، همچون ادعای کسی می ماند که چشم خود را بسته و مدعی تاریکی روز روشن می باشد . اگر کسی چشم حقیقت بین خود را باز کند ، خواهد دید که چگونه حرم باشکوه حضرت رقیه علیها السلام در کنار کاخ ظلم و ستم معاویه و یزید و دیگر حامیان بنی امیه ، مورد توجه شیعیان و محبین اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است . در طول تاریخ ، بارگاه حضرت رقیه علیها السلام دل های شیعیان را به خود جذب کرده است . چه بسیار کرامت هایی که با توسل به صاحب این بارگاه ملکوتی ظاهر گردیده است . با وجود این برخی افراد انتساب این مرقد شریف را به حضرت رقیه علیها السلام و اساساً وجود حضرت رقیه ها را انکار می نمایند . تنها دلیلی هم که مخالفین بیان داشته اند این است که برای مثال چرا شیخ مفید در « ارشاد » ، طبرسی در « اعلام الوری » ، اربلی در « کشف الغمّه » یا طبری در « دلائل الامامه » مطلبی در مورد حضرت رقیه ذکر نکرده اند ؟ اما آیا عدم ذکر نام حضرت رقیه علیها السلام در این کتب ، نشان می دهد که هیچ شاهدی دال بر وجود حضرت رقیه علیها السلام در دست نیست ؟ بی شک پاسخ به یک چنین سؤالی نیازمند انجام تحقیقی گسترده می باشد . از این رو تصمیم

ص: 104

1- . خواسته شیطان گمراه کردن انسانها بود آنجا که گفت فبعزتك لاغوينهم اجمعين الا عبادك منهم المخلصين . سوره ص آیه 83 و 84

2- . کامل الزیارات ، ص 265 - 266 ؛ بحار الانوار ، ج 45 ، ص 179 ؛ عوالم العلوم ، ج 17 ، ص 366 .

گرفتم تا با توسل به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام و به مقدار قدرت و توان خود مطالبی را درباره آن سیده بزرگوار جمع آوری کرده و آن را به عنوان تحفه ای ناچیز به پیشگاه آن میوه بوستان رحمت تقدیم دارم .

شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور

یکی از کتاب های مهمی که محقق ولایی، آیه الله آقای حاج سید علی ابطحی اصفهانی قدس سره بر آن اهتمام ویژه داشته و در راستای احیای آن تحقیقات و تتبع بسیاری به عمل آورده است و کتاب فوق را در دو جلد تصحیح و ارائه نموده است ، کتاب « شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور » می باشد . ایشان در این باره می نویسند : « این کتاب علمی و ادبی و عقیدتی و تاریخی بیانگر عقاید و معارف شیعه و عظمت سالار شهیدان و نقش قیام او در خنثی نمودن توطئه های شجره خبیثه ملعونه - به زبان پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام - بنی امیه ، و عظمت عاشوراء ، و زیارت آن ، و شرح در عبارات لطایف و دقایق اعتقادی و اخلاقی و عرفانی و اجتماعی - و مضامین آن نهفته است می باشد . و لزوم آشنائی با معارف روحی و سازنده آن امری است که احتیاج به بیان ندارد و چه بسیار جای تأسف است که عظمت شأن و سمو مرتبت این کتاب نفیس و دره بیضاء بر زیادی از دانشمندان مخفی و از این سو بیش از يك مرتبه در بمبئی طبع و در تهران افست نگشته ، و آن هم با تصحیفات گوناگون .

بحمد الله لطف الهی شامل حال این حقیر گشته و عشق و دلباختگی به امام به حسین علیه السلام و یارانش مرا بر آن داشت که با تحقیق و بررسی و ذکر مأخذ و مدارك (به قدر امکان) و نشر آن با اسلوب جدید اقدام به این وظیفه خطیر بنمایم ، به امید آنکه مقبول پیشگاه سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین روحی و ارواح العالمین له الفداء قرار گیرد ، و مادر مظلومه اش - شفیعه روز جزاء فاطمه زهرا علیها السلام - مرا مورد عنایت و شفاعت خود قرار داده ، و مورد خشنودی و توجه فرزند بزرگوارش حضرت

بقية الله مهدي زمان ولي عصر ارواحنا لمقدمه الشريف لفداء قرار گیرد ، و ذخیره یوم الجزاء شود .» .

کتاب شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور تألیف مرحوم ابو الفضل بن ابی القاسم طهرانی می باشد که در سال 1273 هجری قمری متولد شده ، دانشمندی فاضل ، متبحر در فقه ، اصول ، رجال ، آشنا با حکمت ، ریاضی ، سیره و تاریخ و شاعری توانمند که به دوزبان عربی و فارسی شعر می سروده است . در سبب تألیف این شرح مؤلف می نویسد : اصرار بیش از حد دوستان در سفر حج سنه 1306 قمری مبنی بر نوشتن شرحی بر زیارت عاشورا در من کارگر نیفتاد ، اما در سال 1308 که برای دیدار استاد خود میرزای شیرازی به عتبات عالیات مشرف شده بودم ، ایشان امر به تألیف این کتاب فرمودند ، بدین جهت در امثال امر استاد ، نوشتن کتاب را با کمی امکانات و کمبود منابع آغاز کردم . ابتدا در اوقات فراغت باب دوم را که اصل مطلوب من بود نگاشتم و سپس به نوشتن باب اول اقدام نمودم . ایشان بعد از مراجعت به تهران مدرسه سپهسالار را افتتاح و طلاب علوم دینی را در آن سکنی داد و در همانجا هم اشتغال به تدریس یافت . مرحوم میرزای شیرازی مجدد بزرگ علیه الرحمة در تقریظ بر این کتاب نوشته اند : « کتاب شریف شفاء الصدور » الحق کتابی است در نهایت خوبی و تمامیت و متانت و جامع بین مراتب تحقیق و تتبع و محیط به ذکر انواع فضائل و معارف ، برای اصناف و طبقات مردم نافع و ممتع در باب خود بی نظیر است .» .

کتاب دو راه پرواز و سقوط

این اثر نفیس از تألیفات آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره می باشد که در باب مسائل اخلاقی در جامعیتی مثال زدنی تدوین شده است .

ص: 106

در بخشی از این کتاب آمده است: با سیر در راه تکامل و پرواز از عالم طبیعت و گذشتن از عالم خیال و رسیدن به عالم عقل موجودی شود روحانی که حقیقت نفس و روحش منکشف گشته و حجاب های ظلمانی بلکه روحانی را شکافته به قله قاف معرفت برسد و به عنقاء کمال و سیمرغ هستی راه پیدا کند.

قفس بشکن ای روح پرواز میکن *** چرا پای بند اندر این خاکدانی

همایی تو و سدره ات آشیان است *** مکن خیره بر کرکسان میهمانی

و یا خود را در عالم ماده و طبیعت مخلد گرداند و خود را گرفتار منجلاب های بدبختی و هواجس شیطنی بنماید تا جائی که اعمال زشت و شیطنی برای او زیبا جلوه گری کند و تکذیب آیات الهی بنماید و معلوم شد که تکمیل نفس و طی مدارج کمال انسانیت امریست بس خطیر و راهی است دقیق و پر خطر و با اضطراب و آشوب.

تألیف و تصحیح کتاب های طبی

یکی از خدمات ارزشمند علمی مرحوم آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره، تألیف، تصحیح کتب طبی و احیای آن بوده که از جمله آن می توان به تصحیح کتاب « مفردات مخزن الادویه » تألیف میرزا محمد حسین خان عقلی علوی، اشاره کرد که در 4 جلد بوده است.

دکتر سید محمد تقی موحد ابطحی در این باب می نویسد: در جمعی از فعالان و علاقمندان طب سنتی در حوزه علمیه قم، مرحوم آیه الله حاج سید علی این پیشنهاد را مطرح کردند که اگر هر یک از اعضاء این جمع متناسب با توانمندی های خود یک اثر در زمینه طب سنتی به رشته تحریر درآورد یا یک کتاب معتبر در زمینه طب سنتی را احیاء نماید، قابلیت های این علم برای جامعه علمی روشن خواهد شد.

ایشان با توجه به آشنایی کاملی که نسبت به کتب طب سنتی داشتند، احیاء کتاب « مفردات مخزن الادویه » را در دستور کار خود قرار دادند. حلقه ای از علاقمندان

به طب سنتی فراهم آوردند و با کمک آنها دو نسخه از این کتاب که به صورت چاپ افست بود را مقابله کردند، موارد اختلاف نسخ را شناسایی و پس از بحث و بررسی اصلاحات لازم را انجام داده، داروهای مورد بحث در کتاب را شماره گذاری کرده، اسامی مختلف آن را بیان و در قالب راهنمایی مشخص ساخته اند که هر یک از داروها در کدام بخش از کتاب بررسی شده است. فهرستی از بیماری‌هایی که ذیل هر گیاه دارویی ذکر شده ارائه کرده اند که رفتن درمان بیماری‌ها ساده گردد. روایات معصومین درباره گیاهان و داروهایی که در کتاب از آنها یاد شده به همراه منابع در کتاب ذکر شده است و همچنین کلمات و عبارات پیچیده و نارسانی کتاب تشریح گردیده است.

مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره پس از انجام این اقدامات مقدمه ای بر کتاب نگاشته اند و در آن به جایگاه علم در اسلام، طبقه بندی علوم از منظر اسلامی، تاریخ طب و آشنایی مسلمانان با این دانش، آشنایی معصومین با طب، پیشرفت طب در تمدن اسلامی، علل عقب افتادن مسلمین از قافله علم، گونه های مختلف طب سنتی، تاریخ تحول طب سنتی به طب جدید، اختلاف اساسی طب سنتی و طب جدید، احیاء طب سنتی در عرصه بین المللی، ضرورت احیاء طب سنتی در ایران پرداخته اند. در

پایان این مقدمه ایشان به ویژگی های کتاب قرآبدین عقیلی علوی و جایگاه نویسنده آن پرداخته اند. این کتاب یکی از معتبرترین کتابهای طب و داروشناسی طبیعی است که در آن از تمامی کتاب مرجع در زمینه طب استفاده شده است. برای نمونه: قانون ابوعلی سینا، جامع المالیقی این بیطار، تذکره مالا یسمع للطیب جهله شیخ یوسف بغدادی، تذکره اولی الالباب شیخ داود انطاکی، ارشاد شیخ اسماعیل بن هیبه الله، ترجمه تذکره مشهور به سویدی ابوریحان بیرونی، اختیارات بدیعی حاج زین الدین عطار، تحفه المؤمنین حکیم میرمحمد مومن تنکابنی، مختصری از مفردات نواب حکیم معتمدالملوک سید

علوی خان ، دستور الاطباء حکیم محمد قاسم هندوشاه ، مجربات حکیم میر محمد افضل و ... نویسنده کتاب نفیس مخزن الادویه ، میر محمد حسین خان عقیلی علوی ، فرزند میر محمد هادی است که در خراسان متولد شده و در شیراز سکونت داشته است . نیاکان او غالباً از پزشکان عصر خود محسوب می شدند . نویسنده در فصل چهاردهم کتاب به معرفی سلسله پزشکانی که وی در آن قرار داشته اشاره می کند . وی پس از فراگیری طب از پدر خود، برای تکمیل علم پزشکی نزد میر محمد علی حسینی شاگردی می کند . از مجموعه آثار عقیلی تنها چهار اثر موجود است :

1 . مخزن الادویه در مفردات داروهای طبی (تألیف 1183)

2 . مجمع الجوامع و ذخایر التراکیب معروف به قرابادین کبیر (تألیف 1185)

3 . خلاصه الحکمه در بردارنده کلیات طبی (تألیف 1195)

4 . کتاب معالجات .

شایان ذکر است کتاب « مفردات مخزن الادویه » تا پیش از تحقیق مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی به صورت افست چاپ می شد که مطالعه آن دشوار بود. برای نمونه در سال 1371 سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی این کتاب را از روی نسخه سال 1844 کلکته عکسبرداری و چاپ کرده بود. پس از آماده سازی کتاب توسط ایشان که با دشواری های بسیاری همراه بود ، مراکز متعددی اقدام به نشر کتاب به شکل امروزی کردند . برای نمونه راه کمال در سال 1387 و صهبای دانش در سال 1388 با همکاری دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران نسبت به نشر آن اقدام کردند .

تصحیح کتب طبی

خلاصة القانون في الطب ، قانونچه ، تألیف محمود بن محمد چغمینی ، از نگاشته های طبی قرن هفتم هجری است . این کتاب ، خلاصه تمام ابواب و

ص: 109

سرفصل های مورد توجه در طب سنتی است که به زبان عربی به رشته تحریر درآمده است . این کتاب، برخلاف آنچه از اسمش برای خواننده تداعی می شود ، تنها يك خلاصه ساده از کتاب « قانون » ابن سینا نیست، بلکه - چنان که مؤلف در مقدمه گفته است - گزیده ای است از مهم ترین موضوعات دانش طب که به یاد داشتن آنها بر هر پزشکی لازم است . مؤلف ، موضوعات این کتاب را از کتب پیشینیان خود انتخاب کرده است و تعبدی بر مطالب و یا ترتیب مباحث کتاب « قانون » ندارد . شاید شهرت روزافزون کتاب « قانون »، چغمینی را بر آن داشته تا اسمی این چنین فریبنده برای کتاب خود برگزیند . این کتاب توسط آية الله سيد علي موحد ابطحي قدس سره تصحيح و تکميل شده است .

همکاری های علمی

حضرت آية الله حاج سيد علي ميلانی دام ظلّه در بیان خاطرات از مرحوم آية الله حاج سيد علي موحد ابطحي قدس سره می فرمودند : دوستی و رفاقت بنده با آقای ابطحي به پنجاه سال قبل باز می گردد و این رفاقت یک دوستی ساده نبود ، بلکه یک همکاری علمی بود . بنده از معلومات ایشان در طب بهره می گرفتم و ایشان در مسایل علمی با بنده مشورت می کردند و از کتابخانه بنده استفاده می نمودند .

ایشان در مقطعی به تحقیق درباره کتاب استقصاء الافحام پرداختند و پس از کار مفصل درباره این کتاب ده جلدی ، زمانی که احساس کردند از فحوای کلام نویسنده این کتاب برداشت می شود که ایشان قائل به تحریف قرآن (تحریف از باب نقصان) هست ، از انتشار تحقیقات خود درباره این کتاب خودداری کردند و هر چه بنده به ایشان گفتم شما این کار را تمام کنید و بنده به یک نحو این مساله را حل می کنم ، ایشان پذیرفتند .(1)

ص: 110

1- . از آثار منتشر نشده آية الله سيد علي موحد ابطحي قدس سره .

دیگر آثار آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره

جناب مستطاب آقای سید مهدی موحد ابطحی دام عزه، فرزند فاضل آن محقق ولایی در تشریح آثار بر جای مانده از آیه الله آقای سید علی موحد ابطحی قدس سره می نویسد:

از محقق و نویسنده ولایی، مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره آثار منتشر نشده بسیاری بر جای مانده است که عبارتند از:

یازده جلد از کتاب الامام الحسین علیه السلام في احاديث الفريقين؛ سه جلد از کتاب آية التطهير في احاديث الفريقين؛ فاطمة الزهراء عليها السلام في احاديث الفريقين؛ رساله ای حول امام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف و توسلات به امام منتظر؛ احادیث طبی به همراه نسخه ها و تجربیات طبی ایشان؛ تقریرات دروس مراجع (چهار استاد)؛

الرؤيا و اقسامه؛ (جمع آوری خواب هایی که علما و بزرگان دین برایشان نقل کرده اند)؛ تفسیری روایی بر قرآن؛ کتابی بر معرفی و شرح زیارت جامعه کبیره.

و... به یادگار باقی مانده است که ان شاء الله توسط مرکز تنظیم و نشر آثار محقق ولایی، آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره در انتشارات جبل المتین به زیور طبع آراسته و تقدیم به علاقه مندان و دوستداران معارف اهل بیت علیهم السلام می نماید. در خاتمه این مجال، مقدمه ایشان در کتاب شرح زیارت جامعه کبیره (1) را تقدیم به خوانندگان محترم می نمایم تا ان شاء الله آغازی بر آثار منتشر نشده ایشان قرار گیرد.

مقدمه آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره بر کتاب شرح زیارت جامعه کبیره (اثری منتشر نشده)

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين المعصومين ولعنة الله على اعدائهم اجمعين من الأولين والآخرين.

ص: 111

حمد و سپاس سزاوار خداوندی است که جهان را به یمن وجود برترین و والاترین شایستگان و پاکترین و کامل ترین بندگان روشنائی بخشید و قلوب مؤمنین را با نور ولایت، هدایت نمود و از ظلمت و جهالت رهایی بخشید. زیارات ائمه معصومین علیهم السلام از موهبت هایی است که مؤمنین، در چگونگی برقرار کردن ارتباط قلبی و اظهار علاقه و محبت و دوستی در محضر آن صالحان و برگزیدگان الهی، از آن برخوردارند.

در میان زیارات وارد شده برای ائمه معصومین علیهم السلام، برخی از ویژگی ها باعث گردیده که این زیارات در جایگاه ممتاز و بالاتری قرار گیرند. صدور از ناحیه معصوم علیه السلام، فصاحت و بلاغت الفاظ و مضامین محتوی غنی و سرشار از معارف، سلسله راویان زیارت و تاکید علماء از این ویژگی هاست. زیارت جامعه کبیره که از امام ابوالحسن الهادی علیه السلام به دست ما رسیده است، از زیارت هایی است که علاوه بر ویژگی های فوق می توان این زیارت را برای هر یک از امامان معصوم و یا همه آنان در هر زمان و مکان خواند. مجموع این ویژگی ها باعث گردیده است نویسندگان و پژوهشگران دینی به شرح و بسط واژگان و مضامین این زیارت شریفه پرداخته تا معانی فقرات و عبارات آن برای عموم آشکار گردد. نویسندگان این سطور هم با کمی بضاعت، به قاعده المیسور لا یسقط بالمعسور، سعی بر آن داشته تا به اندازه وسع خویش به شرح عبارات این زیارت پرداخته و با استعانت از آیات و روایات، قطره ای از حلاوت معارف و مناقب اولیای دین و ائمه طاهرین ما را به گواری خوانندگان محترم گذارد.

آب دریا را اگر نتوان کشید *** هم به قدر تشنگی باید چشید

یا ایها العزیز مسنا واهلنا الضّر وجئنا ببضاعة مزجاة فاوف لنا کیل و تصدق علینا ان الله یجزی المتصدقین .

سید علی موحد ابطحی

فصل چهارم : بر ستیغ تبلیغ و پشتیبانی از شعائر

(سیره عملی و تبلیغی آیه الله موحد ابطحی در پشتیبانی از شعائر اهل بیت علیهم السلام)

ص: 113

مرحوم آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره ، از زمره علمای دین و مروجین شریعت سیدالمرسلین صلی الله علیه و آله و سلم و از چهره های گرانقدر و خدوم جهان تشیع به شمار می رفت . یکی جلوه های زیبا و به یادماندنی در زندگانی آن محقق ولایی شور و شعف و ارادت خالصانه ایشان به ساحت مقدس اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است که تاریخ آن قلم و آن قدم های مخلصانه را هیچ گاه فراموش نخواهد کرد .

حرارت شگرفی که از محبت خاندان رسالت در وجودش بود ، به همه گرما و آرامش می داد و گم کرده های طریق را با نفس های مسیحایی اش حیات دیگری می بخشید . شیفتگی بی حد و حصر آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره به اهل بیت علیهم السلام ریشه ای خانوادگی داشت که از خاندانش به او رسیده و با روح و روانش آمیخته شده بود . قلب عطوف و عاشق این فقیه ولایتمدار مملو از عشق به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بوده و در سوگ و ماتم آل الله سر تا به پا می سوخت و در غربت و مظلومیت مادر مظلومه اش از چشمان مبارکش اشک جاری بود و در اعیاد و موالید معصومین علیهم السلام شور و شعف دیگری داشت . اشک و حزن آن عالم ولایی به گونه ای بود که آنچنان بر غربت و مظلومیت آل الله می گریست که شانه هایش حرکت می کرد و گونه ها و محاسن مبارکش از اشک خیس و از هق هق سوگواریش دیگران متأثر می شدند . وی که خود از مدافعین حریم ولایت و انسانیت بشمار می رفت ، در برپایی شعائرالله نقش مهمی داشت و با حضور در مناطق مختلف و اعزام مبلغ در شهر ها و روستاهای فارس به شایستگی مبلغ و مروج مذهب بود . البته او این شوق را به وسیله معرفت و بصیرت ، عمیق تر کرد . هنگام ذکر مصائب ائمه اطهار علیهم السلام و اولیای خدا، عمیقاً به فکر فرو می رفت و اشک از دیدگان مبارکش جاری می شد .

دفاع جانانه آقا سید علی از غربت امیرمؤمنان علی علیه السلام، سیدالشهدا ارواحنا فداه، حضرت رقیه خاتون علیها السلام و... پشتیبانی های او از شعائر فاطمیه و حسینیّه و پرچمداری اش در برپایی باشکوه دهه های فرخنده مهدویه و غدیریه برگ زرینی از ارادت خالصانه آن مرد بزرگ وادی علم و معرفت بود.

عزاداری و برگزاری مراسم روضه برای امام حسین علیه السلام و احیای جلسات حدیث شریف کساء در مهم ترین کارکرد خود، سبب شده است تا یاد، نام و پیام های نهضت عاشورا زنده و بیان و شکوه ثقلین برپا بماند، و آموزه های آن به همگان انتقال یابد.

توصیه آیه الله العظمی حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی قدس سره نسبت به قدردانی مردم از آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره

پیشوای دینی شیعیان جهان، آیه الله العظمی حاج سید محمد رضا موسوی گلپایگانی قدس سره، در نامه ای خطاب به مردم اقلید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، مردم را به قدردانی از شخصیت علمی و معنوی آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره دعوت نمودند. متن این نامه بدین شرح می باشد:

بسم الله الرحمن الرحيم

اهالی محترم و برادران ایمانی شهرستان اقلید دامت توفیقاتهم

بر حسب دعوت حجة الاسلام آقای ابطحی از جناب مستطاب، ثقة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید علی موحد ابطحی دامت تأییداته جهت ایام سوگوای خامس آل عبا حضرت سیدالشهدا علیه و علی آلہ الکرام افضل التحية و السلام جناب ایشان عازم(اند). امید است مورد توجه و تقدیر کافه طبقات قرار گرفته، از بیانات و مواعظشان استفاده نمایند. مزید توفیقات هر یک در تعظیم شعائر از خداوند متعال مسئلت دارم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

توصیه آیه الله العظمی صافی گلپایگانی قدس سره به بهره مندی مردم از آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره

مرجع عظیم الشأن شیعیان جهان، آیه الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی قدس سره، آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره را شخصیت ارزشمندی می دانستند که مردم می بایست نعمت وجود ایشان را مغتنم بدانند. آن مرجع ولایی در نامه ای خطاب به مردم اقلید امام زمان ارواحنا فدا فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

آقایان محترم و برادران ایمانی شهرستان اقلید، مسجد فاطمیه.

بر حسب دعوت آقایان، جناب مستطاب، حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید علی ابطحی دامت تأییداته جهت افاضه در ماه مبارک رمضان عازم اند.

امید است مؤمنین نعمت وجود ایشان را مغتنم دانسته، از مواعظ و بیاناتشان مستفیض و بهره مند گردند.

مزید توفیقات هر یک را از خداوند متعال سائل و ملتمس دعا هستم.

26 شعبان المعظم 1418

لطف الله صافی گلپایگانی

نامه آیه الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی به آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره

آیه الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره، آن محقق ولایی را به عنوان نماینده خود در مناطق مختلف تبلیغی اعزام و ایشان را امین و وکیل تام الاختیار خود معرفی می نمودند.

تعبیر زیبایی که ایشان در این نامه برای آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره استفاده نمودند، کلمه پر معنای «علامه» است که این تعبیر از لسان مبارک

مجلسی زمان ، بسیار قابل تأمل است و نشان از جامعیت علامه سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره دارد .

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام علی الاخ العلامه ، حاج سید علی دامت برکاته

از ورود حضرت تعالی به محلی که در مانگاه امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف دارد طبق استخاره و مشاوره آگاه گردیدم . توفیقات و مزید تأییداتان را خواستارم .

ضمناً به دیدن خانواده های مصاب از ناحیه جنگ تحمیلی که مورد تعزیت می باشند رفته و ابلاغ سلام و تسلیت نمایم ... الخ .

مشی نبوی در تبلیغ

آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره در حیات طیبه اش و همچنین در تبلیغ در مقابل بزرگان ، روحانیون و اهل علم احترام ویژه می نمود و بالاتر از آن برای مردم ، مهربان تر از پدر بود ، آنچه از آیات و روایات می فرمود رعایت می کرد و با مشی نبوی ، دین را تبلیغ عملی می نمود و از ارشاد و دل سوزی برای مردم در طول حیات با برکت خود دریغ نمی ورزید و برآستی قلب این مرد الهی و بزرگ ، کانون مهر و محبت بندگان خدا بود ، از این رو، مردم نیز دوستی عمیق و احساسات درونی خود را درباره وی مبذول می داشتند .

شخصیت خدوم و ارزشمندی که با چراغ علم و معنویت در مسیر قرآن و عترت قدم برداشته و پس از سال های پرفراز و نشیب حیات طیبه اش از وی به عنوان الگوی مناسب هدایت و خدمت یاد می شود . آری! « إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا » (1).

ص: 117

1- . مریم / 96. آنانکه ایمان آورده و کارهای شایسته انجام دادند، خداوند رحمان محبتشان را در قلوب مؤمنین جای می دهد .

آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره به توصیه پیشوای دینی عصر، آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره به شهر اقلید در استان فارس برای تبلیغ رفت، به دلیل آنکه مناطق اطراف آن (1) تحت نفوذ و تبلیغات فرقه بهائیت بود و آنها بر علیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مکتب اهل بیت علیهم السلام اقدامات وسیعی کرده بودند و خنثی نمودن تبلیغات مسموم آنها و تقویت اعتقادات مردم و ارتباط آنها با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار ضروری بود از این جهت ایشان به همراهی برادر بزرگوارشان آیه الله العظمی سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره در طول سال های متمادی تلاش زیادی در تحکیم اعتقادات مردم و تقویت ارتباط و توسل آنها با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داشتند. (2)

پشتیبان مجالس اهل بیت علیهم السلام

حضرت آیه الله آقای حاج میر سید حجت موحد ابطحی دام ظلّه می فرمودند: بسیار کسانی بودند که روضه ها برپا می کردند و جزء تعزیه گردان های عزای سالار شهیدان ابی عبدالله الحسین علیه السلام بودند، ولی گاهی به دلایلی، از برپایی روضه ها سرد می شدند و ممکن بود جلسات شان به دلایلی تعطیل شود. وقتی آیه الله آقای حاج سید علی آقا متوجه این امر می شدند، شخصاً ورود نموده و حمایت روحی جدی از آنها می کردند و آنها را به ادامه دادن جلسات تشویق می نمودند.

ص: 118

1- . مناطق آباده و

2- . اقتباسی از کتاب نگاهی بر زندگی آیه الله سید علی موحد ابطحی - تألیف حجة الاسلام والمسلمین حاج سید امیر حسین طالقانی دام عزه . جا دارد در این مجال از خدمات و نوشتار جامع این محقق و نویسنده ارزشمند تشکر نموده که در مجموعه ای در شرح حال آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره زحمات شایانی را متحمل شدند و در متن آن اثر، خاطرات و سخنان تأثیرگذار جناب آقای دکتر طالقانی دام عزه را گنجانده و مزین نمودند .

روزی یکی از محترمین هیئات مذهبی، به دلایلی دلسرد از اقامه عزا شده بود، ایشان به او فرمودند: شما جلسات عزا را ادامه دهید، اگر منبری پیدا نکردید من خود می آیم برایتان منبر مجانی می روم، اگر حتی مستمعی هم نداری عزاداران را به محفلتان می آورم، ولی شما کارتان را ادامه دهید.

برپا نگه داشتن جلسات روضه قدیمی

مرحوم آیه الله هاشمی رضوان الله تعالی علیه، ابوالزوجه آیه الله سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره، از حدود پنجاه سال قبل از انقلاب، پنجشنبه ها مراسم روضه ای در منزلشان برپا می نمودند، بعد از ارتحال ایشان کسی نبود جلسات روضه ایشان را ادامه دهد. آیه الله ابطحی کمر همت بستند با آنکه محل زندگی شان قم بود؛ هر هفته پنجشنبه ها به هر طریق ممکن راه اصفهان را می پیمودند و شخصاً روضه های صبح پنجشنبه را برگزار می نمودند. از آنجایی که آن زمان اهل خانه ماشین نداشتند، ایشان با وسیله نقلیه عمومی به اصفهان می رفتند و برمی گشتند چهارشنبه عصر و شب می رفتند و پس از روضه صبح پنجشنبه، نزدیک ظهر برمی گشتند. گاهی برف می آمد و ماشینی تردد نمی کرد، ایشان سوار بر کامیون ها می شدند و برای اقامه روضه سیدالشهدا علیه السلام به اصفهان می رفتند. گاهی که دوران تبلیغ به سر می بردند و در اقلید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور داشتند، وسط برنامه های تبلیغی به اصفهان می رفتند و روضه را اقامه و مجدداً بر می گشتند. (1)

50 سال تبلیغ در اقلید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید مصطفی میرلوحی دامت برکاته نقل می نمودند: آیه الله سید علی آقای ابطحی 50 سال در اقلید تبلیغ و زحمت کشیدند و هدفی جز گسترش اخبار آل محمد علیهم السلام چیز دیگری نبود. ایشان انسانی بسیار

ص: 119

1- . به نقل از آقا سید مهدی موحد ابطحی .

متواضع و بی تکلف و بی آلایشی بود و یکسال ماه مبارک رمضان برای تبلیغ به اصفهان آمدند و آن سال افتخار این را داشتیم که در منزل ما بودند . والده ما که همشیره‌شان می شد و مرحوم والد ما حاج آقا کمال میرلوحی که از بزرگان متدینین بازار اصفهان بودند از ایشان پذیرایی می کردند . همه ما و خانواده خوشحال بودیم که دایی جان ما این ماه رمضان را در منزل ما وارد شدند . عجیب بود که این یکماه که ایشان در منزل ما حضور داشتند ، هیچ وقت نشد برای سحر و یا افطار توقعی داشته باشند . هیچ باری برای کسی وارد نکرده بودند . گاهی اگر ماشینی بود ایشان را با ماشین به مسجد می رساندیم ، گاهی هم اگر ما حرکت نمی کردیم آرام وضوی خود را سر حوض می گرفتند و عبا را بر دوش می انداختند و به سمت مسجد حرکت می کردند و بعد که ما متوجه می شدیم ، دنبالشان می رفتیم و در بین راه ایشان را سوار می کردیم .

مبلّغ و مدیر

مرحوم علامه حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره ، سالیانه ده ها مبلّغ دینی را به بیش از هفتاد روستا و آبادی و شهرستان اقلید و سرحدات آن به خصوص در ماه های صفر و محرّم و رمضان اعزام می کردند و تمام مخارج و هزینه های آنان را هم خودشان تأمین می نمودند ، با این که اداره و مؤسسه ای هم مختص تبلیغات نداشتند ، اما کارشان در این خصوص هم از یک اداره فراتر می رفت و همه را مدیریت و سازماندهی می کردند که مدیریت آن بر عهده آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره بود .

آیه الله آقای حاج سید حسین موحد ابطحی دام ظلّه، در این باره و حضور پر رنگ آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره در آنجا می فرمود : در سال 1351 شمسی که ملبس به لباس روحانیت شدم ، برای انجام وظیفه در سفرهای تبلیغی با آیه الله موحد ابطحی صحبت نمودم و ایشان در ایام تبلیغی ماه صفر ، بعد از رفتن به اقلید ، با من تماس گرفته و از من خواستند تا به طرف روستای امامزاده اسماعیل واقع در انتهای

سرحداث ، نزدیک به مرودشت حرکت کنم و با آیه الله سید علی موحد ابطحی که در آن محل ، مشغول تبلیغ بودند، همراه شوم .

چند روزی را در مسجد و حرم امامزاده و سپس در مناطق و روستاهای دیگر منبر می رفتم . در یکی از اوقات حضور من در اقلید ، از روستای بزرگ دشتک ، مرا برای تبلیغ در ماه مبارک رمضان دعوت کردند . به همین جهت به مرودشت و از آنجا به روستای حصار که پایین کوهی بود رفتم . بالای کوه منطقه وسیعی به نام دشتک بود که درخت و آبشارهای زیبایی داشت و به وسیله قاطر به این منطقه رسیدم و در آنجا به فعالیت های تبلیغی پرداختم . در یکی از روزهای ماه رمضان ، مرحوم آیه الله العظمی موحد ابطحی با همراهان خود به آنجا تشریف آورده و با حضور خود دلگرمی بسیاری به من دادند . (1)

مرسوم نمودن سمنو پزان

سنت حسنه نذر حضرت زهرا علیها السلام از طریق سمنو پزان ، کار زیبایی بود که آیه الله سید علی آقای ابطحی قدس سره در

اقلید امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف مرسوم کرد و حال التحریر خانواده های بسیاری در طول سال مراسم سمنو پزان دارند که در شهادت حضرت زهرا علیها السلام بیش از 12 نقطه از اقلید مجلس سمنو پزان برگزار می شود که حدود 12 هزار ظرف سمنو در میان مردم پخش می شود .

یکی از اهالی اقلید امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف نقل می کرد : یکی دیگر از ایامی که مرحوم آیه الله حاج سید علی آقا موحد ابطحی به اقلید امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف می آمدند ، ایام فاطمیه بود . ایام فاطمیه سال 1382 ایشان در منزل بنده تشریف داشتند و پیشنهاد کردند در منزل سمنو بپزیم و از برکات این سنت و این شیوه توسل به حضرت زهرا علیها السلام برایمان گفتند . تا آن زمان کسی در اقلید سمنو نپخته بود و در نتیجه نه کسی شیوه پخت

ص: 121

سمنو را می دانست نه وسایل خاص برای سمنو پختن را داشت . به هر ترتیب وسایل را آماده کردیم و با حضور آیه الله سید علی آقای موحد ابطحی گندم ها را جهت ریشه و جوانه زدن شستیم و داخل ظرف ریختیم و ... به توصیه ایشان هنگام انجام کارها برای تهیه سمنو از آغاز تا پایان حدیث کساء خوانده می شد و توسل به حضرت زهرا علیها السلام بود و هیچ بحث متفرقه ای صورت نمی گرفت .

از روز اول شستن گندم ها تا روزی که سمنو پخته و توزیع شد حدود ده روز طول کشید و خواندن حدیث کساء و توسل به حضرت زهرا علیها السلام به یک روزه ده شبه تبدیل شد که الحمدلله این سنت حسنه هنوز هم ادامه دارد .

به برکت توسل به حضرت زهرا علیها السلام و پخت سمنو برکت به محله ما آمد ، عده زیادی حاجت گرفتند و فضای معنوی و دینی و حتی اقتصادی محله جان گرفت . مردم برای شرکت در روزه و مشارکت در پخت سمنو و گرفتن آن بسیار مشتاق بودند . با پیگیری های آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی در این زمینه بعد از شش سال در یکی از حسینیه های اقلید امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف پخت سمنو شروع شد و الحمدلله الان در اکثر محله ها و حسینیه ها و حتی در روستاهای اطراف اقلید سمنو پخت می شود . (1)

چاووشی خوانی

مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره در امر تبلیغ در پی آن بود که مردم را شریک در مجالس اهل بیت علیهم السلام کند و یکی از سنت های قدیمی اقلید و ... این بود که زائری اگر می خواست عازم کربلا شود ، مردم چاووشی می کردند .

سنت ایشان بر آن بود که بر عرشه منبر می نشست و از حاج کاکاالله ابراهیمی و ذبیح الله اسلامی و ... از مادحین قدیمی شهرستان اقلید امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف بودند دعوت می کرد و آنها چاووشی می کردند و بعد از آن ایشان منبر می رفتند .

ص: 122

1- . علیرضا مولوی از اهالی اقلید امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف .

حاج کاکاالله ابراهیمی در بیان خاطره آن روزها نقل می نمود: من 13 سال به امر آیه الله آقا سید علی موحد ابطحی قدس سره در مسجد فاطمیه چاووشی می کردم .

محقق ولایی ، حال و هوا و اخلاص خوبی داشت و مردم را به بهانه های مختلف به کشتی نجات حسینی دعوت می کرد و چنین آنان را به زیارت سیدالشهدا ارواحنا فداه ترغیب می بخشید .(1)

کلاس قرآن و حدیث

جناب حاج آقای تدین(2) نقل کرده اند : سال 1350 هجری شمسی ، مرحوم آیه الله حاج سید علی آقا موحد ابطحی در مدرسه علمیه مسجد صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اقلید (ساختمان قدیم) برای نوجوانان 14 تا 16 ساله کلاس قرآن و احکام دایر کرده بودند . فرزندان مرحوم حجج اسلام حاج شیخ فتح الله قاضیان و حاج سید مهدی موسوی یزدی هم در این کلاس ها شرکت می کردند .

از برکات آن کلاس ها یکی حفظ سوره های کوچک قرآن و آیه الکرسی و چند حدیث کوچک توسط اکثر نوجوانان کلاس بود و دیگر آشنایی آنها با اخلاق ، معارف و احکام اسلامی که تاثیر بسیار زیادی در تربیت آن نسل داشت ، به شکلی که اکثریت محصلین آن کلاس ها در سال های بعد در سمت معلمی و تربیت نسل مشغول به کار شدند .

اخلاص بی بدیل حسینی

یکی از اهالی منطقه ای که آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره در آنجا منبر می رفت می گفت : ایشان را برای منبر دهه محرم دعوت نمودیم . برای اینکه اخلاص

ص: 123

1- . در محضر استاد فقیه - سید زین العابدین محمدی .

2- . به نقل از آقای محمد حسین وحیدی ، فرهنگی بازنشسته اقلید ، فرزند مرحوم حاج آقا رضا وحیدی رئیس آموزش و پرورش قبل از انقلاب و از معتمدین مرحوم آیه الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره .

این مرد بزرگ را در دستگاه امام حسین علیه السلام امتحان کنم ، سه سال پاکت آخر منبری که به ایشان می دادیم کاملاً خالی بود . هر سال که از ایشان دعوت کردم و با روی گشاده پذیرفتند و هیچ آثاری از ناراحتی و اعتراض در چهره نورانی شان نبود . این کار را سه سال انجام دادم و در هر سه سال ایشان مانند سال های گذشته منبر می رفتند و با شور و حال خاصی که داشتند مجلس را معطر به نور سیدالشهدا علیه السلام می نمودند . به ایشان جریان را گفتم . آقا لبخندی زدند و فرمودند : من اصلاً به پاکت روضه ها نگاه نمی کردم . حساب ما با سید الشهداست .

اشک های حسرت

سید مهدی موحد ابطحی دام عزه نقل می کنند : در اواخر عمر شریف والد بزرگوارشان ، آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره ، ایشان دچار لکنت سنگینی شده بود و هیچ حرکت و عکس العملی نشان نمی دادند .

ایام محرم در زمان کرونا بود ، خانه را سیاه پوش کرده بودیم و پرچم های شعر محشتم را نیز بر دیوار را زدیم و حال و هوای خانه امام حسینی شد .

روزی خانواده گفتند : حاج آقا از صبح یک مطلبی می خواهند بر زبان جاری کنند و نمی توانند ...! خیلی خود را به زحمت می انداختند و آرام و قرار نداشتند . تنها متوجه می شدیم که دو کلمه را به سختی بر زبان جاری می کنند و می فرمودند : (دَد - دیو) ! و این بسیار برای ما عجیب بود . اصرار داشتند که این کلمات را بر زبان جاری کنند .

کمی با ایشان صحبت کردم . باز هم متوجه منظورشان نشدم . همانطور که متحیر از حال ایشان بودم ، یک لحظه نگاهشان را دنبال کردم . دیدم به گوشه پرچم شعر محشتم کاشانی نگاه می کنند . آنجا بود که فهمیدم حاج آقا منظورشان چیست .

نگاه این پیر غلام سیدالشهدا ارواحنا فدا به شعر محشتم افتاده بود که نوشته بود :

بودند دیو و دد همه سیراب و می مکید *** خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا

دلتنگ روضه ها و منبرهایشان شده بود ... و اشک حسرت می ریخت . به ایشان گفتم دوست دارید برایتان روضه بخوانم ؟ متوجه ام کردند که بله !. برایشان روضه خواندم ... اشک از چشمان مبارکشان جاری بود . پس از روضه آنقدر با آرامش خوابیدند که هیچ وقت چنین آرامشی را در وجودشان ندیدم .

سنت افطاری نیمه ماه مبارک رمضان و پخت سمنو با پیشنهاد آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی

علیرضا مولوی از اهالی اقلید امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف نقل می کند : سال 1378 شمسی زمینی را جهت ساخت منزل خریداری کردم . ماه مبارک رمضان فرا رسید . مطابق هر سال آیه الله حاج سید علی آقا موحد ابطحی اعلی الله مقامه الشریف به اقلید آمدند و من هم در نماز جماعت ایشان شرکت می کردم . همان روز اول خدمت ایشان رسیدم و از ایشان خواستم روز و ساعتی را مشخص کنند که به زمین تهیه شده بیایند و کلنگ ساخت منزل به دست ایشان زده شود . ایشان قبول کردند و فرمودند : روز و ساعت را بعداً اطلاع می دهم . روز پانزدهم ماه مبارک رمضان ، مصادف با میلاد با سعادت امام حسن مجتبی علیه السلام بعد از نماز ظهر و عصر آیه الله حاج سید علی آقا موحد ابطحی به من فرمودند : امروز قبل از نماز مغرب و عشا می آیم که کلنگ ساخت منزل زده شود و در ادامه فرمودند : دوست دارم بعد از ساخت منزل ، هر ساله در شب پانزدهم ماه مبارک رمضان در این منزل سفره افطاری پهن شود .

کار ساخت خانه سال 1380 به پایان رسید و اولین سفره افطار در منزل نو پهن گردید و آیه الله سید علی آقا موحد ابطحی هم برای افطار تشریف می آوردند و هنوز این سنت حسنه که به توصیه آیه الله موحد ابطحی بنا گذاشته شد ادامه دارد .

افتتاح شبستان نیایش مسجد صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی

حدود سال 1386 زیرسازی گسترده و مهار آب های قنوات جاری در زیر بنای مسجد صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اقلید تمام شد و عملیات زهکشی پایان یافت و شبستان زیر زمین مسطح و آماده شد، ایام ماه مبارک رمضان بود و مطابق روال سنوات گذشته مرحوم آیه الله حاج سید علی آقا موحد ابطحی قدس سره در مسجد فاطمیه و جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید محمد جواد موحد ابطحی دام ظلهدر حسینیه صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اقامه جماعت و منبر داشتند . پس از تسطیح شبستان و حضور چشمگیر مردم در نماز جماعت حسینیه صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بنا شد که نماز جماعت در شبستان تازه ساز اقامه گردد . پس از استخاره مرحوم آیه الله العظمی حاج سید محمدمباقر موحد ابطحی بنا شد که نام شبستان تازه تأسیس، شبستان نیایش باشد . به گمانم ظهر یکی از روزهای پس از لیالی مبارکه قدر با حضور مرحوم آیه الله حاج سید علی آقا موحد ابطحی و اقامه نماز و منبر توسط معظم له شبستان نیایش مسجد صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف افتتاح گردید که تاکنون مورد استفاده است . از برکات منبر ایشان در آن روز، درخواست مساعدت از مردم برای کمک به روشنایی شبستان بود که یکی از بانیان عمده این امر مرحومه حاجیه بی بی معصومه مصطفوی، همسر مرحوم حاج محمد جلیل دهقان و صبیبه مرحوم حاج یحیی مصطفوی بودند. (1)

ص: 126

1- . به نقل از پدرام تدین .

پیاده روی به سوی مسجد مقدس جمکران

یکی از سنت های همیشگی آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره سنت پیاده روی به مسجد مقدس جمکران بود. ایشان روزهای جمعه پیاده به مسجد مقدس جمکران می رفتند و نماز ظهرشان را آنجا اقامه می نمودند.

توسلات و عریضه هایشان به امام زمان ارواحنافداه در بین مردم زبانه زد بود و چه گره هایی را از مردم با استغاثه هایش به محضر امام زمان ارواحنافداه برطرف می کرد.

محقق ولایی و ندبه بر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

او به مردم رسم عاشقی را عملاً می آموخت و هر کسی را که در معیت خود همسفر می دید نور محبت حضرت حجت ارواحنافداه را بر قلبش ساطع می کرد.

ندبه بر حضرت مهدی ارواحنافداه اظهار شوق به لقای او، گریه و ابراز نگرانی از مفارقت و محروم بودن از فیض حضور او، دعا برای تعجیل فرج و ظهور او، سنت حسنه ای بود که همواره آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره بر آن مداومت داشته و آن را شعار خود قرار داده بود.

ایشان این ندبه را از امامان معصوم خود که کار و عملشان سر مشق و پیروی از گفتار و رفتارشان (بر حسب حدیث متواتر ثقلین و احادیث دیگر) وظیفه هر مسلمانی است، آموخته بود.

همواره در خلوت ها و مناجات هایش با امام زمان، ندبه امام صادق علیه السلام را بر زبان جاری می کرد و با چشمی اشک بار عرضه می داشتند:

« سَیِّدِی غَیْبَتُكَ نَفْتُ رُقَادِی وَ ضَیِّقَتْ عَلَی مِهَادِی وَ ابْتَرَّتْ مِنِّی رَاحَةَ فُؤَادِی سَیِّدِی غَیْبَتُكَ أَوْصَلَتْ مُصَابِی بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ وَ فَقَدْتُ الْوَاحِدَ بَعْدَ الْوَاحِدِ یَفْنِی الْجَمْعَ وَ الْعَدَدَ فَمَا أَحْسُ بِدَمْعَةٍ تَرْقِی مِنْ عَیْنِی وَ أُنِینٍ یَفْتُرُ مِنْ صَدْرِی عَنِ دَوَارِجِ الرَّزَايَا وَ سَوَالِفِ الْبَلَابِ إِلَّا مِثْلَ بَعِیْنِی عَنِ عَوَابِرِ أَعْظَمِهَا وَ أَفْضَعِهَا وَ بَوَاقِی أَشَدِّهَا وَ أَنْكَرِهَا وَ نَوَائِبِ مَحْلُوطَةٍ

بِعُضْبِكَ وَ نَوَازِلَ مَعْجُونَةٍ بِسَخَطِكَ»⁽¹⁾؛ « آقای من! غیبت تو خوابم را گرفته و خوابگاهم را بر من تنگ کرده و آرامش و راحت دلم را ربوده است. آقای من! غیبت تو مصیبتم را به مصیبت های دردناک ابدی پیوسته و ازدست دادن یکی پس از دیگری جمع و عدد را فانی می سازد، پس احساس نمی کنم به اشکی که در چشمم خشک می گردد و ناله ای که در سینه ام آرام می گیرد، مگر آنکه مصایب بزرگتر و دلخراش تر و پیشامدهای سخت تر و ناشناخته تر در برابر دیده ام، مجسم می شود.».

آن محقق ولایی بسان عاشقی دلسوخته آنقدر برای حضرت ندبه می کرد و زمزمه می داشت و اشک می ریخت که گاهی از شدت گریه، چشمان مبارکشان سرخ و حالشان ملتهب و بی قرار می گشت.

ص: 128

1- . کمال الدین و تمام النعمة، ج 2، ص 353.

فصل پنجم : ابعاد شخصیتی آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره

اشاره

(سیری در شخصیت ولایی و سجایای اخلاقی معظم له)

ص: 129

ابعاد شخصیتی عالم ولایی ، مرحوم آیه الله حاج سیدعلی موحد ابطحی اصفهانی قدس سره

به قلم : آیه الله آقای حاج شیخ شرف الدین نظری خادم الشریعه دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين سيما مولانا بقیة الله فی الارضين، واللعن على من ظلمهم من الاولين والآخرين. بعد فقد قال الحكيم فی القرآن العظيم لقد خلقنا الانسان فی احسن تقويم .

انسان موجود(1)

مستعد برای رسیدن به کمال است ، استعداد تکامل و رشد در انسان بوده و ظرفیت و ظرفیت هایی در او قرار دارد که اگر از آنها به خوبی استفاده نماید به درجات عالی می رسد .

این امر نشأت گرفته از خلقت حکیمانه حضرت حق است که خدای متعال اینچنین انسان را آفرید و چنین زمینه هایی را در او قرار داد . به تعبیر علمی اقتضای رسیدن به کمال و زمینه رشد و ترقی و تعالی در خلقت و فطرت بشر وجود دارد . ضم شرط و رفع مانع لازم هست . زمین مستعدّ رویاندن است به شرطی که بذر پیاپی و امکانات لازم را فراهم آوری و سنگ و مانعی روی آن قرار ندهی ! .

سیر کمال و تکامل در موجودات عالم هستی به اذن الله و به هدایت تکوینی ، به طور الزام و سنن جاریه حاکم بر عالم طبیعت بوده و خواهد بود . طبیعت حبه و بذر ، خوشه شدن و دانه شدن است ، تا انقراض عالم این حرکت در عالم هستی ادامه دارد .

ولی امتیاز انسان با دیگر مخلوقات در آن است که سیر تکامل را با میل و اراده و اختیار انتخاب می نماید . به کمک عقل و شرع که دو حجت برای انسان است .(2) به

ص: 130

1- . سوره تین، آیه 4 - به راستی که انسان را در بهترین شکل اعتدال آفریدیم .

2- . الإمام الكاظم عليه السلام : إِنَّ لِّلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ : حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ ، وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ ، فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَنْمَةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ، وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ . امام کاظم علیه السلام : خداوند را بر مردمان دو حجت است : حجتی بیرونی و حجتی درونی . حجت بیرونی همان فرستادگان و پیامبران و امامان علیهم السلام هستند و حجت درونی همان خردها - .. الکافی : 1/16/12 .

تعبیر مرحوم والد معظم، آیه الله العلامة نظری خادم الشریعه رضوان الله تعالی علیه می فرمودند: سیر حرکت عالم تکاملی است و سیر حرکت انسان استکمالی است، یعنی با میل و اراده طلب کمال و رشد دارد.

با این مقدمه در پاسخ به مطالبه فاضل گرانمایه و نویسنده محقق و کوشا، جناب عمادالاعلام آقای شیخ محمد امیری سوادکوهی دام ظلّه که زحمت و همت تألیف این اثر نفیس را بر عهده گرفتند، باید عرض نمایم: علل و عواملی در شکوفایی، رشد، ترقی و استکمال بشر تأثیر دارد. یا به عبارت دیگر تأثیرات مثبت و منفی، عواملی در تکون شاکله شخصیتی هر انسان که در این مجال می توان به چند عامل مهم اشاره کرد:

حسب و نسب (1)؛ وراثت و تأثیر ژن (2)

محیط خانواده و خاندان (3)؛ نعمت نبوغ، استعداد، هوش و ذکاوت (4)

ایمان و خدا باوری و تقوا و رعایت حدود الهی؛ (5)

ص: 131

- 1- حضرت امام سجاد علیه السلام در خطبه غراء و مفصل خود در شام به این مهم اشاره فرمودند: مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي أَتْبَأْتُهُ بِحَسَبِي وَ نَسَبِي .
- 2- أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِيَةِ - زیارت اربعین .
- 3- فِي بَيُوتِ أَدْنَانَ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ - در خانه هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده [دیواره های] آن را بالا برند [تا از دستبرد شیاطین در امان باشد] و در آنها نام خدا برده شود و صبح و شام در آنها تسبیح او گویند نور، آیه 36
- 4- أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً - نعمت های ظاهر و باطن خود را برای شما فراوان فرمود - لقمان 31 .
- 5- ایمان و خدا باوری و تقوا و رعایت حدود الهی که زمینه معنوی برای رسیدن به کمال است. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَيْسَ الْعِلْمُ بِكَثْرَةِ التَّلَعُّمِ وَإِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي قَلْبِ مَنْ يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ . منية المرید في أدب المفید و المستفید، ج 1، ص 167 .

مصاهرت و قوم و خویشی کردن؛ (2) مصاحبت و انتخاب دوست و رفیق. (3)

انسان هایی که چنین مواردی در زندگی شان باشد، با انسان های دیگر در جامعه متمایز هستند و خدا آنان را ارتقاء و ارتقا می بخشد.

يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ. (4)

با عنایت به این مطالب باید گفت: مرحوم آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی اصفهانی اعلی الله مقامه الشریف حائز امتیازات فوق الذکر بود و به خودی خود یک انسان ممتازی می باشند که برای رعایت اختصار فقط به گوشه ای از حسب و نسب ایشان می پردازیم:

ص: 132

1- . دنبال علم رفتن و تحصیل علوم دینی که از واجبات و فرائض دین مبین اسلام است. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ - تحصیل دانش بر هر مرد و زن مسلمانی واجب است. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج 67، ص 68.

2- . مصاهرت و قوم و خویشی کردن که بسیار اصل اساسی است و در اسلام فرمودند: إِيَّاكُمْ وَ خَصْرَاءَ الدِّمَنِ در روایتی حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به یاران فرمودند: أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَ خَصْرَاءَ الدِّمَنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَصْرَاءُ الدِّمَنِ قَالَ الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَنْبِتِ السُّوءِ؛ ای مردم از گیاهانی که در مزبله می روید پرهیز کنید. گفته شد: منظور از این گیاهان چیست؟ فرمودند: زن زیبایی که در خانواده بدی نشو و نما کرده باشد. (الکافی ج 5 ص 332)

3- . مصاحبت و انتخاب دوست و رفیق که بی اندازه در کمال یا زوال انسال دخیل است. الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ - در آن روز دوستان همه با یکدیگر دشمنند به جز متقیان. سوره زخرف آیه 67.

4- . کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند و خدا به آنچه می کنید آگاه است. مجادله .11

ایشان از نظر حسب و نسب از طرف پدر از سادات عظام و علمای اعلام بودند که در کتاب در شعاع جانان بدان پرداخته شده است و از طرف مادر نیز ایشان سبط مرحوم صاحب مکیال المکارم علیهما الرحمة بودند. (1)

و (2)

عظمت پدر

مرحوم آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره در کتاب دو راه پرواز و سقوط ، حکایتی را در عظمت پدر بزرگوارشان نقل می کنند که بدین شرح می باشد :

بعد از فوت والده مان ، مرحوم حاج آقا مرتضی ابطحی قدس سره ، شب ها در منزل ، معمولاً تنها بودند و گاهی بعضی از نوه ها شب را در منزلشان بودند . در آن زمان ساعت ها کوکی بود . ساعت خود را کوک می کردند و عادتشان این بود که یک ساعت و نیم قبل از اذان صبح برای تهجد و نافله شب بیدار می شدند . یک شب یادشان رفته بود که ساعتشان را کوک کنند . نیمه شب بیدار می شوند و متحیر از آن بودند که آیا وقت اذان شده یا نه و الان چه ساعتی است !؟

همین طور که در حال تحیر بودند ، یک لحظه متوجه می شوند که از 6 جهت صدایی بلند شد که یکساعت و نیم به اذان صبح است !.

همان لحظه ساعت خود را تنظیم می کند . فردا در چند نوبت از دیگران جویای زمان می شوند و ایشان متوجه می شوند تنظیم ساعت دیشبشان دقیق بوده است .

ص: 133

-
- 1- جهت آشنایی بیشتر به کتاب پدر و مادر نمونه ، از تألیفات حضرت آیه الله حاج سید حجت موحد ابطحی دام ظلّه مراجعه شود .
 - 2- کتاب در شعاع جانان ، شرحی بر زندگانی آیه الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره - به قلم نگارنده .

آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره برای این حقیر نقل کردند: در یکی از سفرهایی که به مشهد مشرف شده بودم، نزدیک های حرم مطهر بودم که یک شخص ناشناسی نزد من آمد و جمله ای به من گفت و رفت! جمله اش این بود: آنچه را که از ناحیه مادر به شما رسید، بیش از آن است که از ناحیه پدر به شما رسیده باشد! آن شخص را نه قبلاً دیده بودم و نه بعد از آن!

آری! ایشان افتخار آن را داشت که در حجر تربیت و دامن چنین پدر و مادری رشد نماید.

خصوصیات اخلاقی و ارزشی

خصوصیات مرحوم آیه الله سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره را می توان اینگونه شمرد:

1. خوش اخلاق، خوش معاشرت، دوست داشتی و خلیق بود.

بسیار مهم است که انسان متصف به صفت خوش اخلاقی بوده و خلیق باشد.

خدای متعال در توصیف پیامبر عظیم الشان می فرماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»⁽¹⁾ از این رو هر که خوش اخلاق باشد از رشحات آن خلق عظیم برخوردار می شود.

2. متواضع، خاکی و مردمی بود.

بسیار انسان متواضع، بدون تکلف و بدون تشریفات بود، در لباس، در غذا، در معاشرت و ... حقیقتاً در این باب الگو بودند.

3. پر تلاش، طالب علم، محقق، اهل بحث و نظر بود و مستشکل قوی در دروس بزرگان و زعمای حوزه و اهل مباحثه که نقش بزرگی در رشد فکری و علمی طلبه دارد به حساب می آمد.

ص: 134

4. از بارزترین خصوصیات ایشان روحیه شجاعت و شهامت و غیرت دینی و ولایی در امر دفاع از ساحت خطیر اهل بیت علیهم السلام بود.

در زمانی که بعضی ها بر اثر کج سلیقگی و عدم اطلاع کافی و یا هر دلیل دیگر پاره ای از مقدسات شیعه را مورد آماج هجمه و قیحانه و ناجوانمراده قرار داده بودند، ایشان با تمام وجود به میدان آمد و دامن همت به کمر زد و دفاع مردانه نمود و با دلیل و برهان و سند و استدلال از آثار و مآثر شیعی محافظت کرد.

از ساحت زیارت عاشورا و از مظلومیت سند ماندگار قیام حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، حضرت رقیه شهیده خرابه نشین و از حقیقت و هویت و اصالت حدیث شریف کساء صیانت نمود. آن هم با قلمی روان و شیوا و با بیان حکایت ها و داستان های شیرین و دلنشین که با تتبع و استقراء و زحمات زیاد به دست آورده بود، و با وارد نمودن این کتاب های پرمحتوا و خواندنی و جذاب به خانه های مردم، قلوب شیعیان و موالیان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام را به سوی چشمه های نور و کمال و معرفت جذب و هدایت نمود. و این کار بسیار بزرگی بود که مرحوم حاج سید علی آقای موحد ابطحی رضوان الله تعالی علیه در دورانی سخت به آن دست زد و از هیچ چیز و هیچ کس در مسیر دفاع از دین و عترت نترسید و عقب نکشید. « لایَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ » (1).

تقریظ مرجع عظیم الشأن و فاطمی، شیخنا الاستاد حضرت آیه الله العظمی وحید خراسانی اطال الله بقائه الشریف بر کتاب حدیث شریف کساء و آثار شگفت که شرح آن را قبلاً بیان نمودم، سندی ماندگار و مایه افتخار برای آیت الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره و کتاب نفیس ایشان بوده و می باشد.

5. متتبع و نویسنده و محقق مجدّ و پشتکار دار و صاحب تألیفات فراوان و تأثیرگذار.

ص: 135

6. حافظ تراث تشیع و اهل بیت علیهم السلام از طریق بیان و بنان(1)

و القای آن به مستمع و مخاطب . او خطیب ، منبری خوش ذوق در بیان مطالب و القاء بنان آن به مستمع و مخاطب بود و نیز تألیفات فراوان و تأثیر گذار می داشت .

7. سرزنده در تحقیق و کار

در مداومت در تحقیق و تألیف و فیش برداری و جمع آوری مطالب تا آخرین لحظات توانمندیشان با نشاط بود . به خصوص در زمانی که کامپیوتر و امکانات ضبط و وسائل امروزی نبود . در اصفهان که می رفت ، بجای آنکه به خانه فامیل ها برود ، به مدرسه صدر می رفت و گوشه حجره ای می نشست و همانجا می خوابید و همانجا فیش برداری می کرد و کار تحقیق و تألیف را پیش می برد .

8. یکی از نکات خوب و نقطه قوت در زندگی مرحوم آیه الله آقا سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره استفاده از محضر بزرگان و اساتید به نام دوران خود بود ، چه در اصفهان و چه در قم که رشد علمی و ارتقاء مقام حوزوی ایشان را تحکیم بخشید که شرح آن گذشت .

9. مروج و مبلغ مکتب و تشیع

در میان مردم حضور داشت و منزوی نبود . ماه ها از منزل و خانواده دور بودند و در اقلید و سرحدات و جاهای دور دست ، تنهای تنها به آنجا می رفت و مدت ها برای امر تبلیغ و ترویج آنجا می ماند .

فعالیت های تبلیغی و دینی و ترویجی و خدماتی ایشان بسیار بود . مخصوصاً در معیت اخوی بزرگوارشان مرحوم آیه الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره که علم خدمت و ترویج و دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام در منطقه اقلید امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف و سرحدات را بلند نمودند به نام امام زمان ارواحنا فداه ، کمر بسته در

ص: 136

خدمت اسلام بود و در همراهی برادر بزرگوارشان در امور مردم کوتاهی ننمود. امین و مورد اعتبار و اعتماد ایشان بود و در همه کارهای ایشان کمکشان بود که این امر، فصل درخشانی از زندگی مرحوم آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره بشمار می رود.

10. تقید عجیب به استفاده از فرصت ها

در تمامی اوقات مطالبی که به ذهنشان خطور می کرد یا در کتاب ها می یافت یادداشت می نمود حتی بر سر سفره غذا، همواره قلم و کاغذ همراهشان بود. (1)

11. مسافرت ها و رَحَلات تبعی و تحقیقی فراوانی داشت از این منطقه به آن منطقه برای به دست آوردن مستندات و مشاهدات مکتوبات و تصاویر و ... با توجه به زحمات این امر ایشان سیره و شیوه علمای سلف را احیا کرده و بر این امر استوار بود.

اکثر نقاط ایران از جمله سفر ایشان به مازندران و تألیف کتاب جلوه های تشیع در مازندران و تحقیق در قدمت تشیع در ساری (ساری دارالملک تشیع) و ملا مجدالدین (مولی محمد مکی) (2) و در سابقه تأسیس مسجد جامع ساری که (اول مسجد بنی فی الاسلام بطبرستان) و دیگر مطالب از جمله کارهای ماندگار این بزرگمرد بود و همواره مورد تکریم مرحوم آیه الله العظمی نظری خادم الشریعه قدس سره قرار می گرفتند.

12. انس با قرآن

ایشان انس عجیبی با قرآن داشتند. خصوصاً در سفرهای زیارتی مشهد مقدس و دیگر مزارات ملتزم بودند که بعد از زیارت، قرآن را قرائت و به امام رضا علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام هدیه می نمودند.

ص: 137

1- . امیرالمؤمنین علی علیه السلام : الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ ، فَاتَّهَرُّوا فُرْصَ الْخَيْرِ . فرصت ، چون ابر می گذرد. پس، فرصتهای کار خوب را غنیمت شمیرید. نهج البلاغه : الحكمة 21/ ینبغی لطالب العلم أن یكون مستفیدا فی کلّ وقت حتی یحصل له الفضل، و طریق الاستفادة أن یكون معه فی کلّ وقت محبرة حتی یکتب ما یسمع من الفوائد قیل: «ما حفظ قرّ و ما کتب قرّ»

2- . مرحوم افندی در ریاض العلماء جریان آن را بیان نموده است.

جامعیت ایشان چنین بود که علاوه بر علم ادیان، احاطه به علم الابدان داشتند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: « الْعِلْمُ عِلْمَانِ : عِلْمُ الْأَدْيَانِ، وَ عِلْمُ الْأَبْدَانِ » (1). علم بر دو قسم است: علم ادیان و علم ابدان.

در محضر پدر عالی مقامشان بهره های فراوانی از علم طب قدیم بردند. هم تدریس و هم تحقیق در طب داشتند و بزرگانی در حوزه علمیه قم بیان می داشتند که ما طب را از محضر ایشان استفاده می کردیم.

ما نیز در شب های شنبه به محضرشان می رسیدیم و کلیات علم طب را از ایشان بهره مند می شدیم. تألیفات و تعالیق ایشان بر کتب طبی مورد اتکاء و اعتنای بزرگان حوزه و دانشگاه می باشد.

آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره در محضر پدر هم طب را خواند و هم طبابت می کرد. در مناطق مختلف کشور به طبابت طب سنتی اسلامی معروف به طب قدیم مشغول بود و خدمت بسیاری به جامعه می کرد.

ایشان با بیت مرحوم آیه الله حاج سید اسماعیل هاشمی قدس سره که از اساتید اخلاق و متخلق به اخلاق حمیده و از علمای مورد احترام خاص و عام اصفهان بودند، ازدواج نمودند. آن زمان که مرحوم آیه الله حاج آقا مرتضی ابطحی قدس سره به رحمت خدا رفتند، اقامه نماز بر پیکر مطهر آن عالم فرزانه به آیه الله هاشمی واگذار شده بود و این دلیل بر عظمت شخصیت آن عالم ربانی در روزگار خویش بود.

ایشان پس از دو برادر ارزشمندشان حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره و آیه الله العظمی حاج سید محمد علی موحد ابطحی قدس سره که از ستارگان پر فروغ عالم تشیع بودند، دارای سجایای اخلاقی زیبایی بود که همه از پیر و جوان در فامیل و ایل و طایفه به ایشان علاقمند بوده و به ایشان عشق می ورزیدند و ایشان را در تمامی امور محور قرار می دادند.

بر همین اساس مرحوم آیه الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره قبل از ارتحالشان هیئت امنایی برای مؤسسه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهت کمک و پیشرفت امور تحت اشراف خود، برگزیدند که اولین شخصی که در آن ذکر نمودند آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره بود که ایشان تا زمانی که برایشان مقدور بود در جلسات شرکت می نمودند و بر رسیدگی به امور بعد از فوت معظم له اهتمام ویژه داشتند.

16. نهایتاً آرام گرفتن در عس آل محمد علیهم السلام و در جوار حرم حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و در آستانه مبارکه امامزاده شاه حمزه علیه السلام از نوادگان حضرت باب الحوائج الی الله، حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام که در میان اهل قم دارای عظمت و جلالت خاصی می باشد و حقیقتاً عاقبت بخیر شدند که باید گفت: **خِتَامُهُ مِسْكَ (1)**.

رضوان الله تعالی علیه. (2)

ص: 139

1- . خِتَامُهُ مِسْكَ وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ - [باده ای که] مهر آن مشک است و در این [نعمتها] مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی گیرند مطففین، آیه 26.

2- . دیدگاه دانشمند ارجمند، آیه الله آقای حاج شیخ شرف الدین نظری خادم الشریعه مازندرانی دام ظلّه در تبیین ابعاد شخصیتی آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره.

به قلم : آیه الله آقای حاج سید محمد تقی قادری دام عزه

به قلم : آیه الله آقای حاج سید محمد تقی قادری دام عزه (1)

بسم الله الرحمن الرحيم

قال الصادق عليه السلام : إذا مات المؤمنُ الفقيهُ تُلِمَ في الإسلامِ ثُلْمَةٌ لا يسُدُّها شيءٌ (2)

آیه الله ابطحی از جمله نخبگان و فرزانهانی است که نام و یاد ایشان برای همیشه به نیکی در تاریخ ماندگار خواهد ماند؛ چرا اینکه در حیات طیبه ایشان خصوصیات ذو ابعادی بود که به مختصری از آن ها اشاره می کنم:

1 : بُعد علمی :

ایشان به میزان عمری که از خداوند متعال کسب کرده بود، در حوزه پژوهش و تحقیق گذراند و تحقیقات ذی قیمتی از خود بجا گذاشت، از جمله کتاب « آیه التّطهير في احاديث الفريقين در 4 جلد » که مرجع و فقیهی چون آیه الله العظمی مرعشی نجفی رضوان الله علیه در توصیف این کتاب فرمود : « و سوگند به جانم ، او به آنچه در این تحقیق دنبال می کرده رسیده است و توانسته نکات علمی متعددی را از آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام درباره این آیه شریف ، استخراج کند ؛ خداوند به او بهترین پاداش را عنایت فرماید و از جام بهشتی به او بنوشاند و او را زیر پرچم مولای مظلوم ، امیرالمؤمنین علی علیه السلام محشور فرماید . »

2 : بُعد اجتماعی و تبلیغی :

در ساحت نشر افکار و اندیشه ولایی و کادرسازی معرفتی برای اهل بیت علیهم السلام ، « اقلید فارس » را سالیانی طولانی کانون تبلیغ و فعالیت اسلامی خود قرارداد و توانست روح و فکر ولایت مداری را در مردم خوب آن خطه از استان فارس بارور

ص : 140

1- . از محققین و اساتید حوزه و دانشگاه .

2- . الكافي : 1/38/2 .

نموده و مردمان آن خطه را نیز مجذوب رفتار سالکانه خود نماید؛ که آخرین شاهد دلدادگی آن مردمان مخلص به این عالم خالص، کثرت جمعیت حاضر از آن خطه در مجلس ختم سوم آیه الله ابطحی در مسجد اعظم قم بود.

3: بُعد خانوادگی و تربیتی:

تحقیق و تبلیغ نتوانست او را غافل از مسؤولیت نسبت به تربیت فرزندان شایسته نماید بلکه در این جهت نیز عالمی موفق بود؛ چرا که توانست فرزندان شایسته و صاحب فکر و اندیشه، ولایی و مهذب چون دکتر سید محمد تقی موحد ابطحی تربیت نماید که امروز در مقام اعتلاء بخشیدن به فرهنگ ناب اهل بیت علیهم السلام و ادامه دهنده راه آن عالم ولایی باشند.

4: بُعد سیاسی - اجتماعی:

آیه الله موحد ابطحی همانند اخوی مرحومشان،

آیه الله سید محمدباقر موحد ابطحی رضوان الله علیه که از برجستگان شاگردان حضرت امام خمینی رضوان الله علیه و از انقلابیون تراز اول بودند آنگونه که مقام معظم رهبری حضرت آیه الله خامنه ای مُدظله العالی پیام تسلیت ارزشمندی به مناسبت درگذشت معظم له صادر کردند و پس از ایشان نیز رؤسای قوه مقننه و قوه قضائیه و برخی دیگر از شخصیت های سیاسی جمهوری اسلامی نیز نسبت به وفات ایشان ابراز تألم و تأثر نموده و پیام های قابل توجهی از حیث محتوا صادر کردند. و این بهترین شاهد بر مشی اجتماعی - اسلامی آیه الله سیدعلی موحد ابطحی رضوان الله علیه بود؛ آن طور که از یک عالم دور اندیش و بصیر شیعی در این عصر و زمانه انتظار می رود.

امید که حیات پر برکت آن عالم پرتلاش، ولایی و مخلص، چراغ راه جوانان و ارادتمندان به حق و حقیقت باشد. (1)

ص: 141

1- . اقتباسی از یادداشت آیه الله حاج سید محمد تقی قادری دام ظلّه

مُؤْمِنٌ مُسَلِّمٌ (مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ)

فاضل و نویسنده ارجمند ، حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد صادق موحد ابطحی دام عزه در تبیین شخصیت والای آن محقق ولایی تصریح نمودند : آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره ، یک شخصیت ارزشمند و تسلیم بود که « مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ » در ایشان صدق می کرد .

اول ویژگی ایشان مؤمن بودن ایشان بود ، مسائل دیگر فرع بر این است .

مُؤْمِنٌ مُهَيِّمٌ و مُسَلِّمٌ . انسانی بود که تسلیم خدای متعال بود .

وَ أَقْصِدُ فِي مَشِيكَ ؛ ایشان در آن مقصدی که انتخاب کرده بود بیتوته داشت و در واقع در همان مقصد بود ، (مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ) این بذرا آورده بود ، از این رو همواره منتظر مبشراتی از سوی ولی خدا و حجت الله و اولیای خدا در زندگی اش بود ، از این رو بشارت هایی در رابطه ی با حدیث کساء و زیارت عاشورا می نوشت و خودش نیز به آن عمل می کرد .

سال های قبل ، به طریقی به امری ملهم شدم ، آن موضوع را با ایشان در میان گذاشتم که می بایست در قضیه ای در مقابل امری تمکین کنند . آن امر اتفاق افتاد و ایشان با آن موافقت نمودند . شخصیت ارزشمند ایشان آنگونه بود که اگر متوجه مطلب معنوی در امری می شد ، در مقابل آن کاملاً تسلیم بود .

عالم ولایی و متعصب

فاضل محترم ، حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد موحد ابطحی دام عزه(1)

در بیان یکی از ویژگی های مهم آیه الله آقای حاج سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره تصریح می نمایند : یکی از ابعاد تربیتی و رفتاری ائمه اطهار علیهم السلام که همواره

ص: 142

1- . فرزند آیه الله حاج سید حجت موحد ابطحی دام ظلّه.

می بایست مورد توجه قرار بگیرد؛ و جامعه امروزی ما به دلایلی شاید ترجیح می دهد که آن را دنبال نکند، مسأله « تعصب بر حق » است.

« تعصب » مرحله ای بالاتر از علم و معرفت است و در لسان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هم مورد توجه قرار گرفته است که انسان مؤمن اگر بتواند تعصب بر حق پیدا بکند، به یکی از مراتب بالای کمال دست پیدا کرده است.

عالم آل محمد علیهم السلام، حضرت علی بن موسی الرضا علیهما السلام می فرمایند:

أَفْضَلُ مَا يُقَدَّمُهُ الْعَالِمُ مِنْ مُجِبِّنَا وَمَوَالِينَا أَمَامَهُ - لِيَوْمِ فَقْرِهِ وَفَاقَتِهِ، وَذُلِّهِ وَمَسْكَنَتِهِ، أَنْ يُغِيثَ فِي الدُّنْيَا مِسْكِينًا مِنْ مُجِبِّينَا مِنْ يَدِ نَاصِبٍ عَدُوٍّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ، يُقَوْمُ مِنْ قَبْرِهِ وَالْمَلَائِكَةُ صَدُّوفٌ مِنْ شَفِيرِ قَبْرِهِ إِلَى مَوْضِعِ مَحَلِّهِ مِنْ جَنَّةِ اللَّهِ - فَيَحْمِلُونَهُ عَلَى أَجْنِحَتِهِمْ، يَقُولُونَ: مَرْحَبًا طُوبَاكَ طُوبَاكَ يَا دَافِعَ الْكَلَابِ عَنِ الْأَبْرَارِ، وَيَا أَيُّهَا الْمُتَعَصِّبُ لِلْأَيِّمَةِ الْأَخْيَارِ. (1)

امام رضا علیه السلام بهترین توشه ای که شخص دانشمند دوستدار ما برای روز فقر و نیاز و ذلت خود ذخیره می کند، حمایت علمی از دوستان ناتوان ما، و نجات ایشان از چنگال دشمنان خدا و رسول او است. [در این صورت] وقتی از قبر برخیزد صفوف فرشتگانی را مشاهده می کند که از محل قبر تا جایگاهش در بهشت برین صف کشیده اند، و او را با بالهای خود بلند نموده و به عمارت مخصوصش در بهشت حمل کرده و به او می گویند: آفرین بر تو! خوش باد تو را، ای کسی که دشمنان خوبان را مقهور ساخته و از ائمه اطهار خود حمایت و طرفداری می نمودی. (2)

ص: 143

1- . الاحتجاج، الجزء 1، الصفحة 19.

2- . التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام - إيران؛ قم، چاپ: اول، 1409 ق؛ ص 350؛ عنه البحار: 7-226 ضمن ح 143، و عنه في البحار: 2-11 ح 21، و عن الإحتجاج: 1-12

عالم شیعه، بهترین چیزی که پیش می فرستد، این است که در دنیا دست یکی از شیعیانی که گرفتار دشمن خدا و ائمه هدی علیهم السلام شده است را می گیرد و در مقابل آن دشمن خدا، نجاتش می دهد. آن شخص را کمک می کند تا از شرّ وساوس و شبهه ها نجات پیدا کند و دانش را انتقال می دهد.

در اینجا به عنوان یک مدال افتخار، بحث تعصب را شاهدیم. عالمی که تعصب دارد؛ یعنی حق را با آن غیرت به مؤمنین انتقال می دهد

معصوم علیه السلام علما را دعوت می کند به انتقال معارف دین به خود مؤمنین و تبدیل مؤمنین به مدافعین؛ مدافع هم باید تعصب داشته باشد؛ اگر مدافع تعصب نداشته باشد، طبیعتاً دفاع هم معنا پیدا نمی کند؛ کما اینکه در روایتی آمده که چگونه روی تعصب نسبت به حقیقت اصرار دارند.

آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره مصداق بارز این روایت بودند. لهذا تا کسی شبهه ای ایجاد می کرد، ایشان سریعاً در مقام جواب بر می آمدند و در سیری که در تألیفات ایشان داریم کاملاً واضح است که یکایک آثارشان در پاسخ به شبهات بوده که از آن می توان به کتاب زیارت عاشورا که در پاسخ به معاندین نوشته شد و یا حدیث کساء نیز در مقابل شبهه پراکنی های مقطعی در نگاشته و کتاب حضرت رقیه علیها السلام نیز در مقابله با خفاشانی بود که تاب دیدن خورشید خرابه شام را نداشتند.

به قلم: حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ عبدالحسین نظری خادم الشریعه دام عزه

بسمه تعالی شأنه

الحمد لله رب العالمین، الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین والائمة المعصومین علیهم السلام

جهت عرض ادب به جایگاه رفیع علم و تقوی و سیادت و حسب پیشنهاد محقق و نویسنده توانا، برادر بزرگوار، حجة الاسلام والمسلمین شیخ محمد امیری سوادکوهی دامت توفیقاته عرض ارادت کوتاه خواهیم داشت. به امید آن که مقبول درگاه مادر سادات صدیقه شهیده علیها السلام قرار گیرد.

بی شک بررسی سیره زندگی علمای اعلام و ستارگان درخشانی که در عصر غیبت با سختی و مشقت فراوان در میان مردم به جهت حفظ اعتقادات حقّه زحمات طاقت فرسایی متحمل شدند، به ویژه برای استفاده طلاب و خطبای جوان که قصد قدم نهادن در مسیر نورانی تبلیغ دین دارند، راه گشای مسیر امروز است.

البته بنده کمترین لایق به وصف این مدافع غیور حریم امامت و ولایت نیستم، اما از آنجا که از سنین کودکی حسب الامر آیه الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی اعلی الله مقامه توفیق حضور در سفرهای تبلیغی و روضه خوانی آستان ملک پاسبان حسینی در خدمت حضرت والد بزرگوار دام ظلّه و مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره در منطقه اقلید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را داشتم، آنچه به چشم خود دیدم به جهت ثبت در تاریخ و درس آموز بودن برای نسل امروز نقل می کنم: بعون الله تعالی.

1. اخلاص، نیت پاک و از خودگذشتگی در پیشگاه با عظمت اهل بیت علیهم السلام

آنچه از موفقیت های ایشان دیدیم این بود که سر سوزنی به فکر نام و اعتبار و کسوت و شأن خود نبودند و خود را در محضر نور مطلق (هیچ) می دیدند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در کلامی نورانی می فرمایند: عِنْدَ فَسَادِ النِّيَّةِ تَرْتَفِعُ الْبِرْكَةُ (1)

کلید وصول بزرگان مایه گنجینه توفیقات والای الهی، همین نیت صحیح و اخلاص است.

آری آن ها اعمال خود را خالصانه به پیشگاه خداوند هدیه می کنند و خداوند متعال هم نور برکت را بر زندگی آنان ارزانی می دارد. به عنوان نمونه وقتی ایشان غربت حدیث شریف کساء را می بینند با نیت خالصانه قلم دفاع از مادر مظلومه شان را بر می دارند و خداوند هم توفیق و برکت عطا می فرماید و کتاب حدیث کساء و آثار شگفت به بهترین وجه منتشر می شود.

2. زهد و ساده زیستی

حضرت امیر علیه السلام می فرماید: الرُّهْدُ فِي الدُّنْيَا الرَّاحَةُ الْعُظْمَى؛ (2) بی رغبتی به دنیا، بزرگ ترین آسایش است.

به گواه همه افرادی که با ایشان انس داشتند این راحتی در زندگی ایشان به وضوح دیده می شد. هم در پوشش هم در طعام و هم در مراتب دیگر مردم زهد ایشان را به خوبی مشاهده می کردند و همین باعث جذب مردم می شد. به گواه اساتید و بزرگان عرصه علم و تبلیغ، تجمل گرایی آفت بسیاری از مبلغین امروز است.

3. زندگی با مردم

یک مبلغ دینی زمانی موفق می شود که با مردم زندگی کند نه این که صرفاً سخنران باشد! به عمل کار برآید به سخنرانی نیست. با آن مقام علمی هر کس به ایشان مراجعه ای جهت حضور در مجلس روضه خانگی داشت قبول می کردند و اگر جای دیگری قول نداده بودند مجلسی را رد نمی کردند. و هنگامی که به مردم پیشنهاد

ص: 146

1- . غررالحکم، ح 6228 .

2- . غررالحکم، 1316 .

می دادند در خانه های خود طعامی به نام اهل بیت علیهم السلام به شکل سمنو و ... آماده کنند و توزیع عمومی داشته باشند ، مردم باجان و دل می پذیرفتند و چه حس و حال روحانی و معنوی داشت این جلسات مردمی بی ریا!

بارها دیده بودیم که ایشان در مناطق صعب العبور حاضر می شدند و در سرمای طاقت فرسای آن بلاد دم از اهل بیت علیهم السلام می زدند

. به یاد دارم یک شب اربعین جهت حضور در جمع مردمان ولایی منطقه شهر میان از اقلید حرکت کردیم . پس از منبر و مداحی و اقامه عزاداری به یاد ماندنی باید به اقلید برمی گشتیم . زمستان سردی بود و هنگام بازگشت ما بارش سنگین برف هم آغاز شد . در گردنه معروف تیمارگون زمانی که هنوز تونل باعظمت ابوالصالح المهدی عج الله تعالی فرجه الشریف به امر آیه الله العظمی سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره احداث نشده بود و در آن برف شدید ناگاه احساس کردیم ماشین توان بالا رفتن از گردنه را ندارد و چرخ ها سر می خورد . از سوئی کم کم در حال عقب آمدن و نزدیک شدن به پرتگاه پشت سرماست . راننده از شدت ترس گفت : نزدیک است به درّه سقوط کنیم . آیه الله حاج سید علی آقا بعد از لحظاتی فرمودند : نترسید ، یا علی گفتند و دعایی خواندند و ماشین ناگهان شروع به حرکت در آن برف شدید به سمت بالای گردنه کرد به نحوی که انگار دست غیبی ماشین را حرکت می داد که همه متعجب شدیم و شکر خدای متعال را به جا آوردیم .

4. نظم

آری! اگر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید : اوصیکم بتقوی الله وَ نَظْمِ أَمْرِكُمْ (1) یکی از امور مهمی که باعث برکت و توفیقات فراوان سلف صالح شمرده می شود همین نظم است .

ص: 147

گاهی انسان به فکر فرو می رود که چگونه عالمی مثل علامه مجلسی، علامه امینی، علامه میرحامد حسین و... اعلی الله مقامهم موفق به نوشتن این مقدار از معارف اهل بیت علیهم السلام می شوند.

چگونه آیه الله حاج سید علی آقا موفق به نوشتن این چندین مجلد در کنار خدمات اجتماعی فراوان و مراتب بالای علمی می شود؟ جواب کوتاه اما اثر گذار است. تقوا و اخلاص و نظم و پشتکار!

ایشان به شدت وقت شناس و منظم بودند و هیچ گاه فردی که برای مجلس سراغشان آمده بود را معطل نمی کردند و همیشه حتی چند دقیقه قبل آماده بودند.

گاهی در ماه مبارک رمضان که معمولاً به دلیل احیاء لیلی و اسحار با برکت آن ماه عزیز کمی نیاز به استراحت صبح است، از ساعات اولیه صبح مراجعه مردم آغاز می شد و ایشان حتی المقدور به امور مردم رسیدگی می کردند و دم از خستگی نمی زدند.

5. صله رحم

به نیکی به یاد دارم در سنین کودکی لحظاتی که ایشان درب خانه ما را می زدند و با دست مبارک خود که در راه احیاء شعائر اهل بیت علیهم السلام قلم می زد، ظرف پر از میوه توت سفید و سیاه که از درخت منزل خود چیده بودند را برای ما می آوردند. به راستی که آن میوه از دست ایشان چقدر برای ما دلچسب تر بود!

در آن ایام با خود فکر می کردم با اینکه می توانند این کار را به دیگران، فرزندان و... بسپارند. اما خود این صله رحم و لطف را انجام می دهند و این نشان از صفای نفس و محبت به ارحام است.

و همچنین در زمانی که والده ماجده ما که صبیۀ آیه الله حاج سید رضا موحد ابطحی دام ظلّه و اخوی زاده ایشان می باشند، دچار بیماری و نقاهتی شدند و به لطف الهی شفا گرفتند، آیه الله حاج سیدعلی آقا یک مجلد نفیس کتاب شریف نهج

البلاغه با ترجمه و فهرست به ایشان هدیه دادند و ابتدای کتاب هم یادگار پر مهری مرقوم فرمودند .

آری کلام پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم نور است و هرکه به کلام او عمل کند نورانی می شود .

الْهَدِيَّةُ تُورَثُ الْمَوَدَّةَ، وَتَجْدُرُ الْأُخُوَّةَ، وَتُذْهِبُ الضَّغِينَةَ، تَهَادُوا تَحَابُّوا. (1)

این نکات جزیی اما کاربردی یعنی هیچ گاه امور اجتماعی و علمی و تألیفات ، بزرگان را از رسیدگی به خانواده و صله رحم و محبت به نزدیکان غافل نمی کند .

6. قَيِّدُوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابَةِ

ایشان مکرر به مازندران و بیت مرحوم جدّ امجد ما مرحوم آية الله العظمى نظری خادم الشريعة رضوان الله تعالى عليه تشریف می آوردند و مورد احترام و تکریم آن مرد الهی قرار می گرفتند . در ابتدای حرکت مقدّس اعلام دهه غدیر که توسط مرحوم علامه خادم الشريعة قدس سره آغاز شده بود دست به قلم بردند و کتاب جلوه های تشیع در مازندران از آغاز تا دهه غدیر را به سبکی نوین و بدیع تألیف نمودند . آن زمان هنوز به این شکل امروزی تکنولوژی و وسایل الکترونیکی پیشرفت نکرده بود ایشان همواره قلم و کاغذی همراه داشتند . با توجه به این که بیت مرحوم علامه نظری خادم الشريعة در مازندران از دیرباز محل حضور شخصیت ها و علمای بزرگ شیعه به شمار می رفت و بسیاری از اعظام مهمان آن سامان بودند ، در محافل و حلقات علمی حتی گاهی سر سفره اطعام اگر مطالب نابی مطرح می شد ، ایشان فوراً قلم و کاغذی می گرفتند و یادداشت می نمودند .

7. روح آگاه

در پایان این نوشتار خاطره ای جالب که برای حقیر پیش آمده را نقل می کنم :

ص: 149

1- . بحار الأنوار ، ج 77 ، ص 166 .

در ایام ابتدای ماه جمادی الاولی 1445 هجری قمری و ولادت باسعادت حضرت عقيلة العرب زینب کبری علیها السلام کاروان زیارتی موسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف به قصد عتبات عالیات عرش درجات از شهر مقدس قم و جوار حرم کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام حرکت نمود و سفری بسیار نورانی، معنوی و خاطره انگیز که شرح آن مقتضی مناسب خود را می طلبد برای همسفران رقم زد.

جمعی از علماء اعلام، محققین مدرسه و بزرگوارانی از بیت مکرم موحد ابطحی نیز در این سفر حضور داشتند. قرار چنین بود که صدیق ارجمند جناب آقای سید مهدی موحد ابطحی فرزند مرحوم آیه الله حاج علی موحد ابطحی رضوان الله علیه نیز در این سفر حاضر باشند. حتی تا پای ماشین هم آمدند، اما به دلیل مشکلات گذرنامه از همراهی کاروان بازماندند. بنده در نزدیکی مرز مهران با ایشان تماس گرفتم و سؤال کردم که مشکلاتتان حل شد یا نه؟ گفتند: متأسفانه توفیق همراهی نصیب نیست و گذرنامه آماده نشده است. ایشان به من پیامی دادند که اگر ممکن است در نجف اشرف محضر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام زیارت جامعه کبیره ای به نیت پدر بزرگوارشان بخوانم. این نکته در ذهن بنده ماند و روبروی ضریح مطهر و منور حضرت امیر علیه السلام توفیق شد که انجام وظیفه بنمایم و زیارت جامعه ای به نیت ایشان بخوانم.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرَّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ، وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ، وَخُزَّانِ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْجِلْمِ، وَأَصُولِ الْكَرَمِ، وَقَادَةَ الْأُمَمِ، وَأَوْلِيَاءِ النَّعَمِ... (1)

جالب این جاست که در همان سفر نورانی در عالم رؤیا دیدم آیت الله حاج سیدعلی آقا تشریف آوردند با حالت سلامتی کامل و معمم و دور از حالات بیماری سال های اخیر، لبخندی بر لب داشتند و در مقام تشکر اظهار لطف فرمودند. این

ص: 150

رؤیا در ایام حیات و اواخر عمر بابرکت ایشان دیده شد که به نوعی هم خبر از نزدیک بودن ارتحال ایشان می داد. امیدواریم که مشمول ادعیه خیر اولیاء الهی قرار گیریم. (1)

فقیه مَفْهَم

جناب مستطاب، استاد سید زین العابدین محمدی می نویسد: فقه و فقاهت از منظر قرآن و نگاه روایات، مرتبه رفیع و درجه منیع دارد، به همین جهت به هر فرد مدعی نمی توان عنوان مجتهد و فقیه و بهره مند از فقه داد، مگر آنکه توسط فقیهان خبره و مراجع زبده و آیات به این جایگاه رسیده و اجتهاد و فقاهت آنان به اثبات رسیده و تأیید شده باشد.

حدیث بسیار عجیب از امام به حق ناطق و پیشوای لایق حضرت جعفر بن محمد الصادق علیه السلام در رجال کشی آمده که به خوبی از منظر امام معصوم علیه السلام، عظمت و جایگاه یک فقیه واقعی و حقیقی را بیان می کند که می فرماید:

قال الصادق علیه السلام: إعرفوا منازلَ شیعتنا بقدر ما یحسنون من روایاتهم عنّا، فإنّا لا نعدُّ الفقیهَ منهم فقیها حتّی یكونَ محدّثًا فقیلَ له: أ و یكونَ المؤمنُ محدّثًا؟ قال: یكونُ مَفْهَمًا، و المَفْهَمُ محدّثٌ. (2)

منزلت شیعیان ما را از اندازه روایاتی که از ما می دانند بشناسید. ما فقیه آنها را فقیه نشماریم مگر این که محدّث باشد. عرض شد: آیا مؤمن هم محدّث می باشد؟ فرمود: مَفْهَم است و مَفْهَم محدّث می باشد.

باید توجه داشت که بین مُحدّث و مُحدّث تفاوت است.

ص: 151

1- . یادداشت فاضل ارجمند حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ عبدالحسین نظری خادم الشریعه دام عزه .

2- . رجال الکشیّ، ج 1، ص 6 .

اولی یعنی آن فقیهی که به سبب طهارت باطنی و بصیرت و بینش درونی و تلاش برای فهم معانی حق و حقیقت معانی به اذن و عنایت الهی بر فقیه ربانی و صمدانی روشن ، معین و مبرهن می شود .

امام نمی فرماید که جبرئیل ظاهر می شود و با او سخن می گوید، فرمود : خداوند شرح صدری به او می دهد که مطالب را با روشن بینی بیشتری می فهمد و این چنین شخصی محدّث است . پس بر محدّث الهام قلبی و فهم ذهنی و دریافت باطنی و روشن بینی معانی می شود . اما محدّث ممکن است راوی حدیث باشد ، روایتی را نقل کند، اما خود بر مفاهیم بلند و دقایق ارحمند و ظرایف ارزشمند آن واقف نبوده و مسلط بر فقه الحدیث نباشد ، چون فهم آیات قرآن و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و روایات امامان علیهم السلام علاوه بر فهم علمی و دریافت عقلی و شناخت سلسله اسناد نقلی باید به خوبی بهره مند از طهارت باطنی و معرفت و دریافت قلبی و علم حضوری باشد نه اکتسابی محض ، چون فرمود : « لایمسه الا المطهرون » . قرآن را لمس نمی کنند مگر پاکان و مطهران و این لمس قرآن صرفاً ناظر بر طهارت ظاهری و وضو داشتن نیست ، بلکه لمس معانی عمیق و معارف دقیق قرآن، نیازمند توفیق الهی در جوار علم و تحقیق است و لازمه دریافت توفیق الهی، تقوا و طهارت روحی و قلبی و باطنی است که فرمود : « أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا » (1). آیا در آیات قرآن تدبّر نمی کنید یا بر قلب های شما قفل زده اند ؟

پس در تدبیر در این آیه شریفه در می یابیم که دریافت فهم قرآن را به قلوب ارجاع داده ، نه عقل محض که در شناخت ها و دریافت های استدلالی پایه مستحکم دارد ، اما هرگز به پای دریافت قلبی و شهودی و عینی و باطنی و ملکوتی نمی رسد و حدیث

ص: 152

1- .سوره محمد صلی الله علیه و آله و سلم ، آیه 24 .

شریف و معروف و موصوف که شرایط فقیه جامع شرایط را از منظر الگوی تمام نمای رهبری حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ناظر بر همین معناست که می فرمایند :

مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَانِتًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقَلَّدُوهُ. (1)

باتوجه به آنچه در فوق تحت عنوان فقیه مفهم گذشت ، محقق ولایی و دلباخته اهل بیت نبوی ، حضرت آیه الله حاج سید علی آقا موحد ابطحی اعلی الله مقامه بر اساس و مبنای توصیف حضرت امام صادق علیه السلام در

زمره فقیهان و محدثان مفهم بودند که به سبب تقوا و طهارت باطنی ، صفای قلبی و جلای روحی مورد لطف و عنایت قطعی و حتمی الهی بوده که آثار علمی و انوار تحقیقی و کتب بسیار ارزشمند حدیثی و روایی مانند « آیه التطهیر فی الاحادیث الفریقین » در چند مجلد و کتاب وزین « الامام الحسین فی الاحادیث الفریقین » در 14 جلد کتاب پر بهای « الشیعة فی الاحادیث الفریقین » ، سند معتبر و قبالة مفتخر برای اثبات این حقیقت و بزرگی و عنایت و کرامت به آیه الله موحد ابطحی است که اگر مفهم به الهامات غیبی و الطاف الهی نبودند ، با این گستره تحقیق و دامنه عمیق ، موفق به توفیق نمی شدند و رعایت تقوای الهی به صورت عینی و مشهود و ریشه و سابقه در خاندان مجد و سیادت و علمی موحد ابطحی که مورد تاکید موکد همه بزرگان و مراجع عظام و آیات بنام است دارد. (2)

زهد کم نظیر و ساده زیستی

حضرت آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره از چهره های درخشان علم و عمل و اخلاق بود که حیات طیبه اش بر اساس بی آلایشی، صدق نیت و عمل به

ص: 153

1- . فقیهی که خویشندار و نگاهبان دین خود باشد و با هوای نفسش بستیزد و مطیع فرمان مولایش باشد. الاحتجاج: 2/510/337.

2- . در محضر استاد فقیه - سید زین العابدین محمدی .

وظیفه سپری شد. قدم های محکم او در شریعت، طی طریق را بر رهروان راه حقیقت هموار نموده و سیره عملی اش برای همگان درس اخلاق، ایمان و دلدادگی بود.

از ویژگی های بارز شخصیت ارزشمند آن عالم ربانی زهد و بی اعتنایی او به زخارف دنیا بود. امری مهم که برای همگان مشهود بوده و به تعبیری دنیا را نزد خود به اسارت در آورده بود و زخارف او را به ذلت نشانده بود.

از دنیا به حداقل ها قناعت می کرد. نعلین هایشان، عبا و قبایشان در نهایت سادگی بود و سال ها آن را بر تن می کرد و گاهی مندرس هم که می شد از پوشیدن آن ابایی نداشت. در خوراک به حداقل ها اکتفا می کرد و هیچ گاه در پی غذاهای لذیذ و آنچنانی نبود. خلاصه همه چیز شخصیت ایشان از حداقل های در دنیا شکل گرفته بود. ولی آنچه قابل تأمل بود آن است که وقتی در کار اهل بیت علیهم السلام وارد می شد، همیشه می فرمود: بهترین ها را تهیه کنید. وقتی می خواستند کتابی برای اهل بیت علیهم السلام چاپ نمایند، تمام همشان این بود که بهترین کاغذ و بالاترین کیفیت بهره ببرند. (1) گویا از دنیا هیچ بهره ای را نمی خواست جز آن حسنه ای که در قنوت نمازش بارها می خواند که آن ولایت و خاکساری در مقابل ثقلین بود.

تندیس مهربانی

حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ علی کریمی جهرمی دام ظلّه می فرمودند:

ایشان از لحاظ اخلاقی انصافاً یک انسان والایی بود، چنانکه بحمدالله خاندان ابطحی این چنین هستند. اخلاق و مدارا و امثال ذلک در وجودشان بود. خیلی صمیمیت، علاقه و محبت در وجودشان موج می زد.

ص: 154

1- . به نقل از سید مهدی موحد ابطحی .

همنشین و محبوب فقرا

وی در کمک به نیازمندان بسیار کوشا بود و با هر فردی که در جهت رفع نیاز به ایشان مراجعه می کرد، با کمال خوشرویی و سعه صدر برخورد می کرد و در رفع مشکل وی می کوشید. او از آنجا که خود طعم سختی را چشیده بود همواره انیس فقرا و ایتم آل محمد علیهم السلام بود.

همنشینی این عالم ربانی با اقشار مختلف مردم خصوصاً فقرا، و تبسم ملیح و تواضع حیرت انگیزشان در مقابل فقرا، چهره نورانی ایشان را محبوب فقرا و ایتم آل محمد علیهم السلام جلوه داده بود که همگان بر این امر اذعان داشتند. نشستن بر سر سفره خانواده های مستضعف و فقیر برگی نورانی از حیات طیبه آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره بوده است. پدر فقیری که غرورش از نداشته های دنیا بر اهل خانه شکسته بود، با قدم سید ابطحی در خانه اش زندگی است حیات دیگری می گرفت و با تمام غرور در مقابلش زانو می زد.

حلقه وصل فطرت به عترت

او آنچنان در میان مردم بود و با آنها نشست و برخاست داشت که آنها هیچ حائلی بین خود و آن عالم ربانی نمی دیدند و گاهی اشک از چشمانشان جاری بود که عالمی نورانی از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام را خاکی و در نهایت خضوع در کنار خود می بینند. او نمونه و نماد روحانیت اصیل شیعه بود. وقتی مردم از مشکلات زندگی به او پناه می بردند، می فرمود: برای مشکلاتان به محضر مبارک امام زمان ارواحنافداه عریضه می نویسم. آقا سید علی آداب نوشتن نامه به پناهگاه جهان خلقت را به مردم مضطر می آموخت و چنین روح و جان آنها را به امام زمان ارواحنافداه متصل می کرد. او حلقه وصل فطرت به عترت بود و در بطن جامعه با آنها زندگی می کرد.

وقتی در شهرها و روستاهای مختلف که جهت تبلیغ می رفتند ، مردم نامه های بسیاری برایشان می دادند و ایشان با تمام وجودشان در پی رفع مشکل به طرق مختلف بر می آمدند . گاهی برای حل مشکلات آبادانی آن دیار با برادر ارزشمندشان ، آیه الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره مطرح می نمودند و گاهی خود به دیدار مسئولان امر می رفتند و آنها را به حل مشکلات مردم فرا می خواندند . زمانی هم که مشکلات شان روحی و یا معیشتی بود، دو رکعت نماز در خانه شان می خواندند و توسلات عدیده ای می گرفتند و برای برطرف شدن شدائد و سختی هایشان به محضر مبارک امام زمان ارواحنافداه اشک می ریختند و اهل آن خانه را در کنار چراغ نجات قرآن و عترت جمع می کردند .

زندگی بدون اتلاف وقت

حضرت آیه الله العظمی حاج شیخ علی کریمی جهرمی دام ظلّه می فرمودند :

ایشان مطلقاً اتلاف وقت نداشت و اوقات را به بطالت نمی گذراندند . کار می کردند ، زحمت می کشیدند . همینکه کتابی می نوشتند در 12 جلد در یک موضوع ، این چقدر کار و تلاش می خواهد . اینها درس است هم برای بستگان ایشان و برادر مردم و طلاب . راه ایشان را که عبارت است از اهتمام به امر دینی باید ادامه داد که از این رهگذر روح ایشان را در جهان دیگر شاد کنیم ان شاءالله . یاد ایشان را همواره زنده بدارید و سر قبرشان بروید و با ایشان انس بگیرید . انسان پاکی بودند و شایسته است انسان از روحشان استمداد بکند . انسان متأثر می شود که اینطور انسان فاضل با کمالی از جامعه می روند و از جامعه کم می شوند . افرادی که آن طور تربیت و حالاتی پیدا کنند بسیار طول می کشد.

ص: 156

حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمد جواد موحد ابطحی دامت برکاته می فرمود: آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی اعلی الله مقامه الشریف همه جوره برای دین تبلیغ می کرد. تنها تبلیغ دین را در موسوعه و تألیفات نمی دید. ایشان بازوان محکم آیه الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره در خدمات تبلیغی و عمرانی بود و حدود 50 سال در اقلید امام زمان ارواحنا فداه خدمت کرد و گاهی 3 ماه در آن منطقه می ماند و از این روستا به آن روستا تبلیغ علمی و عملی می کرد.

از علم تا عمل

حضرت آیه الله حاج سیدعلی آقا موحد ابطحی قدس سره چون اخوی معظمشان علامه سید محمدباقر موحد ابطحی و سایر اخوان مکریشان مرد میدان علم و عمل بودند. به جای شعار عامل به معیار به شمار می رفتند و همواره این عالمان پاک و اختران تابناک که سر بر افلاک ساییده اند علم و عمل، ایمان و اطمینان و توکل و توسل را چون دو بال پرنده وسیله پیش برنده و سازنده آینده می دانستند؛ زیرا پرنده ای که یک بالش را قطع کنی چه چپ و راست دیگر توان و امکان پرواز به بلندای آسمان و فراخنای بیکران و پرسه زدن در باغ و بستان را ندارد و زمین گیر خواهد شد و امکان بقا از او سلب می شود. در راستای این اهداف عالی و مراتب کمالیه بود که فقیه عالیقدر و محقق اندیشمند، آیه الله حاج سیدعلی موحد ابطحی رحمه الله تعالی علیه معتقد به علم و عمل و ایمان و اطمینان و توسل و توکل بودند و این فعل و عمل مهم نبود بسیار بزرگ باشد یا کوچک که به نظر نیاید چون همیشه می فرمودند: وقتی کار برای جلب و جذب رضایت پرودگار باشد و با اخلاص در عمل همراه شود، کوچک و بزرگ ندارد، چون الطاف خداوند علیم، عمیم است و آن ذات کریم و حکیم رحمت واسعه اش را بر هر کار با اخلاصی تعمیم می دهد. پس هیچگاه نگاه

به شکل و اندازه عمل نکنید، بلکه اخلاص خودتان را بالا ببرید و کیفیت کار ارائه شده به سوی پرودگارتان را به خوبی بسنجید و بر مبنای همین تفکر بود وقتی در انجام کارها و امور و باقیات و الصالحات اخوی معظمشان علامه حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره مشارکت می کردند، آن شیوه و صبغه و رویه را بی هیچ تکبر و تکلف انجام می دادند.

زمانی که علامه موحد ابطحی مسجد و حسینیه اعظم صاحب الزمان عج الله تعالی فرجه الشریف اقلید را پس از احداث اولیه شان و فرسوده شدن بر اثر گذر زمان بازسازی می کردند، آیه الله حاج سید علی آقا موحد ابطحی هم در مقاطعی از ایام تبلیغی شرف حضور داشتند و در حد توان و امکان مصالح مسجد را پای کار می بردند، مثلاً یک شب دو کامیون آجر بر مسجد و حسینیه تخلیه شده بود که تا پای کار فاصله داشت و باید هزینه ای به کارگر بدهند تا آجرها را پای کار بیاورند، ایشان بلند شدند و گفتند: مؤمنین! کسانی که می خواهند کارگر خدا شوند بسم الله. ما می خواهیم شبی آجرهای خانه خدا را پای کار استاد و بنا بیاوریم و این جمعیت هر کدام چهارده آجر به نیابت از چهارده معصوم را جابجا می کنیم اول از همه من عبا کنار می گذارم و شروع می کنم. بعد جمعیت حرکت کردند و در کوتاه ترین زمان آجرها را انتقال دادند. این یک حرکت و عمل مصداقی ساده بود اما با نیت پاک و خالص و کار مشارکتی و عمل حرکتی بود.

در کارهای بزرگ هم این گونه بودند و همانگونه که علامه مجاهد حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی که از مهرماه سال 1336 به امر مطاع زعیم عظیم الشان جهان اسلام، حضرت آیه الله العظمی حاج سید حسین طباطبائی بروجردی رضوان الله تعالی علیه جهت امور تبلیغی و خدمات دینی به شهرستان اقلید امام زمان تشریف آوردند با آن مقامات علمی و معنوی و فقاها، وقتی شروع به احداث حمام ها و مساجد و حسینیه ها و درمانگاه و بیمارستان و پل و مدرسه و

هر مؤسسه دیگر می کردند ، خودشان بیل به دست مبارک می گرفتند و ساعت ها مانند کارگران ملات آماده می کردند یا سنگ و آجر به دوش می کشیدند و چون اوایل آب لوله کشی نبود با ظروف مخصوص از چشمه های و جوی ها که در اقلید فراوان جاری است آب پای کار می آوردند و اصلاً برای ایشان مقام علمی و فقهی و مفسر قرآن و محدث و مبشر و ناشر احادیث و روایات پیامبر و امامان قابل اعتنا در هنگام انجام کارهای اجتماعی نبود ، گرچه امور علمی و فقهی و روایی حدیثی و ادعیه جامع تمام معصومین را هم در حد اعلی به انجام و فرجام رسانیده اند و آیه الله حاج سید علی آقا موحد ابطحی هم همین سبک و سیاق و عهد و میثاق را با خدای خود و مؤمنین داشتند . (1)

اهتمام به ازدواج جوانان

آن عالم ربانی ، محبوب مردم خصوصاً نسل جوان بود. جوانان به ایشان اعتقادی راستین داشتند و همواره بی آلاشی اش را می ستاییدند و کلام او را کلام برگرفته از قرآن و عترت می پنداشتند و به او که فرزند حضرت زهرا علیها السلام بود عشق می ورزیدند .

یکی از اهالی اقلید امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف نقل می کرد ، من اصلاً به فکر ازدواج نبودم و مشغولیت کارهای روزمره به من این امکان را نمی داد که به این امر فکر کنم . برایم عجیب بود که هر وقت آیه الله آقای حاج سید علی آقا را زیارت می کردم ، می پرسیدند ازدواج کردید ؟ چه فکری کردی ؟ و خلاصه پیگیری های ایشان در نهایت موجب شد ازدواج من شد و الحمدلله از ازدواج خود هم راضی هستم . (2)

ص: 159

1- . در محضر استاد فقیه - سید زین العابدین محمدی

2- . به نقل از دکتر سید محمد تقی موحد ابطحی

حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمود موحد ابطحی دام عزه در تبیین ابعاد مختلف شخصیت والای آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره نقل نمودند: ایشان بسیار مهربان، خوش اخلاق و در زهد و پارسایی سرآمد روزگار بودند و اخلاص عجیبی در وجودشان موج می زد. هیچگاه دنبال تشریفات و شخصیت سازی نبود و در ساده زیستی متمایز از دیگران بود. زمانی که به مسافرت می رفت، وسایل، لباس ها و کتاب های خود را داخل بقیچه ای می گذاشت و بدون سر و صدا برای انجام کارهای بزرگ علمی به شهرهای مختلف می رفت و در آن شهرها نیز برای کسی زحمت به وجود نمی آورد و در مدرسه علمیه و یا مسجد آن شهر ساکن می شد، در حالی که اگر بزرگان آن دیار متوجه حضور ایشان که از مشاهیر مؤلفین بودند می شدند، بهترین مکان را برای پذیرایی ایشان اختصاص می دادند. هیچگاه تشریفات برای خود قائل نبودند و کار خود را به گردن کسی نمی گذاشتند. حتی اجازه نمی دادند کسی در جابجایی وسایلشان کمکشان کند. گاهی با مزاحی نمکین می فرمود: نه! وسایل من ارزشمند هست، نکند چشم طمع به آن دارید؟! و چنین مانع از انجام کارهای شخصی شان توسط دیگران می شد. ایشان حتی لباس هایشان را نیز خودشان می شستند و زحمت کسی نبودند و اصرار داشتند کسی غیر از خودشان لباس هایشان را نشوید.

ما سال ها این لطائف را در زندگی ایشان می دیدیم، ولی بعدها بر اثر استمرار چنین رفتارهایی متوجه شدیم که این سیره اخلاقی ایشان بوده است و این محقق ولایی مصداق بارز خطبه متقین بودند که امیرالمؤمنین علیه السلام در وصفشان فرمود: وَ

صَحِبُوا الدُّنْيَا بِأَبْدَانٍ أَرْوَاحَهَا مُعَلَّقَةٌ بِالْمَحَلِّ الْأَعْلَى أَوْلِيكَ خُلَفَاءَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الدُّعَاءُ

إِلَىٰ دِينِهِ آهٍ آهٍ شَوْقًا إِلَىٰ رُؤْيَيْهِمْ؛ (1) در دنیا با بدن هایی زندگی می کنند که ارواحشان به جهان بالا پیوند خورده است ، آنان جانشینان خدا در زمین و دعوت کنندگان مردم به دین خدایند ، آه ... چه سخت اشتیاق دیدارشان را دارم .

تهجد و شب زنده داری

تهجد و شب زنده داری سیره خانوادگی خاندان ابطحی است که از کودکی به زینت آن آراسته بودند . خلوت با معبود و عبادت های نیمه شب ، روح ولایی آنان را در صفا و نورانیت خاصی جلوه می داد که همگان با دیدار با آنها صفای دیگری را حس می کردند .

آرامش و وقار آقا سید علی از سجده های نیمه شب و اشک هایی بود که صدای حق هقش را اهل خانه می شنیدند و در دیوار خانه متأثر از آن می شد .

هدیه انگشتر عقیق

یکی از روش های ولایی آیه الله ابطحی در عروج مردم به آسمان ایمان ، اهدای انگشتر عقیق به مردم بود . از آنجایی که امام معصوم علیه السلام ، انگشتر عقیق بر دست راست کردن را از علائم ایمان می داند و بدان تأکید نموده است ، آن عالم ربانی برای رساندن مردم به ساحل ایمان و ولایت پذیری ، همیشه چندین انگشتر عقیق به همراه داشتند و آن را با توصیه ها و احادیث در بار آل الله به دیگران هدیه می کردند تا جزئی از ایمان را بر آنان بچشانند .

اهدای زنگ یا علی

او که خود عاشق و دلباخته صدیق اکبر و فاروق اعظم امیرالمؤمنین علی علیه السلام بود ، در پی آن بود که همگان توجهشان در خرابه بازار دنیا به امیرالمؤمنین علی علیه السلام باشد .

ص: 161

از این رو در بیشتر مواقع به مناسبت های مختلف زنگ یاعلی تهیه می کرد و آن را به محبان آل الله هدیه می داد .

نوشته های پشت اعلامیه ها

گاهی او را به مراسم ترحیمی دعوت می کردند و از شدت ازدحام تحقیقات امکان حضور در آن محفل را نداشت . از این رو می فرمود : من فرصت نمی کنم تمام این مراسم ها را شرکت کنم ، تحقیقات خود را پشت اعلامیه های آنها می نویسم و ثواب نوشتن این صفحه از کتاب را برای آن شخص تقدیم می کنم .

خاموشی ضبط الصوت اتوبوس با صحبت کردن با راننده

محقق ولایی قدس سره می فرمود : گاهی به اصفهان می رفتم ، راننده اتوبوس برای اینکه خوابش نبرد ، ضبطی را روشن می کرد ؛ ناخودآگاه به گناه موسیقی دچار می شد . چقدر موسیقی برکات را از زندگانی می برد . از این رو به راننده می گفتم : من برای اینکه تا اصفهان خوابت نبرد ، تا آنجا کنارت می نشینم و با شما صحبت می کنم . و تا اصفهان از هر دری از معارف دین با زبان های مختلف برایش سخن می گفتم ، تا آنجا که گاهی راه و روش و خط منش آنها تغییر می کرد .

مطایبه ملیح و پرهیز از قبیح جهت ادخال سرور مؤمنین

محقق عالیقدر و ولایی ، آیه الله سید علی آقا موحد ابطحی قدس سره که از همه سجایای اخلاقی و مکارم دینی بر خوردار بودند و در تمام امور پسندیده و در کلام سنجیده سخن می گفتند ، در عین حال دارای طبع لطیف و روح ظریف بودند ، چه در مجالس و محافل خصوصی و چه منابر عمومی جهت

ادخال سرور مؤمنین که تأکید روایات و احادیث دین است ، مطایبه های ملیح می کردند و از هرگونه قبیح پرهیز داشتند .

آیه الله سید علی آقای ابطحی قدس سره جاذبهٔ عجیبی داشتند، تا آنجا که مهندس مسجدی در بیان خاطره ای از آن محقق ولایی، از حضور یک ماهه ایشان در ماه مبارک رمضان در مجتمع فولاد مبارکه سخن می گفتند که آنقدر حضور ایشان و بیاناتشان مورد توجه همگان قرار گرفته بود، پس از چند روز مسجد پر شد و کارمندان و مهندسان جذب کلام شیوا و حرکات و سکنات ایشان شده بودند.

پناهگاه و دستگیر همه

چهرهٔ گشاده و نورانی، نگاه ملیح و لبخند پر معنای این عالم ربانی هیچگاه از قلب و نظر مردم فراموش نخواهد شد که همواره پناهگاه و تکیه گاه مؤمنین بشمار می رفت.

یکی از روحانیون سادات که از فرزندان یکی از علمای اصفهان بود نقل می کرد: از اصفهان جهت ادامه تحصیل به قم آمده بودم و حجره ای جهت اسکان پیدا نکردم که در آن مستقر شوم و در حرم مستأصل بودم که چه کنم. در این اثنا حضرت آیه الله سید علی آقا موحد ابطحی قدس سره را دیدم. ایشان سؤال کرد چرا نگران هستید؟ داستان را برایش نقل کردم. ایشان فرمودند: ظهر برای نهار به منزل ما بیایید. ظهر که خدمتشان رسیدم، یک اتاق منزل خود را در اختیار من گذاشتند و فرمودند: تا زمانی که حجره نگرفتید، همین جا در همین اتاق نزد ما باشید و هیچ نگران نباشید. (1)

در جستجوی اولیای خدا

گاهی افرادی که در کارهای اهل بیتی بودند و برکاتی بر آنها نازل شده بود، در پی آنها می رفتند از جمله آنان می توان به مرحوم شیخ جعفر مجتهدی بود که با ایشان مراودات بسیاری داشتند.

ص: 163

1- . به نقل از آقا سید مهدی موحد ابطحی دام عزه .

مأنوس نمودن فرزندان با قرآن

صبيّه آية الله حاج سيد علي آقاي موحد ابطحي قدس سره نقل مي کنند ، يكي از خاطرات دوران كودكي مان اين بود كه ابوي لب حوض مي نشستند و مي گفتند : بياييد کنار من بنشينيد و با هم قرآن بخوانيم . وقتي حدود يكساعت از قرآن خواندمان مي گذشت و احساس خستگي مي كرديم بدون اعتراض به خستگي مان مي فرمودند : بريد بازی هاتون را بكنيد و مي رفتند سراغ درس و بحث خود . بدون هيچ اجباري سوره ياسين را با آرامشي كه حكمفرما بود مي خوانديم و حفظ مي نموديم .

عالمی زاهد

يكي از اهالي اقليد امام زمان عج الله تعالى فرجه الشريف نقل مي كرد ما در حدود 15 سالي كه ايشان به تبليغ مي آمدند ، حسرت به دلمان ماند كه ايشان به ما بگويند كه فلان غذا را مي خواهيم حتي در ماه رمضان ... ؛ وقتي اصرار بر ايشان زياد مي شد ، مي فرمودند : كمترين غذا را در حد سالاد كوچك هم باشد ، من را بس است .

کتوم در معنویات

در مسائل معنوي و عرفاني بسيار كتوم بوده و سخني از عنایات و كرامات به ميان نمي آورد . هيچ ادعائي نداشتند و همواره خود را عبد خدا مي دانست و در پي رضایت مولایش امام زمان ارواحنا فدا بود .

احیای حمام روستای امامزاده اسماعیل علیه السلام

آية الله آقاي حاج سيد حسين موحد ابطحي دام ظلّه درباره آن روزهای تبليغي در معیت آية الله حاج سيد علي موحد ابطحي قدس سره نقل مي کنند :

آن زماني كه در محله امامزاده اسماعيل شيراز بوديم ، حمام آنجا مخروبه شده بود . به ياد دارم كه آن زمان اخوي با سيگار مبارزه و مقابله مي كردند و همگان را از

آن نهی می کردند . آن زمان بود که ایشان همت فراوانی نمودند و آن حمام را به کمک مردم احیا کردند .

راضی به رضای خدا

صبیّه مرحوم آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره نقل می نمود که پدر ما در دوران نقاهت طولانی و سختی که داشتند ، هیچگاه از کسی تقاضای آب ، غذا و چیزی نمی کردند تا اطرافیان ، خود اگر چیزی خواستند به ایشان بدهند و در تمام مدت نقاهتشان که بسیار بر ایشان سخت می گذشت ، کسی از ایشان گله ای نشنید ، نه لفظی و چه به صورت اشاره ... ، زبان تقاضا و گله در وجودشان نبود و در آرامش و صبر عجیبی به سر می بردند و راضی به رضای خدای متعال بودند .

ص: 165



(گلچینی از نقل خاطرات ، کرامات و رؤیاهای صادقہ درباره آية الله سيد علي آقا موحد ابطحي)

ص: 167

دیدار کشیش مسیحی با آیه الله سید علی موحد ابطحی

بعد از یکی از کنگره هایی که به مناسبت نشست ادیان در قم برگزار شده بود؛ کشیشی مسیحی درخواست دیدار با آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره را داشت تا از نزدیک با یک محقق و مؤلف شیعی گفتگویی داشته باشد. با موافقت ایشان؛ کشیش مسیحی به منزل ایشان آمدند. پس از معرفی خود بحث با اعتقاد به تثلیث مسیحیان آغاز شد و ادامه پیدا کرد. اما نکته ای که ذهن من را مشغول کرده بود این بود که آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره هر

وقت میهمانی بر ایشان وارد می شد جهت احترام در پایین مجلس و یا در میانه مجلس می نشستند و این بار برعکس در بالای مجلس نشسته بودند و نشستن در بالای مجلس در حضور میهمان را از ایشان ندیده بودم. این موضوع تا آخر جلسه ذهن من را درگیر کرده بود پس از آنکه دیدار با کشیش مسیحی تمام شد بلافاصله این سؤال را از ایشان پرسیدم که معمولاً ما ندیده بودیم وقتی میهمانی بر شما وارد می شود بالای مجلس بنشینید. حتی وقتی افراد عامی برای طرح مشکلی خدمت می رسیدند شما در کنار ایشان می نشستید. ایشان در پاسخ فرمودند: بله، معمولاً افراد دیگری که وارد می شدند از دوستان و موالیان اهل بیت علیهم السلام بودند و احترام ایشان بر ما خدمتگذاران آن حضرات معصومین علیهم السلام واجب بود.

خوابی که از سال مرگ خبر داد

آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره به نقل از ابوالزوجه خود، مرحوم آیه الله آقای حاج سید اسماعیل هاشمی قدس سره نقل می کنند که: ایشان در شب تولد حضرت زینب کبری علیها السلام می بینند که به سمت آیه الله مرعشی نجفی قدس سره (رو به پشت قبله، طرف بالا سر قطب راوندی) می روند و در دلشان احساس می کنند که آقای مرعشی محبتی نسبت به ایشان دارند. از آقای مرعشی تشکر می کنند که به فکر من بودید. خواستم بخوابم که آقای مرعشی فرمودند: عجله نکنید!، یکی از فرشتگان کنار

می‌زنند و آقای هاشمی می‌بینند پله‌هایی هست که به طرف زیر زمین می‌رود. زیر زمین هم ساختمان مجلل و بسیار روشنی بود اما در فکر آن بودم، من که در میان مردم اینطور رفت و آمد دارم چطور آقای مرعشی من را در زیر زمین دعوت کرد که در آنجا زندگی کنم؟! از خواب بیدار شدم. صبح آیه الله صافی و آیه الله صدیقین قدس سره به دیدن من آمدند. خواب را برای آقای صدیقین نقل کردم. فرمودند: پشت به قبله زیارت حضرت رضا علیه السلام است و گویا این از مراحل حیاتی شماست.

آقای هاشمی نقل می‌کردند: من آن پله‌ها را شمرده بودم، سالی که برای آخرین بار به مشهد می‌روم را می‌دانم که آن سال آخر عمرم هست. و ایشان در مشهدالرضا علیه السلام به دیار باقی شتافتند.

چشم باطن بین آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره

یکی از اهالی اقلید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل می‌کرد: در دوران جوانی، حضرت آیه الله حاج سید علی آقا موحد ابطحی در زیر زمین منزل مرحوم حاج زین العابدین تقیه، که جای خلوت و آرامی بود برای علاقمندان تفسیر قرآن می‌گفتند. این جلسات صفا و نورانیت و حال و هوای خاصی داشت؛ زیرا از طرفی هم جلسه تلاوت قرآن بود، هم تفسیر کلام الهی، هم انفاس قدسی آیه الله حاج سید علی آقا موحد ابطحی بود و هم صداقت و پاکی مؤمنین و حاضرین در جلسات. جلسه از ساعت 9 تا 11 صبح بود و من نیز هر روز در این جلسات شرکت می‌کردم.

یک روز وقتی از خواب بیدار شدم، دیدم نیم ساعت از شروع جلسه گذشته و من هم به اقتضای جوانی، پس از نماز صبح و خوابیدن، لازم الغسل شده بودم. با وجود این دیدم اگر به حمام بروم از وقت جلسه می‌گذرد. با خود گفتم: در جلسه حضور پیدا می‌کنم، اما دست به قرآن نمی‌زنم و همین طور به بحث‌ها گوش می‌دهم که از جلسه باز نمانم و بعد از جلسه غسل می‌کنم. با این فکر وارد جلسه شدم و

نشستم . به محض این که آیه الله موحد ابطحی چشمشان به من افتاد فرمودند : کلاس تفسیر قرآن را فعلاً تمام می کنیم . مردم تعجب کردند که هنوز وقت زیادی تا پایان کلاس باقی مانده است . چند دقیقه بعد ایشان با اشاره به من گفتند جلو بیایم و آرام به من گفتند : برو حمام و غسل کن و بیا تا کلاس تفسیر را دوباره شروع کنیم . من هم از جلسه بیرون رفتم و سریع غسل کردم و به جلسه برگشتم و ایشان تفسیر قرآن را دوباره آغاز کردند . این جا بود که فهمیدم آیه الله سید علی آقای موحد ابطحی نورانیت و بصیرت الهی و دید باطنی دارند . از آن روز سعی کردم بدون وضو در هیچ جلسه قرآنی شرکت نکنم .

نگارنده آن روز پای منبر مرحوم آیه الله موحد ابطحی در مسجد اعظم صاحب الزمان بودم که ایشان احکام فقهی جنابت را بیان کردند و ادامه دادند همان طور که فرد جنب نمی تواند نماز بخواند یا در مسجد توقف کند یا سوره های دارای سجده واجب را بخواند و از سوره های دیگر هم بیش از حد مشخص شده جایز نیست بخواند و لمس خطوط قرآن هم برای او حرام است ؛ زیرا قرآن فرموده است : «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» ؛ طهارت ظاهری و باطنی هم برای دریافت حقایق و معارف قرآن لازم است . حضور فرد فاقد طهارت در یک جمع ساده هم کدورت می آورد ، چه رسد به محافل قرآنی و جلساتی که در آن از معارف اهل بیت علیهم السلام صحبت به میان می آید . سپس ایشان توصیه کردند که سعی کنید برای دریافت هر چه بیشتر حقایق و دقایق و ظرایف قرآن همیشه طهارت ظاهری و باطنی داشته باشید . (1)

ص: 170

1- . در محضر استاد فقیه ، محقق ولایی حضرت آیه الله حاج سید علی آقا موحد ابطحی اعلی مقامه به قلم سید زین العابدین محمدی - شهرستان اقلید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف .

جناب آقای مهندس سید محمود هاشمی نقل می کنند: در ایام منتهی به فوت مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره، روزی خدمت ایشان رسیدم. ایشان این اواخر خیلی کم صحبت می کردند و گاه موقعیت ایشان به گونه ای بود که نمی شد تشخیص داد آیا ایشان صدای ما را می شنوند و متوجه می شوند یا خیر. صورتم را نزدیک صورت ایشان بردم و با صدای بلند پرسیدم: در این شعر

الا یا ایها الساقی ادر کأسا و ناولها*** که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل ها

مراد از ساقی کیست؟ و برایم جالب بود که ایشان بدون تکرار سؤال چند بار با صدای ضعیف فرمودند: ساقی کوثر، ساقی کوثر، ساقی کوثر، ساقی کوثر!

و این نشان می داد که ایشان تا همین اواخر کاملاً به هوش بودند و صحبت نکردن شان یا به دلیل ضعف جسمانی بود یا به دلیل این که ایشان در حال و هوایی دیگر بودند و تمایلی نداشتند درباره موضوعات روزمره حرفی بزنند.

اهدای دو دسته گل

آیه الله آقای حاج شیخ شرف الدین نظری خادم الشریعه دام ظلّه می فرمودند: روز هفتم ارتحال مرحوم آیه الله آقای سید علی موحد ابطحی قدس سره در کنار قبر مطهر ایشان در امامزاده شاه حمزه علیه السلام بودیم. جوان مؤدبی نزد ما آمد و ضمن سلام و ادب، گفت: این آقای که چند روز قبل، کنار قبر آیه الله موحد ابطحی دفن شد، پدر خانم من است و ایشان مؤذن مسجد معصومیه باجک بود. پدر او نیز در نزدیکی قبر آقای ابطحی دفن هست و مادرشان هم در قسمتی دیگر از صحن حیاط امامزاده شاه حمزه علیه السلام آرمیده است. پدر خانم مرحومم در زمان حیاتش، هرگاه می خواست برای پدرش فاتحه ای بخواند، دقیقاً همین قسمتی که الان قبرشان هست می ایستاد و

فاتحه می خواند. شب قبل از اینکه در این مکان دفن شود، من خوابش را دیدم، که با حالت بهجت و سروری ایستاده و دو تا دسته گل دستش هست و می گفت: ... من همسایه یک آقا سیدی شدم و این دو دسته گل را ایشان به من داده است!

عریضة آية الله العظمى گلپایگانی قدس سره به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد صادق موحد ابطحی دام عزه نقل می کنند: روزی مرحوم آية الله سید علی موحد ابطحی قدس سره به والد ما آية الله آقای حاج سید رضا موحد ابطحی دام ظلّه فرمودند: روزی نزد شیخ جعفر مجتهدی رفتم، ایشان گفت دیدم عصر جمعه فلان روز نور از اتاق آية الله العظمی گلپایگانی قدس سره به آسمان می رفت. والد بزرگوار به ایشان گفتند: درست است! آن روز جریانی داشت.

من عصر جمعه خدمت آقا بودم، هیچ کس آنجا نبود. یک لحظه صدای ایشان بلند شد و می فرمودند: باقر! باقر! و آقا زاده خود را صدا می زدند. دیدم کسی جواب نمی دهد. رفتم خدمت آقا عرض کردم: امری دارید در خدمتم.

فرمودند: بروید در کتابخانه، کتاب «نجم الثاقب» میرزای نوری را بیاورید. کتاب را خدمت آقا تقدیم نمودم. فرمودند: قسمت عریضه نویسی را بیاور! آن صفحه را تقدیم حضورشان کردم. فرمودند: بروید.

اینکه شیخ جعفر آن نور را دیده بود، دلیلش این بود که آية الله العظمی گلپایگانی قدس سره طبق سنتش عصر جمعه ها عریضه می نوشت. عریضه را نوشتند و من را صدا کردند و فرمودند: بگوئید راننده بیاید. راننده آمد و ایشان سوار بر ماشین شدند تا خودشان عریضه را در آب روان بیندازند.

علت این عریضه این بود، برخی از فرماندهان جنگ نزد ایشان آمده بودند که دعا کنید برای ما که اوضاع بسیار سخت شده است و فشارهای بین المللی عرصه را بر ما تنگ نموده است و می بایست این فشارها تمام شود.

والده ما (همسر آیه الله حاج آقا رضا ابطحی دام ظلّه و صبیّه آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره) از هیچ جا خبر نداشت . حتی والد ما نیز بی اطلاع از عنوان عریضه بود . والده فرمودند : در عالم رؤیا دیدم سه تا آقای سید در هیبت خاصی بودند . یکی از آن آقای که بین آن دو نفر بود ، رو به من کرد و فرمود : « به آقای گلپایگانی بگو تا سه روز دیگر جواب نامه به شما می رسد » . و بالاخره سه روز بعد جنگ پایان می پذیرد .

خاطرات آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی از حکیم بزرگ تهران

جناب دکتر سید محمد تقی موحد ابطحی نقل می کنند : والد ما در فراگیری دانش بسیار کوشا بودند و حتی در حوزه هایی که خود تخصص داشتند ، اگر می شنیدند فردی صاحب نظر هست نزد او می رفتند تا از او بهره گیرند .

ایشان پس از سالها فراگیری طب سنتی نزد پدر خود مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی و دیگر اساتید طب سنتی در اصفهان و حتی تدریس کتاب های

طب سنتی نظیر قانونچه و ... شنیده بودند که در تهران آقای سید باقر حکیم در زمینه طب سنتی فعالیت و نسخه های مجربی دارد . ایشان در خیابان دروازه قزوین تهران زندگی می کردند . حدود سال های 1370 ایشان برای درمان بیماری دو نفر از بستگان (که یکی مبتلا به آسم و دیگر مبتلا به زخم معده و روده شدید بودند) تصمیم می گیرند نزد او بروند . آن طور که ابوی نقل می کردند : وقتی به منزل آقا سید باقر رسیدند دو صف زنانه و مردانه طولانی پشت درب خانه او تشکیل شده بود و مردم یکی یکی می رفتند داخل و نسخه می گرفتند و بیرون می آمدند . ایشان و دو نفر همراه مانند دیگران در صف ایستادند . دقایقی بعد سید باقر از منزل بیرون آمده و با اشاره دست از ابوی می خواهد به درون منزل بروند . آیه الله سید علی آقای موحد ابطحی با توجه به صف طولانی کراحت داشتند جلو بروند ، ولی با اصرار آقا سید باقر با همراهان به سمت منزل ایشان راه افتادند . در این بین چند نفری لب به

اعتراض گشودند. آقا سید باقر رو کرد به آنها که مگر من از شما دعوت کرده ام این جا بیایید؟ مگر من از شما پولی می گیرم؟ ایشان مهمان من است. به هر حال ابوی با همراهان وارد خانه می شوند و برای این که زودتر از دیگرانی که در صف بودند کارشان انجام نگیرد از آقا سید باقر می خواهند که اگر اشکالی ندارد نحوه طبابت ایشان را بنویسند و ایشان هم اجازه می دهد و پس از چند ساعت حضور در منزل آقا سید باقر برای دو نفر همراه نسخه می گیرند و به قم باز می گردند.

چندی بعد این خبر به اطلاع خانواده آیه الله العظمی گلپایگانی می رسد. صبیۀ ایشان در آن مقطع دچار بیماری بودند. خانواده آیه الله گلپایگانی از ابوی می پرسند شما با آقا سید باقر ارتباط دارید می توانید برای ایشان نسخه بگیرید و ابوی پاسخ می دهند ایشان تهران هستند و باید بیمار را ببینند تا نسخه بدهند و با توجه به دشواری های امر موضوع از طرف بیت آیه الله گلپایگانی پیگیری نمی شود. چندی می گذرد. یک روز جناب آقای رضایی که در آن زمان مسئول حج و زیارت قم بودند، به منزل ابوی زنگ می زنند و می پرسند اگر منزل هستید نیم ساعت دیگر آقا سید باقر می آیند منزل شما؟ ابوی خیلی تعجب می کنند از این که چند روز پیش صحبت آقا سید باقر بوده برای درمان یکی از صبیبه های آیه الله العظمی گلپایگانی و امروز آقا سید باقر خودشان آمده اند قم. ابوی نقل می کردند که سریع به بیت آیه الله گلپایگانی خبر دادم که فوری خودشان را به منزل ما برسانند. بعد هم به هر فرد دیگری از آشنایان که می دانستم کسالتی دارد خبر دادم که به منزل ما بیایند.

اولین زیارت

حجة الاسلام والمسلمین حاج سید محمد صادق موحد ابطحی دام عزه می نویسد: جمعی از اقوام در اولین سالی که راه کربلا باز شده بود، دست جمعی برای درک زیارت سیدالشهدا علیه السلام در روز عرفه راهی کربلا شدند. سه شب مانده بود

به عید غدیر خواب دیدم لب مرز ایران و عراق هستم و برای عبور از مرز می بایست از پلی گذر می کردیم . آنجا آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره را دیدم که از آن طرف پل آمده و منتظر بود . به من خطاب کرد دست من را بگیر و از پل عبورم داد . صبح فردا که از درس بر می گشتم به تصمیم گرفتم برای اولین بار راهی سفر کربلا شوم . به یکی از دوستان گفتم فلانی ! من می خواهم راهی کربلا- شوم ، او گفت اگر مانعی نباشد من هم می آیم و خلاصه شب حرکت کردیم و به مرز رسیدیم . جمعیت عجیبی در آنجا ازدحام کرده بود . در آن شلوغی یک آقای را دیدم که او را نمی شناختم . به او گفتم ما و این چند نفر که به همراهم هستند می خواهیم به آن سوی مرز برویم جمعیت زیاد هست . یک لحظه دیدم آن شخص بدون هیچ تحقیق و گفتگویی روی کاغذ اسامی ما را روی آن نوشت و مهری بر آن زد و گفت بفرمایید . متوجه شدیم که ایشان رئیس مرز بوده و مجوز ورود ما به عراق را صادر کرد . خلاصه سوار ماشین شدیم و به سمت نجف اشرف حرکت نمودیم و راننده ما را به شارع الرسول رسانید . هنوز از ماشین پیاده نشده بودم که در مقابل خود آیه الله سید علی آقا را دیدم . گفتم : آقا سلام علیکم ! آن چیزی که در سحرگاه دیشب دیدم الان به وقوع پیوست . خواب را برایشان تعریف کردم و ایشان با لبخند ملیحی دستم را گرفتند و به محل اسکانشان بردند .

فرحة الزهرایی ماندگار

حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد موحد ابطحی دام عزه نقل می کنند: خدای متعال توفیقی عنایت فرمودند که در سال اول بعد از ازدواجمان ، مجلس جشن عیدالزهرای علیها السلام را در منزل خود برپا نمودیم تا از برکات روزهای شادی اهل بیت علیهم السلام بهره مند شویم .

مؤمنان و موالیان امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به طور محدود دعوت نمودیم و آیه الله حاج سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره نیز در محفل حضور یافتند و در میان اهل ولا نشسته بودند و همانند آنها زبانشان به ذکر لعن بر قاتلین حضرت زهرا علیها السلام متبرک بود .

مراسم که به پایان خود نزدیک می شد برخی میهمانان در شور و شعف هلاکت ملعون ازل و ابد ، به مزاح با یکدیگر پرداخته و در اثر این شوخی به صورت ناخواسته لباس ایشان خامه ای شد . از این اتفاق ناراحت شدیم که گفتیم الان ممکن هست ایشان برخورد تندی با آن شخص داشته باشند . یک لحظه همه دیدند ، آیه الله آقا سید علی موحد ابطحی اعلی الله مقامه الشریف لحظه ای در خود فرو رفتند و حالت معنوی زیبایی به ایشان دست داده بود و در حالی که منقلب شده بودند ، با لبخند ملیحی خطاب به جمع فرمودند : باید بینم چه کرده ام که در جلسه شادی حضرت زهرا علیها السلام اینگونه سهیم شدم و قلب مؤمنین چنین شاد شد ! و با آرامششان همه آرام شدند و فرحة الزهرا علیها السلام رنگ و بوی زیبایی به خود گرفت .

بی اطلاع از چاپ کتاب حضرت ابا الفضل علیه السلام

صبیحة فاضلة حضرت آیه الله آقای حاج میرسید حجت موحد ابطحی دام ظلّه ، از مخدّرات با فضیلت و صاحب حالات معنوی که از فعالان خدوم تبلیغی حوزه علمیّه به شمار می روند و به صورت گسترده ، محافل علمی و معنوی در راستای اعتلای مذهب تشیّع را اداره می کنند و کتاب « آیین سفر به سرزمین وحی » را نیز به رشته تحریر در آورده اند ، نقل می کنند : در فروردین 1376 خواب دیدم که به همراه مادرم در مشهد بودیم و در مسجد گوهرشاد همه مشغول خواندن نماز بودند . در میان جمعیت حاج آقا رضا (آیه الله حاج سید محمّد رضا موحد ابطحی دام ظلّه) را دیدم که در کنار پدرم نماز می خواندند . پس از اقامه نماز آیه الله حاج سید علی آقا به منبر رفتند و بیانات ایشان در مورد حضرت ابا الفضل علیه السلام بود .

یک لحظه آن محفل در گوهرشاد را در صحن منزل خودمان (منزل آیه الله حاج سید حجت موحد ابطحی دام ظلّه) دیدم که حیاط را پوش (خیمه) زده اند و بسیار شلوغ بود و حاج سید علی آقا بالای منبر بودند و دنباله همان جلسه سخن می گفتند . در آن جلسه آنگوشتی نیز پخته بودند و به هر نفر یک کاسه می دادند و این در حالی بود که من اطلاع نداشتم که ایشان کتابی در مورد حضرت ابوالفضل علیه السلام نوشته اند و جلد اولش تازه چاپ شده بود و پدرم نقش کمک کننده ای در این کار داشتند و من هم از آن بی خبر بودم .

خاطره ای شیرین !

روزی بعد از بیماری و بستری شدن آیه الله سید علی آقای موحد ابطحی در منزلشان به محضر نورانی شان رسیدیم . پس از صحبت هایی ، از حال و هوای روضه و حدیث کساء و خاطراتی از حدیث کساء خواندن ایشان بود برایشان گفتم . ایشان بسیار گریه می کردند و از چشمان مبارکشان اشک جاری بود .

در یکی از سال های نقاهتشان که به دیدن ایشان رفتیم ، به ایشان عرضه داشتم دلم می خواهد داستان هایی که مربوط به ختم لعن چهار ضرب است را جمع آوری نموده و مردم را متوجه برکات آن کنم . خیلی خوشحال شدند و تأکید کردند که حتماً این کار را انجام دهید . در نوبت بعد که به دیدن ایشان رفتم متأسفانه ایشان دچار سکت مغزی شده بودند . ولی با تعجب دیدم با اینکه قاعدتاً نباید از گذشته مطلبی در ذهنشان بماند ، در اولین سؤال گفتند : چکار کردی ؟ کتاب به کجا رسید ؟! در جواب گفتم : تا الان چند داستان جمع آوری کردم . سال بعد دوباره خدمتشان رفتم باز همان سؤال را تکرار کردند . جالب اینجا بود روزهایی که متأسفانه قادر به تکلم نیز نبودند ، وقتی نگاهشان می کردم ، این سؤال را از نگاهشان کاملاً حس می کردم .(1)

ص: 177

1- . به نقل از صبیّه فاضله حضرت آیه الله آقای حاج میرسید حجت موحد ابطحی دام ظلّه

صبیه فاضله حضرت آیه الله آقای حاج میر سید حجت موحد ابطحی دام ظلّه می نویسد: در فاطمیه سال 1411 ه.ق مصادف با هزار و چهارصدمین سال شهادت حضرت زهرا علیها السلام اقدامات جدید و خاصی توسط پدر ما، آیه الله حاج سید حجت موحد ابطحی دام ظلّه برای برگزاری فاطمیه صورت گرفت، ولی با توجه به بی سابقه بودن چنین اقداماتی که یک کار خاص و جدید بود، طبعاً از طرف یک عده ای استقبال چشمگیر نمودند و از طرفی برای برخی اقشار بهت آور بود.

منزل پدر ما از سال 1361 شمسی در دهه فاطمیه روضه خوانی بر پا بود که از اذان صبح آغاز و تا پیش از ظهر ادامه داشت. در سال 1412 قمری بود که قبل از ایام فاطمیه خواب دیدم در حیاط خانه پدری به همین نحو که پوش (خیمه) زدند، ولی هر چه به آسمان نگاه می کنم، سقف خیمه انتها ندارد و تا آسمان رفته است. در آسمان، مرغان سفید زیادی روی هم در حال پرواز بودند و آنقدر فشرده و روی هم بودند که بعضی از آنها نمی توانستند بال های خود را باز و یا حرکت دهند. همینطور که با تعجب به آسمان نگاه می کردم یک مرتبه پرنده ای بسیار بزرگ با بال های بلند و آویزان و دم بسیار بلند که یاد پرنده سیمرغ در افسانه ها افتادم؛ چنان این پرنده بزرگ و بال های او سنگین و هیبت خاصی داشت که وقتی از بین پرنده های دیگر رد می شد، چندین پرنده به زمین افتاده بودند و آن از هیبت آن پرنده و صدای مهیبی بود که از بال های او بلند می شد. در این حال بود که یک مرتبه از خواب بیدار شدم. خواب را برای آیه الله حاج آقا حجت ابطحی تعریف کردم و ایشان آن را برای معبر شهیر مرحوم حاج آقا صدیقین بیان فرمودند. ایشان فرموده بودند: در منزل حدیث کساء زیاد خوانده شود!، نه ده بار، نه بیست بار، تعداد بسیار زیاد. پدر نیز به ما گفتند تا می توانید حدیث کساء بخوانید و به اطرافیان تان نیز سفارش کنید!.

این گذشت تا اینکه در سال های بعد آیه الله حاج سیدعلی آقا موحد ابطحی قدس سره برای سخنرانی دهه فاطمیه به منزل ما آمده بودند . بدون اینکه صحبتی از قبل باشد و با توجه به اینکه ایشان در سال ها مشغول تألیف کتاب « آیه التطهیر » بودند ، موضوع سخنرانی ایشان آیه تطهیر و حضور 5 نور آل عبا بود و فزاهایی از این حدیث شریف خوانده شد . و جلسه پر شوری گشت . و بعد خود ایشان پیشنهاد نمودند که قبل از شروع بحث ، حدیث کساء و 28 صلوات خوانده شود ... و از آن زمان یک ساعت مخصوص در جلسه ، به قرائت حدیث کساء اختصاص یافت و بعد از آن هم بسیاری از مردم از این جلسه حوائج و مشکلات شان برطرف شد و مکرر ذکر می کردند . آیه الله سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره نیز از آنجایی که حجم بالای کرامات و معجزات قرائت حدیث کساء را می شنیدند و از طرفی ملتفت بر آن گشتند که عده ای در کشور در پی مبارزه با حدیث کساء هستند ، مشغول کتابی شدند که آثار و خواص شگفت انگیز حدیث کساء را بیان نمایند و در ضمن آن اسناد قوی آن را در آن ثبت نمایند . الحمدلله از آن زمان تا به امروز این قرائت حدیث شریف کساء همچنان با شور و حالی وصف ناشدنی ادامه دارد .

نذر کتاب حضرت اباالفضل علیه السلام

یکی از شخصیت های مؤمن و موثق نقل می کند : در ایام قبل اربعین طبق سنوات قبل به همراه خانواده راهی کربلا شدیم . به خاطر ازدحام و فشار جمعیت و ترس از ماندن زیر دست و پای زائران برای من که با فرزندم بودم مانع از جلورفتن بیشتر به داخل حرم مطهر شد . از داخل صحن مطهر از قسمت روبروی حضرت به سمت پایین پای ایشان حرکت کردیم . در قسمت خروجی رواق پایین پا به طرف صحن ، خدام حضرت اباالفضل علیه السلام به صورت دالانی هر دو طرف تا ضریح ایستاده بودند و زائرانی که از پیش روی حضرت وارد می شدند را با سرعت زیاد به طرف این خروجی

هدایت می کردند تا کوچکترین توفقی صورت نگیرد و جمعیت بتواند روان تر زیارت کند. من و فرزندم با نگاه حسرت آلودی روبروی درب خروجی ایستاده بودیم و ناراحت از اینکه چرا توفیق ورود به حرم و زیارت قبر مطهر را نداشتیم. به یک بار جرقه ای به ذهنم زد که آن را هم از عنایات ویژه حضرت ابوالفضل علیه السلام می دانم. نذر کردم که اگر موفق به زیارت ضریح و قبر مطهر حضرت شوم، کتاب حضرت ابوالفضل علیه السلام آیه الله آقا سید علی موحد ابطحی را مطالعه کنم. هنوز چند ثانیه از این نیت و نذر شرعی نگذشته بود که دیدم اولین خادم درب رواق پایین که ظاهراً منصب بالاتری نسبت به بقیه داشت اشاره به من داشت و مرا به خود خواند. ابتدا مطمئن نبودم که با من است. اطرافم را نگاه کردم. مطمئن شدم که مخاطب ایشان بنده هستم. گفتم من؟ سری تکان داد... بله! به طرف او رفتیم و او دست مرا گرفت و من دست فرزندم را. او بین دو صف خدام که دو طرف رواق راهرویی درست کردند ما را کشاند و به ضریح مطهر پایین پای حضرت چسباند. بعد از زیارت مفصلی که کردیم با احترام کامل ما را به طرف خروجی راهنمایی کرد. باورم نمی شد که بعد از ظهر اربعین توفیق چنین زیارتی داشته باشم و این را مدیون لطف و عنایت کتاب حضرت ابوالفضل علیه السلام، اثر ارزشمند آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره می دانم.

گونی ها را بیاورید!

یکی از خاطرات که به یاد دارم از سال 83 که اخوی معظم و بزرگوارشان علامه مجاهد، حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس الله نفسه الزکیه طرح احداث تونل ابوالفضل المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در گردنه تیمارجان شهرستان اقلید امام زمان و قدمگاه حضرت ثامن الحجج، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام مطرح کردند و با موافقت و تأمین اعتبار توسط دولت جمهوری اسلامی این طرح عظیم و پروژه بزرگ را به طول دو هزار و شش صد و ده متر که با برش دو

دهانه شمالی و جنوبی به سه هزار متر می رسد که بزرگ ترین تونل خاورمیانه است با پیگیری های مجدانه و طاقت فرسا به انجام رساندند .

اما اوایل مطرح شدن طرح و اخذ مجوز حفر تونل ابوالصالح المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تعداد معدودی که به توان و ایمان و اطمینان و توکل به خداوند منان و توسل به خاندان رسالت علیهم السلام علامه موحد ابطحی باور نداشتند و می گفتند : اگر آیه الله ابطحی توانست تونلی با این ابعاد و آن هم در منطقه شهرستان اقلید که اولویت اول دولت نیست احداث کند ما دست خود را از بازو قطع می کنیم که جالب است حتی آقای مهندس م - ص از شهرستان اقلید نقل می کرد که حتی یک روز سر کلاس دانشگاه آقای دکتر کاظمی که اکنون مقیم خارج است گفت : به لحاظ علمی و ساختار زمین شناسی و توجیه اقتصادی امکان احداث تونل توسط آیه الله ابطحی وجود ندارد و اگر چنین امکانی فراهم شد من دستان خود را با تضمین قطع می کنم !.

البته شاید از جهاتی نظر آقای دکتر کاظمی درست بوده اما ایشان از علم و فهم و درایت و پشتکار و مدیریت و آینده نگری و توکل و توسل و ایمان و اطمینان و جدیت و پیگیری های همیشه موفق علامه موحد ابطحی قدس سره خبر نداشت . در همین زمان حضرت آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی اعلی الله مقامه الشریف هم در شهرستان اقلید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بودند که همواره همراه و مجری و پیگیر اجرایی شدن کارهای بزرگ اخوی معظمشان در اقلید علاوه بر امور تبلیغی بودند خبر گفته این استاد دانشگاه به گوش ایشان رسید . فرمودند : ایشان هنوز قدرت و ایمان و نفوذ کلام و اقدام اخوی و توکل و توسل واقعی و حقیقی ایشان را به خدا و ائمه هدی علیهم السلام خاصه حضرت بقیه الله الاعظم، حجة بن الحسن المهدی ارواحنا فداه را درک نکرده و یا شاید شصت سال این همه خدمات بزرگ و شاخص و برجسته اخوی را در کل این منطقه و برخی بلاد دیگر ندیده ، حق به او بدهید تا روز و زمانش برسد تا ببینیم

جناب استاد دانشگاه و هم فکران ایشان به صورت تضمینی دست های خود را قطع می کنند یانه ؟

زمان گذشت و با پیگیری های آن فقیه پرکار و سید فداکار و قله اعتبار فقاقت و ستیغ رفیع افتخار اسلام و درایت ، تونل ابوالصالح المهدی عج الله تعالی فرجه الشریف به روزهای پایانی خود رسید و دو دهانه شمالی و جنوبی به هم متصل شدند و تونل باز شد که ماشین آلات شرکت پرلیت که مجری بودند دیگر از تونل به طور کامل رفت و آمد می کردند که حضرت آیه الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس الله نفسه الزکیه که خرسند از این نتیجه و ثمره تاریخی و کم نظیر و شاید بی نظیر بودند جهت بازدید از تونل مقرر بود به اقلید تشریف بیاورند و آمدند و جمعیت کثیری آماده همراهی شدند که جمع زیادی در میدان حضرت ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف اقلید هم گرد آمده بودند تا حضرت آقا برسند و به سوی تونل حرکت کنیم . در این اثنا حضرت آیه الله حاج سید علی آقا موحد ابطحی قدس سره هم به ما ملحق شدند . یک دفعه چشمشان به من افتاد و چون می دانستند حقیر در همه امور با علامه موحد ابطحی در ارتباط هستم و بر اجرای روند کارها واقفم و کنایه ها را هم شنیده بودم ، مرا صدا زدند و گفتند : آقای محمّدی با خودتان چند تا گونی هم آورده اید؟!

من خیلی تعجب کردم و گفتم : حضرت آقا! گونی برای چه می خواهید؟!

فرمودند : نه انگار حواست نیست برای آن استاد دانشگاه و هم فکرانشان که می گفتند : اگر آیه الله ابطحی توانست تونل بزند ما دستان خود را تضمینی قطع می کنیم . امروز همان روزی است که باید بر عهد و پیمان خود بمانند و به وعده وفا کنند . یا از این گفتمان های غلط سر کلاس دانشگاه ها و جاهای دیگر که منجر به ناامید کردن مردم می شود به شدت توبه کنند و توان و ایمان و اطمینان اخوی را با خودشان مقایسه نکنند . حالا متوجه شدی گونی برای چه می خواهیم؟! گفتم : بله حضرت آقا! (1)

ص: 182

درمان ضعف شدید

آقای زین العابدین محمدی می نویسد: در محضر آیه الله ابطحی بودیم که شخصی سراسیمه وارد منزل شد و پس از سلام گفت: آقای ابطحی به دادم برسید. من به جدّ شما پناه آورده ام. دختر بیست ساله ای دارم که یک هفته در بیمارستان بستری است و دچار ضعف شدید فشار است و هر چه پزشکان تلاش می کنند نشانی از بهبودی نیست و ما نگرانیم. لطفا دعایی بکنید و دارویی بدهید».

آیه الله ابطحی گفتند: فوری دخترتان را از بیمارستان مرخص کنید و او را با خانم های همراه به این جا بیاورید. از ما هم خواستند که مقداری شیره انگور و روغن زیتون اعلا بیاوریم. تا رسیدن بیمار و تهیه این اقلام نیم ساعتی طول کشید. همراهان آن دختر خانم زیر بغل او را و به منزل آوردند. آیه الله آقا سید علی موحد ابطحی قدس سره به زنان همراه گفتند او را به اتاق ببرید و به او شیره انگور بخورانید و با روغن زیتون هم تمام بدن او را چرب کنید و مرتب ماساژ بدهید. آقای ابطحی هم خودشان جهت شفای بیمار شروع کردند به خواندن حدیث شریف کسا و ما هم با ایشان همراه شدیم. کمتر از یک ساعت گذشت. آن دختر خانم که برای ایستادن روی پای خود توان نداشت با پای خود از اتاق بیرون آمد و به این ترتیب شفای خود را از خداوند گرفت. (1)

درمان سنگ کلیه

آقای حمید رضا اسلمی، که ساکن زرقان فارس و فرهنگی هستند روزی برای دیدن اقوام به اقلید آمدند و وقتی متوجه شدند آیه الله حاج سید علی آقا در اقلید تشریف دارند به منزل ما آمدند و گفتند: من دچار سنگ کلیه شده ام و سونوگرافی گرفته ام و پزشکان گفته اند که هر دو کلیه سنگ پنج شش میلیمتری دارد و برای هشت روز دیگر به من نوبت داده اند که با دستگاه سنگ شکن، سنگها را بشکنند. اما من

ص: 183

الان درد شدیدی دارم . از من خواستند خدمت آیه الله ابطحی برویم تا ایشان دارویی برای تسکین درد به او بدهند . دو نفری خدمت آقا رفتیم و آقای اسلمی مشککش را به آقا گفت . ایشان فرمودند : دوا برای تسکین درد می خواهی یا درمان سنگ کلیه ؟ آقای اسلمی گفت : اگر درمانی باشد که زهی سعادت است ؛ زیرا شنیده ام دستگاه سنگ شکن به کلیه ها آسیب می رساند . آقا فرمودند : چند کیلو جورا تمیز کرده و در ظرفی آبی قرار می دهید و می گذارید دو سه روز در یخچال بماند . بعد روزی سه چهار لیوان از این آب جوی حلال نوش جان می کنید و این عمل یک هفته بدون وقفه ادامه دهید تا سنگ های کلیه نرم و از بدن خارج شود . از آقا پرسیدم چه نوع جویی باشد ؟ زیرا ما در اقلید چند نوع جو داریم . جو ترش که از آن برای پخت آش و نان جو استفاده می شود . جو شیرین ، جو گاو گوش (گاکوش) ، جو دوسر و ... ایشان خندید و گفتند : از این جهت هیچ فرقی با هم ندارند . پس از خدا حافظی پسر دایی ام به زرقان برگشت و بعد از یک هفته زنگ زد و گفت : نسخه آیه الله ابطحی را استفاده کردم و سنگ ها بدون آن که اذیتم کنند به صورت خمیر دفع شدند و سونوگرافی مجدد که رفتم هیچ اثری از سنگ نبود و دکتر تعجب می کرد چطور در این مدت کم سنگ ها دفع شده اند .

طبابت حتی در بستر بیماری

حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید احمد میرلوحی دام عزه از فضلا و اساتید حوزه علمیه می گوید : در دوران بیماری آیه الله ابطحی به عیادت ایشان رفتم ، بدن هیچگونه حرکتی نداشت ، وقتی سلام کردم جواب ایشان به زحمت شنیده می شد و مفهوم نبود اما با وجود همه این مشکلات ، به یاد عارضه پوستی فرزندم افتادم که کف پای او ترک می خورد و با وجود اینکه چند مرتبه به متخصص پوست مراجعه شده بود بهبودی قطعی حاصل نشده بود ، تا وقتی پماد تجویز شده استفاده می شد خوب بود اما وقتی مصرف دارو قطع می شد ، ترک پا دوباره ظاهر می شد .

در کنار بستر آیه الله ابطحی ، بیماری فرزندم را برای ایشان توضیح دادم ، صدای ضعیف ایشان را در جواب شنیدم اما برایم مفهوم نبود تا اینکه فرزند ایشان برایم بازگو کرد، ایشان چند گیاه را توصیه نمودند که با یکدیگر مخلوط شود و به کف پا مالیده شود ، پس از مراجعت ، توصیه را عمل کردیم و به لطف الهی ، به صورت قطعی بهبودی حاصل شد . (1)

تشویق و توجیه

یکی از آقایان سادات از خطبا نقل می کردند : قبل از ورود به حوزه علاقه زیادی به خواندن کتب دینی داشتم . اما بعضی از کتابها را که می خواندم به تفاوت احادیث در موضوع واحدی بر می خوردم . زیر آن احادیث را خط کشیدم و در جمعی مطرح کردم که این احادیث با هم اختلاف دارند ... و برای من قابل هضم نیست .

آیه الله سید علی آقای ابطحی قدس سره ضمن تشویق ، من را کناری بردند و فرمودند : احسنت به دقت شما ، اما در موارد اختلاف حدیث ، اهل حدیث با قواعدی که در علم حدیث هست ، بین آنها جمع یا ترجیح یکی بر دیگری یا ... می کنند . مثلاً در حدیثی که شما اشکال کردی در گرفتن ناخن در روز دو شنبه یا جمعه صدوق ناخن چند انگشت را دوشنبه می گرفتند و ناخن چند انگشت را جمعه تا جمع بین روایات کرده باشند .

دو رؤیای مشابه جایگاه آیه الله حاج سیدعلی موحد ابطحی قدس سره

ساسان زارعی از جوانان با اخلاص و معتمد می گوید: در شب ششم رحلت آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی خواب دیدم که در حرم حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام بودم که یک دفعه یک ضریح زیبا در گوشه ای از حرم مطهر که مقداری با ضریح آن

حضرت فاصله داشت نمایان شد . تعجب کردم که این ضریح که در حرم نبود ، از کجا پیدا شد و متعلق به چه کسی است ؟ که یک نفر جواب داد : این قبر و ضریح متعلق به آیه الله حاج سیدعلی آقا موحد ابطحی است که مورد عنایت

ص: 185

1- . نگاهی بر زندگی آیه الله سید علی موحد ابطحی - سید امیر حسین طالقانی

خاص حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام اند. چون ایشان مدافع مادرشان حضرت ام ایها فاطمه زهرا علیها السلام و ائمه هدی علیهم السلام با قدم و قلم و بیان بودند و به سبب این عنایت چند روزی است که میهمان و هم جوار حضرت امام رضا علیه السلام هستند .

همچنین سید زین العابدین محمدی می نویسد : شب جمعه دومین هفته رحلت حضرت آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره بود که در عالم رؤیا

مشاهده کردم که در مشهد مقدس هستم و با به جا آوردن اذن دخول و آداب زیات به حرم مطهر مشرف شدم . پس از زیارت از حرم بیرون آمدم . سمت شرق حرم ، یک گنبد و بارگاهی متوسط بود که قبلا وجود نداشت . تعجب کردم و گفتم بروم بینم این بارگاه متعلق به کیست؟! . مقداری راه رفتم و از درب ورودی که از طرف صحن امام حسن مجتبی علیه السلام که به حرم ملکوتی آقا امام رضا علیه السلام باز می شد وارد شدم . دیدم به چه جای با صفا و معنوی و یک ضریح هم زیر گنبد آن قرار دارد که یک دفعه دیدم که آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره و آیه الله العظمی حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره و اخوان بزرگوار دیگرشان که قبلا رحلت نموده اند ، آیه الله العظمی حاج سید محمدعلی موحد ابطحی قدس سره و حجة الاسلام والمسلمین حاج سید حسن موحد ابطحی قدس سره و حضرت آیه الله حاج سید علی آقا موحد ابطحی قدس سره که تازه از دنیا رفته بودند ، پشت به ضریح و رو به حرم مطهر و مضجع شریف حضرت امام رضا علیه السلام به اتفاق سه نفر خانم محجبه ایستاده اند و با لب های خندان یک انبساط حال نمایان داشتند که یک لحظه دیدم آیه الله حاج سیدعلی آقا برگشتند و رو به علامه سید محمد باقر موحد ابطحی کرده و عرض کردند : اخوی اینجا آرامگاه و ضریح من ، در جوار آقا و مولا حضرت امام رضا علیه السلام است و این مزد تلاش هایی است که در راه تبلیغ دین و دفاع از اهل بیت علیهم السلام و صبری است که در این راه تحمل نمودم .⁽¹⁾

ص: 186

1- . در محضر استاد فقیه - سید زین العابدین محمدی .

(گوشه ای از حکایات و داستان های آموزنده به نقل از آیه الله سید علی موحد ابطحی)

ص: 187

محقق ولایی، آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره در کتاب حدیث کساء و آثار شگفت می نویسد: در یکی از سالهایی که مرحوم علامه حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره به اقلید امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف تشریف بردند، خشکسالی و بی آبی آن ناحیه را فرا گرفت، به طوری که چشمه ها هم از آب خشک شده بود. مردم برای حل مشکل به ایشان مراجعه و تقاضای دعا می نمودند. سفارش ایشان به مردم این بود: بروید و کنار چشمه حدیث کساء را بخوانید و متوسل به اهل بیت علیهم السلام شوید. (خود ایشان نیز با چشم اشکبار دعا فرمودند و متوسل به امام زمان شدند) در آن سال با خواندن حدیث کساء و لطف و عنایت امام زمان ارواحنا فداه (و دعا و توسلات مرحوم علامه) از چشمه خشکیده آب جاری شد و خوشحالی را برای مردم به ارمغان آورد. (1)

حکایتی شگفت و اعجاب انگیز و نقش معنوی آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره

آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره می نویسد: روز 21 مبارک رمضان سالی که اصفهان بودم و جای سید احمد روضاتی در مسجد الرضا علیه السلام، در دروازه تهران نماز می خواندم، به منزل حاج دایی عباس رفتم. صحبت از این طرف و آن طرف شد، ایشان فرمودند: وقتی این منزل که در خیابان مسجد است خریدم، معامله خانه سیصد هزار تومان شد. پنجاه هزار تومان آن چک بود، بنا بود فردا پول را تحویل دهیم، پیش هر کسی رفتم جور نشد. از پنجاه هزار تومان فقط سه هزار تومان داشتم. لرز بر بدنم افتاد. نتوانستم بخوابم. بلند شدم و دور حیات قدم می زدم چه کنم متوسل شدم. فردا صبح شما (یعنی بنده سید علی ابطحی) آمدید و 47 هزار تومان آوردید و گفتید این پول را آقای گلپایگانی (آیه الله العظمی گلپایگانی) فرستادند.

ص: 188

خوشحال شدم و تا به حال نشده بود که آقای گلپایگانی پول برای من فرستاده باشند. آن هم چهل و هفت هزار که مایه بد نامی است برای آورنده که کسری کجا بوده و آن هم به اندازه ای که با موجودی خودم مطابق بدهکاری باشد. دایی ما در ادامه گفتند: بنده اول قصه را مهم ندانستم، بعد از شما پرسیدم این پول را که آقای گلپایگانی فرستادند توسط شما جریان چیست؟ شما انکار کردید و گفتید من پولی به شما ندادم. بالاخره می گفتند هرچه از این جریان می گذرد عظمت او برای من بیشتر می شود.

رؤیای صادقه

روزی از آن روزها بعد از زیارت مسجد جمکران، به همراه سه نفر که مرا همراهی می کردند، به زیارت امامزاده محمد غریب مشرف شدیم، و بعد از زیارت آنجا استراحت کردیم. نماز صبح را که خواندیم به سمت منزل برمی گشتیم که یکی از همراهان گفت: در این سرزمین صدای شیون زنان شوهر مرده و... را می شنوم!.. به سمت خانه آمدیم. قبل از اینکه به منزل بیروم به دفتر آیه الله العظمی گلپایگانی قدس سره رفتم. شنیدم در جلسه داشتند صحبت می کردند برای خرید زمین های آن منطقه برای قبرستان بقیع!..

شفای لکنت زبان کودک

فرزند آقای حاج سید محمد کاظم اعظم پور، در نامه ای به برادر گرانقدر نگارنده، آیه الله حاج آقا حجت موحد ابطحی دام ظلّه چنین نوشته است:

حدود دو سال قبل فرزند چهار ساله یکی از بستگان نزدیک ما به لکنت زبان دچار شد و همه را متاثر کرد. معالجه و توسل زیادی انجام گرفت، ولی به نتیجه ای نرسید. تصمیم گرفتم برای شفای کودک به زیارت علی بن موسی الرضا علیه السلام مشرف شوم. با توفیق الهی به زیارت مشرف شدم. چند روزی که در خدمت آن حضرت بودم

تمام توسلاتم برای شفای آن کودک بود . شبی در صحن مطهر امام رضا علیه السلام هیئتی عزاداری می کرد . بنده هم در عزاداری آنها حضور یافتم و حال خوشی پیدا کردم . تمام هدفم شفای آن بچه بود . پس از مراجعت به اصفهان ، شبی پدرتان مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی را در خواب دیدم . ایشان به من فرمودند برای شفای طفلتان ده مرتبه حدیث شریف کساء بخوانید . پس از عمل به دستوری که آن مرحوم در خواب به ما دادند ، بحمدالله بیمار ما شفای کامل یافت .

اهل نماز و مسجد شدن با خواندن حدیث کساء

در بین راه یک آقا سید تهرانی با محبت و اصرار زیاد مرا سوار ماشین خود کرد و به مقصد رساند . در بین راه این نکته را بیان کرد که ما شب های جمعه جلسه حدیث کساء داریم و از من خواست که در مجلس آنها شرکت کنم . یک هفته توفیق یافتم در مجلس آنها حاضر شوم . جلسه باحالی بود، به آن آقا سید گفتم شما که هر هفته چنین جلسه ای را برگزار می کنید ، اگر رخداد جالبی در زمینه خواندن حدیث کساء دارید بفرمایید ، چون بنده مشغول نوشتن کتابی در زمینه داستان های شگفت حدیث شریف کساء هستم . پس از اصرار زیاد صاحب جلسه به یکی از آقایان گفتم که داستانش را برای من شرح دهد . آن آقا نزد من آمد و گفت : من راننده خوش هیكلی بودم . رفقا که همگی اهل مواد مخدر و انجام کارهای خلاف بودند ، هر جا که مرا می دیدند با اصرار زیاد به جمع خود دعوت می کردند . در آن موقع من به هیچ وجه اهل نماز و مسجد و انجام کارهای خیر نبودم ؛ تا اینکه مسائلی پیش آمد و من توفیق یافتم که در این جلسه شرکت کنم و پس از آن حالات عجیبی به من دست داد که تمام کارهای خلاف را کنار گذاشتم و الان اهل نماز و مسجد و روزه شده ام . حکایت از این قرار بود که شبی که من برای اولین بار در جلسه حدیث کساء شرکت کردم ، همسر من در خواب می بیند که من در جلسه ای که پنج تن آل عبا حضور داشتند

شرکت داشتم و آن بزرگواران مرا صدا زدند و گوشه ای از عباى خود را بر سر من انداختند . پس از آنکه چنین خوابی در مورد عنایت اهل بیت به این بنده گنهکار دیده شد، تصمیم گرفتم تمام رفقای سابق را کنار گذاشته و مسلمانی واقعی را پیشه خود کنم و الان هم هر وقت که ناراحتی دارم در جلسه حدیث کساء شرکت می کنم و مشکلات روحی از من برطرف می شود . سید صاحب جلسه در تأیید حرف آن بنده خدا می گفت : زن و مادر این شخص زمانی به من تلفن زدند و گفتند فلانی به یکباره عوض شده و به نماز و مسجد اهمیت می دهد .

برآمدن حاجت با خواندن زیارت عاشورا به نیابت از امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف

مرحوم شیخ علی اکبر نهاوندی از قول سیدی می نویسند : روز جمعه در حجره ای از حجرات مسجد سهله نشسته بودم . ناگاه سید بزرگواری در حالی که قبا و عباى فاخری بر تن داشت ، وارد اتاق شد و نگاهی به اطراف اتاق انداخت . تنها چیزی که در اتاق من به چشم می خورد ، عبارت بود از : تعدادی کتاب ، چند ظرف غذا و یک قطعه کوچک فرش . آن سید بزرگوار رو به من کرد و فرمود : همین ها برای حوائج دنیوی تو کفایت می کند ، بعد هم اضافه کرد که « هر روز صبح به نیابت صاحب الزمان عج الله تعالی فرجه الشریف زیارت عاشورا بخوان و خرجی ماهانه خود را هم از من بگیر تا محتاج به کسی نباشی » . آن سید پس از این ، قدری پول به من داد و گفت : این مقدار پول برای یک ماه تو کافی است . سید این جمله را گفت و برگشت و به طرف درب مسجد سهله حرکت نمود . در تمام این مدت زبان من بند آمده بود و به هیچ وجه قدرت حرکتی در خود نمی دیدم . این حال در من باقی بود تا آن که سید از مسجد خارج شد . همین که او پا از مسجد بیرون گذاشت ، گویا تمام زنجیرهای آهنی از دست و پای من باز شدند و به حال عادی بازگشتم . به سرعت برخاستم و به طرف

درب خروجی مسجد دویدم ، بلکه بار دیگر موفق به دیدن آن سید گُردم ، ولی هر چه گشتم اثری از او نیافتم .(1)

زیارت عاشورا و دستور غیبی برای رفع گرفتاری

مرحوم آیه الله حاج سید احمد امامی قدس سره یکی از علمای برجسته اصفهان در یادداشت های خود چنین آورده اند : شبی از طریقی به من الهام شد که مبلغ چهل و پنج هزار تومان به مغازه آقای ... که مرد محترمی از اهالی اصفهان است ، ببرم . صبح که از خواب برخاستم ، متحیر بودم که چه باید بکنم . آیا آنچه فهمیده ام صحیح است ؟ از طرفی نمی دانستم که چقدر پول دارم . وقتی به موجودی ام نگاه کردم ، دیدم دقیقا چهل و پنج هزار تومان است . به همین دلیل یقین پیدا کردم که این الهامی صادق بوده است . صبح اول وقت ، رفتم درب مغازه آن آقای که نشانی اش را به من داده بودند . من از قبل با آن شخص آشنایی داشتم ، ولی مدت ها بود که از حال و کار او بی خبر بودم . او از محترمین شهر اصفهان بود و مغازه کوچکی در خیابان ... داشت . وقتی به مغازه او رسیدم ، دیدم دو نفر در مغازه او ایستاده اند . به آن آقا گفتم : من با شما کاری دارم ، اگر لطف کنید چند دقیقه ای می خواهم با هم برویم جایی و برگردیم . گفت : بسیار خوب . با هم به مسجد النبی (واقع در خیابان جی) رفتیم ، کارگران مشغول انجام کارهای ساختمانی مسجد بودند . لب ایوان و رو به قبله نشستیم . رو به صاحب مغازه کردم و به ایشان گفتم : من مأمور هستم گرفتاری شما را بر طرف سازم ، اگر مشکلی دارید به من بگویید . ولی آن شخص هیچ حرفی نزد . اصرار کردم ، ولی فایده ای نداشت . بالاخره دست در جیب خود کردم و آن مبلغ را به ایشان دادم . آن مرد بی اختیار به گریه افتاد و گفت : من چهل و پنج هزار تومان قرض داشتم . نذر کرده بودم که چهل مرتبه زیارت عاشورا بخوانم تا

ص: 192

1- . زیارت عاشورا و آثار شگفت ، ص 78 .

این مشکل بر طرف شود. امروز بعد از اذان صبح، آخرین زیارت را خواندم و حالا می بینم که مشکل من به این زودی مرتفع گردید. (1)

سفارش عارف واصل آیه الله سلطان آبادی نسبت به زیارت عاشورا

آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی (پدر مؤلف) تعریف می کردند در حادثه تاریخی و حماسی تحریم تنباکو، علما و آیات مسجد شاهی حاج آقا نور الله، آقا نجفی، آقا شیخ محمد تقی و... در ایران فعالیت زیادی نمودند، ولی دولت وقت هیچ اعتنایی به آنها نکرد و کوشش آنها به جایی نرسید. نامه ای به زبان عربی نوشتند و به وسیله حاج آقا منیر بروجردی که از علمای برجسته و سرشناس اصفهان بودند، برای آیه الله العظمی میرزا محمد حسن شیرازی در سامراء فرستادند. وقتی حاج آقا منیر بروجردی وارد سامراء شدند، آیه الله حاج ملا-فتحعلی سلطان آبادی، استاد آیه الله حاجی میرزا حسین نوری و صاحب کتاب «الکلمه الطیبه فی الانفاق» (2)، تشریف آوردند. حاج آقا منیر چای و شیرینی به ایشان تعارف می کنند. آیه الله سلطان آبادی در جواب تعارف ایشان فرموده بودند: نه گرسنه ام که بخواهم سیر شوم و نه تشنه ام که میلی به نوشیدنی داشته باشم. سپس اضافه کردند: من میدانم شما برای چه به سامراء آمده اید. آیا مایل هستید نامه ای که برای میرزای شیرازی نوشته اند را برایتان بخوانم؟. پس از این آقای سلطان آبادی شروع کردند به خواندن نامه ای که پاکت آن نزد من بود. حاج آقا منیر بروجردی از بینش زیاد و ضمیر روشن و آگاه آقای سلطان آبادی تعجب می کنند. پس از گفتگویی مختصر، حاج آقا منیر بروجردی از آیه الله سلطان آبادی می خواهند تا قدری از معارف حقه الهی را برای ایشان بیان کنند. حاج ملا فتحعلی سلطان آبادی در جواب ایشان می فرمایند: شما خودتان دریای ژرف و

ص: 193

1- زیارت عاشورا و آثار شگفت، ص 86.

2- اصل این کتاب از آقای سلطان آبادی و تنظیم و اصلاح آن از آیه الله حاج میرزا حسین نوری می باشد.

مواجی از معارف دینی هستید... حاج آقا منیر بروجردی اصرار می کنند و می گویند: می خواهیم از میان دو لب شما مطلبی را یاد بگیریم و آن را دستورالعملی برای زندگی خویش قرار دهیم. پس از اصرار فراوان حاج آقا منیر، حاجی ملا فتحعلی سلطان آبادی اینچنین می فرمایند: شما را سفارش می کنم تا آن جا که برایتان مقدور است، این سه عمل را ترک نکنید: 1: نماز اول ماه؛ 2: خواندن نماز ليله الدفن، برای هر کسی که مطلع شدید از دنیا رفته است؛ 3: مداومت بر زیارت عاشورا.

پس از این سفارش، مرحوم حاج آقا منیر آن چنان مداومت بر زیارت عاشورا پیدا می کنند که در دهه عاشورا برای هر یک از شهدای کربلا یک زیارت عاشورا می خواندند و در مجالس و محافل دائماً مشغول زیارت بودند و اگر در مجلسی به سجده زیارت می رسیدند، همانجا سجده و نماز زیارت را به جا می آوردند. اگر زمانی زیارت عاشورا را شروع می کردند، تا زیارت را با آداب کامل آن ختم نمی کردند، لب به غذا نمی زدند و کاری انجام نمی دادند. حتی در یک مجلس میهمانی وقتی سفره را پهن می کنند، ایشان سر سفره می نشینند، ولی دست به غذا نمی برند تا زیارتشان تمام شود. در زمانی که ایشان مشغول زیارت بودند، دیگران غذا را خورده و سفره را جمع می کنند. وقتی صاحب خانه از این جریان اطلاع پیدا می کند، مقداری غذا برای منزل ایشان می فرستد. آقای میرزا محمد باقر...، داماد حاج آقا منیر و صاحب کتاب «فوز اکبر» می گفتند: حاج آقا منیر در حال احتضار نیز مشغول زیارت عاشورا بودند. گاهی در وسط زیارت، حال ایشان بد می شد و خواندن زیارت قطع می گشت. ولی ایشان به محض آن که به حال طبیعی باز می گشتند، مجدداً مشغول خواندن زیارت عاشورا می شدند تا این که در همان حال، دعوت حق را اجابت کردند.

خانمی که با یک عنایت، حافظ زیارت عاشورا می شود

مادرم، دختر مرحوم آیه الله حاج سید محمد تقی موسوی احمد آبادی، صاحب کتاب شریف « مکیال المکارم فی فوائد الدعاء للقائم » و همسر مرحوم آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی، سالی به عتبات عالیات عراق مشرف شده و شب را در منزل فرزند برومندشان مرحوم آیه الله العظمی حاج سید محمد علی موحد ابطحی سپری نمودند. فرزندان آن مرحومه چنین نقل می کنند: شبی متوجه شدیم، مادرمان در عالم خواب و در حالی که متوجه گوشه ای از سقف اطاق شده بودند، زیارت عاشورا را از حفظ می خواندند. این امر تعجب همه ما را به خود مشغول کرده بود. صبح که از خواب برخاستیم از ایشان پرسیدیم: دیشب چه خوابی می دیدید و چه می خواندید؟ ایشان در پاسخ سؤال فرزندانشان گفته بودند: در خواب، سیدی جلیل القدر، نورانی و بلند قامتی را دیدم که با اشاره از من می خواستند، زیارت عاشورا را بخوانم من هم جهت اطاعت امر ایشان، خواندن زیارت عاشورا را شروع کردم و الان هم این زیارت را حفظ هستم. رسم مرحومه مغفوره حاجیه خانم فقیه احمد آبادی این بود که در موقع پیمودن مسیرهای طولانی، مشغول خواندن زیارت عاشورا می شدند و در بین راه در مسجدی سجده زیارت و نماز زیارت را می خواندند. « أَسْكَنَهَا اللَّهُ فِي جَنَّاتِهِ وَرَزَقَهَا اللَّهُ رِضْوَانَهُ ».

شفای بچه فلج در حرم امام زاده شاه حمزه علیه السلام قم

آقای سید ابوالفضل یشری می فرمایند: هیئت محترم قمر بنی هاشم علیه السلام نزدیک صد سال است در شهر مقدس قم تأسیس شده و در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و عرض ادب می نمایند و همه ساله روز تاسوعا پای نخل امامزاده حمزه علیه السلام رفته و عزاداری باشکوهی انجام می دهند و از اقشار مختلف قم در این مراسم شرکت می کنند و به همین مناسبت کسانی مورد عنایت خاص قرار می گیرند. این جانب از

طرف مرحوم پدرم حجة الاسلام و المسلمین حاج سید زین العابدین یربی و اهالی محل برای خوش آمدگویی به عزاداران روی منبر می ایستم و نسبت به ساحت قدس حضرت ابوالفضل علیه السلام عرض ادب می کنم . در تاریخ 1355 شمسی در حالیکه عزاداران وارد صحن امامزاده می شدند و مرحوم سلاله السادات حاج سید تقی کمالی قمی با یک حال خلوصی فریاد می زد : مظلوم وای ... ، پسر بچه فلجی را که پدرش آقای حاج غلامرضا یزدان دوست بالای سرش ایستاده بود دیدم وسط در صحن نشسته و مقداری خون گوسفندی را که پدرش قربانی کرده به پیشانیش مالیده و منظره تأثرانگیزی را به وجود آورده بود . پدرش که ارادت خاصی به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام دارد به بنده التماس دعا گفت من روی منبر داستان « مُخِیَلَف » را برای مقدمه توسل عنوان کردم و در حالی که جمعیت در صحن و پشت بامها توجه به من داشتند طفل فلج را بر روی دست گرفتم و عرض کردم : « یا ابا الفضل ! امروز ما فلج آورده ایم ! » صدای شیون و زاری از زن و مرد بلند شد و حالی پیدا شد . طفل چند دقیقه روی دست من بود وقتی او را روی زمین گذاردم روی پای خود ایستاد و شفا یافت و از این رو توجه مردم به این مجلس و حضرت ابوالفضل بیشتر شد . (1)

شفای حضرت آیه الله آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره

آیه الله آقای حاج سید محمد باقر موحد ابطحی قدس سره در دوران کودکی مریض می شوند و طبیب های آن دوره مایوس می گردند . ایشان را رو به قبله می کنند . مادر والاگهر ایشان در امامزاده ابراهیم واقع در دار البیطیخ میروند و متوسل می شوند ، در خواب خدمت حضرت ابا الفضل فرزند رشید حضرت امیر تشریف پیدا می کنند ،

ص: 196

1- . مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره سرانجام در همین بارگاه نورانی که روزی از این مکان مقدس سخن گفتند، در آن (امامزاده شاه حمزه علیه السلام) آرام گرفتند و قبر مطهرشان در آنجا واقع شده است .

ایشان می فرمایند: فرزند شما را شفا دادیم و برای داداش من حسین [به همین عبارت]، در دهه عاشورا به ایشان یک لباس مشکی بپوشانید. و به همین لحاظ تا ایشان در حیات بودند سفارش به این امر خدا پسندانه می نمودند و بعد از رحلت ایشان آیه الله موحد ابطحی به این وصیت و سفارش عمل می کنند و احترام می گذارند.

خاطره ای از آیت الله العظمی مرعشی نجفی قدس سره

آیه الله سید علی آقای موحد ابطحی قدس سره در خاطراتشان می نویسند: روزی محضر آیه الله مرعشی نجفی قدس سره بودم که خاطره شگفتی را برایم نقل فرمودند:

در اوایل طلبگی مشکلات زیادی رویرو بودم که طاقت را از من گرفته بود. یکی از خویشان که خیلی با روحانیت بد بود، مرا با رفتار و کلامش هر روز می آزد. قلمم برای نوشتن کند بود و هر وقت می خواستم چیزی بنویسم زمان زیادی می برد. وسواس داشتم که نمی توانستم نماز جماعت بخوانم و... بالاخره شدت گرفتن ناراحتی ها مرا وادار کرد رفتم پیش کلید دار حرم امام حسین علیه السلام، گفتم شما با پدرم رفیق بودید حال من یتیم هستم و کسی را ندارم. بیایید حق و حقوق پدرم را با شما مصالحه کنم و بگذارید شبی در حرم حضرت بیتوته کنم. ایشان موافقت کرد و گفت: فلان شب ساعت ده بیا. وقتی در حرم را بستم شما بمان. شب شد و آن ساعت در حرم رفتم و در آنجا ماندم. تمام شمع های اطراف حرم را خاموش کرد و فقط چهار تا از آنها که نزدیک یک متر بودند و باید تا صبح می سوختند روشن ماند و در حرم را بست و رفت. اول فکر کردم کجا بنشینم برای زیارت که مورد عنایت قرار گیرم. اول به ذهنم آمد بروم رویروی صورت حضرت قرار گیرم بعد با خود گفتم تحت قبه اجابه الدعای روم. بالای سر می نشینم، بعد به ذهنم رسید که حضرت امام حسین علیه السلام خیلی علاقه به حضرت علی اکبر علیه السلام دارند. بروم پایین پا بنشینم که وقتی آقا نظر به فرزندشان می کنند گوشه چشمی هم به من بیندازند و مرا مورد لطف

قرار دهند . آیه الله نجفی بعد فرمودند : پایین پائین نشستم و مشغول زیارت و دعا شدم که حالت مکاشفه ای برایم پیش آمد . دیدم پدرم و عده ای از علما رحل قرآن گذاشتند و مشغول قرآن خواندن هستند . خودم را در دامن پدرم انداختم و شروع به گریه کردم و مشکلاتم را برایشان می گفتم . ایشان گفتند : کاری از من ساخته نیست ، دامن حضرت را بگیر ! . گفتم حضرت را کجا خدمتشان برسم . اشاره کردند و فرمودند : این حضرت . نگاه کردم دیدم حضرت روی ضریح تشریف دارند و نور صورتشان مثل خورشید می تابد . طوری بود که نمی توانستم وضع چشم ها و صورتشان را تشخیص بدهم خدمت ایشان عرض کردم من بیچاره هستم و شما قلب عالم هستید . آقا اشاره کردند بردار و بخور دیدم . یک تکه نبات از سر انگشت مبارکشان افتاد روی سنگ ها و صدایی کرد . برداشتم ، دهانم گذاشتم از لب تا همه وجودم را شیرین کرد از آن حالت بیرون آمدم و خود را در حرم تنها دیدم و نه از حضرت و نه پدرم و خبری نبود . تا کلیددار آمد در را برای نماز صبح باز کرد و من که وسواسم باعث شده بود پشت سر کسی نماز نمی خواندم تجدید وضو کردم و به آقایی که در حرم نماز می خواند اقتدا کردم . صبح آن خویشانی که مرا اذیت می کرد آمد و گفت دیشب به این نتیجه رسیدم که بهتر است تو مشغول درس و بحث شوی و من که حافظه ام آنچنان بود که حتی اسم خویشانم را فراموش می کردم به این بیانم شد که پاسخ مسائل را می دهم و چنان تند می نویسم که هر کس می بیند تعجب می کند و ...

استخاره های عجیب آیه الله حاج شیخ محمد باقر محسنی ملایری قدس سره

آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره می فرمودند : مرحوم آقای محسنی ملایری استخاره های بسیار عجیب و غریبی داشتند به طوری که بسیاری از بزرگان که خود اهل استخاره بودند ، در کارهای مهم خود از ایشان استخاره می گرفتند . روزی با خود گفتم نزد ایشان می روم و از ایشان استخاره ای می خواهم و در دل خود نیت

کردم که اگر استخاره خوب آمد از ایشان بخواهم شیوه استخاره خود را به من آموزش دهند . تقاضای استخاره را بدون اشاره به نیتی که داشتم مطرح کردم و ایشان پس از این که استخاره کردند بلند بلند خندیدند و گفتند : آیه الله میلانی چندین بار از من خواسته اند که این شیوه استخاره را به ایشان بیاموزم و من چنین نکرده ام ، حال شما می خواهید با یک استخاره روش مرا فرا بگیرید و این برای من خیلی عجیب بود که ایشان به چه روشی با دیدن قرآن به نیت بنده پی بردند؟! البته ایشان نقل می کردند در سالهایی که در مدرسه پریزاد مشهد (که الان جزء حرم قرار گرفته است) ، سکنی داشتند ، شب تا صبح قرآن می خواندند تا از طرف امام رضا علیه السلام به ایشان عنایتی شود . ایشان از فرط ادب ، مواقع خواب به صورت نشسته می خوابیدند ، مبادا که پایشان به سمت مرقد منور آقا علی بن موسی الرضا علیه السلام دراز شود و نتیجه آن ادب ، این عنایتی بود که از جانب امام رضا علیه السلام به ایشان شد .

ارتباط با اهل سلوک

مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره با اهل سیر و سلوک ارتباط بسیار خوبی داشتند . یکی از بزرگانی که ایشان با وی در ارتباط بودند مرحوم حاج شیخ جعفر آقای مجتهدی (1303 - 1374) بودند . در سال هایی که مرحوم جعفر آقای مجتهدی در قم ساکن بودند ، آقای ابطحی به منزل ایشان می رفتند ، به خصوص شبهای چهارشنبه که جمعی از علاقمندان به مرحوم حاج شیخ جعفر آقای مجتهدی از شهرهای مختلف به منزل ایشان می آمدند . ویژگی بسیار برجسته ای که آقای ابطحی از مرحوم جعفر آقای مجتهدی نقل می کردند بکاء بودن ایشان بود ، به گونه ای که تا در حضور ایشان ذکر مصیب اهل بیت علیهم السلام می شد ایشان با صدای بسیار بلند گریه می کردند و اشک از سر و صورت ایشان بر لباس شان می ریخت و واقعا لباس ایشان از اشک خیس می شد . آقای ابطحی چند خاطره ای از مرحوم جعفر آقای مجتهدی نقل می کردند :

1. اواخر سال 1359 منزل مرحوم حاج شیخ جعفر آقای مجتهدی بودم که خانواده مرحوم آیه الله حاج سید عباس ابوترابی به منزل ایشان آمدند. چندی قبل خبر شهادت و مفقود الاثری فرزند ایشان (جناب حجة الاسلام والمسلمین سید علی اکبر ابوترابی) از طریق رسانه ها اعلام شده و از طرف دولت و خانواده مجالس ختم و بزرگداشت برای ایشان برگزار گردیده بود و حتی در مراسم چهلم ایشان آیات عظام و علمای اعلام شرکت کرده و رییس جمهور وقت در آن مجلس سخنرانی کرده بود. جناب آیه الله آقای حاج سید عباس ابوترابی پس از سلام و احوال پرسی و در حالی که بسیار محزون و ناراحت بودند و بغض گلوی ایشان را گرفته بود به آقای جعفر آقای مجتهدی گفتند: فرزندم شهید شده است و ما برای او مجلس بزرگداشت برپا کرده ایم و... در میانه سخن ایشان ناگهان آقای مجتهدی به شدت خندیدند، به گونه ای که همه حضار در مجلس متعجب شدیم که این چه خنده ای است؟! جناب آیه الله ابوترابی رو کردند به آقای مجتهدی و گفتند: ما پسرمان را از دست داده و عزاداریم، آنگاه شما این گونه می خندید؟! آقای مجتهدی همان طور که در حال خندیدن بودند به آقای ابوترابی گفتند: آقا جان! این چه فرمایشی است؟! ما هم اکنون پسر شما را در زندان بغداد می بینیم و صدای قرآن خواندن ایشان را می شنویم و چند روز آینده خبری از ایشان به شما خواهد رسید. آقای ابوترابی که بهت زده شده بودند گفتند: شواهد و گزارشات همزمان پسر گواهی می دهد که او شهید شده و از طرف دولت هم برای او مراسم ختم و بزرگداشت برگزار شده است. آقای مجتهدی فرمودند: اگر حرف مرا باور ندارید، فردا ساعت ده صبح، صدای ایشان از رادیو بغداد پخش خواهد شد و به زودی نامه ای هم از ایشان به شما خواهد رسید. سپس ادامه دادند: ایشان به سلامتی از اسارت رها خواهند شد و به شهرت خواهد رسید.

آیه الله ابوترابی که از صحبت های آقای مجتهدی شوکه شده بودند با حیرانی منزل ایشان را ترک کردند . فردای آن روز صدای آقای سید علی اکبر ابوترابی از رادیو بغداد پخش شد و معلوم گردید که ایشان شهید نشده اند . پس از 10 سال اسارت آزاد گشتند و به واسطه فعالیت های ارزنده شان در دوران اسارت با عنوان سید آزادگان نامیده می شدند و پس از چندی به سمت سرپرست امور آزادگان منصوب گردیدند و در دوره چهارم و پنجم مجلس شورای اسلامی از طرف مردم تهران انتخاب گردیدند و تمام گفته های آقای مجتهدی درباره ایشان تحقق یافت .

شور و حال فاطمی در محضر علامه سید محمد باقر موحد ابطحی

شب چهارشنبه ای به همراه اخوی مرحوم آیه الله العظمی سید محمد باقر موحد ابطحی به منزل مرحوم جعفر آقای مجتهدی رفتیم . آن شب مصادف بود با شب شهادت حضرت زهرا علیها السلام چند نفر دیگر از جمله جناب آقای شهیدی و جناب آقای ثقفی و ... آن جا بودند . آقای مجتهدی رو کردند به آقای ثقفی و گفتند از آن حال خوشی که در سفر داشتید ما هم سهم داریم . شب شهادت بی بی حضرت زهرا علیها السلام است . برایمان روضه بخوانید . آقای ثقفی هم شروع کردند به خواندن :

من نگویم حال زهرا از دل مضطر پرسید *** لیک گویم از در پر خون و میخ در پرسید

من نگویم بوده فضه غافل از احوال زارش *** لیک گویم حال محسن باید از مادر پرسید

من نگویم ارغوان بوده تش از تازیانه *** لیک گویم ضرب دست قنفذ کافر پرسید

من نگویم زد عمر سیلی به رویش از ره کین *** لیک گویم ز انخساف آن مه انور پرسید

من نگویم شب چرا شد فاطمه در خاک پنهان *** لیک گویم مدفنش از حیدر صفدر بپرسید

تا نگوید خواست آن کانون عصمت تا قیامت *** چشم نا محرم نبیند قبر او ، دیگر نپرسید

جعفر آقای مجتهدی با شنیدن این اشعار به شدت گریه کردند و مجلس هم شور و حال عجیبی پیدا کرد . پس از اتمام توسل ، مرحوم جعفر آقای مجتهدی رو کردند به اخوی آقا سید محمد باقر موحد ابطحی و از ایشان خواستند که دعا کنند . اخوی هم که تحت تأثیر مجلس حال بسیار خوشی پیدا کرده بودند ، قبل از دعا و در ادامه توسل آقای تقفی گفتند : هنگام شهادت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام بسیار ناراحت بودند و وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حال حضرت فاطمه علیها السلام را دیدند ، ایشان را در آغوش کشیدند و آهسته در گوش ایشان فرمودند : « فاطمه جان ! اولین کسی که از اهل بیت من به من ملحق می شود شما هستید . » و با شنیدن این سخن حضرت زهرا علیها السلام آرام و خوشحال شدند . در این هنگام مرحوم جعفر آقای مجتهدی فرمودند : نه جانم ! مطلب چیز دیگری است . حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم به دخترشان فرمودند : دخترم ! بعد از من تو باید فدایی ولایت شوی ، تو باید فدای علی شوی و اولین قربانی ولایت تو هستی و همین طور که مرحوم جعفر آقای مجتهدی این مطالب را بیان می کردند ، مجلس شور مجددی یافت و تا نیمه شب همه گریه می کردند .

شفای نواده مرحوم سید ابراهیم میلانی

آقای سید احمد ...، نواده مرحوم سید ابراهیم میلانی ، در تبریز به بیماری سختی دچار می شود . دختر یکی از مراجع تقلید ، پدر خود را در خواب می بیند که به او می گویند سید احمد مریض است، فردا شب (سوم جمادی الاخری) شب شهادت فاطمه زهرا علیها السلام است و حدیث کساء از آن حضرت است . فردا شب در اتاق

مخصوص من گرد هم آید و برای شفای او حدیث کساء بخوانید . فردا شب اهل خانه بنا بر سخن پدر در اتاق مخصوص ایشان گرد هم آمدند و حدیث کساء خواندند و آقا سید احمد از برکت توسل به حضرت زهرا علیها السلام و خواندن حدیث کساء بهبود یافت .

شفای جوان مسیحی مبتلا به سرطان خون

دهه فاطمیه در حسینیه ای در واشنگتن آمریکا به نام حسینیه الرسول الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم مراسم عزاداری برای حضرت زهرا علیها السلام برپا و در شب های جمعه مراسم دعا و توسل و قرائت حدیث شریف کساء برقرار است . یکی از روحانیون بزرگواری که از سوی بیت ایشان در آن مرکز بزرگ دینی انجام وظیفه می کند ، نقل کرده است : روزی در یکی از خیابان های واشنگتن ، پشت چراغ قرمز منتظر آزاد شدن راه بودم . در این هنگام یک خانم با گریه شدید به طرف اتومبیل من آمد و گفت : حاج آقا شما ! ایرانی هستید ؟ گفتم : بله . گفت التماس دعا دارم . من یک جوان نوزده ساله دارم که به سرطان خون مبتلا و در بیمارستان بستری است . حالش هم بسیار بد است . در جواب آن خانم گفتم : شب جمعه به حسینیه رسول اعظم بیایید و در مجلس حدیث کساء شرکت کنید تا به برکت توسل به حضرت زهرا علیها السلام مشکل شما مرتفع شود . آن خانم شب جمعه به حسینیه آمد و دعا کرد . از قندهایی که برای تبرک در جلسه حدیث کساء به حاضران داده می شد و قدری شله زرد نذری به آن خانم دادم و گفتم از اینها قدری به جوان سرطانی خود بدهید . وی در جواب گفت پسرم نمی تواند چیزی بخورد . از او خواستم که حتی اگر شده یک ذره از این شله زرد را در دهان او بگذارد .

دو روز بعد دیدم که آن خانم گریه کنان به حسینیه آمد . اول خیال کردم جانش فوت کرده ، خواستم به او تسلیت بگویم ولی او هنگامی که نزدیک شد رو به من کرد

و پس از سلام گفت: حاج آقا! وقتی مقداری از آن شله زرد را در دهان جوانم گذاشتم فوراً چشمش را باز کرد و حالش خوب شد. پس از آن پزشکان بیمارستان برای بررسی حال او جلسه مشورتی تشکیل دادند و در نهایت اظهار داشتند که حضرت مسیح او را شفا داده است. ولی من به آنها گفتم که به یقین او شفا یافته امام حسین علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام و حدیث کساء است.

آن خانم در نوبت های بعد با حجاب اسلامی در جلسه حدیث کساء شرکت می کرد و جریان زندگی خود و شفا یافتن فرزندش را برای حاضران تعریف می کرد و می گفت من مسیحی بودم. بیست سال قبل هنگام حاملگی در ایران حضور داشتم، شوهرم را از دست دادم و پس از آن به آمریکا آمدم. در ایران تبلیغات هیچ یک از علمای بزرگ نتوانست مرا مسلمان کند. ولی امروز به برکت امام حسین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام و حدیث کساء مسلمان شده ام. وی مرتب بر این جمله تاکید می کرد که حدیث کساء و حضرت زهرا علیها السلام مرا به سوی اسلام هدایت کرده است.

شفای بیمار سرطانی

یکی از خطبای معروف که برای تبلیغ دین به آمریکا، انگلستان، کویت، بحرین و دیگر کشورها و نیز به شهرهای مختلف ایران سفر کرده است چنین نقل می کند:

زمانی در حسینیه کویت منبر می رفتم، یکی از رفقا برای خداحافظی نزد من آمد و گفت به من خبر داده اند که برادرم در انگلستان به سرطان مبتلا و در بیمارستان بستری شده و حالش نیز بسیار وخیم است. وی قصد داشت برای عیادت برادرش به انگلیس برود. من به او گفتم قدری صبر کن، بعد از جلسه با شما کاری دارم. بعد از جلسه مقداری از قندهای مجلس حدیث کساء و مقداری تربت امام حسین علیه السلام را به او دادم و گفتم اینها را به برادرت بده تا بخورد. او خداحافظی کرد و رفت. پس از چندی این دوست از انگلیس بازگشت و مستقیم نزد من آمد و گفت: بعد از آنکه

قندها و تربت امام حسین علیه السلام را به برادرم دادم حالش رو به بهبود گذاشت . از آقایان دکترها خواستم که یک آزمایش دیگر از او بگیرند ولی آنها قبول نمی کردند و می گفتند : وضع او بسیار وخیم است و از آزمایش های متعدد کاری بر نمی آید . سرانجام با اصرار زیاد من، آزمایش دیگری از برادرم گرفتند و در کمال تعجب دیدند که بیماری سرطان به طور کامل برطرف شده است . خلاصه آنکه در اثر خواندن حدیث شریف کساء و خوردن تربت امام حسین علیه السلام برادر من از بیماری سرطان نجات یافت .

شفای دختر مسیحی و مسلمان شدن جمعی از مسیحیان

آیه الله شیخ محمد حسن بهاری ، فرزند مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد باقر بهاری همدانی چنین نقل کرده اند : از خیابان خیام تهران می گذشتم که دیدم در حسینیه مدرسه سید ناصرالدین ، مجلس عزای امام حسین علیه السلام برپاست برای شرکت در عزا وارد مجلس شدم . خطیب مجلس مشغول وعظ و سخنرانی بود و از روی کتابی که در دست داشت این داستان را برای اهل مجلس می خواند :

در ایام محرم ، از خیابان اسماعیل بزاز به طرف منزل خود در خیابان جوادی می رفتم که ناگاه زن باحجابی از یکی از پنجره های فوقانی مرا صدا زد . ایستادم تا ببینم خواسته اش چیست ؟ آن زن با صدای بلند گفت : ای آقا! اهل این منزل همه مسیحی هستند و من زن مسلمانی هستم که در این منزل خدمت می کنم ؛ ولی از غذای آنها مصرف نمی کنم . دختر صاحبخانه چند روزی است که به کسالت سختی دچار شده و به رغم معالجاتی که اطبا انجام داده اند هیچ نتیجه ای حاصل نشده است و پدر و مادر این دختر به شدت ناامید شده اند و نزدیک است که خودشان هم تلف شوند . من به آنها گفته ام که شما آنچه در توان داشته اید به کار گرفته اید و نتیجه ای به دست نیاورده اید ، در عوض ما مسلمان ها دعاها و توسلات مجربی از جمله حدیث شریف کساء داریم که برای هر مریضی که خوانده شود به اذن خدا شفا پیدا

می کند . پدر و مادر مریض به من گفته اند که اگر کسی پیدا شود و این دعا را برای دختر ما بخواند و دختر ما شفا پیدا کند ما مسلمان شده و مسلمان شدنمان را هم اعلان می کنیم . من چند دقیقه ای است که از پنجره های ساختمان به بیرون نگاه می کنم تا شاید کسی را پیدا کنم که این دعا را بخواند و خوشبختانه شما را پیدا کردم . آن خانم از من تقاضا کرد که مراسم حدیث کساء و توسل به حضرت زهرا علیها السلام را برای آنها اجرا کنم . من به آن خانم عرض کردم : من اطمینان به شفای آن دختر ندارم و می ترسم خدای متعال بیش از این اجازه زندگانی به او نداده باشد و اجل او فرا رسیده باشد و همین امر موجب بدبینی مسیحیان به دعاها و توسلات ما شود . در این هنگام آن زن در غم و اندوه فرورفت و گفت : ای شیخ ! اگر این کار را انجام ندهی روز قیامت نزد مادرم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام از تو شکایت می کنم . وقتی این صحبت را شنیدم لرزه بر اندامم افتاد و ترس مرا گرفت و ناچار در پاسخ آن خانم گفتم همسایه ها را خبر کنید تا در این مراسم شرکت کنند . آن زن علویه همسایگان را دعوت کرد و من در حضور آنها شروع به خواندن حدیث کساء کردم . در آخر دعا از خدای متعال خواستم که بر ما منت گذارد و این دختر جوان را شفا دهد . پس از انجام مراسم از منزل آن مسیحی بیرون رفتم .

فردای آن روز پس از خروج از منزل و در حالی که هیچ به فکر اتفاق دیروز نبودم، ناگهان نگاهم به همان پنجره و همان خانم علویه افتاد . آن زن علویه اشک ریزان می گفت : ای آقا ! تشریف بیاورید و با چشمان خود ببینید که چگونه خدا دعای ما را به اجابت رساند و آبروی ما را حفظ کرد و بر این دختر بی گناه که دیروز در حال احتضار بود منت گذاشت و او را شفا داد . امروز دختر سالم و بی هیچ کسالتی از رختخواب بیرون آمده و مرتب می گوید : فاطمه ، فاطمه .

وقتی وارد منزل آن مسیحی شدم، دختر را دیدم که به زبان ارمنی سخن می گوید. اطرافیان حرف های او را برای من این چنین ترجمه کردند: بدون هیچ حرکتی خوابیده بودم و درد و ناراحتی مرا احاطه کرده بود. در آن حالت، ناگهان دیدم خانمی بزرگوار و نورانی با ابهت و جلال خاصی وارد اتاق شدند و فرمودند: از روی تخت بلند شو. به ایشان گفتم: با اینکه به طبیبان متخصص زیادی مراجعه کرده ام ولی نمی توانم حرکت کنم. ایشان دو مرتبه فرمودند من می گویم برخیز. یک وقت به خودم آمدم و متوجه شدم که دیگر آن دردها و ناراحتی ها را حس نمی کنم. اسم آن خانم را از زنان همراهشان پرسیدم، به من فرمودند ایشان حضرت فاطمه علیها السلام هستند. حال عجیبی پیدا کردم و مرتب نام ایشان را تکرار می کردم تا از یادم نرود.

این داستان بر سر زبانها افتاد و نقل مجالس شد و به برکت حضرت زهرا علیها السلام و عنایات ایشان جمع بسیاری از آرامنه و وابستگان این دختر به دین اسلام شرفیاب شدند.

دلیل نگاشتن رساله ای درباره زیارت عاشورا توسط آیه الله اراکی

مرحوم آیه الله آقای شیخ عبدالنبی اراکی می نویسند: یکی از وجوه معنای حدیث شریف « ما اوذی نبی مثل ما أوذیت » آزار ناشی از آگاهی نسبت به حوادث بعد از رحلت پیامبر ناله بود. پیغمبر اکرم نه از طریق علمی که خداوند به ایشان عطا کرده بود، نسبت به تمامی ظلم هایی که غاصبان خلافت بر اهل بیت ایشان و شیعیان روا می داشتند، آگاه بودند و همین آگاهی، روح بلند و حساس آن حضرت را آزار می داد. خداوند هم بواسطه این که پیغمبر در اثر اطلاع از این حوادث، افسرده و محزون شده بودند، زیارت عاشورا را برای پیامبر و امت ایشان در نظر گرفت و خواص دنیوی و اخروی بسیاری را در این زیارت منظور داشت و خود نتیجه بخشی توسل به این زیارت را ضمانت نمود. سپس خداوند متعال زیارت عاشورا را به جبرئیل تعلیم نمود تا آن را به رسول خدا مایه و اهل بیت گرامیش علیهم السلام

برساند، تا هم آنها و هم شیعیان و محبین اهل بیت را از آن خشنود و مسرور گردند و برای بهره‌گیری از فواید دنیوی و اخروی این زیارت، بدان متوسل شوند. بدین ترتیب زیارت عاشورا از طریق امام جعفر صادق علیه السلام و به واسطه امامان پیش از ایشان، از پیغمبر اکرم به روایت شده است. پیامبر نیز این زیارت را از جبرئیل امین و او از قلم و او از لوح و او از پروردگار عالمیان فراگرفته و تضمین شده است که هر کس این زیارت را برای رفع حاجتی بخواند، خداوند عالم حاجت وی را به قدرت کامله خود و به فضلش بر محمد و آل محمد و شیعیان و محبین آنها برآورده خواهد نمود. ایشان در ادامه چنین می‌نویسند: بنده پس از فراغت از تدوین رساله ای علمی، برای برآورده شدن حاجتی که انجام آن از طرق معمول محال بود، به قرائت زیارت عاشورا پرداختم و خداوند به حرمت خاندان پیامبر، در اسرع وقت دعایم را اجابت نمود و اکنون، هر گاه که به چگونگی اجابت در خواستم فکر می‌کنم، در تحیر فرو می‌روم. بدین جهت تصمیم گرفتم تا مطالب مختصری درباره توسل به این زیارت بنویسم تا هر کس، هر حاجتی دارد، به صورتی که در این رساله توضیح داده شده، این زیارت را بخواند و یقین داشته باشد که حاجت وی برآورده خواهد شد.

آیه الله طباطبایی با زیارت عاشورا شفای مریضی را می‌گیرند

یکی از فامیل‌های نزدیک آیه الله سید زین العابدین طباطبایی ابرقویی، دچار دل‌درد شدیدی می‌شود، به حدی که خون از گلوی او بیرون می‌آید. دکترهای

اصفهان از معالجه او مأیوس شده و دستور می‌دهند مریض را برای انجام عمل جراحی به تهران منتقل کنند. اطرافیان جریان را برای آقا سید زین العابدین نقل می‌کنند و از ایشان درخواست دعا و توسل می‌نمایند. ایشان به فرزندان خود می‌گویند که وضوء بگیرید و در میان آفتاب به خواندن زیارت عاشورا مشغول شوید و شفای بیمار را از خداوند طلب کنید. خود ایشان هم مشغول خواندن زیارت عاشورا می‌شوند. پس از ساعتی

ناگهان آقا سید زین العابدین از اطاق خود بیرون می آیند و می گویند : شفا حاصل شد، برخیزید و به مادرتان مژده دهید که خداوند برادرشان را شفا داد. (1)

شفای بچه فلجی که در حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام

حجة الاسلام آقای سید ابوالفضل مدرسی از سادات شریف قم می نویسند : سالهائی برای تبلیغ ایام محرم به شهرستان ورامین می رفتم ، روزی برای کاری به مغازه یکی از دوستان رفتم با سرهنگ بازنشسته ای که حدود 70 سال از عمرش گذشته بود آشنا شدم ، صحبت هائی به میان آمد در ضمن نام مقدس حضرت ابوالفضل علیه السلام برده شد ، سرهنگ گفت : جریانی را که خود در حرم مطهر حضرت عباس علیه السلام دیدم نقل کنم : سالی کربلا مشرف شدم ، روزی موفق شدم تشریف پیدا کنم به حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام ، ناگاه سر و صدائی شنیدم جلو رفتم بینم چه خبر است ، دیدم عده ای به ضریح حضرت چسبیده و دعا می کنند و عده ای با ناراحتی گوشه ای ایستاده ناظر اعمال آن دیگر هستند ، بچه ای در وسط این دسته بدنش مثل یک تکه گوشت ناتوان و فلج بود ، سؤال کردم گفتند : دختر و پسری از این دو طایفه با هم ازدواج کرده ، بچه ای چنین ناقص از آنها به وجود آمده و آن گروهی که دعا و توسل دارند شیعه هستند و آن گروه دیگر سنی و این گروه تهدید می کنند اگر بچه شفا پیدا نکرد چنین و چنان می کنیم ، یک وقت دیدم آن بچه علیل و مریض شروع کرد به حرکت کردن با بدن سالم به شکل یک انسان طبیعی براه افتاد حرم مطهر یکپارچه غرق سرور و شادی و صلوات بر محمد و آل محمد شد .

ص: 209

شفای حاج شیخ عبدالکریم حائری مؤسس حوزه علمیه قم با توسل به حضرت ابوالفضل علیه السلام

مرحوم آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری در یادداشت های خود نسبت به پدرشان مرحوم آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حائری می نویسند : زمانی آیه الله حاج شیخ عبدالکریم مریض شدند ، نذر کردند گوسفند خاصی را در راه حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام بکشند ، گوسفندی را می کشند ، حال ایشان بهتر نمی شود مرحوم حائری گلایه از حضرت ابوالفضل علیه السلام می کنند ولیکن بزودی متوجه می شوند می گویند باید تو همان گوسفند مخصوص را که نذر کردی بکشی از این رو همان گوسفند را می کشند ، ایشان شفا می یابند و مرحوم حاج شیخ مرتضی حائری می نویسند مقداری از این گوسفند دوم را خودم تقسیم کردم .

ص: 210

(ضرورت پناه بردن مردم به اهل بيت عليهم السلام در كلام آية الله سيد على موحد ابطحي قدس سره)

ص: 211

از روزی که بشر به خود آمد و در زندگی با گرفتاری های مختلف روبه رو شد ، نیازمندی خود را دریافت و درصدد برآمد تا بنابر فطرت خود ، این نیازها را با کمک گرفتن از دیگران برطرف سازد. در این میان ، انسان هایی که نیازهایشان به نیازهای مادی محدود نمی شد ، به عالم دیگر توجه یافتند و ارتباط و بهره گیری از آن عالم را سرلوحه نیازهای زندگی خود قرار دادند . همین احساس نیاز به ارتباط با عالم غیب و راهیابی به حق و حقیقت ، موجب آن شد که یکی از اصلی ترین برنامه های پیامبران و اولیای الهی به این مریبان بزرگ انسان در طول تاریخ آشنا کردن آدمیان با عالم غیب ، چگونگی ارتباط با آن از طریق دعا و توسل ، توجه دادن افکار و نفوس انسانی به مبدأ هستی بخش و استمداد از منبع فیض بی پایان حضرت حق جل و علا باشد؛ تا آنجا که بخش عظیمی از کتاب های آسمانی ، به ویژه قرآن مجید و روایات معصومان علا-، بدین مهم اختصاص یافته است . از طرف دیگر تأثیر ارتباط با عالم غیب از طریق دعا، توسل و توجه به امور معنوی ، در رفع مشکلات مختلف روحی و جسمی ، برای آنان که با دعا انس گرفته اند و با خداوند بزرگ پیوندی محکم دارند ، بسیار بیدیهی و روشن است . بسیاری از مردم آثار شگفت دعاها و توسلات را در رفع بیماری ها دیده یا از دیگران شنیده اند و به چنین تأثیری ایمان دارند . کتاب های بسیاری در این زمینه نگاشته شده و در برخی علوم ، از جمله روان شناسی ، در زمینه تأثیر امور معنوی و اعتقاد به عالم غیب ، در زندگی آدمیان و رفع مشکلات جسمی و روحی ، تحقیقات بسیاری صورت گرفته است . برای خوانندگان محترم روشن است که هدف ما از بیان این مطالب آن نیست که انسان ها وسیله ها و واسطه های طبیعی را در رفع مشکلات مادی خود نادیده انگارند و به طور مثال ، مراکز آموزشی و

تحقیقاتی پزشکی را تعطیل کنند و به جای مراجعه به بیمارستان ها و مراکز بهداشتی و استفاده از داروها و بهره مندی از دستاوردهای بشری، به مساجد و مشاهد روی آورند و بکوشند تا تنها و تنها از طریق دعا و توسل، شفای خود یا بیمارشان را به دست آورند، یا بدون بهره گیری از مشاوره با مؤمنان دلسوز و آگاه برای گشودن گره های مختلف زندگی، تنها با استفاده از دعا و توسل، درصدد گشایی از کار خود برآیند؛ بلکه هدف توجه دادن به این مطلب است که در کنار همه برنامه های مادی و واسطه های دنیوی، امور معنوی، از جمله دعاها و توسلات را نیز باید در نظر داشت و دانست که تمامی این اسباب و وسائل، به خواست و اراده خداوند متعال در امور تأثیر می گذارند.

بهره گیری پیامبران از امور مادی برای رفع مشکلات

چنانکه اشاره شد، هدف از بیان نقش امور معنوی در رفع مشکلات مادی و دنیوی، نادیده انگاشتن تأثیر عوامل مادی در پدیده ها نیست. احادیث بسیاری از معصومان علیهم السلام وجود دارد که نشان می دهد انبیا و اولیای الهی، که خود واسطه فیض پروردگارند و بیشترین ارتباط را با عالم غیب دارند، برای رفع مشکلات و گرفتاری های خود، از عوامل مادی بهره گرفته اند. در حدیثی آمده است که « روزی حضرت موسی علیه السلام بیمار شدند و تصمیم گرفتند برای بهبود بیماری خود از داروهای گیاهی استفاده نکنند. در این هنگام از جانب پروردگار عالم به ایشان خطاب شد که: « ای موسی! با این کار، حکمت و اسرار خلقت را از بین می بری؛ چرا که من خود این فوائد با ارزش را در گیاهان قرار داده ام ». (1)

حال سؤال اینجاست که اگر انبیا و اولیای الهی و دیگر انسان ها باید برای رفع مشکلات خود از امور مادی و ظاهری بهره برند، پس دعاها و توسلات چه نقشی در

ص: 213

زندگی بشر دارند؟ به بیان دیگر، رابطه میان امور مادی و امور معنوی در رفع مشکلات آدمیان چگونه است؟ در پاسخ بدین سؤال باید گفت: انسان‌ها وظیفه دارند که از اسباب و علل مادی بهره‌گیرند، ولی در کنار این، به آنها توجه داده شده که سبب اصلی و علت واقعی تمام امور، پروردگار عالمیان است؛ اوست که این خواص و ویژگی‌ها را در امور مادی قرار داده است و بی‌خواست او، این اسباب و علل، تأثیرگذار نخواهند بود. در روایتی آمده است که حضرت موسی علیه السلام به دل درد شدیدی مبتلا شدند و از خداوند متعال خواستند که ایشان را کمک کند و آن درد را از ایشان برطرف سازد. از جانب پروردگار عالم خطاب آمد که اگر از فلان گیاه بیابانی استفاده کنی، خوب خواهی شد. حضرت موسی علیه السلام به آن دستور عمل کردند و نتیجه گرفتند. چندی بعد، دوباره به همان درد دچار شدند و به سراغ همان گیاه رفتند و از آن استفاده کردند، ولی نه تنها آن گیاه اثر درمانی نداشت، بلکه بر درد و ناراحتی ایشان افزود. حضرت موسی علیه السلام رو به درگاه خداوند کرده، گفتند: خدایا! چرا آن گیاه این بار خاصیت درمانی نداشت؟ از جانب پروردگار وحی آمد: تو بار اول با دستور من و با ذکر نام من سراغ آن گیاه رفتی و آن را مصرف کردی و شفا یافتی؛ ولی این بار از طرف خود و بی‌یاد من از آن استفاده کردی، نتیجه اش آن شد که به جای درمان، دردت بیشتر شد. ای موسی! مگر نمی‌دانی که دنیا همه زهر کشنده و دوی آن نام من است. (1)

آثار شگفت توجه به پروردگار در امور مادی و دنیوی

بیان شد که دعا و نیایش و توجه به سبب اصلی پدیده‌ها، نه تنها انسان را در محیطی معنوی و ملکوتی و فضایی نشاط‌آور و شغف‌انگیز قرار می‌دهد، بلکه می‌تواند گرفتاری‌های بزرگ و کوچک آدمی را نیز برطرف سازد. زندگی انبیا و اولیای

ص: 214

1- . تفسیر فخر رازی، ج 1، ص 173.

الهی سرشار است از عنایات پروردگار به آنها، به هنگام سختی ها و گرفتاری ها . وقتی این حوادث خارق العاده و عنایات ویژه دست به دست هم می دهد و از پیش چشم آدمی می گذرد ، او را در فضای تازه ای وارد می کند که کاوش در آن پرمعنا و ظریف و راه پیدا کردن به آن بسیار سودمند و جالب است . آدمی در مواجهه با سختی ها و گرفتاری هاست که به گونه ای مؤثر به ابعاد وجودی خود توجه می کند و به فقر ذاتی خود پی می برد و به طبقه بندی و ارزش گذاری گونه های مختلف نیازهایش اقدام می کند . تنها در عرصه های بسیار دشوار زندگی است که آدمیان در می یابند چنانکه برای تداوم زندگانی خود به هوا، آب، غذا و ... نیازمندند، به وجود یک ذات غنی ، که همان خالق آسمان ها و زمین و پروردگار تمامی موجودات است ، نیاز دارند و محتاج عنایات ویژه او هستند .

در این بخش ، به رغم اینکه موضوع این کتاب ، دعا و نیایش و نقش آن در زندگی آدمیان نیست ، اما از باب توجه و تذکر، شایسته است به نمونه های شگفتی از آثار توسل به درگاه پروردگار عالم اشاره کنیم تا اندیشه و احساس و عقل و دل همگان بیش از پیش مهبیای بهره مندی از آثار آن شود .

1. هنگامی که حضرت نوح علیه السلام پس از سال ها دعوت مردم به سوی پروردگار ، با مردم بداندیش و بد رفتار روبه رو شدند ، دست نیاز به سوی پروردگار عالم بلند کردند و خداوند متعال نیز ایشان و پیروانشان را از سختی ها نجات بخشید و دشمنان را در طوفانی بزرگ غرق کرد :

«وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ»؛ «وَنَصَّ رِنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ» (1)

ص: 215

2. حضرت ایوب علیه السلام نیز پس از تحمل رنج‌ها و گرفتاری‌های فراوان، دست به دعا برداشتند و خداوند متعال ایشان را مورد عنایت خود قرار داد: «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»؛ «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ» (1).

3. حضرت یونس علیه السلام نیز پس از آنکه آن ماهی بزرگ ایشان را بلعید و دیگر امیدی به کمک هیچ کس نداشتند، در دل تاریکی (شکم ماهی) خداوند را مورد خطاب قرار دادند و دعایشان مستجاب شد: «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»؛ «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ» (2).

4. حضرت زکریا علیه السلام در پیری و در حالی که همسرشان نازا بودند، دست به دعا برداشته و از خداوند فرزندی خواستند که ادامه دهنده راه ایشان باشد. پروردگار عالم نیز دعای ایشان را به اجابت رساند و حضرت یحیی ما را به ایشان عنایت فرمود: «وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ»؛ «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصَدَّقْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ» (3).

5. زمانی که حضرت یوسف علیه السلام با نیرنگ زنان دربار مواجه شدند و هیچ راه نجاتی نیافتند. از خداوند خواستند تا به زندان افتند تا از کید زنان در امان باشند و خداوند دعای ایشان را اجابت کرد: «قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا

ص: 216

1- . أنبياء، 83-84.

2- . أنبياء، 87-88.

3- . انبياء / 90-89.

تَصْرَفَ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ»؛ «فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ». (1)

6. حضرت عیسی علیه السلام نیز با بلند کردن دست دعا به سوی پروردگار عالم، بیماران لاعلاج را به اذن او شفا می دادند: «وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ وَأُحْيِي الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ». (2)

و چه بسیار است آیات قرآن که نشان می دهد هنگامی که بندگان در مانده از همه جا، روی به سوی خداوند متعال آورند و در کمال خضوع و خشوع او را بخوانند، خداوند نیز خواسته های آنها را برآورده می سازد. اما این برآورده شدن حاجات و اجابت دعاها، اختصاصی به پیامبران و اولیای الهی ندارد؛ چرا که خداوند متعال خود در قرآن وعده داده است که مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم (3)

و بی شک اگر موانعی در کار نباشد و صلاح بنده در برآورده شدن حاجتش باشد، خداوند دعای بندگان را مستجاب می کند؛ در غیر این صورت پاداشی برای دعا کننده در نظر می گیرد که در قیامت آن شخص حسرت می خورد که ای کاش هیچ یک از دعاهایش در دنیا مستجاب نمی شد. (4)

حضرت علی علیه السلام نیز در نامه خود به امام حسن علیه السلام در ارتباط با دلایل به تأخیر افتادن استجابت دعا فرموده اند:

ص: 217

1- . یوسف، 33-34.

2- . آل عمران، 49.

3- . «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» غافر، 60.

4- . کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج 2، ص 490؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج 90، ص 378.

فَلَا [يُقْنِطَنَّكَ] يُقْنِطَنَّكَ إِطْمَاءُ إِجَابَتِهِ فَإِنَّ الْعَطِيَّةَ عَلَى قَدْرِ النِّيَّةِ وَرُبَّمَا أَخَّرْتُ عَنْكَ الْإِجَابَةَ لِيَكُونَ ذَلِكَ أَعْظَمَ لِأَجْرِ السَّائِلِ وَ أَجْزَلَ لِعَطَاءِ الْأَهْلِ وَرُبَّمَا سَأَلْتَ الشَّيْءَ فَلَا [نُعْطَاهُ] تُؤْتَاهُ وَ أُوتِيَتْ خَيْرًا مِنْهُ عَاجِلًا أَوْ آجِلًا أَوْ صَرَفَ عَنْكَ لِمَا هُوَ خَيْرٌ لَكَ فَلَرُبَّ أَمْرٍ قَدْ طَلَبْتَهُ فِيهِ هَلَكَ دِينُكَ لَوْ أُوتِيَتْهُ.

اگر پاسخ تو دیر رسید موجب نا امیدیت نشود؛ چرا که خداوند متعال عطایا را به قدر نیت افراد می دهد. گاه پاسخ تو را دیر می دهد تا جرت افزون تر باشد. گاه چیزی را می خواهی که به تو نمی دهد، ولی دیر یا زود بهتر از آن را می دهد. گاه نیز به تو نمی دهد تا مبادا به توزیانی برسد. بسا چیزها که تو می خواهی، اما اگر آن را به تو بدهند، موجب نابودی دینت می شود. (1)

مکان دعا

روشن است برای ارتباط با خداوند عالم هیچ گونه محدودیت مکانی وجود ندارد. در هر مکانی می توان با پروردگار عالم ارتباط برقرار کرد و حاجات خود را از او طلبید؛ ولی مسلم است که مکان های پاک و مقدس از یکسو در ایجاد زمینه روحی بهتر برای توجه قلبی به عالم اعلا و از سوی دیگر به دلیل عنایات خاص پروردگار به آن مکانها، دارای آثار ویژه ای هستند. «فِي بُيُوتِ الَّذِينَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ» (2) (در خانه هایی است که خدا والایی آن را رخصت داده و در آن نام خدا ذکر شود همانا که در آن صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند) آنچه در جمع بندی از روایات در ارتباط با مکان دعا قابل بیان است آنکه اگر دعا و نیایش در مکانهایی چون مسجد الحرام، کنار خانه کعبه، حرم مطهر امام

ص: 218

1- . نهج البلاغه، نامه 31

2- . نور؛ آیه 36.

حسین علیه السلام، به ویژه زیر قبه آن بزرگوار(1).

و اگر هیچ یک از اینها میسر نشد، در مسجد مقدسی صورت گیرد، زودتر به نتیجه می رسد.

زمان دعا

چنانکه در مورد مکان دعا، هیچ محدودیتی وجود ندارد، ولی دعا در مکانهای خاص بیشتر به اجابت نزدیک است، در مورد زمان دعا نیز چنین است؛ هر چند در هر حال و زمان می توان با خداوند نیایش کرد و خواسته های خود را از او طلبید؛ ولی دعا و توسل در برخی زمان ها بهتر نتیجه می دهد. برای مثال در روایات آمده است که دعا پس از انجام فرایض، هنگام نزول باران، شب جمعه، هنگام افطار و... به اجابت نزدیک تر است. در داستان حضرت یوسف عطا می بینیم که وقتی برادران یوسف لا- متوجه خطا و اشتباه بزرگ خود شدند، نزد پدر خود آمدند تا آن حضرت از درگاه خداوند برای آنان طلب آمرزش کند، حضرت یعقوب عل نیز طلب غفران برای فرزندان خود را به زمان دیگر را می گذارند:

«قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ» (قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ)(2)

در تفسیر این آیه آمده است که علت به تأخیر انداختن دعا آن بود که حضرت یعقوب علیه السلام می خواستند در شب جمعه، که زمان مناسب تری برای اجابت دعاست، برای فرزندان خود دعا کنند.(3)

ص: 219

1- در زیارت ناحیه مقدسه آمده است که دعا در زیر قبه حضرت سید الشهداء علیه السلام مستجاب است: «السلام علی من الاجابه تحت قبته: سلام بر آنکه اجابت دعا در زیر قبه اوست»؛ همچنین در روایتی دیگر آمده است: «الشفاء فی تربته و اجابه الدعاء عند قبره؛ شفا در تربت او و اجابت دعا در کنار قبر اوست» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 14، باب 37 و باب 76).

2- یوسف، 97-98.

3- بحرانی، سید هاشم، تفسیر برهان، ج 3، ص 206 - 207.

اگر چه هر گونه توجهی به پروردگار عالم تأثیری انکارناپذیر دارد، ولی این نکته را نیز باید در نظر گرفت که برای وارد شدن به هر جا و کسب توفیق کامل در هر کار، باید از راه آن وارد شد. قرآن مجید در این زمینه می فرماید:

« وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ » (1) و بهترین راه در زمینه دعا و توسل، راه هایی است که اهل بیت عصمت و طهارت لال خود به ما نشان داده اند و آن، پذیرفتن ولایت آنها و تلاش و کوشش خالصانه در این راه است. محمد بن مسلم، از اصحاب امام باقر و امام صادق الان در حدیثی نقل می کند: از امام؟ پرسیدم: کسی را می شناسیم که در عبادت، خضوع و خشوع بسیار دارد، ولی امامت شما را نپذیرفته است؛ آیا عبادت ها و کوشش های دینی او به حالش سودی دارد؟ امام؟ در پاسخ فرمودند: ای ابا محمد! مثال ما اهل بیت، مثال آن خاندانی است که در بنی اسرائیل بودند که هرگاه چهل شب به درگاه خدا راز و نیاز می کردند، دعایشان به اجابت می رسید، ولی یکی از آنها چهل شب عبادت و راز و نیاز کرد و دعایش مستجاب نشد. آن شخص نزد حضرت عیسی علیه السلام رفت و گلایه کرد و از آن بزرگوار خواست که برای او دعا کنند. حضرت عیسی علیه السلام وضو گرفتند و نمازی خواندند و برای آن شخص دعا کردند. پس از آن، خداوند به پیامبرش وحی فرمود: بنده من از غیر آن دری که باید نزد آمد، آمد و دلش به نبوت شما ثبات و قرار نداشت و به همین دلیل دعایش مستجاب نگردید. این حدیث شریف نشان می دهد که اعتقاد کامل و یقین استوار به پروردگار عالم، پیامبر گرامی و ائمه اطهار علیهم السلام شرط لازم برای استجاب دعاست و بدون باور داشتن به ولایت اهل بیت علیهم السلام استجاب دعا با مانع روبه رو خواهد شد.

ص: 220

چنان برای دنیایت کار کن که گویی تا ابد زنده ای و چنان برای آخرت کار کن که گویا همین فردا از دنیا خواهی رفت . یا در حدیث دیگری چنین آمده است : « لَيْسَ مِمَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَلَا آخِرَتُهُ لِدُنْيَاهُ ».(1) « کسی که دنیایش را برای آخرتش یا آخرتش را برای دنیایش ترک گوید ، از ما نیست » روشن است که اگر کسی چنین منطقی را سرمشق رفتار و کردار خود قرار دهد ، مجاز خواهد بود که هم در برنامه ریزی دراز مدت امور دنیایی اش به آن قدرت بی حد و مرز تکیه کند و هم در امر آخرت و رشد و پرورش ابعاد روحی و معنوی اش ، از او مدد بگیرد . در این صورت چنین شخصی مصداق بارزی از این آیه شریفه خواهد بود که : « وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ » .(2)

از طرف دیگر ، آنانکه خود را در مسیر سلامت و تسلیم (اسلام) قرار داده اند ، آموخته اند که خداوند متعال در زمین ، واسطه های فیضی دارد که از طریق آنها نعم خویش را بر بندگان خود عنایت می دارد و هم او از بندگانش خواسته است که از طریق این واسطه ها به وی تقرب جویند :

« يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ » .(3)

و طبق آنچه در فرمایش ائمه معصومین علیهم السلام نمی آمده است ، این واسطه های فیض جز حضرت محمد و اهلیت پاک ایشان صلوات الله علیهم اجمعین نمی باشند .(4) همان کسانی که بواسطه آنها عالم هستی خلق گردیده است و باران از آسمان فرو

ص: 221

1- . وسایل الشیعه، ج 17 ص 76.

2- . بقره، 201.

3- . مائده ، 35.

4- . المناقب ، ج 3 ص 75؛ تفسیر القمی، ج 1 ص 168.

می بارد و آسمان از سقوط بر زمین باز می ایستد و اندوه و گرفتگی از انسان دور می گردد و ... «بِكُمْ فَتَّحَّ اللَّهُ وَبِكُمْ يَخْتِمُ وَبِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَبِكُمْ يُنْفَسُ النَّهْمُ وَيُكَشَفُ الضَّرُّ...» (1).

در این بین، نکته قابل توجه آن است که با گذشت زمان و پیشرفت چشمگیر علوم و فنون، نه تنها توجه و عنایت آدمیان به عوالم معنوی از بین نرفته و کهنه و فرسوده نشده، بلکه همزمان با کنار رفتن مدام پرده های جهل و نادانی، مفاهیمی همچون عالم معنا و دعا و توسل و نقش آنها در زندگی فردی و اجتماعی روشن تر گشته است و توجه به عالم قدسی به طور روز افزون گسترش یافته و این مطلبی است که بسیاری از روان شناسان و جامعه شناسان بدان معترفند.

معصومین بزرگترین آموزگاران ادعیه، مناجات و زیارات

اما سؤال مهمی که در این قسمت به ذهن انسان خطور می کند، آن است که چگونه باید با عالم معنا و خداوند متعال و واسطه های فیض او ارتباط برقرار کرد؟ پاسخ به این سؤال از آن جایی اهمیت می یابد که اخلاق و ادب اقتضاء می کند تا انسان در حضور اشخاص مختلف به شیوه مناسب و مقتضی سخن گوید. بدیهی است که شیوه سخن گفتن با کافران و جاهلان باید با نحوه سخن گفتن با مؤمنان و عالمان متفاوت باشد. بر همین اساس انسان ها قبل از مراجعه به هر شخصی موقعیت آن شخص را مورد شناسایی قرار می دهند تا در هنگام حضور و در موقع سخن گفتن، آداب شایسته و لازم را به جای آورند. از طرف دیگر روشن است که شیوه های سخن گفتن با اشخاص مختلف جامعه را می توان از طریق مراجعه به عرف حاکم در جامعه فرا گرفت. اما در مورد سخن گفتن با خدای هستی بخش و عرض حاجت به او و همچنین برای فراگرفتن شیوه صحیح زیارت و توسل به خاندان

ص: 222

وحی، راهی جز مراجعه به خود اهل بیت علیهم السلام وجود ندارد؛ زیرا هیچ کس چون آنها نسبت به خداوند متعال و مقام ولایت اهل بیت آشنایی و معرفت ندارد. شناخت کامل اهل بیت عصمت و طهارت بالا نسبت به عوالم مختلف جهان هستی و به خصوص آشنایی آنها با ابعاد وجودی انسان و فقر وجودی او نسبت به پروردگار عالم و همچنین شناخت آنها نسبت به مقام عظیم ولایت، سبب گردیده که پرمحتواترین ادعیه، مناجات‌ها و زیارت‌ها از زبان این خاندان صادر گردد. خوشبختانه بخش اعظمی از این ادعیه و زیارات به دست ما رسیده است و این ادعیه و زیارات می‌توانند سرمشق و الگوی مناسبی برای سخن گفتن با پروردگار عالم و خاندان رسالت له باشند. با مراجعه و دقت در ادعیه و زیارات، به مواردی برخورد می‌کنیم که از برجستگی‌های خاص ادبی و محتوایی برخوردار هستند. دعای کمیل، دعای عرفه، دعای ابوحمزه ثمالی، دعای ندبه، مناجات خمس عشره، زیارت امین الله، زیارت جامعه کبیره، زیارت ناحیه مقدسه، زیارت عاشورا و... بخش کوچکی از ادعیه و مناجات‌های پر محتوایی هستند که مورد استقبال و توجه عمومی نیز قرار گرفته‌اند. مجموعه این ادعیه و زیارات با مضامین عالی خود می‌توانند درس‌های ارزنده‌ای از معارف مختلف در عرصه‌های خداشناسی، انسان‌شناسی، امام‌شناسی و اخلاق و ادب دینی را به ما انسان‌ها بیاموزند.

زیارات و نکات آموزنده آن

یکی از شیوه‌های توسل به خاندان وحی و واسطه‌های فیض میان خالق و مخلوق، زیارت آن معصومین از راه دور یا نزدیک است. خوشبختانه اهل بیت پیامبر به برای آموزش شیعیان و محبین خود، آداب زیارت و شیوه‌های صحیح سخن گفتن در حضور امامان معصوم را بیان داشته‌اند. عباراتی که در زیارت‌های مأثوره ذکر گردیده، منبع غنی‌ای از معارف اهل بیت و تاریخ اسلام و سرگذشت ائمه هدی علیهم السلام

می باشد، به طوری که به یقین می توان گفت اگر کسی بخواهد امامان شیعه را بشناسد و با مقام ولایت اهل بیت آشنا شود، نمی تواند خود را نسبت به این زیارت ها بی نیاز بداند. زیارت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام علاوه بر ابعاد عالی معرفتی و شناختی، دارای آثار و برکات شگفت دنیوی و اخروی و مادی و معنوی نیز می باشد و همین مسئله باعث شده است که شیعیان و محبین خاندان وحی، با درجات مختلف علمی و روحی، مشتاق و شیفته این زیارات بوده و حاجات مختلف خود را از طریق توسل به این زیارت ها و دیگر توسلات مشروع برآورده سازند. (1)

سلام و لعن تجلی دو اصل از فروع دین

در پناه ولایت و براءت

در زیارت عاشورا تعداد زیادی سلام و لعن وجود دارد. برخی از سلام ها به اشخاص خاص اشاره دارد؛ برای مثال « اَسْلَامٌ عَلَیْكَ يَا اَبَاعَبْدِ اللّٰهِ » و برخی دیگر به طور عمومی به فرزندان و اصحاب امام حسین سلام می شود. همین طور در مورد لعنها، برخی از لعنها شخصی است؛ مانند: « اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَبَسُفِیَانَ وَ مُعَاوِیَةَ وَ یَزِیدَ بَنَ مُعَاوِیَةَ » و برخی دیگر لعن به یک گروه و دسته می باشد؛ مثل: « اَللّٰهُمَّ الْعَنْ الْعِصَابَةَ الَّتِی (الَّذِیْنَ) جَاهَدَتْ الْحُسَیْنَ وَ شَایَعَتْ وَ بَایَعَتْ وَ تَابَعَتْ (تَابَعَتْ) عَلَی قَتْلِهِ ».

همانگونه که خوانندگان محترم می دانند، یکی از فروع دین مبین اسلام تولی (یعنی دوست داشتن اهل بیت لال و پیروی کردن از سیره و روش اولیاء الله) و یکی دیگر از این فروع، تبری (یعنی دوری جستن از حالات و حرکات دشمنان خداوند) است.

حال باید دید که دوستان و دشمنان خدا چه کسانی هستند؟ خداوند متعال در قرآن بیان داشته است که صفات مورد علاقه او چیست و از چه حالات و رفتارهایی بیزار است. به عبارت دیگر خداوند در آیات قرآن اعلام کرده است که مرتبه کمال

ص: 224

انسانیت را در کجا و چگونه باید یافت. (1) همچنین در این آیات آمده است که وجود چه خصلت‌هایی آدمی را به مرحله پایین‌تر از حیوانات تنزل خواهد داد. (2)

پس از ذکر این مقدمه می‌توان گفت که حکمت سلام فرستادن بر اولیاء خدا و اعلان برائت از دشمنان خدا آن است که موضع آدمی را در میان دو گروه حق و باطل معین سازد. به عبارتی سلام بر اولیاء الهی، بازگوکننده میل درونی انسان به حق و حقیقت و راستی و خلوص است. از طرف دیگر لعن کردن دشمنان خدا و رسول و مؤمنین، به معنی بیزاری جستن از این افراد و دسته‌ها می‌باشد و به این طریق ما از خداوند متعال و پیامبر و جانشینان آن حضرت می‌خواهیم ما را در رسیدن به فضائل اخلاقی و کرامات انسانی یاری نمایند و آن رذایل اخلاقی که موجب دوری از رحمت و قرب پروردگار و فاصله گرفتن از دوستی و مودت آن بزرگواران می‌گردد را از ما دور بدارند.

جایگاه ویژه تبری (لعن) نسبت به تولی (سلام)

در این بین تبری نسبت به تولی از جایگاه ویژه و ممتازی برخوردار است، چرا که حقیقت و راستی، زیبایی‌های خاصی دارد که انسان‌های مختلف را به سوی خود جذب می‌کند. حتی بدترین افراد نیز وقتی در مقابل شخصیتی با صفا و صادق قرار می‌گیرند، در خود احساس خضوع و خشوع می‌کنند از این رو می‌بینیم که دشمنان اهل بیت علیهم السلام بارها و بارها به فضایل خاندان پیامبر اعتراف کرده‌اند. خلفای اهل

ص: 225

1- «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» ؛ «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ» .. به راستی که مؤمنان به سعادت دست یافتند. آنان که در نمازشان فروتن اند.. مؤمنون، 1-10.

2- «لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» آنان را دل‌هایی است که به آنها حقیقت را در نمی‌یابند و دیدگانی دارند که به آنها آیات حق را نمی‌بینند و برایشان گوش‌هایی است که به آنها سخن حق را نمی‌شنوند. آنان همانند دام‌ها هستند بلکه از آنها گمراه‌ترند آنان بی‌خبراند. اعراف، 179.

سنت و به خصوص خلیفه دوم، بارها اعتراف کرده اند که اگر علی علیه السلام نبود، شالوده حکومت شان از هم می پاشید. معاویه بارها و بارها از فضایل علی علیه السلام و فرزندانش صحبت کرده است. مشهور است که مأمون در مقام بحث به واسطه ویژگی های اهلیت علیهم السلام حق آن ها را در مقام حکومت و ولایت بر مردم، اثبات نموده است. اما تمام این افراد در مقام عمل، کار دیگری انجام دادند و حاضر نشدند از مال و مقام دنیا بگذرند و ولایت مسلمین را به کسی بسپارند که شایستگی آن را دارد. از اینجاست که جایگاه ویژه تبری نسبت به تولی مشخص می شود. به عبارت دیگر ممکن است فردی بر اساس بخشی از فطرت پاک و الهی که در ضمیر او باقی مانده، نسبت به اولیاء خدا اظهار علاقه و محبت کند، منتهی خا و نسبت به مال و مقام دنیا نیز باعث شود که تمام آن فضایل را نادیده گرد و پا بر فطرت الهی خود بگذارد و هر گونه ظلم و ستمی را بر اولیاء خدا روا دارد. تاریخ شاهد افراد بسیاری بوده است که نمازشان را پشت سر فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می خواندند، ولی نمی توانستند سفره رنگین امثال معاویه و یزید را رها کنند. با توجه به این توضیحات، همراهی تولی و تبری و جایگاه ویژه تبری در فروع دین مشخص می گردد.

تولی و تبری از شروط تقرب به پروردگار عالم می باشد: اِنِّی اَتَقَرَّبُ اِلَی اللّهِ وَ اِلَی رَسُوْلِهِ... وَ اِلَیْکَ بِمُؤَالَاتِکَ وَ بِالْبِرَّائَةِ مِنْ اَعْدَائِکُمْ.

در این فراز از زیارت عاشورا چنین زمزمه می نماییم: ای امام حسین! من به وسیله پیروی کردن از شما و دوری گزیدن از منش و رفتار دشمنانتان، خودم را به خداوند متعال و رسول گرامیش و همچنین به حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن علیهما السلام و شما نزدیک می سازم اولین سؤال در مورد این فراز از زیارت آن است که معنای تقرب به سوی خداوند متعال چیست؟ یقیناً مراد از تقرب به پروردگار در اینجا، تقرب مادی و جسمانی نیست، چرا که خداوند جسمی ندارد که تقرب

مکانی به او معنی پیدا کند. منظور از تقرب در این بند از زیارت، تقرب معنوی نسبت به خداوند متعال است. به عبارت دیگر می توان گفت که انسان ها با رشد روحی و معنوی خود می توانند خود را به خداوند نزدیک کرده عنایت خاص پروردگار عالم را متوجه خود کنند. آری انسان از طریق تقرب به سوی پروردگار می تواند صفات خدایی پیدا کند، با چشم او ببیند، با گوش او بشنود و حتی هر گاه چیزی را اراده نمود، آن چیز خلق یا حاضر گردد. (1)

نکته دیگر در این بخش از زیارت آن است که دوست داشتن امام حسین علت و دشمنی با دشمنان ایشان چه نقشی در تقرب به سوی پروردگار و پیامبر نایه و دیگر معصومین علیهم السلام دارد؟ در تفسیر آیه شریفه «إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِنَ النَّاسِ» (2) از امام باقر علیه السلام نقل شده است که ریسمان الهی قرآن است و ریسمان انسانی که شما انسانها را به خدا نزدیک می کند، علی بن ابیطالب علیهما السلام (اهلبیت) می باشند. (3)

همچنین خداوند متعال از مسلمانان خواسته است تا با وسایلی که تعیین نموده به سوی او حرکت کنند تا راه راست را پیموده و از کجروی دوری نمایند «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» (4). از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: ما اهلبیت علیهم السلام وسیله های تقرب به سوی پروردگار هستیم. (5)

ص: 227

-
- 1- . عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی أو مثلی أقول للشیء کن فیکون و تقول للشیء کن فیکون. بحار الانوار، ج 102، ص 166؛ مصباح الشریعه، ص 41؛ شرح ابن ابی الحدید، ج 4، ص 547.
 - 2- . آل عمران، 112
 - 3- . روی عن الباقر علیه السلام فی قوله تعالی الا- بحبل الله و حبل من الناس قال حبل من الله کتاب الله و حبل من الناس علی ابن ابیطالب . بحار الانوار، ج 24، ص 84.
 - 4- . مائده، 35.
 - 5- . بحار الانوار، ج 67، ص 271.

از آنجا که امام حسین علیه السلام از اهل بیت پیامبر به هستند، لذا محبت و پذیرفتن ولایت ایشان و دشمنی با دشمنان این بزرگوار، در حکم چنگ زدن به ریسمان الهی بوده که انسان را به پروردگار خویش نزدیک می کند. اما چگونه باید به این ریسمان الهی متوسل گردید و از طریق آن به خداوند متعال نزدیک شد؟ آیا دوستی زبانی کفایت می کند؟ یا اینکه این دوستی و محبت نسبت به امام حسین علیه السلام و دیگر معصومین علیهم السلام و اولیاء الهی باید در مقام عمل نیز تجلی یابد؟ در احادیث می خوانیم که امام محمد باقر علیه السلام فرمودند: «إِنَّا لَا نُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِلَّا بِالْوَرَعِ وَإِنَّ وَلَا يَتَنَا لَا تُدْرِكُ إِلَّا بِالْعَمَلِ» (1). یعنی دوستی و محبت اهل بیت سودی نمی بخشد، مگر اینکه انسان در مقام تقوی و عمل این دوستی را نشان دهد.

نقش سلام ها و لعن ها از حیث شناسایی جایگاه گروه های مختلف

همانطور که قبلاً هم اشاره شد، در زیارت عاشورا گروه ها و افراد مختلفی مورد سلام و لعن قرار گرفته اند. هر کدام از این افراد یا گروه ها نماینده یک شیوه فکری و رفتاری در زمان خود بوده اند. نکته ای که در این سلام ها و لعنها وجود دارد، آن است که به خوبی موقعیت فکری و اجتماعی و شیوه های رفتاری دوستان و دشمنان خدا را نشان می دهد. کسانی که بر آنها سلام می فرستیم، الگو و اسوه فضایل و مکارم اخلاقی هستند و کسانی که مورد لعن و نفرین قرار می گیرند، بل رذائل اخلاقی بوده اند. یکی بیانگر نقطه اوج تکامل انسانیت و دیگری بازگو کننده نقطه حسیض بشریت می باشد. در قرآن کریم نیز بر افراد و گروه های مختلفی سلام فرستاده شده است. برای مثال در سوره صفات شرحی از حالات و فداکاری های پیامبران الهی در راه هدایت مردم بیان گردیده و در نهایت بر آنها سلام و درود

ص: 228

فرستاده شده است: « سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ » (1)، « سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ » (2)، « سَلَامٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ »، « سَلَامٌ عَلَىٰ إِيَّاسِينَ » (3) « وَسَلَامٌ عَلَىٰ الْمُرْسَلِينَ » (4) صفتی که در این آیات (5)

، برای پیامبران الهی بیان گردیده و سلام و درود الهی ناظر به این صفت عالی می باشد، آن است که آنها بندگان مؤمن و نیکوکار پروردگار بودند و به همین دلیل مورد عنایت خداوند قرار گرفتند: «إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»؛ «إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ» (6) همچنین در برخی دیگر از آیات، گروه هایی از مردم با بیانات مختلف و متعدد مورد لعنت الهی قرار گرفته اند. برای مثال می توان به موارد زیر اشاره کرد:

ظالمین: «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ» (7).

کافرین: «إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ» (8).

کسانی که عهد الهی را نقض کردند: «فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ» (9).

کسانی که پیامبران خدا را اذیت نمودند: «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (10).

ص: 229

- 1- . الصافات ، 109.
- 2- . الصافات، 79.
- 3- . الصافات ، 130.
- 4- . الصافات ، 181.
- 5- . الصافات ، 120.
- 6- . صافات، 80-81.
- 7- . هود، 18.
- 8- . احزاب، 64.
- 9- . مائده، 13.
- 10- . احزاب 57.

کسانی که حقایق را از مردم مخفی داشتند : «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ» (1).

کسی که مؤمنی را تعمدا کشته باشد «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فِجْرًاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ» (2).

مرتدین : «...قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ... أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ» (3).

اصحاب سبت : «نَلْعَنُهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ» (4).

آیات فوق بیانگر دسته ها و گروه هایی است که در قرآن کریم مورد لعنت پروردگار عالم ، ملائکه و مؤمنین قرار گرفته اند . پس در آیات قرآن هم صفات افراد نیک بازگو گردیده و بر واجدین آن از طرف پروردگار عالم سلام و درود فرستاده شده و هم ویژگی های انسان های پست بیان گردیده و افراد متصف به آن اوصاف مورد لعنت حضرت حق قرار گرفته اند .

امامان معصوم علیهم السلام نیز که وظیفه هدایت امت اسلامی را بر عهده داشته اند ، با نشان دادن مصادیق هر کدام از این صفات و ویژگی ها و با بیان اعمال و رفتاری که موجب دوری از رحمت الهی یا تقرب به سوی پروردگار عالم می شود ، جویندگان راه حق و حقیقت را یاری نموده اند تا با دوری گزیدن از محرومان درگاه الهی ، طریق هدایت را یافته و با اطمینان در آن راه گام گذارند و خود را در زمره کسانی قرار دهند که نعمت هدایت به آنها مرحمت شده است . تأملی تاریخی در فرازهای مختلف زیارات و از جمله زیارت عاشورا، می تواند بیانگر این مطلب باشد که هر

ص: 230

1- . بقره / 159.

2- . نساء / 93.

3- . آل عمران / 87.

4- . نساء / 47.

کدام از این صفات ناپسند در شرایط و ازمنه مختلف . چگونه و در چه اشخاص و گروه هایی تجلی یافته است . اگر با این دید به زیارات معصومین از نگاه شود ، غنای عظیم این زیارات معلوم خواهد گردید .

در پناه حدیث کساء

یکی از رمزهای بزرگ حدیث کساء، معرفی جایگاه والای حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. در بخشی از حدیث ، زمانی که جبرئیل امین از خداوند متعال می پرسد این پنج نفری که این همه فضائل دارند و آسمان ها و زمین و همه موجودات به برکت وجود آن بزرگواران خلق شده، چه کسانی هستند؟ خداوند پاسخ می دهد: « هُمُ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوها »: « آنان : فاطمه ، پدر ، شوهر و فرزندان هستند ». این عبارت نشان دهنده جایگاه والا و شناخته شده حضرت زهرا علیها السلام در آسمان ها و در میان فرشتگان الهی است .

توضیح آن که در کتاب های علمی آمده است که برای معرفی يك چیز یا يك شخص ، باید از چیزها یا اشخاصی استفاده کرد که برای مخاطب آشنا تر باشند . در این بخش از حدیث ، با وجود چهار شخصیت بزرگ ، یعنی وجود مبارك پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، حضرت علی ، امام حسن و امام حسین علیهم السلام ، وجود مبارك حضرت زهرا علیها السلام محور اصحاب کساء معرفی شده اند که آسمان ها و زمین و آن چه در آن هاست به طفیل وجود مبارك آن ها خلق شده است . این معنا در دیگر احادیث معصومان علیهم السلام نیز وجود دارد . در حدیثی قدسی ، خداوند تبارک و تعالی ، خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید : « لولاك لما خلقت الأفلاك و لولا علی لما خلقتك و لولا فاطمة لما خلقتكما »⁽¹⁾: «اگر برای تو نبود، افلاک را خلق نمی کردم و اگر برای علی علیه السلام

ص: 231

1- . صدر این حدیث شریف در کتاب های بسیاری به سند های مختلف از شیعه و سنی آمده است . برای دیدن تمام حدیث با ذیل آن ر.ك. طهرانی، میرزا ابوالفضل، شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشورا، ج1، ص225.

نمود، تو را خلق نمی کردم و اگر برای فاطمه علیها السلام نبود، شما را خلق نمی کردم». این حدیث، نشان از نقش محوری حضرت فاطمه علیها السلام در عالم هستی دارد.

در روایتی از اهل سنت، ابوهریره از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: « پس از آن که حضرت آدم علیه السلام به عرش توجه کرد، پنج نور در آن دید و زمانی که خداوند در مورد این پنج نور پرسید، پاسخ شنید که این پنج نور فرزندان تو هستند و به محبت آن هاست که تو را خلق کردم و اگر این ها نبودند بهشت و دوزخ، عرش و کرسی، آسمان و زمین، فرشتگان و جنیان و آدمیان را خلق نمی کردم. ای آدم! به عزتم سوگند! اگر کسی به اندازه یک دانه ی خردل بغض و کینه آن ها را در دل داشته باشد، وارد آتش می کنم. ای آدم! اینان برگزیده های من هستند، من به واسطه ی آن ها مردم را نجات می دهم و هلاک می گردانم. ای آدم! اگر حاجتی داشتی به وسیله آن ها به من توسل بجوی». (1)

نکته دیگر ثواب و پاداشی است که برای برپایی مجلس حدیث کساء در نظر گرفته شده است. در حدیث کساء می خوانیم: « ما ذکر خبرنا هذا فی محفل من محافل اهل الأرض و فیه جمع من شیعتنا و محبینا و فیهم مهموم الا و فرج الله همه، ولا مغموم الا و کشف الله غمه، و لا طالب حاجة الا و قضی الله حاجته...». این ثواب جدای از جنبه توسل به وجود مطهر حضرت زهرا علیها السلام، ناظر به ثوابی است که برای مجالس ذکر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام قرار داده شده است. در احادیث آمده است که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام دوست دارند در مجالسی که شیعیان به

ص: 232

1- . الحموینی، فرائد السمطین، ج 1، ص 36؛ بحرانی، سید هاشم، غایة المرام، ص 55؛ ابو عبدالله الرازی، ارجح المطالب، ص 461؛ شوشتری، قاضی نورالله، احقاق الحق، ج 9، ص 203، بحرانی، عوالم العلوم، ج 1/12، ص 22.

ذکر احادیث و معارف اهل بیت علیهم السلام می پردازند، حضور یابند و برای کسانی که امر ولایت آن ها را زنده نگه می دارند، دعا کنند. (1)

بر این اساس، بندهایی از این حدیث که بازگو کننده ی آن است که «رحمت خدا بر اهل این مجالس نازل می شود»، «تا آن که جمع متفرق نشده اند، فرشتگان برای آن ها طلب آمرزش می کنند»، «اگر در جمع آن ها غم زده و اندوهگینی باشد، خداوند غم و اندوه او را برطرف می سازد»، «اگر در آن جمع حاجت مندی باشد، خداوند حاجت او را برآورده می سازد» و...، با توجه به احادیث دیگر مورد تأیید قرار می گیرد.

ص: 233

1- در حدیث آمده است که امام صادق علیه السلام از فضیل می پرسند: آیا شما شیعیان با هم جلسه تشکیل می دهید و زمانی که پاسخ مثبت او را می شنوند می فرمایند: «ان تلك المجالس احبها، فاحيوا امرنا يا فضيل، رحم الله من أءحيا امرنا...» (مجلسی، بحار الانوار، ج 44، ص 282 و ج 71 ص 260 و 351). (روایات مربوط به این بحث بسیار است. علامه مجلسی قدس سره در مرآة العقول، ج 9، ص 53 در تفسیر «حیة لامرنا» می فرمایند: «برپایی این گونه جلسات و گفتگو از معارف اهل بیت علیهم السلام سبب پویایی و زنده ماندن دین و علوم و معارف اهل بیت علیهم السلام و امر امامت و ولایت آن هاست».

اللهم من لم يزل يرحمك
على ما كنت عليه في الدنيا
والموتى من المؤمنين
عنيتك في كل يوم

(برگی از فصل جدید زندگی محقق ولایی و یادی از آیه الله سید اسماعیل هاشمی قدس سره)

ص: 235

یکی از برگ های تاریخ زندگانی آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره ، جریان ازدواج ایشان است ، که زمانی در حوزه علمیه قم و در سطح عالی حوزه ، مشغول دروس خارج فقه و اصول بودند ، در تابستانی مبارکی ، فصل جدیدی از زندگی اش رقم خورد .

ازدواج محقق ولایی با بیت علم و اخلاق

آیه الله آقای حاج سید حسین موحد ابطحی دام ظلّه جریان ازدواج آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره را چنین نقل می فرمودند :

ایام تابستان بود که اخوی به اصفهان آمده بودند . آیه الله خادمی قدس سره به ایشان فرمودند : دختری برای شما سراغ دارم و آن صبیّه محترمه آیه الله حاج سید اسماعیل هاشمی است . آن زمان آیه الله هاشمی از محل زندگی شان شهرضا به اصفهان تبعید شده بودند و در مدرسه صدر با آیه الله خادمی و سایر علما محشور بودند و از لحاظ اجتماعی ، موقعیت بالایی داشتند . والده و همشیره ما برای خواستگاری رفتند و آخرالامر این وصلت مبارک سر گرفت . عروسی آقا سید علی در منزل پدرشان آیه الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی قدس سره برپا شد و مدتی در آنجا ماندند و سپس در قم منزلی تهیه نمودند و با خانواده راهی عش آل محمد علیهم السلام شدند .

اسوه صبر و وفاداری

معمولاً وقتی از علماء و بزرگان حوزه یا دانشگاه صحبت به میان می آید ، تمام توجهات به سمت تدریس ها و تألیف های آن بزرگ معطوف می شود ، حال آن که بزرگان دین با عملکرد خود به ما یاد داده اند از کسانی که در توفیقات شما مستقیم و غیر مستقیم سهیم بوده اند تشکر کنید .

توفیقات مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی در قالب تحصیل و تالیف و تبلیغ برای همگان روشن بود ، اما این توفیقات دست یافتنی نبود . مگر این که همسری در تمامی سخنی های راه با ایشان همراه و همدم بود و صبیبه مرحوم آیه الله حاج سید اسماعیل هاشمی که خود تربیت شده خانواده ای روحانی بود با آگاهی کامل از سختی های قدم نهادن در این مسیر خود را در موفقیت های همسر سهیم گرداند . ایشان در محضر ابوی خود مرحوم آیه الله هاشمی جامع المقدمات و الفیه را فراگرفتند و با عروه الوثقی آشنایی یافتند .

پس از ازدواج با آیه الله موحد ابطحی و هجرت به قم نزد ایشان به فراگیری لمعه پرداختن و پس از آن نیز با همسر حاج شیخ نجفی (که بعدها نماینده شهرضا در مجلس شورای اسلامی شدند) لمعه را بحث می کردند . در ایام تبلیغی با همسر خود به شهرستان اقلید می رفتند و دشواری های سفر با وسایل نقلیه عمومی آن سال ها را با جان و دل پذیرا بودند . پس از آنکه به واسطه مدرسه رفتن فرزندان نمی توانستند در سفرهای تبلیغی همسر خود را همراهی کنند دشواری های دیگری را پذیرا شدند . ایام تبلیغی محرم ، صفر ، رمضان و جمادی الاولی و الثانی آیه الله موحد ابطحی در اقلید بودند و همسر ایشان به تنهایی به امور جسمی و تربیتی فرزندان اهتمام داشتند . از خرید روزانه تا رسیدگی به درس های فرزندان و پرستاری از آنها در بیماری ها و ... از وظایفی بود که بانوی بافضیلت حاجیه خانم هاشمی به دور از پدر و مادر و برادران و خواهران خود بر عهده گرفتند .

مکارم اخلاقی ، روی گشاده ، مهمان نوازی و دست پخت خوب و در مجموع همراهی ایشان با آیه الله موحد ابطحی موجب شده بود بستگان آیه الله موحد ابطحی و مردم اقلید وقتی به قم می آمدند منزل ایشان را برای سکونت انتخاب کنند . زمانی که آیه الله العظمی حاج سید محمد علی موحد ابطحی قدس سره یا جناب آقای

دکتر سید عبدالوهاب طالقانی تصمیم داشتند منزلی در قم تهیه کنند مدتها در منزل آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی زندگی می کردند

اوج همراهی حاجیه خانم هاشمی با آیه الله موحد ابطحی در سالهای طولانی بیماری همسر نمایان گردید . در موقعیتی که برخی پیشنهاد کردند به واسطه دشواری های کار ، خوب است برای ایشان پرستاری گرفته شود ، حاجیه خانم هاشمی موافقت نکردند و در این چند سال و در موقعیتی که خودشان علاوه بر کهولت سن با عوارض ناشی از چند بیماری درگیر بوده و هستند ، علاوه بر مسئولیت های پیشین مانند مرتب ساختن خانه و پخت و پز و نگهداری نوه ها و ... ، مسئولیت کامل پرستاری از آیه الله موحد ابطحی را علی رغم تمام سختی های آن برعهده داشتند .

زمانی که آیه الله موحد ابطحی پیشنهاد کردند یکشنبه شب ها در منزل روضه برگزار شود تا با نوای روضه جان خود را تازه کنند ، مسئولیت آماده سازی شام برای حدود 70 - 100 نفر بر عهده حاجیه خانم هاشمی بود . در طول سال هایی که آیه الله موحد ابطحی بستری بودند ، به تصریح خودشان برای این که کسی به زحمت نیفتد، هیچ گاه تقاضای آب یا غذای خاصی نداشتند و همسرشان به تجربه دریافته بودند که ایشان چه موقع و چه میزان آب می خواهند و به چه غذایی مشتاق تر هستند و علاوه بر داروهای پزشکی رایج ، چه داروهای طب سنتی در چه مقاطعی برای ایشان مناسب است . شب هایی که آیه الله موحد ابطحی تب داشتند و سخت نفس می کشیدند حاجیه خانم هاشمی پائین تخت همسرشان می خوابیدند و از نگرانی تا صبح خواب راحت نداشتند .

ارتباط روحی آیه الله موحد ابطحی و حاجیه خانم علویه ی هاشمی به قدری عمیق بود که وقتی ایشان به سفر می رفتند ، با این که فرزندان سعی می کردند تمام مراقبت های لازم را داشته باشند ، معمولا حال جسمی آیه الله موحد ابطحی بد

می شد و به همین دلیل حاجیه خانم هاشمی سفرهای طولانی نمی رفتند . این بانوی علویه را می توان به عنوان اسوه صبر و وفاداری در تاریخ معرفی کرد که در شرح صدر و کمالات نفسانی تا لحظات آخر عمر شریف آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره در کنارشان به اخلاص و محبت بود . (1)

ثمره ازدواج

ثمره این ازدواج مقدس، 5 دختر و 3 پسر بود که فرزندان ذکور آن عبارتند از جناب دکتر سید محمد تقی موحد ابطحی، جناب آقا سید مهدی موحد ابطحی و جناب آقای سید مجید موحد ابطحی که به فضل خدا تمامی فرزندان آن محقق ولایی به علم و ارادت خالصانه به ساحت مقدس اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام مزین و موفق می باشند .

دامادهای ارزشمند ایشان نیز عبارتند از : جنابان حسین محمدی، مهندس محسن یزدیان، جواد ناطق، سید هادی قادری .

کنجی از تبار صالحان

ابوالزوجه آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره

همواره در طول تاریخ انسان های وارسته ای بوده اند که با تقرب به خداوند متعال و معصومین علیهم السلام از نور وجود آنها بهره مند گردیده و خود نیز چراغ هدایتی برای جامعه خویش شده اند . اینان وارثان حقیقی معصومین علیهم السلام هستند که « طیب دوار بطبه » اند .

از جمله آنان آیه الله حاج سید اسماعیل هاشمی قدس سره است . انسانی که کلامش فزونی علم نگاهش، مهر و محبت، سکوتش القای تقوا و دیدارش یاد خداوند را به همراه داشت . هر لحظه دیدار این سلاله زهرای اطهر نسیمی بود از سوی دوست که قلب را خاشع و متوجه عالم معنا می نمود .

ص: 239

1- به روایت جناب دکتر سید محمد تقی موحد ابطحی .

او در عین حضور دایم در محضر حضرت رب العالمین در میان مردم و با مردم بود در سخت ترین شرایط ارتباط خویش را با مردم قطع نکرد و دغدغه حل مشکلات ، مردم برای ایشان ملکه گردیده بود چرا که « من أصبح ولم يهتم بأمور المسلمين فليس بمسلم » ، درب منزل او باز روی او گشاده و سفره او برای همگان گسترده بود . او هیچ گاه ذکری از مقامات معنوی خویش به میان نیاورد و قلباً روانمی داشت که بر کرده های خویش تعریف بشنود .

نسب نامه آیه الله حاج سید اسماعیل هاشمی قدس سره

سید اسماعیل هاشمی بن سید میرزا محمد حسن بن سید ابراهیم بن سید محمد باقر بن سید ابو الفتح بن سید احمد بن سید باقر بن سید میر محمد مهدی بن سید علیرضا بن سید اسماعیل بن سید محمد تقی بن سید زین العابدین بن سید محمد بن سید محمد اسماعیل بن سید محمد هادی بن سید محمد باقر بن سید هاشم بن سید علی ابن سید جعفر بن سید نورالدین بن سید محمد بن سید محمود بن سید ابراهیم بن سید اسماعیل بن سید محمود بن سید رضی بن سید مرتضی بن سید هاشم بن سید ابراهیم بن سید محمد بن سید رضا بن سید محمود بن سید شهاب الدین بن سید عبد الله بن موسی کاظم علیه السلام .

نگاهی بر زندگی آیه الله سید اسماعیل هاشمی قدس سره

آیه الله آقای حاج سید اسماعیل هاشمی اصفهانی قدس سره حدود سال 1330 قمری در روستای طالخونچه سمیرم سفلی - که محلّ تبلیغی اجداد پدری و مادری اش بود - متولد شد . پدر ایشان حضرت آیه الله میرزا محمد حسن موسوی - افاض الله علیه المغفرة و الرحمة - از شاگردان برجسته میرزا ابوالمعالی کلباسی ، آخوند کاشی ، میرزا جهانگیرخان قشقائی و سید محمد باقر درچه ای بودند که در میان عالمان آن عصر ، به زهد و تقوا معروف بوده و اذکاری نزد خود داشتند .

آیه الله هاشمی تحصیلات ابتدایی خود را در مکتب خانه نزد پدر و سایر بزرگان فامیل به پایان برد و در حدود سال 1340 قمری در زمان حیات آیه الله در چه ای به اتفاق برادرش مرحوم آیه الله آقا سید علی اکبر برای ادامه تحصیل به اصفهان هجرت کردند. و در آن جا مشغول فراگیری علوم حوزوی شدند.

پس از مدتی توقف و ادامه تحصیل، برای گرفتن جواز سفر به نجف اشرف و ادامه تحصیلات در آن حوزه مقدّس، از اصفهان به شهر مقدّس قم آمدند.

معظم له در این باره اظهار می دارند: « وقتی به قم رسیدیم و تصمیم ما به اطلاع آیه الله حائری رسید، ایشان آقای حاج شیخ مهدی بروجردی پدر خانم آیه الله گلپایگانی را - که در آن موقع ناظر حوزه و مشاور آیه الله حائری بودند - فرستاده و پیغام دادند که همین جا بمانید و از حوزه علمیه قم استفاده کنید. مدتی ماندیم و حوزه قم را بسیار گرم و با معنویت یافتیم و همین مسئله باعث توقف ما در قم شد.»

اساتید

آیه الله هاشمی محضر عالمان برجسته ای را درک کرد که از جمله استادان وی در اصفهان عبارت اند از:

الف) اساتید معظم له در اصفهان: 1. میرزا احمد مدرّس، 2. شیخ محمد جواد فریدنی، 3. سید زین العابدین طباطبائی ابرقوئی، 4. آیت الله حاج محمد جواد بیدآبادی، 5. آیه الله العظمی سید علی بهبهانی - آیه الله هاشمی در زمانی که آیه الله بهبهانی همه ساله در فصل تابستان به اصفهان تشریف می آوردند، از اعضای حوزه استفتایی معظم له بوده و از محضر ایشان استفاده شایانی نموده اند - ، 6. آیه الله حاج شیخ مهدی نجفی، 7. آیه الله شیخ امجد الدین نجفی (معروف به مجد العلماء)، 8. آیه الله شیخ محمد رضا کلباسی.

ص: 241

معظم له از محضر اساتید یاد شده در فنون مختلف فقه، اصول، هیئت، عرفان و سیر و سلوک بهره مند شده است. از جمله در خصوص سیر و سلوک، از محضر مرحوم آیه الله سید زین العابدین طباطبائی ابرقوئی - که از شخصیت های بارز و عالمی عامل و معلم اخلاق، عرفان و سیر و سلوک بوده - استفاده نموده است.

ب) اساتید معظم له در قم

1. مرحوم آیه الله گلپایگانی، 2. مرحوم محمد حسن نویسی، 3. مرحوم شیخ محمد رضا جرقویه ای، 4. شیخ مهدی مازندرانی، 5. آیه الله میر سید علی نجف آبادی، 6. آیه الله فاضل لنکرانی (معروف به فاضل قفقازی)، 7. میرزا مهدی همدانی، 8. محمد حسین ساوجی، 9. آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، 10. آیه الله سید صدرالدین صدر، 11. آیه الله سید حجّت کوه کمره ای، 12. آیه الله سید محمد تقی خونساری، 13. شیخ محمد علی حائری (صاحب مختارات).

فقاویت های علمی

الف) تدریس

مدت پنج سال دروس سطح (لمعه شهید ثانی، رسائل و مکاسب شیخ انصاری) را در مدرسه اقدمیه شهرضا تدریس فرمودند و درس اخلاق معظم له نیز به صورت جلسات عمومی برگزار می شد.

در اصفهان نیز برای گروهی از طلاب مدرسه ملا عبدالله شرح لمعه، مکاسب محرّمه و بخشی از مبحث بیع را تدریس کردند. ایشان علاوه بر این موارد مزبور، هر هفته برای سپاهیان پادگان غدیر اصفهان، یک جلسه تفسیر موضوعی قرآن و درس اخلاق می گفتند. هم چنین جلسات اخلاقی فراوانی را برای بانوان در مقاطع مختلف، داشته اند.

ص: 242

و باز از فعالیت های ایشان این که، کتاب منیة المرید را - که در آداب شاگرد و استاد است - در مدرسه امام محمد باقر (در بکوشک) تدریس می کرده اند. و ضمناً برگزاری هر روزه جلسات بحث فقهی با چند تن از علمای اصفهان - که مرحوم آیه الله شهید شمس آبادی (دوست بسیار نزدیک معظّم له) یکی از آنان بود - در مدرسه علمیّه در بکوشک - که تا زمان شهادت آیه الله شمس آبادی ادامه داشت؛ نیز از فعالیت های علمی دیگر معظّم له به شمار می آید.

ب) تألیفات

1. ذریعة الزائر یا رهبر زوّار؛ 2. درّة البیضاء فی فضائل سیّدۃ النساء یا لؤلؤ درخشان؛ 3. ملتقطات فی التعقیبات، مشترکات و المختصات للصلوات؛ (این کتاب به عربی بوده و طبق اظهارات معظّم له، در سفر حج همراه با کتاب ها و اشیای دیگری که در داخل چمدان بوده به سرقت رفته است)؛ 4. هدایت الاخوان یا برادری؛ 5. شهادة الشهداء؛ 6. ابیات و سروده هایی به عربی و فارسی پیرامون موضوعات مختلف.

فعالیت ها

سال 1360 قمری، زمانی که معظّم له از شهر مقدّس قم به زادگاه خویش رفتند، مردم آن سامان که در انتظار فردی جامع در امر تبلیغ و روشن گری در امور دینی و سیاسی به سر می بردند، از ایشان استقبال کردند. آن دوران که از بهترین روزهای عمر معظّم له به شمار می آید، توانست با ارشاد و هدایت مردم، تحولات بزرگی را در زمینه های علمی، فرهنگی و نشر معارف اسلامی ایجاد کند. و سرانجام به واسطه تقدیر الهی و عوامل دیگر، رهسپار شهرضا شدند و در آن جا به اقامه جماعت، تدریس و وعظ و خطابه پرداختند.

ص: 243

در دهه عاشورای سال 1342 شمسی طی سخنرانی های بر علیه رژیم شاهنشاهی در مجالس و محافل مختلف شهرستان شهرضا، اعتراض شدیدی را با بیانی بسیار تند به حکومت و دستگاه جبار وقت کردند و سرانجام در روز عاشورادستگیر شدند و به ساواک و زندان اصفهان انتقال یافتند. و سرانجام پس از چند روز تحمل زندان همراه با شکنجه های روحی، به وسیله یکی از صاحب منصبان وقت که علاقه ای به دودمان رسالت داشت آزاد و به شهرضا بازگشتند. فعالیت های سیاسی و اجتماعی پس از انقلاب نمایندگی مجلس خبرگان رهبری در در دوره دوم از اصفهان؛ پس از رحلت آیه الله خادمی، چون معظم له در دوره اقامتشان در اصفهان در اثر فعالیت های اجتماعی و ارشادی خستگی ناپذیر، شهرت خاصی در میان مردم پیدا کرده بودند، به نمایندگی مردم استان در مجلس خبرگان انتخاب گردیدند.

تأسیس انجمن های خیریه

مطلق انجمن های خیریه و مؤسسات عام المنفعه ای که در اصفهان تأسیس گردیده، و حتی بسیاری از مؤسسات فرهنگی و آموزشی، زیر نظر معظم له و با مشورت ایشان تأسیس و به انجام وظایف محوله با همکاری افرادی متدین و کارآزموده مشغول به خدمت می باشد، که از جمله می توان انجمن مددکاری امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف و انجمن رسیدگی به مستمندان واقعی آسایشگاه صادقیه و تأسیس کانون های فرهنگی و... را نام برد.

رحلت

آیه الله سید اسماعیل هاشمی طالخونچه ای سرانجام در سال 1378 کنار مضجع نورانی ثامن الحجج علیه السلام دعوت حق را لبیک و دار فانی را وداع گفت. پیکر ایشان بعد از انتقال به اصفهان، در مقبره علامه مجلسی به خاک سپرده شد.

(اشعاری در مدح و سوگ آیه الله سید علی موحد ابطحی)

ص: 245

سروده: آیه الله حاج شیخ شرف الدین نظری خادم الشریعه مازندرانی دام ظلها سفند 1377

ابطحی آن مرد دانا و زکی *** آنکه باشد نام او سید علی

هم موحد موسوی و ذو حسب *** جمله آباء او عالی نسب

خوش کلام و خوش مرام و با صفا *** نجل پاک حاج سید مرتضی

لطف حق او را مدد کار آمده *** در شدائد هادی و یار آمده

زد قدم در عرصه اهل قلم *** کار او تألیف باشد به دم

در ره نشر معارف سخت کوش *** وز می قالوا بلی پیمانہ نوش

همتش تحقیق و انش با کتاب *** بهره ور از سعی او هر شیخ و شاب

جمله تألیفات او باشد رشیق *** احسن الله الجزاء او را حقیق

باشد آن مجموعه ای پر از گهر *** می شمارم از برایت سر به سر

شیعه (1) و قانونچه (2) در طب و دوراه (3) *** مبحث اخلاق و عرفان اله

هم شفاء الصدر (4) و هم فضل غدیر (5) *** باشد این توفیق از لطف امیر

ختم عاشور (6) و آثار شگفت *** آنکه بی شک هست مفتاح بهشت

آیه التطهیر (7) اندر پنج جلد *** قدر او ظاهر بود بر اهل جد

دوره موسوعه با نام حسین (8) *** داده بر دیوان و دفتر زیب و زین

چهارده جلد است و هر جلدش نفیس *** بهر ارباب سیر نعم الانیس

گرچه باشد قدر مولا بیش از این *** لیک این مجموعه ای باشد وزین

ص: 246

1- الشیعة فی الاحادیث الفریقین .

2- کتاب قانونچه .

- 3- . کتاب دوراه پرواز و سقوط، مباحث اخلاقی.
- 4- . تعلیقہ بر شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشورا.
- 5- . زلال زمزم غدیر کہ چاپ های مکرری شده و در محافل دهه غدیر در کشور از آن استفاده می شد.
- 6- . کتاب زیارت عاشورا و آثار شگفت کہ چاپ های مکرر شده است.
- 7- . کتاب آية التطهير فی احادیث الفریقین کہ در نوع خود بی نظیر است.
- 8- . الامام الحسین فی احادیث الفریقین ، موسوعه ای 14 جلدی می باشد.

(آب دریا را اگر نتوان کشید *** هم بقدر تشنگی باید چشید)
بعد از آن توفیق او را دست داد *** بهر تحقیقی دگر همت گمارد
روزها کوشید و شبها را نخفت *** تا که از بحر معانی دُر بسفت
نکته ها مکشوف و اسرار است آن *** همتی کن هر سه جلدش را بخوان
چون ابالفصل (1) است نام این کتاب *** (آفتاب آمد دلیل آفتاب)
مظهر حُسن و کمالات و کَرَم *** مظهر فیض و کرامات است هم
می برد نامش غم از قلب حزین *** زاده آزاده ام البنین
ساقی طفلان در آن صحرای طف *** هم علمدار سپاه جان به کف
جان نثار و میر آل فاطمه *** سرخ رو از خون او شد علقمه
دست خود را داده اندر راه دوست *** تا ابد دست همه رو سوی اوست
صولتش یاد آور فرّ پدر *** صورتش رخشنده چون قرص قمر
باب حاجات امم پور علی *** حل شود از لطف او هر مشکلی
همچو حیدر صف شکن در کارزار *** بر حسینش در مَحَن غمخوار و یار
بر سرش آمد عمود آهنین *** یا ابا گویان شده نقش زمین
کی برادر یک دمی نظاره کن *** بهر عباست تو فکر چاره کن
در کنار پیکرش آمد چو شاه *** (شد قیامت از قرآن مهر و ماه)
گفت جانا بعد تو پشتم شکست *** گرد غم بر صورت زینب نشست
(این من و این ذکر یا رب یا ربم *** این من و این نامه های زینبم)
می رسد هر دم نوای الرحیل *** ایها العشاق، الی رب الجلیل
دارد امید از ابالفصل رشید *** خادم درگاه او عبدالحمید
بر (شرف) از مرحمت بنما نظر *** شو شفیعش روز محشر از سقر

جملگی را رهنمون شود در دو دار *** از بلا و مکر ما را دور دار

بُود تاریخی که این منظومه رفت *** یک هزار و سیصد و هفتاد و هفت

ص: 247

1- . کتاب حضرت ابالفصل مظهر کرامت و کمالات .

سروده: آیه الله حاج شیخ شرف الدین نظری خادم الشریعه مازندرانی دام ظلّه

سالروز شهادت حضرت زهرا علیها السلام - فرورین 1390

تو ای شیعه برخوان حدیث کسارا *** به دست آر الطاف و فضل خدا را

اگر طالب فوز و فیضی و رحمت *** و یا شائقی قرب یوم الجزا را

دل و جان مُصفاً کن از یاد جانان *** به پیماره عشق و صدق و وفا را

بنوش از حدیث کسا جرعه ناب *** بیفشان تو آنگاه فرّهما را

نما سیر آفاق و انفس ز جامش *** بهل از زلالش بدی و شقا را

حدیثی که باشد چنان دُر مکنون *** که ماندست میراث ، خیر التّسارا

چو اکسیر باشد بر اهل بینش *** در اراز و رمز است، بین نکته ها را

بود راویش جابر آن نیک سیرت *** که از اهل سرّ است آل عبا را

چو خواند حدیث کساء دردمندی *** و یا بی کسی دل غمی ، این دعا را

شود باز بر او در لطف و غفران *** برآورده سازد خدا گفته ها را

نمود (ابطحی) همت و زنده کرد او *** به تاریخ سرّ حدیث کسارا

کتابی متین و وزین از معانی *** بیفزود کانون نشر هدی را

ز تحقیق و تدقیق و نقل حکایت *** سَبَق بود آقران و اهل صفا را

بر او باد الطاف بیچون داور *** خدایش دهد اجر نیک و عطا را

شرف! نبود این جز ز توفیق ایزد *** طلب کن ز درگاه او مدّعا را

سروده: جناب آقای کردی

ای که دنیای صفایی ابطحی *** مظهر مهر و وفایی ابطحی
زندگی را کرده ای صرف خدا *** از پلیدی ها جدایی ابطحی
شکر کن ذات خدا را دم به دم *** زاده خیرالنسائی ابطحی
روز و شب ورد زبانت اهل بیت *** خادم آل عبایی ابطحی
با کتابی که نوشتی تو چنین *** حزن را از دل زدایی ابطحی
دست گیر تو ابوالفضل رشید *** تا که در محشر در آبی ابطحی
چهره نورانیت را هر که دید *** گفته است مرد خدایی ابطحی
تا خریدار حسینی واقعاً *** لایق مدح و ثنایی ابطحی
ریزد اشک تو همیشه بر حسین *** معنی دائم بکایی ابطحی
خوش به حال تو که در روز جزا *** در حضور مصطفایی ابطحی
حالتی داری تو با ذکر اله *** عارفاً اهل دعایی ابطحی
هیچ می دانی چرا می خواهمت *** چون شمس مرتضایی ابطحی
از خدا خواهیم به روز رستخیز *** بین ما نبود جدایی ابطحی
« کردیم » دارم توقع از شما *** بر سر پیمان بیایی ابطحی

سرباز غیور

سروده: مداح با اخلاص اهل بیت علیهم السلام، کربلایی علی پاکدامن
به نشر کتب مشتمل بیگانه وا کرده است *** پر از نور چشمان اهل والا کرده است

گهی از ابالفضل و گه از رقیه نوشت *** کراماتشان را بیان دلربا کرده است
احادیث سنی و شیعه به فضل حسین *** نوشت و دل عاشقان کربلا کرده است
دل دغدغه مند او همتش داده بود *** که عمرش همه صرف دین خدا کرده است
بود آبرومند در پیش زهرا که او *** دفاع از حدیث شریف کساء کرده است
شبانہ شدی روضہ خوان دفن و او این چنین *** عجب روضہ ای بہر مادر بپا کردہ است

کلمة قيمة لصاحب السماحة العلامة الحجة الحاج السيد اسماعيل الهاشمي قدس سره حول الاية الكريمة و حول الكتاب آية التطهير

احمد ربي الله بعد البسملة *** شكراً على نعمائه والشكر له

الحمد لله على أفضاله *** صلى على محمد وآله

وبعد فالعلم طويل الذيل *** يجري من منابع كالسيل

أودية القلوب من مجراها *** اوعية فخيرها أوعاها

اهمها معرفة الجبار *** ثم النبي وآله الاطهار

تعريفهم بالسنة والكتاب *** متضح عند أولى الالباب

في غير واحد من الايات *** تشهد بالفضل و بالاخبار

فآية القربى التي جاءت لهم *** تلزنا بالحب والود لهم

قد قرنت طاعتهم في الاية *** بطاعة الله بأسمى غاية

هم أحد الثقلين في الرواية *** قرين قرآن أولى الولاية

وباب حطة لمن والاهم *** ينجبهم يهلك من عاداهم
منها تجيء (آية التطهير) *** في شأنهم و سأل من الخبير
يا حبذا من سيد زكي *** وفاضل و كامل رضي
ذرية من الذراري النبوي *** و دوحه الحديقة المصطفى
و هو (علي) وأبوه المرتضى *** سلالة من النبي المصطفى
اعني (علي) الابطحي الالمعي *** اللوذعي الفاطمي العلوي
لازال كاسمه العلي العالي *** مرتقياً مدارج المعالي
قد خاض في البحار حتى القعر *** اخرج منها من ثمين الدرّ
لاية التطهير واجتماعها *** بخمسة و تسعة اتباعها
نزولها في أول الأمر أجمع *** بخمسة و تسعة لهم تبع
احبى به معالم الاجداد *** اعني النبي والامام الهادي
و آله المطهرون من ادناس *** و من ضلال الشرك والارجاس
فاية التطهير شاهد على *** ما قيل فيهم من سمو وعلا
و هم لهم ارادة التكوين *** لا يتخلف عنه باليقين
ارادة التشريع غير منحصر *** فيها اداة الحصر غير معتبر
من الفريقين كذا جاء الاثر *** رواية ثم حديثاً معتبر
تطهير من يعدهم من الحجج *** يظهر للمطالب من خوض اللجج
وقد دعاء الخليل ابراهيم *** تطهير من من نسله يقوم
وهكذا دعاء سيد البشر *** تطهير ابناه ائمة الغرر
هم آل النبي آل الله *** من نزها عن وصمة الأشباه
هم خمسة تجمعوا في جامع *** تحت كساء شامل وجامع

فجاء جبرائيل من رب الابد ***بآية التطهير في القول الاسد

ص: 251

في بيت فاطمة وأم سلمة *** وغيرهم امكنة محترمة
وقد دعا الرسول في حقهم *** اذهاب ارجاس البرايا عنهم
ثم الصلوة والسلام منهم *** ورحمة الله اتت عليهم
وقول امين من الباب سمع *** اجابة الدعاء فيهم قد جمع
تسبيح ما جاء من الرمان *** والعنب النازل من جنان
ولم يسبح في يدي غيرهم *** لانها لهم وخصت بهم
وبين الساعات والايام *** لهذه الوقعة في الانام
والحاضرون بينهم افراد *** من النساء والرجال اعداد
وقد تمنى وتقاضا بعضهم *** بان يكون في الدخول معهم
فردهم عنه رسول الله *** لان اهل البيت آل الله
عنوان اهل البيت اصحاب الكساء *** معرف بهم كاصحاب العبا
لا شك في هذا ولا ترديد *** بانه اياهم يريد
لكنما حثالة من البشر *** يشككون في الذي ظهر
ويدعون غير الحق *** وغير ما امانة وصدق
فمنهم اللاعب بالنرد عكرمة *** وتارك الصلوة عارى المكرومة
وذو فضيحة هو المقاتل *** في عجزه عن الجواب السائل
وعروة الناصب بالنصب الجلي *** اعدا عدوهم بمولانا علي
هم اخذوا الخلف من اسلاف *** ونقلوا منهم الى الاخلاف
ومحدث الخلف للخلافة *** فانهم قد فقدوا الشرافة
فسوف يلقون الجزاء الا وفي *** من سنة سيئة لا تخفى
وناظم الابيات هاشمي *** من المخالفين طبعه بري

فصل يازدهم : ارتحال

انالله و انا اليه راجعون

ص: 253

و سرانجام روح پاک محقق ولایی ، محدث عالیقدر شیعه و پیر غلام با صفای سیدالشهدا ارواحنا فدا ، آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی اعلی الله مقامه الشریف پس از سال ها عزلت و تقاهت ، در روز یکشنبه 19 آذر 1402 شمسی مطابق با 26 جمادی الاولی 1445 هجری قمری به دیار باقی شتافت و قلبی که سال ها به عشق امیرالمؤمنین علیه السلام می تپید و به غربت مادر مجروح و شهیده اش داغدار بود و از غربت دین آرام و قرار نداشت ، در ایام شهادت حضرت زهرا علیها السلام در دامان مادر آرام گرفت . خیل عظیم دوستداران علم و فقاہت و جمع کثیری از علما و بزرگان ، پیکر پاک آن مجاهد نستوه و فدایی ثقلین ، آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی اعلی الله مقامه الشریف را از مسجد امام حسن عسکری علیه السلام تا حرم مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام تشییع کردند و پس از اقامه ی نماز توسط آیه الله العظمی کریمی جهرمی دام ظلہ ، در آستانه مبارکه حضرت امامزاده شاه حمزه علیه السلام آرام گرفت و میهمان ابدی اجداد طاهرینش گشت .

دلنوشته ای از صبیّه ارشد مرحوم آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره

وداع آخر

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

... پدرم در خانه نیست ولی روح بزرگش را با چشم دل می شود دید اگر اهل دل باشی . من و برادرم قرائت قرآن را در اوان کودکی نزد پدر آموختیم . او در حیاط خانه خاک باغچه را زیر و رو و درختان را هرس می کرد و ما در گوشه ای از حیاط با صدای بلند قرآن می خواندیم و ایشان رفع اشکال می کردند . مادرم در محضر ایشان دروس حوزه (مغنی ، سیوطی ، لمعه ، رساله محشی) و تأویل آیات قرآن و احادیث را

ص: 254

می آموختند و من به تکرار دیده بودم که پدر برای پیدا کردن منابع روایی و حدیثی متواضعانه از مادر کمک می گرفتند .

پدر چه در زمان سلامت و چه در دوران طولانی بیماری سبب خیر و برکت خانواده بودند و مادر به تکرار این موضوع را به ما گوش زد می نمودند . ایشان علاقه زیادی به زیارت جامعه کبیره داشتند و مداومت بر خواندن این زیارت و همچنین زیارت عاشورا می نمودند . خدای رحمت کند پدرم را و به سلامت بدارد مادر را .

روزهایی که توفیق پیدا می کردم به دیدارشان بروم و به چشمان و صورت پر نورشان نگاه کنم بسیار متفاوت بود از روزهای دیگر . اوقات شبانه روزشان را تقسیم کرده بودند بین عبادت ، کتابت و کار . کم خوراک و کم خواب بودند . لباس هایشان تمیز و ساده بود . زمانی که به تبلیغ می رفتند همیشه یک دست لباس آویزان بر رخت آویز داشتند ، می دانستند که عطر لباسشان در زمانی که منزل نیستند باعث آرامشمان می گردد . و من هنوز آن روزهای کودکی را خوب به یاد دارم که موقع دلتنگی ، قبایشان را بو می کردم . راه رفتن های کودکی مان را مدیون پدر هستیم . با دو دستشان انگشتان کوچکمان را می گرفتند و آهسته - آهسته راهمان می بردند و گاهی دستمان را رها می کردند تا زمین خوردن را هم تجربه کنیم . اوایل سن تکلیف من را همراه خود به نماز آیه الله بهجت بردند . این یکی از جایزه هایی بود که من از پدر گرفتم .

صحبت از مرحوم جعفر آقای مجتهدی در منزل زیاد می شد و من کنجکاو بودم که ایشان را از نزدیک ببینم . پدرم این خواسته من را برآورده کرده و همراهشان به منزل آقای مجتهدی رفتیم . یاد دارم ایشان به من توصیه کردند دعای مکارم الاخلاق را زیاد بخوانم .

یکی از خاطره های بسیار زیبایی که از پدرم به یاد دارم لحظاتی بود که ایشان در اتاق نشیمن گوشه ای می نشستند و در حالی که حلقه ای از کتاب ها و جزوات ، دایره وار دورشان بود آن چنان مشغول نوشتن می شدند که سر و صدایمان را نمی شنیدند .

در این مدت بیماری خواهرم آیات قرآن و بعضاً احادیثی را با پدر مرور می کردند .

در این ماه های آخر ایشان بخشی از آیه را خوانده و پدر ادامه آیه را قرائت می کردند . آخرین آیه ای که پدر همراه خواهرم تلاوت کرد این آیه بود :

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَى عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا» (1)

حمد مخصوص خدایی است که این کتاب (آسمانی) را بر بنده (برگزیده اش) نازل کرد و هیچ گونه کژی در آن قرار ندارد .

دوران بیماریش را از امتحان صبر و شکیبایی و عزت نفس سر بلند بیرون آمد .

یکی از ویژگی های بارز اخلاقی ایشان عزت نفسشان بود . یاد ندارم در هیچ شرایطی کوچک ترین درخواستی از کسی کرده باشند .

در دوران بیماری گاهی اتفاق می افتاد مادرم چندین لیوان آب پشت سر هم به ایشان می دادند که نشان از عطش زیادشان بود و هر گاه خطاب به ایشان می گفتند چرا وقتی تشنه می شوید کسی را صدا نمی زنید ؟ می گفتند نمی خواهم کسی را به زحمت بیندازم . بسیار مهربان بودند هر چند محبتشان را بروز نمی دادند . اولین میوه های نوبرانه هر فصلی را به تعداد به خانه می آوردند و دیگر خبری از آن میوه ها نبود تا عموم مردم توانایی خریدش را داشته باشند .

ص: 256

1- . سوره کهف. آیه 1 .

بی توفیق بوده ام یا شرم و حیا باعث می شد که دستانشان را نبوسم . یکی از برکاتی که دوران سخت بیماری ایشان برای ما داشت این بود که با پدرم صمیمی شده بودیم .

دیگر دستشان را بدون خجالت می بوسیدیم و گاهی با ایشان شوخی می کردیم تا صدای خنده شان را بشنویم .

یکی دو ماه بود که مادر بزرگوار که با تمام مشکلات ، پرستاری پدر را می کردند آرام آرام رفتن پدر را خبر می دادند. مادر بیش از یک پرستار بود ، به همین خاطر بدون دیدن خوابی و رسیدن الهامی می شد قولش را پذیرفت ، زیرا لحظه لحظه ها را با تمام سختی های پیش رو با پدر زندگی کرده بود به خصوص در این مدت بیماری .

دوازدهم آذرماه 1401 مادر به قصد سفری دو روزه خانه را ترک کردند . هر گاه که خانه نبودند اتفاقی می افتاد . گرچه سعی می کردیم تمام روش های مراقبت از پدر را مو به مو اجرا کنیم ، اما انگار روح پرستاری کمرنگ بود . پدرم در این دوروز تب مختصر و ضعف و بی قراری شدیدی داشتند . دو روزی را بدون حضور مادر با کمک خواهران و برادران مراقبشان بودیم . ساعت 11 شب ... شنبه ، مادر از سفر برگشتند . در بدو ورود اولین کاری که انجام دادند حاضر شدن بر سر تخت پدر بود . سلامی کردند و روانداز پدر را مرتب نمودند . به چشم سر دیدم که حضور مادر در خانه موجب آرامش پدر گردید انگار خیالش راحت شد که دیگر می تواند برود .

دلشوره عجیبی این روزها داشتم . خوابی دیده بودم که بر خودم حجت بود پدرم را در ایام فاطمیه از دست خواهم داد . چند روزی را به دلیل کسالت خود نتوانستم ایشان را ببینم . تا اینکه به دلیل شدت بیماری به بیمارستان منتقل و در شب بیستم آذر دار فانی را وداع گفته و از پیشمان رفتند .

محل غسل دادنشان زیر درخت توت حیاط خانه بود . جایی که همیشه در هنگام سلامت زیلوی ساده ای پهن می کردند و نماز می خواندند .

چقدر جای طنین اذان گفتن هایشان با صدای بلند در خانه خالی است .

شبی که فرزندانشان محل غسل دادن را آماده می کردند صحنه شب عاشورا برایم تداعی می شد . هنگامی که امام حسین علیه السلام خار و خاشاک اطراف خیام را جمع آوری می کردند . هنگام وداع آخر بر سر پیکرش نشسته بودیم . خواهر بزرگووارم با تربت امام حسین علیه السلام که

به تازگی از کربلا برای شفایش آورده بود صورت پدر را خضاب می کرد . پیراهنی متبرک به ضریح ابا عبدالله الحسین علیه السلام و

حضرت عباس علیه السلام روی سینه اش گذاشته شد . باز هم یادی از ظهر عاشورا هنگامی که زینب علیها السلام به سفارش مادرشان پیراهن کهنه ای بر تن برادر کرد . هر چه دستانش را در دست گرفتیم تا کمی از سردی پیکرش بکاهیم تاثیری نداشت . او با تمامی گرمای وجودش به دیدار مادر پهلو شکسته اش زهرا علیها السلام شتافته بود . دعای همیشگی اش که می فرمود : خدایا ! دعای امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف را شامل حالمان بگردان ، بدرقه راه همه ما باشد .

ص: 258

پیام های تسلیت در ارتحال آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره

پیام تسلیت مقام معظم رهبری دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت جناب حجة الاسلام والمسلمين آقای حاج سید علی ابطحی اصفهانی رحمة الله عليه را به بازماندگان محترم و به خاندان علمی موحد ابطحی و به علاقمندان ایشان تسلیت عرض می کنم و رحمت و مغفرت الهی را برای ایشان مسألت می نمایم .

سیدعلی خامنه ای

20/9/1402

پیام تسلیت مرجع عالیقدر ، آیه الله العظمی آقای شیخ علی کریمی جهرمی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

با کمال تأسف خبر ارتحال محدث گرانمایه و دلدادۀ حضرت سیدالشهدا علیه السلام ، آیه الله آقای حاج سید علی موحد ابطحی رضوان الله علیه را دریافت کردم .

ایشان که از خاندان جلیل صاحب مکیال المکارم قدس سره بودند ، سال ها با حضور جدی در محضر درس اساطین و اعظام علماء اصفهان و قم بهره های فراوان علمی را کسب کرده و پس از آن ایام ، در معیت برادر گرانقدر خود حضرت آیه الله آقای حاج سید محمد باقر ابطحی رضوان الله علیه منشا آثار ارزنده ای در عرصه های تبلیغ و تحقیق متون دینی شده و عمر شریف خویش را در خدمت به ساحت مقدس اهل بیت علیهم السلام صرف نمودند .

این جانب با تسلیت فقدان این روحانی جلیل القدر به پیشگاه اقدس حضرت بقية الله ارواح العالمين له الفداء ، خاندان محترم موحد ابطحی به خصوص اخوان

ص: 259

معظم و فرزندان گرامی شان ، و همچنین حوزه علمیه و مردم شریف اصفهان و ارادتمندان ایشان در اقلید امام زمان ارواحناه فداه، از خداوند متعال می خواهیم که آن عالم ربانی را در جوار اولیا خود جای دهد و از رحمت و اسعۀ خویش برخوردار فرماید .

والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

27 جمادی الاولی 1445 قمری

علی کریمی جهرمی

پیام تسلیت مرجع عالیقدر ، آیه الله العظمی آقای حاج شیخ حسین مظاهری دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

رحلت عالم جلیل القدر حضرت حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج سید علی موحد ابطحی « رضوان الله علیه » را به عموم بازماندگان محترم خصوصاً به خاندان مکرم موحد ابطحی و نیز بیت مرحوم آیه الله آقای حاج سید اسماعیل هاشمی قدس سره تسلیت عرض می کنم و از خداوند تعالی علو درجات آن عالم بزرگوار و حشر و نشر ایشان با اهل بیت عصمت و طهارت « سلام الله علیهم اجمعین » و صبر و اجر و سلامت و سعادت خاندان مصاب را مسألت می کنم . والسلام علیه وعلیهم ورحمة الله وبرکاته .

حسین المظاهری

30 / جمادی الاولی / 1445

23 / آذر / 1402

ص: 260

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

درگذشت عالم وارسته حضرت حجة الاسلام والمسلمين حاج سيد علي ابطحي اصفهانی ، موجب تاثر خاطر شد .

این روحانی پرهیزکار ، سالیان متمادی از عمر شریف خود را با اخلاص وقف ترویج و تبیین مکتب اهل بیت علیهم السلام ، تعلیم و تربیت شاگردان فراوان و تألیف آثار علمی ارزشمند نمود که یقیناً توشه ای گرانبها برای آخرت ایشان خواهد بود .

اینجانب ضایعه درگذشت این عالم وارسته را به حوزه های علمیه ، بیت مکرم ، شاگردان و ارادتمندان آن مرحوم تسلیت می گویم و از درگاه خداوند بزرگ برای ایشان علو درجات و حشر با اولیای الهی و برای عموم بازماندگان صبر و سلامتی مسئلت دارم .

ابرهیم رئیسی

12/9/1402

پیام تسلیت ریاست قوه قضائیه

بسم الله الرحمن الرحيم

درگذشت جناب حجة الاسلام والمسلمين آقای حاج سيد علي موحد ابطحي که از مجاهدان علمی در نشر معارف الهی و مبانی شیعه بودند را به بیت مکرم و ارادتمندان ایشان تسلیت عرض می کنم و رحمت و مغفرت الهی را برای آن مرحوم مسألت می نمایم .

غلامحسین محسنی اژه ای

ص: 261

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

ارتحال عالم جلیل القدر و محقق مبرز آیه الله حاج سیدعلی موحد ابطحی از اساتید حوزه های علمیه موجب تأسف و تأثر شد .

این عالم وارسته و مهذب در سراسر عمر خویش در عرصه های تبلیغ معارف دینی ، تألیف آثار ارزشمند اسلامی و ترویج شعائر اهل بیت علیهم السلام مجاهدت بی شمار داشته اند و دستاوردهای ایشان همواره مورد توجه طلاب و شیفتگان بوده است .

ضمن عرض تسلیت به روحانیت محترم و حوزه های علمیّه قم و اصفهان، عموم شاگردان ، خاندان مکرم موحد ابطحی و بیت معزز ، برای این عالم ربانی علو درجات و رضوان الهی و برای بازماندگان صبر و اجر از درگاه حق تعالی مسئلت می کنم .

محمدباقر قالیباف

رئیس مجلس شورای اسلامی

پیام تسلیت رییس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

بسم الله الرحمن الرحيم

إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

رحلت عالم جلیل القدر حضرت حجة الاسلام والمسلمین حاج سید علی ابطحی اصفهانی رحمة الله علیه موجب تالم و تأثر گردید .

این عالم فرزانه و بزرگوار با تألیف آثار ارزشمندی به مجاهدت در گسترش معارف اسلامی و مکتب اهل بیت علیهم السلام همت گماشت و عمر پر برکت خود را مصروف تلاش های علمی و کسب رضای الهی نمود .

ص: 262

اینجانب فقدان آن فقیه پرهیزکار را به بازماندگان ، وابستگان و به خاندان معظم و شریف موحّد ابطحی تسلیت عرض میکنم و از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت و مغفرت و برای بازماندگان صبر و اجر مسألت دارم .

سید هاشم حسینی بوشهری

رییس شورای عالی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

پیام تسلیت مدیر حوزه های علمیه

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

خبر ارتحال عالم جلیل القدر و مدافع مکتب اسلام و أهل بیت علیهم السلام و صاحب تألیفات ارزنده مرحوم آیه الله آقای حاج سید علی موحّد ابطحی طاب ثراه مایه اندوه و تأثر گشت ، ارتحال این شخصیت بزرگوار و عالم فرزانه را ، که در ایام فاطمیه اتفاق افتاد ، به عموم حوزویان و شاگردان و علاقمندان و بیت معظم ابطحی و بیوت وابسته و بازماندگان محترم و آقازادگان ارجمند ایشان تسلیت و تعزیت گفته ، رفعت مقام و روح و رضوان الهی و حشر با حضرات معصومین علیهم السلام را برای آن فقید سعید و شکیبایی و پاداش نیکوی الهی را برای بازماندگان محترم از خداوند ودود و مهربان خواستارم .

عاش سعیدا و مات سعیدا.

علی رضا اعرافی

28 جمادی الاولی 1445

21 آذر ماه 1402

ص: 263

**پیام تسلیت جمعی از هیئات مذهبی ، روحانیت و علما، بازار ساری ، دفتر علامه نظری خادم الشریعه قدس سره ، هیئت 14 معصوم
علیهم السلام ، ستاد دهه غدیر کشور و مؤسسه الغدیر**

بسم الله الرحمن الرحيم

رحلت عالم وارسته، محقق مؤلف کتابهای گرانسنگ، تفسیر، روایات، تاریخ، طب، آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی قدس سره را به محضر صاحب الامر، امام مهدی موعود ارواحنا فداه، حوزه های علمیّه، مراجع عظام، مقام معظم رهبری، بیت و خاندان عزادار موحد ابطحی، خاصه حضرات آیات حاج آقا رضا، حاج آقا حجّت، حاج آقا حسین موحد ابطحی و ملت شریف اصفهان، قم و اقلید تعزیت عرض می نماییم .

پیام تسلیت دارالعلم مرحوم آیه الله العظمی حاج میرسیدعلی بهبهانی (اهواز)

بسم الله الرحمن الرحيم

انالله واناليه راجعون

اذا مات العالم تلم في الاسلام ثلثة لا يسدهاشيء

همزمان با ایام شهادت ام الائمه النجباء، سیده نساء العالمین، حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام، خبر ارتحال عالم ربانی، محقق و مؤلف ارزشمند، ذاکر با اخلاص مولی الكونین حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، مدافع حریم مقدس امامت و ولایت، مرحوم مغفور حضرت آیه الله حاج سیدعلی موحد ابطحی رضوان الله تعالی علیه سبط مکرم دلباخته و فدایی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مرحوم فقیه احمدآبادی (صاحب کتاب نفیس مکیال المکارم) و اخوی

معظم فقیه و محدث عظیم الشان مرحوم آیه الله العظمی حاج سیدمحمدباقر موحد ابطحی موجب تاسف و تأثر گردید .

ص: 264

آن عالم جلیل القدر که از پرورش یافتگان مکتب علمی فقهای عالیقدر شیعه خاصه فقیه عظیم الشان مرحوم آیه الله العظمی بهبهانی بوده اند. عمر شریف و پربرکت خویش راوقف خدمت به مذهب حقّه جعفری، اعلاى کلمه الله و ترویج معارف نورانی اهل بیت علیهم السلام به تحصیل، تحقیق، تالیف، وعظ و خطابه، تهدیب نفوس و ارشاد مومنین سپری نمودند. عاش سعیدا و مات سعیدا.

فقدان این روحانی متقی رابه محضرمقدس مولایمان حضرت بقیة الله الاعظم روحی وارواح العالمین له الفداء، مراجع عظام تقلید، حوزه های علمیه و مردم شریف اصفهان و اقلید امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیت رفیع ایشان خاصه اخوی بزرگوارش مدافع پرتلاش و دلسوز در تعظیم شعائرالله حضرت آیه الله حاج سید حجت موحد ابطحی دامت برکاته تسلیت عرض نموده و از خداوند منان علو درجات و رحمت واسعه رابرای آن فقید سعید و دیگر درگذشتگان از خاندان عالم پرور موحد ابطحی و صبر جمیل و اجر جزیل برای بازماندگان مسئلت می نمایم.

حشره الله مع موالیه المعصومین واجداده الطاهرین علیهم السلام

والسلام علیناوعلی عبادالله الصالحین

دارالعلم مرحوم آیه الله العظمی

حاج میرسیدعلی بهبهانی (اهواز)

سیدنورالدین مجتهدزاده

28 جمادی الاولی 1445

پیام تسلیت استاندارد قم

بسم الله الرحمن الرحيم

إذا مات العالم ثلّم في الاسلام ثلّمة لا یسدها شیء

ارتحال عالم فرزانه، حضرت آیه الله حاج سید علی موحد ابطحی «رضوان الله تعالی علیه»، موجب تأثر و تألم گردید. آن فقیه مفسر و محدث محقق و از مفاخر

ص: 265

حوزه های علمیه قم و اصفهان، عمری را با عزت و سربلندی، در راه تبلیغ دین، نشر معارف و آموزه های حقه شیعی و تألیف کتب دینی سپری کرد و در این راه پر افتخار، منشاء آثار و خدمات ماندگار و ارزشمندی شد.

اینجانب

رحلت این عالم بزرگ را به محضر حضرت ولی عصر (روحی و ارواحنا له الفداء)، رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)، مراجع عظام، حوزه های معزز علمیه، بیت مکرم و عموم شاگردان و دوستداران آن بزرگوار تسلیت عرض نموده و از درگاه ایزد منان برای آن عالم ربانی، علو درجات و غفران واسعه و برای بیت مکرم و سایر بازماندگان محترم، صبر جمیل و اجر جزیل توأم با سعادت و سلامتی مسئلت دارم.

دکتر سید محمد آقامیری

استاندار قم

پیام تسلیت استاندار اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

انالله و انا اليه راجعون

رحلت عالم پرهیزگار، محقق، مفسر و اندیشمند علوم اسلامی و محب خاندان آل الله عليهم السلام، حضرت آية الله حاج سید علی موحد ابطحی «رضوان الله تعالی علیه» موجب تأثر و تألم فراوان گردید.

بدون تردید خدمات بی بدیل آن فقیه وارسته و مفسر علوم اسلامی در حوزه های علمیه قم و اصفهان، در تاریخ پرافتخار عالمان مکتب تشیع ثبت و ضبط گردیده و آثار ماندگار و شاگردان فاضل و اندیشمند آن عالم جلیل القدر، به عنوان چشمه های جوشان فیوضات الهی، باقیات الصالحات ایشان خواهند بود.

ضمن آرزوی علو درجات از درگاه پروردگار متعال برای آن فقیه وارسته، این ضایعه را به محضر حضرت ولی عصر عج الله تعالی فرجه الشریف، رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی)،

ص: 266

مراجع عظام تقلید ، حوزه های علمیه ، بیت مکرم و بازماندگان و شاگردان ایشان تسلیت عرض می نمایم .

سیدرضا مرتضوی

پیام تسلیت رییس دانشگاه آزاد اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

رحلت فقیه ، مفسر و محدث محقق ، آیه الله حاج سیدعلی موحد ابطحی اصفهانی رحمة الله علیه را به حوزه های علمیه خصوصاً حوزه علمیه قم و اصفهان تسلیت عرض می کنم .

ایشان از شاگردان و مستفیدان حضرات آیات عظام امام خمینی ، اراکی ، گلپایگانی ، مرعشی نجفی ، محقق داماد ، بهجت ، علامه طباطبایی بودند و آثار متعددی مانند الامام الحسین علیه السلام فی احادیث الفریقین ، الشیعه فی احادیث الفریقین ، تحقیق شفاء الصدور فی شرح زیارة العاشور ، آیه التطهیر فی احادیث الفریقین و... به جای گذارده و همراه برادر بزرگوارشان آیه الله سید محمد باقر موحد ابطحی اصفهانی رحمة الله علیه منشأ خدمات فراوانی در اقلید امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف شدند .

خداوند رحمان و رحیم به ایشان علو درجات و به بازماندگان محترم صبر و اجر عنایت فرماید .

محمد مهدی طهرانچی

رییس دانشگاه آزاد اسلامی

ص: 267

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله وانا اليه راجعون

برادر گرامی جناب آقای دکتر سید محمدتقی موحد ابطحی

عضو محترم شورای علمی کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی

از خبر درگذشت پدر بزرگوارتان حضرت آیه الله حاج سیدعلی موحد ابطحی شدیداً متأثر شدیم . ضمن تسلیت به جنابعالی و بیت مکرم آن عالم فرهیخته ، از خداوند کریم و بزرگ می خواهیم که در این ایام حزن و اندوه شهادت صدیقه طاهره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ، او را با اولیای کرامش محشور فرماید . بی گمان سال ها مجاهدت علمی ایشان و تألیف کتب و آثار ارزشمند در مبانی شیعه ، تفسیر و طب سنتی، در کنار تربیت فرزند صالح و دانشمندی چون حضرتعالی ، جزء باقیات صالحات آن مرحوم است . دوام توفیقات الهی را در مسیر رشد علمی و معنوی برای پیشبرد اهداف نظام مقدس جمهوری اسلامی برای شما آرزو مندیم .

احمدحسین شریفی

دبیر مجمع عالی علوم انسانی اسلامی

ص: 268

آسید علی آقا خدا حافظ! سلام ما را به مادر مظلومه ات و به ارباب بی کفن مان برسان! شنیده ام ماه های آخر عمر شریفش بیشتر به تو سخت گذشت!

چرا که نمی توانستی به راحتی سخن بگویی! آری! نوکر نام ارباب بر زبانش نچرخد به چه درد می خورد؟! ... آن هم نوکری که سال ها خود را خرج مذهب کرد و هر کاری که در توانش بود با جان و دل برای مولایش کرد. حال ای سید علی بن سید مرتضی!، از اعماق وجودت نام مولایت حسین علیه السلام را فریاد بزنی و روضه بخوان تا در ملاء اعلی، طنین حزینت به مادر مظلومه ای برسد که در عزای او شهقه از دل می زند و برای ظهور منتقمش دعا می کند. شنیدم تو را نیز شب دفن کردند! شاید این نشانه ای بود که دلسوختگان فاطمی درک کنند که دفن شبانه چقدر هولناک است... و چه گذشت آن شب بر یتیمان فاطمه...! با رفتنت هم، همه را به آن شب تاریک سوق دادی که تنها صدای نفس نفس های سیدالشهدا و امام مجتبی علیهما السلام به گوش می رسید!.

خوشا آن شب اول قبری که اقتدا به شب دفن مادر کرد!

تورفتی ولی کتیبه های محترم خانه ات دلتنگ نگاهت می شوند و سجاده مناجات در عطش قطرات باران اشکت می سوزد. تورفتی و قلم و کاغذهای همیشه همراست سرگردانند و در حسرت بوسه بر دست های غیرت تو مویه می کنند.

تورفتی و کتاب آیه التطهیر یتیم شد و الامام حسین علیه السلام فی الاحادیث الفریقین دوباره مضطرب از غربت و تنهایی حسین علیه السلام در گودی قتلگاه شد.

حدیث کساء و زیارت عاشورا تو را می خوانند. کاشف الکرب دعایت می کند و رقیه خاتون علیها السلام صدایت!.

هنوز صدای العطش کودکان از کتاب حضرت ابوالفضل مظهر کمالات به گوش می رسد و آن روضه توست که شفاء الصدور است و درمان دردها!

جلوه های تشیع و شیعه فی احادیث فریقین با رفتنت جلوات مهدوی و ظهور انسان کامل را طلب می کنند و چشمه های جوشان ولایت ، زلالی کوثر موعود را به تمنا نشسته اند! برای ظهور مولایت دعا کن که او غربتش از همه بیشتر است .

اگر حسین بن علی علیهما السلام به دلیل کمی یاران و اعوان، غریب بود ، فرزندش مهدی از او نیز غریب تر است . چراکه همان هفتاد و دو یار حسین ، در محشر عاشورا تا پای جان، امام خویش را نصرت کردند ؛ اما بیش از هزار سال است که امام زمان ارواحنافداه ، در رسیدن به سیصد و سیزده یاور مخلص ، انتظار می کشد .(1)

اگر تنهایی و دوری از خانه و کاشانه و اهل و عیال ، غربت است ، چگونه یوسف زهرا غریب نباشد ، وقتی امام کاظم علیه السلام در وصف او چنین می فرماید : او همان طرد شده تنهای غریب پنهان از خاندانش است ؟(2) آری ! امام زمان غریب است ، نه در میان خیل گرگان درنده در صحرای کربلا یا در کاخ مأمون ؛ بلکه در میان محبتان و شیعیانش .(3)

آسید علی آقا !

راه خانه موعود را از رد اشک های روی گونه های تو و آسید محمدباقر پیدا کردیم! راستش را بخواهی آتش فراق ، بال و پر دلمان را سوزانده ؛ دیگر نه دعایی برای آواز داریم ، نه پری برای پرواز! آمده ایم مثل فطرس ، به گهواره ای دخیل ببندیم که روضه اش دل سنگ را آب می کند ...! شنیدم که برای شنیدن روضه بی تابی می کردی ؟!

یک خط برایت روضه می خوانم ... تا روز قیامت گریه کن !

... فَذَبِحَ الطِّفْلُ مِنَ الْأُذُنِ إِلَى الْأُذُنِ !

کاش اشک های تو آبی شود روی این آتش فراق ...! طال الانتظار .

یا ربّ الحسین ، بحقّ الحسین ، اشف صدر الحسین ، بظهور الحجة .

ص: 270

1- . کمال الدین، ج 2، ص 378 .

2- . هو الطرید الوحید الغریب الغایب .

3- . بحار الانوار، ج 5، ص 151 .

فصل دوازدهم : روزه ای از روزه خوان !

اشاره

(هدیه ای از گوهر اشک به روح مطهر آیه الله سید علی موحد ابطحی)

ص: 271

دلنوشته ای جانسوز در یکی از آثار فقیه دلسوخته اهل بیت علیهم السلام، حضرت آیه الله سید علی موحد ابطحی قدس سره آمده است که به بیان مصائب جانگداز خورشید خرابه شام، حضرت رقیه علیها السلام می پردازد. حال ما نیز به عنوان تبرک آن را در خاتمه این مجموعه می آوریم، باشد ثواب اشک های این دلنوشته که روضه ای بس حزین و جانگداز است به روح آن محقق ولائی و پیر غلام حسینی هدیه شود.

شام هجران

آیا تا به امروز کسی توانسته است غم دل با عظمت رقیه را در سوگ پدر به تصویر کشد؟ آیا هیچ تصویرگری توانسته است آن لحظه ای را به تصویر کشد که امام حسین بدون آب به خیمه ها برگشتند و در پاسخ به ندای نحیف رقیه خردسال خود، انگشت در دهان او گذاشتند و او را آرام کردند؟ آیا هیچ شاعری توانسته است آن لحظه ای که رقیه از پدر خواست تا همچون یتیمان مسلم، او را در آغوش گیرد و دست یتیمی بر سرش بکشد را به طور کامل در قالب نظم درآورد؟ تاکنون چه کسی توانسته انتظار رقیه را در کنار سجاده پدر حتی در ذهن خود تصور کند؟ چه کس به یاد می آورد آن لحظه ای را که رقیه ظرف آب را با دستان کوچک خود گرفت و به سوی قتلگاه به راه افتاد؟ چه کس می تواند درک کند که چرا دختر سه ساله که از شدت تشنگی جگرش می سوخت آب را بر روی زمین ریخت و قطره ای از آن را به لبهای خشکیده خود نزدیک نکرد؟ چه کسی می داند در آن شب تاریک که حضرت رقیه از شتر بر زمین افتاد و خود را در پناه بوته خاری قرار داد چه کسی سر ایشان را در دامن گرفت و به ایشان چه گفت؟ چه کس از داغ دل رقیه آگاه شد، آن لحظه ای که او را خارجی صدا کردند؟ و چه کس آگاه است از حال نازدانه اباعبدالله در آن

شب که از خواب بیدار شد و خود را در خرابه ای تاریک و به دور از پدر دید؟ و چه کس می داند که رقیه با سر بریده پدر چه گفت که لحظه ای بعد آرام گرفت و دیگر صدای گریه اش را کسی نشنید؟

و ... کدام قلمی می تواند قبل از آنکه بسوزد، این مصایب را بر کاغذ آورد؟ و کدام کاغذی توان دریافت این همه صحنه های جانسوز را دارد؟ دل زینب که مخزن مصایب آل پیامبر بود، تحمل مرور مصایب رقیه را نداشت و کمرش در غم او خم شد. حال چه کس خود را قادر به شنیدن تمامی مصایب این طفل معصوم می داند؟...

خداوندا! مگر چه اتفاقی افتاده است؟ بارالها! مگر امشب چه شبی است؟ تاکنون زینب را این چنین غمگین و بی تاب ندیده بودم. این همان زینبی است که عصر عاشورا دست زیر پیکر برادر برد و روی به آسمان کرد و با خدای خود چنین گفت: که بار پروردگارا! این قربانی را از آل محمد قبول فرما. این همان زینبی است که پس از واقعه جانسوز عاشورا، قافله سالاری کاروان زنان و کودکان اباعبدالله را بر عهده گرفت. این همان زینبی است که خطبه ای کوبنده در کوفه خواند و یاد و خاطره حضرت علی علیه السلام را برای کوفیان زنده کرد و دل های آنها را لرزاند. این همان زینبی است که غم ها و سختی های کربلا و کوفه و شام حتی یک شب او را از تهجد و نماز شب دور نداشت ... اما نمی دانم چرا امشب او این قدر بی تابی می کند؟. خداوندا! کاش برادرش حسین را لحظه ای از بهشت به این سرزمین پر بلا می فرستادی تا بار دیگر دستی بر سینه پر از داغ زینب گذارد و او را تسلی دهد. این زینبی که من امشب می بینم چند صباحی دیگر زنده نخواهد ماند.

نمی دانم امشب زینب در نماز شبش با خدا چگونه زمزمه خواهد کرد؟ آیا زینب لحظه ای لب به شکایت خواهد گشود؟ آیا زینبی که تمام واقعه کربلا و عاشورا را با یک جمله « ما رأیت الا جمیلاً » تفسیر کرد، این بار شکایتی نزد پروردگار عالم

خواهد برد؟... نمی دانم و واقعاً نمی دانم که زینب در این شب با خدایش چه خواهد گفت؟ . اما این را خوب می دانم که زینب بارها و بارها گفته بود که لحظه ای دوری از حسین را تحمل کردن نمی تواند . این را خوب می دانم که پس از رفتن برادر ، دلش به غنچه ای از گلستان برادرش خوش بود . این را هم می دانم که وقتی نگاه زینب به صورت همچون گل رقیه می افتاد چهره برادر پیش رویش ظاهر می گشت . بارها دیده بودم که زینب خود را در چشمه باصفای چشمان نازدانه برادر ، شستشو می دهد و غم ها و غصه ها را از دل می زداید و خستگی ها را از تن بیرون می کند ... ولی امشب این غنچه باز نشده بوستان برادر نیز از زینب گرفته می شود . آیا زینب امشب خستگی های گذشته را بار دیگر به یک باره بر دوش خود احساس نخواهد کرد؟ خدایا مگر دل زینب چقدر تحمل دارد؟ بارالها! امشب تو خود زینب را تسلی ده که بهترین انیس تنهایی ها در اوج سختی ها تو هستی چرا شب؟ چرا در کنج این ویرانه؟ مگر قرار است چشم زینب به لاله نیلگون برادر نیفتد؟ چه کسی این پیکر نحیف را شستشو خواهد داد؟ آیا او عزیز امام حسین را می شناسد؟ مبادا در تغسیل این پیکر پاک کوتاهی کند؟ آیا زن غساله می داند که گل بهاری را تنها با اشک شبنم می توان شستشو داد؟ آیا او می داند که دل زینب تاب دیدن بدن یادگار برادر را ندارد؟ اگر چنین است ، پس چرا این زن لباس های رقیه را در برابر چشمان گریان زینب از بدن در می آورد؟...

زینب امشب به قدر کافی برای گریه کردن مصیبت دارد . کاش رقیه نیز همچون جدۀ اش فاطمه زهرا وصیت کرده بود که از زیر پیراهن غسلش دهند . کاش بهانه ای پیدا می شد تا چشم زینب ، به پیکر نیلگون رقیه نیفتد و داغ گریه های علی در هنگام غسل فاطمه برایش تازه نگردد . در این شب تار هر مرحله از غسل رقیه برای زینب ، مروری بر مصایب پس از عاشورا خواهد بود ...

ای زن غسله آهسته آهسته بر این پیکر پاک آب بریز تا من لحظه لحظه وقایع پس از عصر عاشورا را برایت بازگو کنم . ای زن غسله بر سر این طفل آب بریز و خونهای باقیمانده بر گوش های او را بشوی. این خون یادگاری است از آن لحظه که لشگریان به خیمه ها حمله ور شدند و گوشواره از گوش زنان و دختران کشیدند .

ای زن می دانی این کودک کیست ؟ این دختر وارث آن خانمی است که فدکش را با ضربت سیلی از او گرفتند .

ای زن غسله بر بدن رقیه من آب بریز ، این کبودی ها که می بینی یادگاری است از آن لحظه که می خواستند ، عزیزان اباعبدالله را با ضربات تازیانه از پیکر بی جان ولی عصرشان جدا کنند .

ای زن می دانی این دختر کیست ؟ این دختر وارث همان خانمی است که به ضرب غلاف شمشیر و تازیانه او را از امام زمانش جدا کردند . ای زن غسله بر پاهای کوچک دختر برادرم آب بریز ، این تاول ها که می بینی یادگاری است از آن لحظه که طفلان بی پناه حسین ، از خیمه های آتش گرفته فرار کردند و سر به بیابان گذاشتند .

ای زن می دانی این دختر کیست ؟ این دختر وارث همان خانمی است که درب خانه اش را آتش زدند و ...

و تو ای رقیه ! چه خوب وارثی برای مادرت زهرا بودی ، به خاطر علاقه به امام زمانت سیلی خوردی . پیکر نحیفت همچون پیکر مادرت زهرا کبود و نیلی شد . مدت کوتاهی پس از رفتن پدر نتوانستی ماندن در دنیایی بی پدر را تحمل کنی . تغسیل و تدفینت شبانه انجام گرفت . قبرت بی چراغ ماند و رقیه جان ! هر آنچه مادر هیجده ساله ات با خود از این دنیا برد ، تو دختر سه ساله او نیز با خود از این دنیا بردی .

و اینک لحظه های آخر فرارسیده است . این لحظه های آخر نیز برای زینب یادآور غم ها و مصیبت های بسیاری است . زینب لحظه وداع با پیامبر را دیده و درک

کرده ، لحظه وداع با مادرش را دیده و گریسته لحظه وداع با پدرش را هم دیده و سوخته ، لحظه وداع با برادر بزرگش را هم دیده و گداخته ، لحظه وداع با تمام وجودش را هم دیده و من نمی دانم که چرا زنده مانده و اینک لحظه وداع با یادگار برادر نیز فرا رسیده است . اما زینب در آن لحظات می توانست بگرید و کسی بود که او را تسلی دهد ، اما این بار او قافله سالار است و باید همچون علی در شب غسل فاطمه، تنها در دل بگرید و از درون بسوزد و دیگران را نیز تسلی دهد . ام کلثوم ، فاطمه ، سکینه ، رباب و ... بیایید و برای آخرین بار با دختر حسین زمان و یادگار ولی عصرتان خداحافظی کنید . اگر زینب بر سر پیکر پاک مادرش نمی توانست به راحتی و با صدای بلند گریه کند و غم های خود را از دل بیرون ریزد ، اما امشب شما آزاد هستید تا هر چه می خواهید گریه کنید ، ولی بدانید که خداوند تنها به صابرين وعده پاداش داده است .

در گوشه خرابه قبر کوچکی برای رقيه تهیه می کنند و زینب را به یاد وقتی می اندازند که امام حسین آهسته و آرام در پشت خیمه ها قبری کوچک برای فرزند شش ماهه خود می کند .

آه که مصیبت رقيه برای زینب مروری بر مصایب عاشورا است و خواهر حسین و قافله سالار عاشوراییان ، باید بار دیگر تمامی این مصایب را ببیند و تحمل کند . قبر آماده شده و شاخه های کوچک از گل یاس زهرا باید امشب در دل این خاک پنهان گردد تا پس از چندی عطر یاسش عالم را فراگیرد و عالمیان را به سوی خود فرا خواند .

خداوندا! چه کسی پیکر رقيه را در قبر خواهد گذاشت؟ بعید است که زینب طاقت چنین کاری را داشته باشد مگر اینکه بار دیگر دستی از قبر درآید و دخترش را طلب کند مگر آنکه زینب دست های برادر را ببیند و امانتی را که هنگام رفتن برادر دریافت کرده بود تحویل دهد و با چشمانی پر از اشک به برادر بگوید ای برادر این

دختر تو و امانتی است که عصر عاشورا و در آخرین وداع به من سپردی . اینک او را به تو می سپارم ای برادر! . وقتی دخترت را به امانت نزد من سپردی ، لاله های گوشش پاره نشده بود ، پیکرش گلگون نبود و پاهایش تاول نداشت . اما ای برادر! تو خود خوب می دانی تا آنجا که در توان داشتم از رقیه و دیگر یتیمان محافظت نمودم . برادر! تو خود شاهد بودی آنگاه که دشمنان سعی داشتند با تازیانه یتیمان را از پیکرت جدا کنند ، من خود را سپر آنها قرار دادم ... برادرم حسین اینک دخترت را به تو می سپارم . او به تو خواهد گفت که پس از رفتنت دشمنان دین چه بر سر ما آوردند...!

رقیه جان! تو نیز به نزد بابایت برو ، مگر نبود که امشب از خدا می خواستی به نزد بابابت بروی و مگر نه این است که این دنیای پر بلا جای گلی همچون تو نیست . زمانه ای که تحمل جگر گوشه زهرا را نداشته باشد ، یقیناً دختر او را نیز در خود تاب نمی آورد و او را هم از خود می راند ... رقیه جان برو و از پدرت بخواه که مرا نیز به نزد خود بیاورد. دیگر به جز خطبه ای رسوا کننده در نزد یزید و بازگرداندن زنان و کودکان بی پناه به مدینه پیامبر ، چیزی از وظایف و مسئولیت های من باقی نمانده است و من آماده ام که به زودی به نزد شما بیایم ... اما اینک زینب باید با قبر نازدانه بردارش نیز خداحافظی کند در این چند شب زینب در کنار قبر رقیه می نشست و با او درد دل می گفت . اما اینک زینب باید از قبر رقیه نیز جدا شود. خداوندا! تو خود می دانی که زینب چاره ای جز رفتن ندارد . آخر کسی باید این زنان و کودکان را به مدینه پیامبرت برساند . آخر باید کسی پیام عاشورا را به گوش جهانیان برساند . کسی باید باشد تا مصایب اهل بیت را برای خلائق بازگو کند و چه کسی جز زینب حسین، تمامی مصایب را از زمان پیامبر تا کنون یکجا در دل خود نگه داشته است ؟ و کدامین کس به خوبی زینب لحظه لحظه عاشورای حسینی را در دل و جان خود ثبت و ضبط کرده است ؟ پس اگر امروز زینب از این شام بلا می رود نه به این خاطر

است که نزد رقیه ماندن را نمی خواهد . خداوندا! تو خود می دانی که دل زینب نزد رقیه باقی مانده است ، همچنانکه دل او نزد حسینش باقی است .

خداوندا! تو خوب میدانی که زینب هیچ امیدی به شامیان ندارد تا به وصیتش عمل کنند و بر سر قبر رقیه چراغی روشن نمایند و قرآنی برای او بخوانند . پس تو خود در این تنهایی و تاریکی انیس و همدم او باش و مرقد پاک او را قبله ارباب معرفت قرار ده .

خداوندا! تو خود می دانی که این طفل معصوم بر اثر ظلم و ستم ظالمان از این دنیا رفت . پس آنها را در این دنیا کیفر نما و در آخرت نیز به سزای اعمالشان برسان که تو احکم الحاکمین هستی . اما رقیه نیز دوری از زینب را نمی تواند تحمل کند . نازدانه امام حسین در این چند شب صوت قرآن عمه اش را می شنید و تنهایی و تاریکی قبر برایش نمودی نداشت . اما اینک زینب نیز می رود و رقیه را در خرابه شام به خدا می سپارد . امشب رقیه ای که پس از رفتن پدر در پناه عمه اش زینب قرار داشت ، چه خواهد کرد؟ و چه خواهد گفت؟ آیا رقیه با عمه اش چنین نخواهد گفت که ای عمه جان مرا که کودکی غمدیده و بی پناهم در این ویرانه تاریک تنها مگذار؟ مگر نبود آنکه مادرت زهرا از همسرش علی تقاضا کرد که با خواندن قرآن بر سر قبرش ، انیس غربت و تنهایی او در قبرش باشد؟ عمه جان! من در این چند شب به صوت قرآنت عادت کرده بودم عمه جان! چند روز دیگر نیز بر سر قبر من بمان و برایم قرآن بخوان که دختر سه ساله ، سخت از تنهایی و تاریکی وحشت دارد . رقیه جان نگران مباش که این کلبه احزان روزی گلستان خواهد شد . اگر امروز شامیان قدر تو را نشناختند و تو را خارجی نامیدند و مستحق صدقه ات پنداشتند ، روزی فرا خواهد رسید که گوشه ای از قدرت برای شیعیان آشکار گردد و آنها را از گوشه و کنار جهان به این خرابه بکشاند . ای رقیه غم مخور که قبر تو همچون قبر مادرت زهرا تا

ظهور منتقم آل محمد ناشناخته نخواهد ماند . نازدانه اباعبدالله! روزی را می بینیم که این خرابه گلستانی شود و این کاخ یزید به ویرانه ای تبدیل گردد. دردانه فرزند پیامبر! روزی خواهد آمد که شاهان عالم گدای درگاهت شوند و تو را نزد پروردگار عالم شفیع گردانند . روزی را می بینم که دلسوختگان بسیاری بر مزارت حاضر شده و اینچنین زمزمه کنند :

سلام بر تو ای سرور ما

سلام بر تو ای دختر امیرالمؤمنین

سلام بر تو ای عزیز فاطمه

سلام بر تو ای دختر امام شهید

سلام بر تو ای خواهر ولی خدا

سلام بر تو ای عمه ولی خدا

سلام بر تو ای طفل معصوم و مظلوم

سلام بر تو ای کسی که بر مصایب صبر کردی

سلام بر بدن زجر کشیده ات .

سلام بر روح داغدیده ات .

سلام بر تو که در بهشت منزل داری و در کنار پدر و برادر و اجداد پاک و مطهرت از نعم الهی بهره مند گردیده ای .

سلام بر پیامبر خدا و اهل بیت پاکش باد .

سلام بر ملائکه ای که در اطراف حرم شریفیت در حال رفت و آمد هستند .



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

